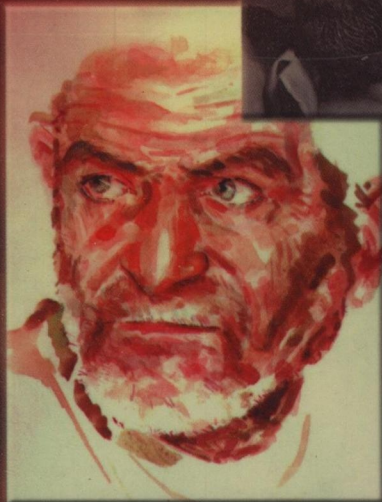
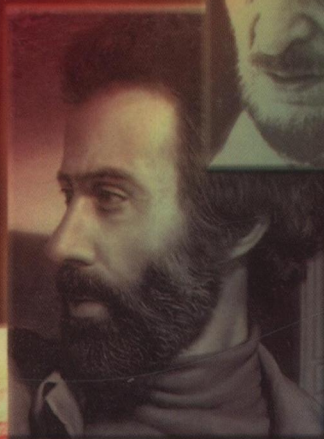
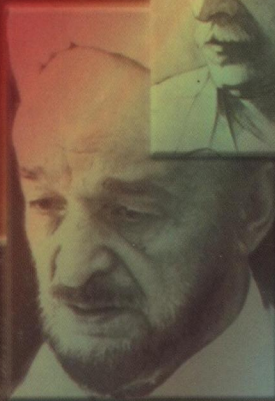
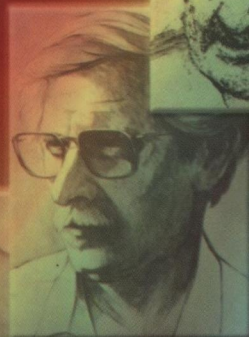
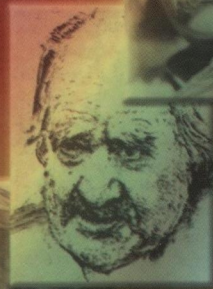
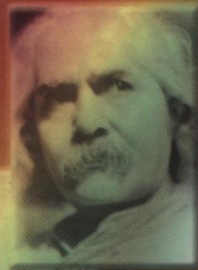


# باخلوت گزیدگان خاک

گوشه‌ای از تاریخ ادبیات معاصر

(زندگی‌نامه ۲۳۶ تن از نویسندگان و شاعران معاصر)



عباس میرزا



بیتدین کا خانہ

بیتدین کا خانہ

۸

۵۰

۲۱

۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اسکن شد

# با خلوت کز دیدگان خاک

گوشه‌ای از تاریخ ادبیات معاصر

۸۲۹۰۷

عباس مھیار

مهیار، عباس، ۱۳۱۵ -  
با خلوت گزیدگان خاک / تألیف عباس مهیار -  
تهران: جامعه، ۱۳۷۸. [۳۷۴] ص.  
ISBN 964 - 5705 - 00 - 2

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
۱. ایران. سرگذشتنامه. الف. عنوان.  
۲ ب ۹ م / ۱۸۸۴ CT  
۹۲۰ / ۰۵۵  
کتابخانه ملی ایران  
۷۸ - ۱۱۱۵۶ م

## با خلوت گزیدگان خاک

- نوشته: عباس مهیار
- روی جلد: مجید جوادی
- لیتوگرافی: یاران
- چاپ: عماد
- صحافی: وحید
- نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۷۸
- تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
- قیمت: با جلد زرکوب ۱۹۵۰۰ ریال  
جلد شومیز ۱۵۰۰۰ ریال

● ناشر: مؤسسه انتشارات جامعه  
تهران - صندوق پستی ۱۴۵۱۵/۶۴۱ تلفن: ۴۰۸۳۱۶۳  
● شابک ۲-۰۰-۵۷۰۵-۹۶۴ ISBN 964 - 5705 - 00 - 2

# فهرست

۵۲	بازرگان - مهدی	۱۱	پیشگفتار
۵۴	باشی - بهزاد	۱۵	آذر - خلیل
۵۵	بدیع - امیر مهدی	۱۶	آرام - احمد
۵۶	بزرگمهر - منوچهر	۱۸	آرین پور - یحیی
۵۷	بهار - مهرداد	۲۰	آشتیانی - میرزا محمد باقر
۵۸	بهنام - عیسی	۲۱	آملی - میرزا هاشم
۵۹	بی‌ریا - محمد باقرزاده	۲۲	آهنی - حسینقلی
۶۱	بینش - تقی	۲۳	آینده (شاه‌رودی) - اسماعیل
۶۲	پارسا توپسرکانی - عبدالرحمن	۲۵	احمدی بیرجندی - احمد
۶۴	پاینده - ابوالقاسم	۲۶	احمدی - حمید
۶۶	پزشکی - کاظم	۲۷	اخوان ثالث - مهدی
۶۸	پژمان بختیاری - حسین	۳۱	ارموی - میر جلال‌الدین
۷۰	پژوم - احمد	۳۲	اسدی - علی
۷۱	پورحسینی - سید ابوالقاسم	۳۳	اشتهاردی - مهدی
۷۳	پیرنیا - حسین	۳۴	اعتماد - میر مهدی
۷۴	پیرهاشمی - تیمور	۳۶	افضلی پور - علیرضا
۷۶	پیمان - جواد	۳۷	الفت - عبدالله
۷۷	تفضلی - محمود	۳۹	الوند - احمد
۸۰	تهرانی - سید جلال	۴۰	امیرانی - علی اصغر
۸۱	تهرانی - میرزا جواد	۴۱	امیری فیروزکوهی - عبدالکریم
۸۲	توللی - فریدون	۴۳	امین - بی‌بی نصرت
۸۵	ثقفی تهرانی - میرزا محمد	۴۴	امینی - امیرقلی
۸۶	جاوید - سلام‌اله	۴۶	انجوی شیرازی - سید ابوالقاسم
۸۸	جزایری - سید شمس‌الدین	۴۸	اوستا - محمدرضا رحمانی
۸۹	جعفری - محمد تقی	۵۰	بابا مقدم - رضا
۹۱	جمال‌زاده - سید محمد علی	۵۱	بابایی - کورس



۱۲۹	زرنندی - عبدالرحمن	۹۳	جنتی عطایی - سعید
۱۳۰	زریاب خوبی - عباس	۹۴	جهانگلو - منوچهر
۱۳۲	زرین کوب - حمید	۹۵	جهانشاهی - ایرج
۱۳۳	زمانی - مصطفی	۹۶	چاووشی - میرمهدی
۱۳۴	زنگنه - عزت اله	۹۷	چوبک - محمدصادق
۱۳۶	زهتابی - محمدتقی	۹۸	حالت - ابوالقاسم
۱۳۸	زهری - محمد	۱۰۱	حایری - عبدالهادی
۱۴۱	سادات ناصری - سیدحسن	۱۰۲	حزین بروجردی - حسین
۱۴۳	ساعدی - غلامحسین	۱۰۳	حسابی - محمود
۱۴۵	سالور - سبکتکین	۱۰۵	حسینی نجفی - سیدمحمد
۱۴۶	سامانی - خلیل	۱۰۶	حمدی - برهان الدین
۱۴۸	ساهر - حبیب	۱۰۷	حمیدی شیرازی - مهدی
۱۵۱	سپهری - سهراب	۱۰۹	خازن - مهدی
۱۵۳	سجادی - ضیاء الدین	۱۱۰	خدیوجم - سیدحسین
۱۵۴	سعیدی - غلامرضا	۱۱۱	خلج اسعدی - مرتضی
۱۵۵	سعیدی رضوانی - عباس	۱۱۲	خوشدل تهرانی - علی اکبر
۱۵۶	سهند - بولوت قره چورلو	۱۱۴	خواجه نوری - عباسقلی
۱۵۸	سهیلی - مهدی	۱۱۵	خواجه نوری - ابراهیم
۱۶۱	سیاسی - علی اکبر	۱۱۷	دانا سرشت - اکبر
۱۶۲	شاهی - علیرضا	۱۱۸	دشتی - علی
۱۶۳	شرفکندی - عبدالرحمن	۱۲۰	دهگان - ابراهیم
۱۶۴	شریعتی - محمدتقی	۱۲۱	راد - احمد
۱۶۶	شریف زاده - هوشنگ	۱۲۲	رامیار - محمود
۱۶۸	شفیانی - منوچهر	۱۲۳	رایین - اسماعیل
۱۶۹	شکری - یداله	۱۲۴	رهنما - زین العابدین
۱۷۰	شکیباپور - عنایت اله	۱۲۵	رہین - عظیم
۱۷۱	شهابی - علی اکبر	۱۲۶	ریاضی - عباس
۱۷۲	شهره - احمد	۱۲۷	زارعی - احمد

۲۲۳	.....	علیزاده - عباسعلی	۱۷۴	.....	شهریار - سید محمد حسین
۲۲۵	.....	عمادزاده - حسین	۱۸۰	.....	شهبازی - اسحق
۲۲۶	.....	عنایت - حمید	۱۸۲	.....	شوشتری - سید محمد تقی
۲۲۷	.....	راوندی - مرتضی	۱۸۳	.....	شیبانی - منوچهر
۲۲۸	.....	غبرایی - فرهاد	۱۸۶	.....	شیدا - محمد بیرای کهن
۲۲۹	.....	غضنفری - اسفندیار	۱۸۸	.....	شیروانلو - فیروز
۲۳۰	.....	فانی - سیدعلی	۱۸۹	.....	شیوا - بابا مردوخ روحانی کردستانی
۲۳۱	.....	فخرایی - ابراهیم	۱۹۰	.....	شیون فومنی - میراحمد فخری نژاد
۲۳۳	.....	فرجیان - مرتضی	۱۹۳	.....	صادقی - بهرام
۲۳۴	.....	فردید - سیداحمد	۱۹۴	.....	صارمی - ابوطالب
۲۳۵	.....	فرزاد - مسعود	۱۹۵	.....	صباحی - گنجعلی
۲۳۷	.....	فرهوشی - بهرام	۱۹۷	.....	صحاف - حاج حسین جنتی مقام
۲۳۸	.....	فریدونی - عطاله	۱۹۸	.....	صدر - حسن
۲۳۹	.....	ملاح - حسینعلی	۱۹۹	.....	صدیق اعلم - عیسی
۲۴۰	.....	فلسفی - نصراله	۲۰۰	.....	صدیقی - غلامحسین
۲۴۳	.....	فیض الاسلام - علینقی	۲۰۲	.....	صفا - سید ذبیح الله
۲۴۴	.....	قاسمی - ابوالفضل	۲۰۴	.....	صناعی - محمود
۲۴۵	.....	قاضی - محمد	۲۰۵	.....	طالقانی - سید محمود
۲۴۸	.....	قاضی - سید حسن	۲۰۶	.....	طاهباز - سیروس
۲۴۹	.....	قاضی - نعمت	۲۰۸	.....	طاهری - هوشنگ
۲۵۰	.....	قدسی - غلامرضا	۲۱۰	.....	طاهری - احمد
۲۵۲	.....	قلی زاده - احمد رضا	۲۱۲	.....	طباطبایی - محمد
۲۵۳	.....	کاتبی - حسینقلی	۲۱۳	.....	طباطبایی (علامه) - سید محمد حسین
۲۵۶	.....	کارنگ - عبدالعلی	۲۱۵	.....	طبری - احسان
۲۵۷	.....	کاظمیه - اسلام	۲۱۷	.....	طبسی - محمد رضا
۲۵۸	.....	کامبوزیا - امیر توکل	۲۱۸	.....	طهوری - صمد
۲۵۹	.....	کتابی - بدرالدین	۲۲۰	.....	تلوی - بزرگ
			۲۲۲	.....	علیزاده - غزاله

۳۰۶	مسعودی - مجید	۲۶۱	کریمان - حسین
۳۰۷	مشایخ فریدونی - محمدحسین	۲۶۲	کسری - لیلا
۳۰۸	مشکور - محمدجواد	۲۶۴	کسرابی - سیاوش
۳۰۹	مصاحب - غلامحسین	۲۶۷	کسمایی - علی اکبر
۳۱۰	مصدق - غلامحسین	۲۶۸	کشاورز - کریم
۳۱۱	مصدق - حمید	۲۷۰	کمالی - علی
۳۱۳	مصطفوی - سیدجواد	۲۷۲	گرگانی - امیر فریدون
۳۱۴	مطهری - سیاوش	۲۷۴	گرگانی - فضل اله
۳۱۶	مطهری - مرتضی	۲۷۶	شاپور - پرویز
۳۱۸	معروف - حبیب	۲۷۸	گلشن کردستانی - سید محمود
۳۱۹	معصومی - جهانگیر	۲۸۰	گل گلاب - حسین
۳۲۲	منشی - محمود	۲۸۳	گنابادی - محمد پروین
۳۲۳	منصوری - ذبیح اله	۲۸۵	گوهرین - سید صادق
۳۲۶	منظوری خامنه ای - عبدالکریم موسوی علوی خوانساری -	۲۸۶	لنکرانی - شریف
۳۲۷	سیدحسین	۲۸۷	مبشری - اسداله
۳۲۸	موسوی آرانی - سید شهاب الدین	۲۸۸	محبوب - محمد جعفر
۳۲۹	مهدوی - سید مصلح الدین	۲۹۱	محبوبی - منوچهر
۳۳۰	میرعلایی - احمد	۲۹۲	محمزون - محمد علی فخرالدین
۳۳۱	ناثل خانلری - پرویز	۲۹۴	محیط طباطبایی - محمد
۳۳۴	ناصر اصفهانی - محمد علی	۲۹۶	محللاتی - ذبیح اله
۳۳۶	ناصر - ناطق	۲۹۷	مدرس رضوی - محمد تقی
۳۳۷	نجاتی - محمد علی		مدرسی - ابوالقاسم رحمانی خلیلی
۳۳۸	نجفی کاشانی - شیخ علی	۲۹۹	مازندرانی
۳۳۹	نراقی - حسن	۳۰۰	مدرس نراقی - علی
۳۴۰	نصر - تقی	۳۰۱	مدنی - علی اکبر
۳۴۱	نعمتی - محمد رضا	۳۰۲	مردانی - محمد علی
۳۴۲	نعلبندیان - عباس	۳۰۴	مرعشی نجفی - سید شهاب الدین
		۳۰۵	مستعان - حسینقلی

۳۵۸	.....	هروی - حسینعلی	۳۴۳	.....	نورانی وصال - عبدالوهاب
۳۵۹	.....	همایی - جلال	۳۴۵	.....	نیستانی - منوچهر
۳۶۲	.....	هیمن - محمدامین	۳۴۷	.....	واقف - جمشید
۳۶۳	.....	یزدگردی - امیرحسین	۳۴۹	.....	وجیه‌الهی - ابوالقاسم
۳۶۴	.....	یغما - حیدر	۳۵۰	.....	ورزی - ابوالحسن
۳۶۵	.....	یغمایی - اقبال	۳۵۲	.....	وزیری - فردوس
۳۶۷	.....	یغمایی - حبیب	۳۵۳	.....	وطن‌پرست - اسماعیل
۳۷۰	.....	یمینی شریف - عباس	۳۵۴	.....	هاله - حیدر رقابی
۳۷۳	.....	یوسفی - غلامحسین	۳۵۶	.....	هاتفی - جواد قوام‌پور
			۳۵۷	.....	هراتی - سلمان



## با نام خدایی که انسان را آفرید

در این مجموعه به نکته‌های زیر توجه شده است:

به بهانه‌ی «با خلوت گزیدگان خاک» زندگینامه‌ی تنی چند از سازندگان تاریخ ادبیات معاصر ایران را، که از نخستین سالهای انقلاب تا هم‌اکنون، سر در نقاب خاک کشیده‌اند؛ در این مجموعه آورده‌ایم.

درباره‌ی نام همین مجموعه، نخست «بدرودی با خفتگان خاک»، نظرمان را جلب کرد. بعد دیدیم «دمی با خفتگان زمین» نیز بد نیست.

«بدرودی با خیل خفتگان» را نیز سبک سنگین کردیم. «با خلوتیان زمین» هم به مذاقمان بد نیامد. «گسی با سپید جامگان تردامن» هم شاعرانه‌تر می‌نمود. «با خلوت گزیدگان خاک» ادیب پسندتر جلوه کرد. «از خشت تا خشت» را هم قبلاً دیده بودیم. «سخنی با خیل خاموشان» نیز فریبنده‌تر و زیباتر به نظر می‌آمد. دست آخر چشم بر بستیم و دست در تو بره کردیم، قرعه‌ی فال به نام «با خلوت گزیدگان خاک» در آمد. شاید هم بخت با ادیبان مشکل پسند بود. اما شما می‌توانید با هر یک از این عنوانها به آسانی کنار بیایید. نه، اسمش را بگذارید «با سرگشتگان وادی حیرت»، یا «با مسافران آخرین ایستگاه» یا، چه می‌دانم «با بریدگان دنیای خاکی» یا «پیوستگان ابدیت» یا «فراموش شدگان خاطره‌ها».

شما آزادی کامل دارید و با این کار می‌توانید به رضای دل خود رفتار کنید. ما آزادی را پاس می‌داریم.

در این مجموعه از رفتگان سخن گفته‌ایم، تا به اشتباهی هر چند اندک، کسی ما را پیش قاضی ننشاند. گله‌مندی شهریار را نیز به جان خریداریم که می‌گوید:

تا هستم ای رفیق ندانی که کیستم

روزی سراغ وقت من آیی که نیستم

در این کتاب به زندگینامه - از تولد تا مرگ - و بازشماری اثر و آثار چاپ شده‌ی شاعر یا نویسنده توجه داشته‌ایم. به اعتقاد او و زمینه‌ی فکری او کاری نداریم و به

چون و چند محتوای کتاب او نیز نپرداخته‌ایم که آن خود مقوله‌ی دیگری است.  
هنوز هم به گفته‌ی خود پایبندیم:

من،

در چارچوب حزب نمی‌گنجم

هر دسته یا گروه،

بس سالهای سال گذشته‌است و همچنان

یک واژه‌ی تهی دست

شاید هم با این مقدمه چینی می‌خواهیم بگوییم که اداره سجل احوال دایر کرده‌ایم تا شناسنامه صادر کنیم. خوب این هم در نوع خود می‌تواند برای رفع بیکاری مفید باشد.

اما گاهی از شعرهای معروف و شناخته‌شده‌ی شاعری تا اندازه‌ای سود جسته‌ایم تا خواننده بیشتر احساس ملال نکند. ما همیشه فکر سلامتی شما را می‌کنیم.

ناگفته نگذیریم که گاهی ردپای اهل علم و تحقیق، ادیب، دانشور، روزنامه‌نگار حتی ریاضی‌دان و مهندس و گاهی طبیب نیز در این مجموعه دیده می‌شود. شما هر کدام را زیادی دیدید به آسانی می‌توانید کنار بگذارید. و اگر جای یکی خالی است، آن را حمل بر بی‌اطلاعی ما بکنید و ما را آگاه سازید از دور دست‌تان را می‌فشاریم.

اما فراموش نکنیم که بعضی از دوستان شاعر و نویسندگان به سبب کوتاه بودن چون و چند زندگی آنها، و بعضی‌ها به سبب بی‌خبر ماندن ما از تاریخ دقیق درگذشت آنها، بر این دفتر راه نیافتند. حالا خواهید گفت: نتیجه کلی اینکه آدمی اولاً باید زندگی پر ماجرای داشته باشد، در ثانی تاریخ فوتش را پیشاپیش اعلام کند تا چنین مواردی برای او پیش نیاید.

پس تنها ملاک صدور شناسنامه، فوت در این فاصله‌ی زمانی، با مدرک جرمی هر چند اندک.

در شیوه‌ی نگارش این دفتر به زبان و بیان روایی تکیه داشته‌ایم و در بند آرایه و پیرایه‌ای نبوده‌ایم که بیان سرگذشت کسانی از این دست جز این نمی‌طلبید.

درست نویسی را هم تا آنجا که توانسته‌ایم رعایت کرده‌ایم. اگر خلاقی در این

گفته دیدید به حساب ندرت بگذارید . می دانید اتفاق افتادن ندرت هم فراوان است .  
در پایان گفتنی است که در تدوین این مجموعه به بسیاری از کتابهایی که در این  
زمینه نوشته شده ، همچنین مجله های آدینه ، ادبستان ، رشد ادب فارسی ، کیهان  
فرهنگی و نشر دانش نظری داشته ایم . ناگزیر برای پرهیز از انباشتن دفتر کتابنامه را  
نیز کنار گذاشتیم .

در این کار برای خود آرزوی توفیق نمی کنیم و دوست نداریم این کتاب به جلد  
دوم و سوم برسد . آخر دلمان نمی خواهد در سوک شاعران و نویسندگان به قول  
سیمین به سوشون بنشینیم .

عباس مهیار

تهران آبان ۱۳۷۸





## آذر - خلیل

دکتر خلیل آذر روزنامه‌نگار و حقوقدان آگاه در آذر ماه سال ۱۳۶۴ هـ ش درگذشت.

خلیل آذر در ۱۲۹۴ هـ ش زاده شد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به پاریس رفت و دکترای حقوق از دانشگاه پاریس گرفت. خلیل آذر یک آذربایجانی متعصب، و از طرفداران سرسخت نهضت ملی کردن نفت و جبهه ملی دکتر مصدق بود.

او در سال ۱۳۳۹ هـ ش روزنامه «گیتی» را منتشر می‌کرد. «تاریخ مطبوعات جهان» و «نامهای زیبای ایرانی» از کارهای اوست.

\*\*\*

## آرام - احمد

احمد آرام مترجم معروف و توانای معاصر در سال ۱۲۸۱ هـ ش در تهران دیده بر جهان گشود.

پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه‌ی دانش و متوسطه در دار الفنون وارد دانشکده حقوق شد. پس از مدتی از حقوق منصرف شد و رشته طب را انتخاب کرد.

احمد آرام علاقه خاصی به تعلیم و تربیت پیدا کرد و طب را در سال آخر دانشگاه رها کرد و در سال ۱۳۰۲ هـ ش به خدمت فرهنگ در آمد.

آرام از سال ۱۳۳۵ هـ ش در مرکز انتشارات فرانکلن به فعالیت‌های علمی - ادبی و تربیتی پرداخت و دست به ترجمه زد. اغلب کتابهای علمی سنگین برای ترجمه‌ی انتخاب می‌کرد و به نحو احسن به ترجمه آن همت می‌گماشت.

آرام مدتها با مجلات سنگین تهران نظیر مجله‌ی «سخن» و دیگر مجلات همکاری صمیمانه داشت، از ترجمه‌های او می‌توان: «شش بال علم» از جرج سارتن، «اثبات وجود خدا» از کلوور مونسیم، «مرزهای دانش» با همکاری چند مترجم دیگر، «تاریخ علم» از جرج سارتن، «پیدایش و مرگ خورشید» از ژرژ گاموف، «روح ملتها» از زیگفريد، «وعده‌ی راست» از طه حسین و «فلسفه‌های بزرگ»، «مقدمه‌ای بر فلسفه»، «مشرق زمین گهواره‌ی تمدن»، «علم و مردم»، «تکامل فیزیک»، «حساب دیفرانسیل» و «انتگرال برای همه»، «چگونه روحهای محکم و زنده بسازیم»، «یونانیان و بربرها» و «فلسفه‌ی تربیت» در دو جلد را نام برد.

آرام‌نامه نام مجموعه‌ای از گفتارهایی است که درباره‌ی احمد  
آرام چند سال پیش چاپ و منتشر شد.  
گفتنی است استاد بزرگوار برای دیدار فرزندان خود عازم آمریکا  
شد و به سبب کهولت سن در ۱۶ فروردین ماه سال ۱۳۷۷ هـ ش در  
مرز ۹۴ سالگی در یکی از بیمارستانهای آمریکا رخت به سرای باقی  
کشید.

\*\*\*

## آرین پور - یحیی

یحیی آرین پور ادیب و محقق معاصر، در سال ۱۲۷۹ هـ ش، در بحبوحه انقلاب مشروطه در تبریز زاده شد. خودش می گوید: «روز، ماه و حتی سال تولدم را به درستی نمی دانم».

یحیی تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه تمدن تبریز به پایان برد. او از شاگردان تقی رفعت - بنیانگذار شعر نو در ایران، قبل از نیما بود -.

آرین پور در سال ۱۲۹۹ هـ ش به خدمت وزارت دارایی درآمد. پس از ۳۱ سال خدمت بازنشست شد. پس از بازنشستگی راه آهن دولتی ایران به عنوان مترجم استخدام شد. تا در سال ۱۳۵۶ هـ ش انتشارات سروش، وابسته به تلویزیون ایران او را به خدمت دعوت کرد.

آرین پور به زبانهای انگلیسی، فرانسه، روسی، عربی و ترکی مسلط بود. او در سال ۱۲۹۸ هـ ش مجله ادب را راه انداخت. می گویند نیای پدری او به عباس میرزا، و سلسله نسب مادرش به خواجه نصیرالدین توسی می رسد. خود گوید: «اگر نازیدن به نام نیک کسان روا باشد من نازشم به این دو بزرگوار است».

سالهای ابتدایی را در مدرسه تمدن تبریز گذراند و دوره متوسطه را در دبیرستان محمدیه همان شهر. در دوره دبیرستان گاهی غزل و قصیده می گفت و دانش تخلص می کرد. خود گوید: «تقی رفعت برای نخستین بار چشم و گوشم را به

ادبیات نو باز کرد و پس از آن بود که از شعر سرودن با آن  
قیودبی قیدی بیزاری نمودم» .  
در دوره‌ی دبیرستان مجله ادب را راه انداخت و ۶ شماره از آن را  
چاپ و منتشر کرد .  
نخستین کار او ترجمه کتاب ناصر خسرو و اسماعیلیان بود که  
برتلس آن را نوشته بود .  
همچنین قلم می‌زد تا پس از سالهای سال کتاب معروف «از صبا تا  
نیما» در دو جلد از او منتشر شد . که در حقیقت کار بی‌مانندی است  
در ادبیات معاصر .  
«خاطرات وزیر مختار» و «کتاب شناسی ایران» نیز از کارهای  
اوست . کتاب دیگر او «از نیما تا بعد» نام دارد که پس از مرگ وی  
جلد ۱ آن چاپ و منتشر گردید .  
آرین پور بی‌دیداری از این کتاب آخرش ، روز شنبه ۲۴ آبان ماه  
سال ۱۳۶۴ هـ ش رخت از این جهان بریست .

\*\*\*

## آشتیانی - میرزا محمدباقر

آیت‌اله حاج میرزا محمدباقر آشتیانی روز جمعه ۱۶ شهریور  
ماه سال ۱۳۶۳ هـ ش به رحمت ایزدی پیوست .  
او در سال ۱۲۸۴ هـ ش در تهران متولد شد . پس از اتمام تحصیلات  
مقدماتی در تهران ، در معیت پدر به نجف اشرف رفت ، از محضر  
استادان بزرگ فیض کاملی یافت و به تهران برگشت .  
در مدرسه خان مروی به تدریس پرداخت از سال ۱۳۵۴ هـ ش  
متصدی حوزه‌ی علمیه را بر عهده گرفت .  
او از خاندان اهل علم و مشروطه‌خواه بود .  
از تألیفات او می‌توان :  
«ارشاد از نظر اسلام» و «مالکیت در اسلام» را نام برد .  
پیکر پاک آشتیانی در جوار حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد .

\*\*\*



## آملی - میرزاهاشم

آیت‌اله العظمی حاج میرزاهاشم آملی در سال ۱۳۲۲ هـ ق در آمل متولد شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی به تهران آمد. پس از تکمیل معلومات به قم رفت و از محضر آیت‌اله حایری و آیت‌اله حجّت کسب علوم دینی کرد.

از سال ۱۳۴۰ هـ ش در قم علوم فقه و اصول تدریس می‌کرد. از تألیفات اوست:

«کشف الحقایق»، «المعالم الماثورة»، «مجمع الافکار»، «منتهی الافکار و بدایع الافکار».

آملی روز جمعه ۱۷ اسفند ماه سال ۱۳۷۱ هـ ش دارفانی را وداع گفت.

\*\*\*



## آهنی - حسینقلی

حسینقلی آهنی متخلص به مأنوس از شاعران ترکی سرای تبریز است که در سال ۱۳۰۶ هـ ش در تبریز به جهان آمد. آهنی از دوران تحصیلات ابتدایی به شعر علاقه مند شد و شروع به گفتن شعر کرد. در سال ۱۳۲۶ هـ ش شاعر تازه جوانی بود که شعرش قبول عامه داشت. آهنی از شاعران خوش ذوق و ادیبان نکته‌سنج بود که دوستان بی شماری عشق و ارادت خود را به او اظهار می‌داشتند. اکنون بخشی از یک غزل او را با هم می‌خوانیم:

قاشلاریندان الامان ، محرابی بربادائيله دین  
گؤر نئجه شوروشر دنیاده ایجادائيله دین  
شوخ اولان گؤزدن شیرین لیک آیریلار ممکن دگیل  
شوخ گؤزلرله منی شوریده فرهادائيله دین  
اذن وئردین با غلادیم دیوانه کؤنلوم زولفونه  
«اُنک شأناً عظیماً» نص نی یادائيله دین  
تا کؤنوللرده جمالین نقشینى تصویر اندیب  
تک منیم کؤنلوم دگیل چوخ کؤنلو آبادائيله دین

آهنی در سال ۱۳۶۷ هـ ش سر در نقاب خاک کشید و یاران شعر دوست خود را آزرده خاطر کرد.

\*\*\*

## آینده (شاهرودی) - اسماعیل

شاعری با احساس که در دامغان چشم بر جهان گشود. سال ۱۳۰۶ هـ ش در شناسنامه‌اش رقم خورد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش در شاهروود گذشت و او را به شاهروودی معروف گردانید. سپس به تهران آمد و شغل معلمی برگزید.

در گرماگرم معلمی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را پشت سر گذاشت. در همان سالها و سالهای بعداز آن در تدوین واژه‌های هنری فرهنگ معین، با استاد معین همکاری داشت. در همین اوقات به شاعری روی آورد. و با امضای آینده شعرهای اجتماعی و با احساس او در مطبوعات آن روزگار گل کرد. پس از پایان تحصیلات در دانشکده علیگر هند به تدریس ادبیات فارسی پرداخت.

پس از مدتی به ایران بازگشت و در دانشکده هنرهای زیبای تهران معلمی را پی‌گرفت تا بیماری ناشناخته‌ای که همراه با سکوت شاعر بود سراغ او آمد. سالها در خانه سالمندان بی هیچ‌کس و کاری با همان بیماری دست در گریبان بود. در پایان چراغ عمر شاعر در چهارم آذر ماه سال ۱۳۶۰ هـ ش در بیمارستان دکتر شریعتی تهران به بهانه سکت مغزی به خاموشی گرایید و سکوت جاویدانی خویش را به خاک برد و دنیا را به تنگ‌نظران کج‌اندیش وا گذاشت. «آخرین نبرد»، «هر سوی راه راه راه»، «آی میقات نشین» و «چند کیلومتر و نیمی از واقعیت» از کارهای قلمی او به نظم و نثر است. باید خواند:

شاید در آن کبودی بسی انتها شبی  
توفان مرگ کسند ز جا آن ستاره را  
او رفته است، لیک به سو سوی خود کنون  
آباد کرده است دل هر کناره را

بی هیچ انتظاری با انتظار او دمی سر کنیم:

ای انتظار هرچه ...

تنها نشسته ام.

زیر حریق خفته‌ای از رو به روی خویش.

اینجا:

دروازه‌ی هوای کسی را

گشت و گذار حادثه‌ای وانمی‌کند.

ای انتظار هرچه، پدیدار شو به دشت.

تا مرکب عزیز گشایش،

خود را گذر دهد.

از اشتیاق این در، پیوسته با کلون

در انزوای دست

لیکن پیدایش خبر؛

حتی به کار ساختن کور سوز نیست

زین دو کلون و من

نه، باز می‌شویم

نه

با حریق خفته هم آواز می‌شویم.

\*\*\*

## احمدی بیرجندی - احمد

احمدی در سال ۱۳۰۱ هـ ش در بیرجند چشم بر جهان گشود. همه قبیله‌ی او عالمان دین بودند. او در سال ۱۳۰۷ هـ ش در کلاس اول ابتدایی نام‌نویسی کرد. مراحل تحصیل را تا دانشسرا ادامه داد و در سال ۱۳۲۲ هـ ش به خدمت آموزش و پرورش در آمد. ضمن تدریس زبان انگلیسی، فرانسه را خوب یاد گرفت و به ترجمه روی آورد. در این کار چندان توفیقی نداشت فقط کتابی درباره اندیشه‌ها و افکار ولتر ترجمه و چاپ کرد. پس از آن به صورت جدی با مطبوعات به همکاری پرداخت و مقالاتی در روزنامه آفتاب شرق و خراسان به چاپ رسانید. دیگر کارهای چاپ شده‌ی او عبارتند از: «سیر سخن» در ۲ جلد با همکاری رزمجو، «راهنمای ادبیات»، «دستور زبان»، «انشا و نویسندگی»، «خدا را بشناسیم»، «فروغی که روشنگر دلهاست»، «دیگر باره زنده می‌شویم»، «مدایح رضوی»، «مناقب علوی»، «چهارده اختر تابناک»، «دانای راز»، «نقشی از هستی» و «آینه‌ی عبرت».

استاد احمدی در سال ۱۳۳۵ هـ ش سرپرستی دانشسرای بیرجند را به عهده گرفت. در سال ۱۳۴۰ هـ ش به مشهد آمد و در دانشکده‌ی الهیات دانشکده‌ی علوم به تدریس پرداخت. او در سال ۱۳۵۸ هـ ش بازنشست شد و با آسودگی خاطر به تهیه و تدوین نوشته‌های خود پرداخت.

احمدی در آذر ماه سال ۱۳۷۷ هـ ش در مرز ۷۶ سالگی به خلیل خاکیان پیوست.

\*\*\*

## احمدی - حمید

دکتر حمید احمدی روزنامه‌نویس در سال ۱۳۰۶ هـ ش زاده شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه و بالاخره دانشکده پزشکی تهران، به فرانسه رفت. از همان دوره جوانی همکاری با مطبوعات را آغاز کرد و مقالاتی در روزنامه‌ها چاپ و منتشر کرد. مدتی نیز سردبیر صدای ایران شد. دکتر احمدی مقالات و ترجمه‌هایی نیز در اطلاعات هفتگی چاپ کرده است. او در سال ۱۳۶۴ هـ ش در بهمن‌ماه درگذشت.

\*\*\*



## اخوان ثالث - مهدی

شاعر بلند آوازه‌ی توس مهدی اخوان ثالث، یکی از چهره‌های شناخته شده ادب معاصر ایران است. خیر این بود:

«مهدی اخوان به دنبال عارضه‌ی قلبی در اثر بیماری قند روز یک‌شنبه ۴ شهریور ماه سال ۱۳۶۹ هـ ش در بیمارستان مهر تهران در گذشت».

مرگش نابهنگام بود و سکوت برانگیز.

شاعر در سال ۱۳۰۷ هـ ش در توس خراسان زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مشهد به اتمام رساند. جوان پرشور بیست ساله‌ای بود که به تهران آمد و شغل انبیا برگزید و به مامازن یکی از محله‌های اطراف تهران رفت، اخوان از همان سالها همکاری با مطبوعات را آغاز کرد.

شعرهای پر سر و صدای اخوان نام او را بر سر زبانها انداخت به خصوص «زمستان» او بهار تازه‌ای را در فصل شاعری او به ارمغان آورد. در زمینه‌های ادبی با رادیو و سپس با تلویزیون همکاری داشت، کار اصلی او نظارت بر برنامه‌های ادبی بود.

اخوان پس از اخذ مدرک فوق‌لیسانس در سالهای اخیر استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاههای تهران، تربیت معلم و شهید بهشتی شد و به تدریس پرداخت.

از هواداران پر و پاقرص نیما بود. با او حشر و نشر داشت و در همه جا و همه حال مدافع موضع نیما و نیما سرایی بود. عطا و لقای نیما یوشیج و بدعتها و بدایع نیما شاهد بر این مدعا می‌تواند به شمار رود.

سبک او را در غزل، شعر نو خراسانی گفته‌اند. و شعر نو که جای خود دارد.

«ارغنون»، «پاییز در زندان»، «زمستان»، «آخر شاهنامه»، «از این اوستا»، «شکار»، «بهترین امید»، «دوزخ اما سرد» و بالاخره «تورا ای کهن بوم و بر دوست دارم» می‌تواند کارنامه‌ی شاعری او را تکمیل کند.

اخوان در نثر نیز اثر و آثاری دارد که جلد اول مقالات او از آن جمله‌است. تشییع با شکوه جنازه شاعر به وسیله شاعران، نویسندگان و ادب‌دوستان تهران و خراسان بی‌سابقه بوده‌است.

شاعر روز سه شنبه ۱۳ شهریور ماه سال ۱۳۶۹ هـ ش در توس کنار آرامگاه فردوسی، ضلع غربی باغ به خاک رفت. پس از این همه سال باز زمستان شاعر بهاری تازه داشته باشیم.

### زمستان ...

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت،

سرها در گریبان‌است.

کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را،

نگه جز پیش پا را دید نتواند.

که ره تاریک و لغزان‌است.

و گر دستِ محبتِ سوی کس یازی،

به اکراه آورد دست از بغل بیرون

که ره تاریک و لغزان‌است.

□□□

نفس، کز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک.

چو دیوار ایستد در پیش چشمانت.

نفس کاین است ، پس دیگر چه داری چشم ،  
ز چشم دوستان دور یا نزدیک ؟

□□□

مسیحای جوانمرد من ! ای ترسای پیر پیرهن چرکین !  
هوا بس ناجوانمردانه سرداست ... آی ...  
دمت گرم و سرت خوش باد !  
سلامم را تو پاسخ گوی در بگشای !

□□□

منم من ، میهمان هر شب ، لولی وش مغموم .  
منم من ، سنگ تپا خورده‌ی رنجور .  
منم ، دشنام پست آفرینش ، نغمه ناجور ،  
نه از روم ، نه از زنگم ، همان بیرنگ بیرنگم ،  
بیا بگشای در ، بگشای ، دلتنگم .  
حریفا ! میزبانان ! میهمان سال و ماهت پشت در چون  
موج می لرزد .

تگرگی نیست ، مرگی نیست .  
صدایی گر شنیدی ، صحبت سرما و دندان است .

□□□

من امشب آمدستم وام بگذارم .  
حسابت را کنار جام بگذارم .  
چه می‌گویی که بیگه شد ، سحر شد ، بامداد آمد ؟  
فریبت می‌دهد ، بر آسمان این سرخی بعداز سحر که نیست  
حریفا ! گوش سرما برده‌است این ، یادگار سیلی سرد  
زمستان است .



و قندیل سپهر تنگ میدان، مرده یا زنده .  
به تابوت ستبرِ ظلمت نه توی مرگ اندود، پنهان است .  
حریفا! رو چراغ باده را بفروز، شب باروز یک سان است .

□□□

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت .  
هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دستها پنهان؛  
نفس ها ابر، دلها خسته و غمگین .  
درختان اسکلت‌های بلور آجین،  
زمین دلمرده،، سقف آسمان کوتاه،  
غبار آلوده مهر و ماه،  
زمستان است .

\*\*\*



## ارموی - میر جلال الدین

میر جلال الدین محدث ارموی محقق معاصر در سال ۱۲۸۳ هـ ش در ارومیه چشم بر جهان گشود.

تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در زادگاه خود به پایان برد. سپس به تکمیل معلومات خود همت گماشت تا لقب محدث گرفت.

میر جلال پس از مدتی به مشهد رفت و چهار سال در همان جا به کسب معلومات و تکمیل آن پرداخت. سپس از آنجا به نجف اشرف رفت. پس از بازگشت شغل معلمی را انتخاب کرد و به تبریز رفت.

سال ۱۳۲۰ هـ ش که تبریز به اشغال روسها در آمد میر جلال آن شهر را ترک کرد و به ارومیه برگشت. پس از چندی مدرس دانشکده معقول و منقول شد تا در سال ۱۳۴۷ هـ ش بازنشست شد. میر جلال پس از آن با آسودگی خاطر به تحقیق و تتبع پرداخت و کتابهای چندی تصحیح و حاشیه نویسی کرد که از آن جمله اند:

«اسرار الصلوة»، «دیوان حاج میرزا ابو الفضل تهرانی»، «التفصیل»، «التعریف بوجوب حق الوالدین»، «المحاسن»، «النقص»، «زاد السالك»، «دیوان قوامی رازی» و «دیوان سید فضل اله راوندی کاشانی».

استاد آذری زبان فارسی نویسنده روز شنبه ۵ آبان ماه سال ۱۳۵۸ هـ ش به علت سکنه قلبی درگذشت و به جرگه‌ی خاکیان پیوست و در جوار شیخ ابوالفتوح رازی و علامه قزوینی به خاک سپرده شد.

\*\*\*

## اسدی - علی

دکتر علی اسدی روزنامه‌نگار، محقق، مترجم و استاد دانشگاه در اوایل آذر ماه سال ۱۳۷۰ هـ ش در مرز ۵۶ سالگی دارفانی را وداع گفت.

دکتر اسدی در سال ۱۳۱۴ هـ ش به جهان آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در بانک استخدام شد. پس از مدتی شغل بانک‌داری را رها کرد و به آلمان رفت. سپس راهی فرانسه شد و از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای جامعه‌شناسی گرفت. به ایران برگشت و به تدریس در دانشگاه پرداخت. در کنار آن مدتی مدیر مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان صدا و سیما شد. سپس سرپرست دانشکده علوم ارتباطات و توسعه ایران گردید. مدتی هم فلسفه رسانه‌های گروهی تدریس کرد.

در همین دوران کتابهای «جهان در آستانه قرن بیست و یکم» و «ژاپن کشور شماره یک» را ترجمه کرد.

«ایدئولوژی - تکنولوژی و توسعه»، «بحرانهای جهانی»، «طبیعت طبیعت»، «زندگی زندگی» و «شناخت شناخت» نام کتابهایی است که دکتر اسدی یکی پس از دیگری تألیف و چاپ کرده است.

از دیگر ترجمه‌های او می‌توان:

«افکار عمومی و ارتباطات»، «تکنولوژی و توسعه»، «مقدمه بر جامعه‌شناسی»، «قدرت تلویزیون»، «زوال تمدن سوداگری» و «سرمشق گمشده» را نام برد.

\*\*\*

## اشتهاردی - مهدی

مهدی اشتهاردی از نویسندگان مطبوعات ایران بود. پس از فراغت از تحصیل با روزنامه اطلاعات همکاری می‌کرد. چون دستی قوی در طنز داشت، مجله روشنفکر که نخود هر آش آن را منوچهر (مهدی) اشتهاردی می‌نوشت طرفداران زیاد پیدا کرد. بسیاری از نوشته‌های خود را با نام مستعار شمع و حباب امضا می‌کرد. به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنایی کامل داشت. مدتی نیز نویسنده برنامه‌های رادیو ایران شد. او که قلم زدن را از ۱۳۳۴ هـ ش آغاز کرده بود در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۸ هـ ش به پایان رساند.

\*\*\*

## اعتماد - میر مهدی

میر مهدی اعتماد متخلص به ناطقی از شعرای بزرگ آذربایجان در سال ۱۲۷۷ هـ ش در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در مکتب خانه‌ها به پایان برد. سپس به مدرسه طالبیه رفت و صرف، فقه، اصول، معقول، منقول و حکمت آموخت. اعتماد در کنار این درسها به ادبیات روی آورد و به خصوص به شعر علاقه وافری پیدا کرد.

اعتماد در تبریز به معلمی پرداخت و مدرسه‌ای با نام اعتماد باز کرد و ۱۵ سال به تربیت نونهالان این آب و خاک عمر صرف کرد. بنا به اقتضای شغلی در شعرهای خود مسایل اخلاقی و تربیتی را مطرح می‌کرد و از آنها نتیجه اخلاقی می‌گرفت. در شعر ناطقی تخلص می‌کرد.

اعتماد مدتی هم در اداره ثبت اسناد و املاک استخدام شد و تا بازنشستگی پیش رفت. پس از آن با فراغ خاطر به نشر اشعار خود در مجله‌های «وطن یولوندا، شفق آذربایجان و آزاد ملت» پرداخت.

اعتماد در سال ۱۳۲۵ هـ ش به سبب گرایش‌های سیاسی دستگیر و دو سال زندانی شد. پس از آزادی به تهران آمد. شعر گفت، کتاب نوشت و در برنامه‌های رادیو با سرودن ماهنی (ترانه) شرکت فعال داشت.

آنچه که از او چاپ شده است و دارای ارزش ادبی است عبارتند از: «مناظره ادبی»، «کتابچه اخلاق»، «آیینه اخلاق»، «مجموعه شعر»، «بدرقه الصبیان»، «میزان الانشا»، «گول غونچاسی»، «شانلی

آذربایجان»، «ناهار وعده‌سی»، «تحفه الصبیان»، «گلین لریزه‌گی»، «چارشنبه بازاری»، «ذخیره المعاد»، «هدایت الکلام»، «تورکیو نصاب»، «الفبای جدید» و «دیوان شعر».

اعتماد در مرز ۸۱ سالگی هفتم خرداد ماه سال ۱۳۶۰ ه. ش در تهران درگذشت. او اواخر عمر سالهای خستگی را در کنار زنی ناسازگار سپری کرد تا به دار بقا شتافت.

اعتماد شاعری خوش سخن و دارای نفوذ کلام بود، اکنون به عنوان نمونه‌ی کار، شعر زیبای «سئوگی عالمی» را از او می‌خوانیم:

### سئوگی عالمی ...

روحوم قوشویبر سئوگیلی جانانیه خوشدور  
بیر نازلی صنم، سر و خرامانیه خوشدور  
ای گول ئولوره‌م گل سوروش احوالیمی یوخلا  
عشاق اوره‌گی دردینه جانانیه خوشدور  
گول غنچه‌سی چون غنچه لبوندن آلیر الهام  
بلبل لر اودور غنچه خندانیه خوشدور  
زلفونده کی سنبل لری نین عطربنی آلام  
بلبل گولون عشقینده گلستانیه خوشدور  
چک قاشلارینین خنجرینی عاشقین ئولدور  
چون سئوگیلی لیک عالمی قربانیه خوشدور  
گول اوزده قارار فلرین سایه سالیب‌دیر  
بو ظلمته باخ ماه درخشانیله خوشدور  
ای گول گل اوخو اعتمادین نغمه لریندن  
بو آذربایجان بیله الحانیه خوشدور

\*\*\*

## افضلی پور - علیرضا

مهندس علیرضا افضلی پور در ۱۸ فروردین ماه سال ۱۳۷۲ هـ ش پس از یک بیماری طولانی در ۷۸ سالگی دار فانی را وداع گفت.

افضلی پور بنیانگذار دانشگاه کرمان بود. او در سال ۱۳۹۴ هـ ش در تفرش زاده شد.

پس از پایان تحصیلات مقدماتی، متوسطه و دانشگاه به فرانسه رفت از دانشگاه سوربن در رشته مهندسی شیمی درجه دکترا گرفت.

به احترام او دانشکده پزشکی و پیراپزشکی کرمان به نام او نامگذاری گردید.

\*\*\*

## الف - عبدالله

عبدالله فاطمی متخلص به الفت شاعر غزل سرای معاصر در ۱۵ آبان ماه سال ۱۳۷۰ هـ ش رخت به سرای باقی کشید .

الفت در سال ۱۳۰۶ هـ ش در بروجرد متولد شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان برد . در جوانی به موسیقی علاقه مند شد ، اما پیشرفت خاصی نداشت . پس از چندی به استخدام وزارت پست و تلگراف در آمد .

الفت در سالهای پیش از ۱۳۵۰ هـ ش گرداننده مجله‌هایی در تهران شد و گرفتاریهایی برای او پیش آمد که سبب بدنامی شاعر شد ، که چون و چند آن را در کتاب «من محکوم می‌کنم مهین سکندری» - شاعره معاصر - می‌توان خواند .

دیوان این شاعر با نام «افق الفت» گردآوری شده است ، اما هنوز به چاپ نرسیده است .

اکنون غزل یادبود او را برای خالی نبودن عریضه در اینجا نقل می‌کنیم :

### یادبود ...

روزگاری دل اسیر عشق یاری داشتم  
در غم یاری پریشان روزگاری داشتم  
در میان جمع هر شب با پریشانی چو شمع  
دیده‌ی شب زنده دار اشکباری داشتم  
یاد باد آن شب که دور از غیر در آغوش گل  
اشکی و جامی به طرف جویباری داشتم



جویباری بود و من هم با نوای جویبار  
گریه‌ی مستانه‌ی بی‌اختیاری داشتم  
جلوه‌گاهی خرم از روی تو دیدم در خزان  
در خزان دیدم که با رویت بهاری داشتم  
یاد باد آن شب که در گل‌گشت باغ و بوستان  
با توای سروروان بوس و کناری داشتم  
ماه خفت و شمع مرد و صبحگاه آمد پدید  
باز با یاد تو چشم اشکباری داشتم  
گریه‌ای یاران سزدگاهی به یاد من کنید  
زان که من هم در جهان یک روز یاری داشتم  
الفت اندر آرزوی وصل آن آشفته موی  
سالها بگذشت و جان بی‌قراری داشتم

\*\*\*

## الوند - احمد

احمد الوند شه میرزادی شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار بود. او در سال ۱۳۱۴ هـ ش متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به مدرسه روزنامه‌نگاری گوته نام‌نویسی کرد. پس از فراغ از تحصیل فعالیتهای مطبوعاتی خود را آغاز کرد. مدتی خبرنگار و بعد نویسنده برنامه‌های رادیو ایران شد.

الوند مدتی نیز سردبیر مجله آسیای جوان بود و هم مجله جیبی سهامدار را نیز چاپ و منتشر می‌کرد. او مدتی نیز عضو هیأت تحریریه‌ی ستاره‌ی سینما شد. زمانی نیز مسئول مجله اتاق بازرگانی گردید.

او از اعضای قدیمی سندیکا بود. کتابهای «کارنامه اتاق بازرگانی» و «روسری قرمز» از کارهای چاپ شده‌ی اوست. الوند بعضی نوشته‌های خود را با نام الف. شه میرزادی، دکتر داریوش مسیح و احمد دلولا امضا می‌کرده‌است. احمد الوند روز سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۸ هـ ش در آپارتمان مسکونیش در کوی نویسندگان بدرود زندگی گفت.

\*\*\*

## امیرانی - علی اصغر

علی اصغر امیرانی در سال ۱۲۹۴ هـ ش در بیجار گروس کردستان متولد شد. در کودکی به خدمت یکی از متمولین بیجار در آمد. ارباب چون شوق درس خواندن در او دید به مدرسه فرستاد. امیرانی ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان برد سپس به تهران آمد. و از دانشکده حقوق دانشگاه تهران درجه لیسانس گرفت. سپس به مطبوعات روی آورد. با روزنامه اطلاعات و نسیم صبا و ایران باستان همکاری داشت. تا در سال ۱۳۱۹ هـ. ش امتیاز مجله خواندنیها را به دست آورد.

امیرانی ژورنالیست با آبرویی نبود. با تمام نیرو و تاب و توان در خدمت شاه بود. یک بار به دروغ تظاهر به طرفداری از مصدق کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد دوباره به موضع خاص خود برگشت. او سرسپرده آمریکا و انگلیس بود. حتی برای بی بی سی اخبار تهیه می کرد. او برای تهیه مطالب مجله اش ذبیح اله منصوری را به بهانه همشهری گری سالها اجیر کرد و از توان قلم او سودها برد.

امیرانی پس از فاجعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ هـ ش به دفاع از شاه برخاست و او را از گناه مبرا دانست.

در اعتصاب مطبوعات تنها مجله ای که زیر پل چهارراه کالج پخش شد مجله خواندنیها بود. تا در ۲۱ اسفند ماه ۱۳۵۷ هـ ش بازداشت شد. پس از آزادی باز موضع خود را رها نکرد تا در تیر ماه ۱۳۶۰ هـ ش به اتهام سلطنت طلبی و همکاری با ساواک و اختفای دستگاههای گیرنده و فرستنده حساس اعدام شد.

\*\*\*

## امیری فیروزکوهی - سید عبدالکریم

امیر فضل و خرد آقا سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی فرزند منتظم الدوله در سال ۱۲۸۸ هـ ش در دهکده فرح آباد فیروزکوه متولد شد. امیری در هفت سالگی به تهران آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سیروس گذراند. سپس وارد کالج آمریکایی شد. در خارج از مدرسه علوم قدیم را فرا گرفت.

امیری از دوره دبیرستان سرودن شعر را آغاز کرد. نخستین شعر او در روزنامه نسیم شمال چاپ شد. در سال ۱۳۰۸ هـ ش درس و مدرسه را کنار گذاشت و به عضویت دفتر کل اسناد و املاک در آمد. در سال ۱۳۱۹ هـ ش کار دولتی را کنار گذاشت و در سال ۱۳۲۶ هـ ش تصدی دفتر اسناد رسمی را در تهران به عهده گرفت.

امیری تحصیلات بنیادی خود را که از سال ۱۳۱۴ هـ ش آغاز کرده بود پی گرفت و در منطق، کلام، فلسفه، حکمت و فقه و اصول صاحب نظر شد.

امیری در کنار دیگر کارها با انجمن ادبی ایران، انجمن حکیم نظامی و انجمن ادبی فرهنگستان ایران همکاری داشت.

شعر امیری در قالب غزل و قصیده است. غزلهای او را می توان هم ردیف غزلهای شهریار و رهی معیری به حساب آورد.

امیری علاوه بر چاپ «دیوان شعر»، «حواشی بر نفس المهموم» محقق قمی و ترجمه «مکاتیب نهج البلاغه» را نیز به چاپ رسانده است. به جز اینها استاد امیری مقاله های ادبی و تحقیقی نیز در مطبوعات روز چاپ کرده است که قابل توجه است.

امیری در غزلی می گوید: «سر آید چون زمان قصه، در یک شب

زمان من». زمان او روز پنجشنبه ۱۹ مهر ماه سال ۱۳۶۳ هـ ش سر آمد  
و در کنار تربت حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد.  
و شهریار گفت:

وای کز دنبال یغمایی امیری نیز رفت

داغدارانیم ، کان آلاله کاران را چه شد .

از میان چند غزل انتخابی «آرزوکن» را برگزیدم گرچه نیمی از  
دیوان سید می توانست غزل انتخابی باشد .  
آرزوکن ...

کعبه آمد در نماز ، ای دل سوی این کعبه رو کن  
آنچه اندر کعبه می جستی ، در اینجا جستجو کن  
کعبه می آید به استقبال مشتاقان کویش  
هر چه می خواهد دلت از کعبه اینک آرزوکن  
در نماز ار سجده باید ، سر بنه بر خاک کویش  
ور وضو شاید ، دل از آرایش تن شستشو کن  
نیم شب ، چون نرگس مستش به بیداری گراید  
در شکن مینای مستی ، خون خواب اندر سبو کن  
عقل را دیوانگی ده ، مصلحت را زیر پانه  
هوش را کن مست و واله ، ناز را بی آبرو کن  
رشته‌ی امید بگسل ، دامن طاعت فرو هل  
این و آن بارند بر دل ، هر دو را قربان او کن  
هر چه می گوید امیری زهد و تقوی می فروشد  
من از او باور نخواهم کرد اینک رو به رو کن

\*\*\*

## امین - بی بی نصرت

بی بی نصرت امین، زن فاضله‌ای که به بانوی اصفهانی شهرت داشت و از جمع زنان به درجه‌ی اجتهاد رسیده بود.

بی بی نصرت در سال ۱۲۷۴ هـ ش در خانواده حاج سید محمد علی حسینی معروف به امین‌التجار پا به عرصه‌ی هستی نهاد. به دلیل استعداد زودرس او را در ۴ سالگی بر سر درس نشانند. او پس از فراگیری علوم مقدماتی، به تحقیق در معارف الهی پرداخت سپس راهی نجف اشرف شد و به محضر استادان بزرگ علم و دین رسید و پس از تکمیل علوم به زادگاه خود اصفهان برگشت.

در اصفهان مکتب فاطمه و سپس دبیرستان دخترانه‌ی امین را تأسیس کرد و خود در دبیرستان به تدریس پرداخت. آثار این خانم بزرگوار به نام بانوی اصفهانی چاپ و منتشر می‌شد و آنها عبارتند از:

«اربعین هاشمیه»، «تفسیر مخزن العرفان»، «سیر و سلوک»، «مخزن اللئالی»، «اخلاق و راه سعادت بشر»، «معاد یا آخرین سیر بشر»، «روش خوشبختی و جامع الشتات» و «نفحات الرحمانیه».

بی بی نصرت در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳ هـ ش رخت به سرای باقی کشید.

\*\*\*

## امینی - امیرقلی

امیرقلی امینی روزنامه‌نگار و عاشق فرهنگ مردم حدود سال ۱۲۷۸ هـ ش در اصفهان زاده شد.

امینی از سالهای او ان کودکی گرفتار ناراحتی درد پا بود که منجر به فلج (فالج) پا گردید. به گفته‌ی خود از بیست و سه سالگی کاملاً بستری و زمینگیر شد.

در حقیقت امینی پس از اخذ تحصیلات مقدماتی، در بستر بیماری تحصیلات خود را کامل کرد. زبان عربی، فرانسه و اسپرانتو را به طور کامل فراگرفت. به طوری که به هر سه زبان به راحتی می‌توانست حرف بزند.

امینی در سال ۱۳۰۷ هـ ش روزنامه‌ی اخگر را راه انداخت. همه‌ی کارهای روزنامه را در بستر بیماری انجام می‌داد. پس از آن روزنامه اصفهان به مدیریت او چاپ و منتشر می‌شد و سپس روزنامه‌ی باختر را در سال ۱۳۱۳ هـ ش انتشار می‌داد.

امینی در کنار فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، با خواندن کتابی به نام «الف کلمة و کلمة» به فرهنگ مردم، امثال و حکم و شناخت رگ و ریشه مثل‌های رایج در زبان فارسی علاقه‌مند شد. «داستان‌های امثال» را در دو جلد چاپ کرد. سپس کتاب معروف «فرهنگ عوام» را به بازار فرستاد.

شاید ترجمه کتاب «عروس فرغانه» از جرجی زیدان از کارهای اولیه‌ی او باشد. به هر حال به روایتی ۶۰ سال عمر پر بار او در بستر بیماری توأم با فعالیت‌های ادبی سپری شد.

این مرد انساندوست معلول در اصفهان دو مرکز پرورش یتیمان

دختر و پسر دایر کرد. و سرپرستی حدود صد تن از نوباوگان  
بی سرپرست را به عهده گرفت.

احمد آرام مترجم توانا - که در این مجموعه به او اشاره کرده ایم -  
از یاران صمیم امینی بود. آرام در چاپ کتابهای امینی اخلاص خود  
را به پایان برد.

دختر امینی، منیژه امینی (قزل ایاغ) تحصیل کرده‌ی فرانسه بوده  
و مدیر کل وزارت اطلاعات و جهانگردی در سالهای قبل از انقلاب  
بوده است.

امیرقلی امینی در هفته‌ی اول خرداد ماه سال ۱۳۵۷ هـ ش به  
سرای باقی شتافت و دنیای پر از رنج و محنت خود را رها کرد.

\*\*\*



## انجوی شیرازی - سید ابوالقاسم

نام ابو القاسم انجوی شیرازی (نجوا) همیشه با نام فرهنگ مردم آمیخته است.

انجوی در سال ۱۳۰۱ هـ ش - بنا به گفته خود - در شیراز چشم بر جهان گشود. مادرش سیده خانم از سادات معروف شیراز بود. انجوی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تهران آمد. به سوی مطبوعات و به دنبال آن به سیاست کشیده شد. مجله‌ای با نام آتشبار راه انداخت که گرفتاریهای سال ۱۳۳۳ هـ ش را به دنبال داشت و به جزیره خارک تبعید شد.

انجوی پس از آزادی با حسن قائمیان، مجتبی مینوی و به خصوص با صادق هدایت دوست، همقدم و همقلم شد. در اثر توصیه‌های مکرر صادق هدایت از سال ۱۳۴۰ هـ ش به فولکلور و فرهنگ مردم علاقه‌مند شد. کسانی که در این زمینه مطلب می‌نوشتند و یا کتاب تهیه و تدوین می‌کردند انجوی با شوق فراوان آنها را مورد تحسین قرار می‌داد و گاهی به کارهای چاپ شده‌ی آنها مقدمه می‌نوشت.

پس از مدتی انجوی به رادیو و تلویزیون جذب شد و به صورت رسمی به استخدام آن سازمان در آمد و سرپرست برنامه فرهنگ مردم شد. این برنامه روزهای سه شنبه هر هفته از رادیو ایران پخش می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این برنامه از رونق پیشین افتاد و انجوی هم‌بازنشست شد و به کارهای مطبوعاتی و تألیف و تدوین کتابهای خود پرداخت که از آن جمله‌اند:

«خاطرات خارک»، «سفینه غزل» و تجدید چاپ «تصحیح دیوان

حافظ».

گفتنی است که «بازیهای نمایشی»، «معتقدات زمستان» در ۲ جلد، «راهنمای گردآوری فرهنگ مردم»، «تمثیل مثل» در ۲ جلد، «قصه‌های ایرانی» در ۳ جلد، «مردم و فردوسی» و «مردم و شاهنامه» محصول دوران فعالیت او در رادیو تلویزیون به حساب می‌آید. بالاخره سید ابو القاسم انجوی در شهریور ماه سال ۱۳۷۲ هـ ش به سبب نارسایی ریه در مرز ۷۱ سالگی از این خاکدان گذشت و به خیل خفتگان خاک پیوست.

دوستی می‌گفت: یاد سه شنبه‌ها و جمعه‌ها به خیر که استاد عبا به دوش لبخند زنان و گاهی سیگار وینستون بر لب به مهمانان و جوانان هنردوست چای می‌ریخت و خود چه با اشتیاق در هوای خنک جمال‌آباد شمیران چای تو نعلبکی می‌ریخت و هورت سر می‌کشید و پشت بند آن شعری، غزلی و یا لطیفه‌ای به مناسبت حال و مقال می‌گفت.

یادش گرامی باد



## اوستا - محمدرضا رحمانی

محمدرضا رحمانی متخلص به مهرداد اوستا در سال ۱۳۰۸ هـ ش در بروجرد زاده شد. تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان برد و سپس شغل معلمی برگزید و به اهواز رفت.

در سال ۱۳۲۸ هـ ش به تهران آمد. به شعر و شاعری روی آورد. به انجمنهای ادبی راه یافت و از محضر استادانی مانند محمدعلی ناصح بهره‌ها برد.

اوستا به دانشگاه راه پیدا کرد. و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس شعر و ادبیات فارسی پرداخت. اوستا را می‌توان از شاعران چیره‌دست معاصر در شعر قدیم به حساب آورد.

به گفته خود: بیشتر به آیین استادان خراسان شعر می‌سرود. از کتابهای چاپ شده او می‌توان:

«تیرانا»، «شراب خانگی ترس محتسب خورده»، «پالیزیان»، «از کاروان رفته»، «اساطیر ملل»، «از امروز تا هرگز»، «اشک و سرنوشت» و «امام حماسه‌ای دیگر» را نام برد.

تصحیح دیوان سلمان ساوجی، تصحیح عقل و اشراق، تعلیقات بر نوروزنامه خیام، شرح احوال حکیم نیشابوری، سخن‌شناسی در شعر، روش تحقیق در دستور زبان و تاریخ هنر از دیگر کارهای با ارزش اوست.

اوستا از سال ۱۳۶۲ هـ ش به ریاست شورای شعر و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد و تا پایان عمر این پست را داشت.

اوستاروز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۰ هـ ش در ۶۲ سالگی هنگام مطالعه شعری، در تالار وحدت چشم از جهان فروبست.

مهرداد اوستا در آرامگاه مخصوص شاعران و هنرمندان در بهشت زهرا - که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ساخته و آماده شده است - به خاک سپرده شد.

اکنون نگاهی به قبله‌ی نگاه مهرداد، سواد خیمه‌ای از رفتگان را پیش روی ما قرار می‌دهد.

### قبله‌ی نگاه ...

عروس پردگی صبح، و شمع ماه اینجاست  
فروغ طلعت آن قبله‌ی نگاه، اینجاست  
نه مه، نه باده، نه گل، نه ستاره‌ی سحری؛  
همان که، روز مرا می‌کند سیاه اینجاست  
چو گوشواره‌ی پروین، چراغ اشک مرا؛  
به دوش هر مژه آویختی، که راه اینجاست  
اگر به دامن صحرای درد می‌گذری  
سراد خیمه‌ای از دودمان آه، اینجاست  
ز کشتگان غمت، شکوه‌ای ندارد کس  
اگر کرشمه‌ی چشم تو عذرخواه اینجاست  
جدا ز چشم تو، در دامن ندامت بین  
به اشک من که جگر گوشه‌ی گناه، اینجاست

\*\*\*

## بابا مقدم - رضا

رضا بابا مقدم در سال ۱۲۹۲ هـ ش زاده شد. او از داستان نویسان بسیار قوی در ادب معاصر به شمار می‌رود. کارهای قلمی او ده - دوازده داستان بلند و کوتاه است که در مجله سخن و مجلات پیک به چاپ رسیده است. این چند داستان کوتاه و بلند او نماینده‌ی ذوق نویسندگی، فکر باز و شیوه‌ی بیان بسیار شیوای او است. «کم‌گوی و گزیده‌گوی» در این روزگار شاید درباره‌ی این نویسنده پر ارزش می‌تواند صادق باشد.

بابا مقدم مدت‌ها بود که در خارج از ایران زندگی می‌کرد. ارتباط قلمی نزدیک با جمال زاده داشت که مجموعه‌ی این نامه‌ها می‌تواند خود کتابی راهگشا در فن نویسندگی باشد.

از بابا مقدم داستانهای «عمر ده روزه»، «رسوایی رسوایی»، «عقاب تنها»، «یک جو اخلاص»، «سلطان صادق خان»، «آن سوی در»، «مرزبان»، «شتر قربانی و ابراهیم در قربانگاه» را خوانده‌ایم. دو مجموعه داستان، با نامهای «بچه‌های با خدا» ۱۳۴۵ هـ ش و «اسب» ۱۳۴۸ هـ ش از او چاپ و منتشر شده است. در سال ۱۳۱۴ هـ ش سلام بر غم را از فرانسوا زساگان ترجمه کرد. بابا مقدم سوم مرداد ماه سال ۱۳۶۶ هـ ش در کالیفرنیا به بیماری سرطان درگذشت.

جای او خالی مباد



## بابایی - کورس

کورس بابایی در سال ۱۳۲۰ هـ ش زاده شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته راهنمایی لیسانس گرفت. سپس به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد.

بابایی فعالیت‌های مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۴۱ هـ ش آغاز کرد. او از همان سالها در کنار شغل دبیری، به عنوان خبرنگار و نویسنده سرویس حوادث در روزنامه کیهان مشغول کار شد. از تألیفات او می‌توان:

«امشب اشکی می‌ریزد»، «دختر تی پارتی»، «حجله گاه عشق»، «سه سرباز و سه جزیره» را نام برد.

بابایی بعضی نوشته‌های خود را با نام «بابا و یا جرقه» نیز امضا می‌کرده است.

کورس بابایی در ۶ آذر ماه سال ۱۳۷۵ هـ ش درگذشت.



## بازرگان - مهدی

مهندس مهدی بازرگان، استاد دانشگاه، محقق، سیاستمدار و نخست وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۲۸۶ هـ ش در تهران چشم بر جهان گشود. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۰۷ هـ ش با نخستین گروه دانشجویان ایرانی برای تحصیل به خارج اعزام شد.

بازرگان در رشته‌ی مهندسی ماشین و مهندسی نساجی در فرانسه تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران به استخدام دانشگاه در آمد.

بازرگان از سال ۱۳۱۴ هـ ش تا ۱۳۳۰ هـ ش به تدریس در دانشکده فنی پرداخت و سپس رئیس دانشکده فنی شد. او در کنار کار به فعالیتهای سیاسی روی آورد. در سال ۱۳۲۰ هـ ش وارد کانون اسلامی شد و به فعالیت سیاسی - دینی پرداخت.

بازرگان در زمان مصدق رئیس هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران شد و سپس سمت مدیر عامل سازمان آب تهران را یافت.

او در سال ۱۳۴۰ هـ ش نهضت آزادی را تأسیس کرد که تکیه بر لیبرالیسم داشت و در کنار آن به نوشتن کتابهای متعدد و ترتیب سخنرانیهای تند پرداخت. به همین سبب هم بود که در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۴۱ و ۱۳۵۷ هـ ش در مجموع به ده سال زندان محکوم شد تا جایی که لقب چریک پیر گرفت.

پس از آزادی با کارهای شرکت‌های مهندسی روزگار می‌گذراند و تا آخر عمر به آرمان سران نهضت آزادی که آقا سید محمود

طالقانی هم جزو آنها بود وفادار ماند .

بازرگان پس از پیروزی انقلاب اسلامی عضو شورای انقلاب شد و سپس ۸ ماه تمام نخست وزیر دولت موقت گردید که روزهای حساس دوران انقلاب محسوب می شد . او گرچه در جریان اعتراض به اشغال لانه جاسوسی آمریکا از سمت خود استعفا داد اما همچنان ایرانی ماند و در ایران ماند و ایرانی اندیشید . آثار قلمی پیر سیاستمدار عبارتند از :

«مطهرات در اسلام» ، «ترمودینامیک انسان» ، «بررسی نظریه اریک فروم» ، «بی نهایت کوچکها» ، «مذهب در اروپا» و «یادداشتهایی از سفر حج» .

بازرگان در ۳۰ تیر ماه سال ۱۳۷۳ هـ ش در پی ایست قلبی در مرز ۸۸ سالگی در اتریش دارفانی را وداع گفت و به ابدیت پیوست . بیکر پاک او پیچیده در پرچم ایران از مسجد ارشاد تشییع شد و به قم حمل گردید .

دکتر سحابی در میان انبوه جمعیت بر جنازه‌ی بازرگان نماز خواند و از طرف جمعیت آزادی و دفاع از حاکمیت ملت ایران دسته گل‌های بی شمار جنازه‌اش را زیر پوشش خود گرفت .

یادش گرامی باد

\*\*\*



## باشی - بهزاد

بهزاد باشی در سال ۱۳۱۰ هـ ش متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه از دانشکده حقوق دانشگاه تهران لیسانس گرفت و از سال ۱۳۳۵ هـ ش کار در مطبوعات را به صورت رسمی آغاز کرد.

این مترجم پر سابقه‌ی مطبوعات سردبیر اخبار خارجی خبرگزاری پارس بود. هم مترجمی سرویس خارجی روزنامه کیهان را نیز انجام می‌داد. از کارهای او:

«زندگینامه سوکارنو»، «خاطرات مک میلان»، «خاطرات سارا چرچیل»، «از استالین تا خروشچف»، «تاریخچه سینما» و «تاریخچه هواپیما» را می‌توان نام برد که همه آنها ترجمه از ادبیات خارجی است.

باشی مدتها از همکاران رادیو تلویزیون ایران بود. در ضمن فعالیت‌های مطبوعاتی و کار موظف، «جامعه‌ی فئودالی» را در ۲ جلد ترجمه کرد و کار بزرگ ترجمه «تاریخ جامع موسیقی» را نیز آغاز کرد که فقط ۳ جلد آن چاپ و منتشر شد.

بهزاد در سحرگاه شنبه ۶ شهریور ماه سال ۱۳۷۰ هـ ش چشم از جهان فرو بست.

\*\*\*

## بدیع - امیر مهدی

امیر مهدی بدیع استاد تاریخ و نویسنده گرانمایه در اوایل آبان ماه سال ۱۳۷۳ هـ ش در منطقه ایتالیایی نشین سویس چشم از جهان فرو بست .

امیر مهدی فرزند بدیع الحکمای همدانی بود . از آغاز جوانی برای تحصیل راهی اروپا شد . پس از اخذ مدرک دانشگاهی در نقطه‌ای از سویس - نزدیکی مرز ایتالیا - رحل اقامت افکند و سراسر عمر به مطالعه و تحقیق و نگارش سرگرم شد .

آثاری از بدیع در زمینه فلسفه و تاریخ به زبان فرانسه باقی مانده است که مهمترین آنها عبارتند از :

«یونانیان و بربرها» که جلد اول و دوم آن را روانشاد احمد آرام به فارسی برگردانده است .

\*\*\*

## بزرگمهر - منوچهر

منوچهر بزرگمهر در سال ۱۲۸۹ هـ ش در تهران زاده شد. دوره ابتدایی و متوسطه را در مدرسه آمریکایی تهران به پایان برد. سپس وارد مدرسه حقوق شد. پس از آن برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت.

پس از بازگشت به ایران در شرکت نفت استخدام شد و در کنار آن به مطالعه و کنکاش در فقه و حقوق اسلامی پرداخت و سپس به فلسفه اسلامی روی آورد.

بزرگمهر بعدها علاقه خاصی به آثار فلسفی نویسندگان بزرگ غرب پیدا کرد و آثاری از آنها را به زبان فارسی برگرداند که از جمله‌ی آنها می‌توان کتابهای زیر را نام برد:

«تحلیل ذهن و مسایل فلسفه» از برتراند راسل، «سه گفت و شنود» و «رساله در اصول علم انسانی» از بارکلی و بخش فلسفه کانت.

دیگر آثار قلمی او عبارتند از:

«فلسفه چیست»، «فلسفه تحلیل منطقی»، «فلاسفه تجربی انگلستان» و «فلسفه نظری» در ۲ جلد.

بزرگمهر پیش از اینها: «از بیرون گوید»، «دیگ جوش قلندر»، «عرفان‌نو و مرقعات صاحب‌دل» و «فلسفه تحلیل منطقی» را نوشته بود.

گفتنی است که صاحب‌دل نام مستعار بزرگمهر بود.

بزرگمهر او آخر عمر به آمریکا رفت. تا روز سه شنبه ۲۷ آبان ماه سال ۱۳۶۵ هـ ش در لوس آنجلس درگذشت.

\*\*\*

## بهار - مهرداد

مهرداد بهار را با کتاب «میراث خوار استعمار» می‌شناسیم. او در آبان ماه سال ۱۳۷۳ ه. ش در مرز ۶۵ سالگی در تهران درگذشت. مهرداد فرزند شادروان ملک‌الشعراى بهار در سال ۱۳۰۸ ه. ش در تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد. سپس به لندن رفت.

پس از فراغ از تحصیل به تحقیق در زمینه تاریخ روی آورد. و مطالعه در زبانهای کهن ایرانی را به عنوان شناخت اساطیر کهن ضروری دانست.

از بهار مقاله‌های فراوان در نشریات ایرانی چاپ و منتشر شده است.

«واژه نامه بندهشن (پهلوی - فارسی)»، «پژوهش در اساطیر ایران»، «درباره قیام ژاندارمری خراسان»، «ادبیات مانوی»، «رستم و دیو سفید» و «جستاری چند در فرهنگ ایران» از دیگر کارهای مهرداد بهار است.

\*\*\*

## بهنام - عیسی

عیسی بهنام باستان‌شناس معروف و نویسنده، در سحرگاه روز جمعه ۹ آذر ماه سال ۱۳۶۳ ه. ش در تهران درگذشت.

بهنام در سال ۱۲۸۵ ه. ش در محله‌ی عودلاجان تهران - محله‌ای قدیمی در تهران که از سرچشمه بالا تا پایین میدان ارک کشیده می‌شد - زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و سپس به فرانسه رفت. پس از بازگشت به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و سپس استاد دانشگاه شد.

بهنام به فرهنگ باستانی ایران علاقه‌مند بود و در اعتلای نام ایران و ایرانی می‌کوشید.

او در این باره کتابهای چندی تألیف کرده‌است که: «راهنمای موزه‌ی ایران باستان»، «راهنمای آثار باستانی پاسارگاد»، «تمدن ایران پیش از شروع تاریخ» و «صنایع اروپا در قرون وسطی» از آن جمله‌اند.



## بی‌ریا - محمد باقرزاده

محمد باقرزاده متخلص به بی‌ریا از شاعران شناخته شده‌ی سرزمین آذربایجان است.

بی‌ریا در سال ۱۲۹۳ ه.ش در تبریز چشم بر جهان باز کرد. تحصیلات ابتدایی را از هفت سالگی آغاز کرد. پس از مدتی به خدمت سربازی فراخوانده شد.

بی‌ریا نخستین شعر طنز گونه‌ی خود را در سربازخانه سرود. پس از مدتی شعر میان سربازان به سرود ملی تبدیل شد. شعر دهان به دهان گشت و سبب شهرت بی‌سابقه‌ی باقرزاده گردید.

بی‌ریا پس از پایان خدمت سربازی به تهران آمد و در اداره‌ی راه‌آهن استخدام شد. در همین سالهای پس از استخدام شعرهای او در مجله‌های دماوند، شعله‌ور، سپید رود، آذربایجان و خاور چاپ و منتشر شد.

شعر بی‌ریا استوار، پر احساس و پر از نکات اجتماعی است. در جنگ جهانی دوم شعرهای انقلابی او در روزنامه‌های آن روز چاپ و منتشر می‌شد.

بی‌ریا در کنار شعر به نمایش‌نامه نویسی نیز روی آورد. بسیاری از نمایش‌نامه‌های او هم‌زمان نوشته و اجرا می‌شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

«چتر باز لار»، «روزنامه اداره سینده» و «ارباب واکینچی». در کنار آن مجموعه شعرهای او نیز با نام «ادبیات صحیفه سی» چاپ و منتشر شد.

بی‌ریا که سالهای سال دور از وطن زیسته بود پس از پیروزی

انقلاب اسلامی به ایران آمد و در حقیقت دیداری با دوستان کرد.  
هم‌زمان با آن ایام مجموعه‌ی دوم شعرهای او با نام «اوره‌ک  
سؤزلری» به همت یحیی شیدا چاپ و منتشر گردید.

بی‌ریا در سال ۱۳۶۳ ه. ش در ایران در گذشت و به خیل رفتگان  
پیوست.

اکنون برای آگاهی از شیوه‌ی کار او غزلی را از دیوان او با هم  
می‌خوانیم:

### غزل ...

سالیبیر آیر یلیغین ای گؤزله بلایه منی  
دچار ائدیب گئجه گوندوز غم و جفایه منی  
سنین امید و صالین همیشه‌ای دلبر  
قویوب زمانه ده حسرت می وصفایه منی  
کنایه‌لی با خیشین هر نظر ده جلوه له نیر  
کنایه‌سا خلا ما، کی ئو ولدور کنایه منی  
دوباره قسمت اولار گول جمالینی گوره رهم  
ئولوم سؤرو کله مه‌سه عالم بقایه منی  
ریاسیز عاشیقینم سندن التماس ائدرهم  
جهاندا ساتماگیلن بعض بی ریایه منی

\*\*\*

## بینش - تقی

تقی بینش استاد دانشگاه به سال ۱۳۰۰ هـ. ش در مشهد چشم به جهان گشود.

پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تحقیق و مطالعه پرداخت.

بینش سردبیری فرهنگ خراسان را به عهده گرفت. او در کنار تألیف و تدریس با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه ایرانیکا و فرهنگستان علوم همکاری داشت. از آثار او می‌توان:

تصحیح مقاصد الالحان و جامع الالحان، رساله بنایی تألیف، تصحیح شرح ادوار عبد القادر مراغی، سه رساله فارسی در زمینه موسیقی، بخش موسیقی دانشنامه علایی ابن سینا، کنز التحف ترجمه از رساله موسیقی اخوان الصفا و تألیف کتاب تاریخ مختصر موسیقی ایران را نام برد.

تقی بینش در سال ۱۳۷۵ هـ. ش چشم از جهان فرو بست.

\*\*\*



## پارسا تويسرکاني - عبدالرحمن

عبدالرحمن پارسای تويسرکاني از شاعران معاصر بود که به شیوه قدیم شعر می گفت .

او در سال ۱۲۸۸ ه. ش در تويسرکان زاده شد . تحصيلات ابتدایی را در همان شهر به پایان برد . و متوسطه را در مازندران و تهران به اتمام رساند . سپس به استخدام فرهنگ در آمد و در مدرسه ی عالی سپهسالار به تدریس پرداخت .

پارسا مدتی مشاور مطبوعاتی نخست وزیری شد و سپس استاد دانشگاه ملی گردید .

پارسا در کنار کار معلمی مدتی مجله بیمه را منتشر کرد و سپس مجله معارف و روزنامه کرمانشاه را مدتی کارگردانی کرد .

پارسا در گرداندگی انجمن ادبی ایران نقش به سزایی داشت . زمانی هم عضو هیأت مدیره فرهنگستان ایران شد .

پارسا به جز شعر گفتن مقاله و مطلب هم می نوشت و کارهای تحقیقاتی نیز انجام می داد . اما از همه ی اینها بالاتر نوشته های طنز گونه او در ادبیات جایگاه خاص دارند . این گونه نوشته ها با نام های گل آقا ، همشهری و ابو پشم چاپ و منتشر می شد .

تصحیح دیوان افسر سبزواری ، تصحیح دیوان رضی الدین آرتیمانی ، تحشیه دیوان عنصری و تصحیح قیصر نامه ی ادیب پیشاوری از کارهای تحقیقاتی او می تواند به شمار رود .

تاریخ تويسرکان نیز از نوشته های اوست . با اینکه نیمی از شعرهای او در مجلات و روزنامه ها و هفته نامه ها چاپ و منتشر شده است دیوان اشعار چاپ شده ندارد .

پارسا در دوم فروردین ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش رخت از این جهان  
بربست .

اکنون غزل یاد او را با یادی از شاعر با هم می خوانیم :

یاد او ...

شکوفه دیدم و یاد جمال او کردم

شگفت خاطر من تا خیال او کردم

هر آن لطیفه که گفتم ز لطف و نزهت گل

چونیک در نگری وصف حال او کردم

فضای تیره طبعم چو روز روشن شد

به دل چو یاد ز صبح وصال او کردم

به لاله و گل و سنبل نهرنگ ماند و نه بوی

چو من حدیث رخ و زلف خال او کردم

ز شوق قامت سرو چمن به رقص آمد

سخن چو از قد با اعتدال او کردم

ز قبیل و قال جهان فارغم به دولت عشق

که عمر صرف به قال و مقال او کردم

هوا خوش است و چمن دلکش است و یار به کام

بیار باد که حالی مجال او کردم

\*\*\*

## پاینده - ابوالقاسم

ابو القاسم پاینده مترجم معروف قرآن در سال ۱۲۸۷ و به قولی ۱۲۹۰ هـ. ش در نجف آباد اصفهان چشم بر جهان گشود. علوم مقدماتی و عربی را در زادگاه خود آموخت. سپس به اصفهان رفت. در حوزه‌های علمی آنجا صرف و نحو عربی، منطق و حکمت، فلسفه اسلامی، فقه، فلسفه یونان و معقول و منقول خواند بعد به تهران آمد.

پاینده در وزارت پست و تلگراف استخدام شد. پس از مدتی به وزارت دارایی منتقل شد. و بعد از آن به خدمت آموزش و پرورش در آمد.

او فعالیت‌های مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۰۸ هـ. ش آغاز کرد. ابتداء روزنامه عرفان را در اصفهان چاپ و منتشر می‌کرد. در همان دوران با شفق سرخ و نشریه ایران همکاری داشت.

پاینده از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۰ هـ. ش مجله صبارا منتشر کرد. مدتی نیز مدیر مجله تعلیم و تربیت شد.

استاد در سال ۱۳۴۴ هـ. ش به نمایندگی از ایران در کنفرانس اسلامی مکه شرکت کرد، و در دوره ۲۱ مجلس شورای ملی از طرف مردم نجف آباد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.

پاینده قلمی شیوا و بیانی رسا دارد و زبان داستانهای او سلیس و روان است. به زبان فرانسه و عربی تسلط کامل داشت.

او در سال ۱۳۳۶ هـ. ش با نثر فصیح و روان خود قرآن مجید را ترجمه کرد و به دریافت جایزه مفتخر گردید.

آثار قلمی پاینده شامل موارد ذیل است:

«در سینمای زندگی»، «جناب آقای دکتر ریش»، «ظلمات عدالت و داستانهای برگزیده»، «در آغوش خوشبختی»، «در جستجوی خوشبختی» از آویسوری، «عشق و زناشویی»، ترجمه «نهج الفصاحة»، ترجمه «تاریخ طبری»، «مروج الذهب» از مسعودی ۲ جلد، «زندگی محمد» از محمد حسین هیکل، «تاریخ سیاسی ایران» از حسن ابراهیم حسن، «تاریخ عرب» از فیلیپ حتی، «التنبیه و الاشراف» از مسعودی، «تمدن اسلامی» ج ۱۱ از تاریخ تمدن ویل دورانت، «علی ابر مرد تاریخ»، «در گوشه دار المجانین»، «مرده کشتان حوزان»، «سخنان محمد»، «اسرار نیک بختی و سیر تکامل عقل نوین» و ... بالاخره استاد ابو القاسم پاینده در ۱۷ شهریور ماه سال ۱۳۶۳ ه. ش به خیل خفتگان خاک پیوست.

روانش شاد و جای او خالی مباد

\*\*\*

## پزشکی - کاظم

کاظم پزشکی شاعر و نویسنده شیرازی در اوایل آذر ماه سال ۱۳۶۴ ه. ش درگذشت .

پزشکی حدود سال ۱۳۰۰ ه. ش در شیراز متولد شد . هم آنجا درس خواند . پس از پایان تحصیلات به محافل ادبی راه یافت . پزشکی در سال ۱۳۲۰ ه. ش روزنامه آینه فارسی را راه انداخت . پس از مدتی به توطئه انگلیسها به زندان افتاد . پس از آزادی راهی تهران شد و هم آنجا به فعالیتهای ادبی خود ادامه داد . بیشتر کارهای او در روزنامه‌ها و مجله‌های آن روزگار چاپ می‌شد . اینک غزلی را از او با هم می‌خوانیم :

### غزل ...

به رخ سیاه چشمان ، نظر از بود گناهی

بگذار تا گناهی ، بکنیم گاه گاهی

همه شب ستاره ریزم ز دو چشم بر کنارم

به خیال چشم مستی ، به هوای روی ماهی

شب و روز در فراق ، ز تو دور بس که نالم

شده دل ز غصه کوهی ، شده تن زرنج کاهی

به خلاف پیش از این پس نگاهی به سوی ماکن

چه شود که خسته‌ای را ، بنوازی از نگاهی

تو ز اشتباه روزی ، قدمی به خانه‌ام نه

که رسد دلی به کامی ، کنی ار تو اشتباهی



دل عاشقان مسکین مشکن بترس از آن دم  
که شبی نیازمندی ، بکشد ز سینه آهی  
نکنم خیال وصلت به دلم ، از آنکه دانم  
نتوان برای سر ساخت ، از این نمد کلاهی  
همه عمر چون پزشکی ، ره عشق و عاشقی رو  
که به عمر خود نیابی ، به از این طریق راهی

\*\*\*

## پژمان بختیاری - حسین

حسین پژمان بختیاری شاعر غزلسرا، در سال ۱۲۷۹ ه. ش در تهران متولد شد. پدرش علیمراد خان میرپنج بختیاری و مادرش ژاله قایم مقامی، نوهی پسر قایم مقام است که شاعره‌ی خوش طبعی بوده و در شعر هجوگونه‌ای که برای شوهرش سروده هنر شاعری خود را نشان داده است.

حسین تحصیلات مرتبی نداشته است. اندک مایه‌ای که اندوخته بوده در جوانی به شعر و شاعری روی آورد تا جایی که در شعر عاشقانه و غزل شاعری، موفق شد.

پژمان پس از فراغ از تحصیل به خدمت وزارت پست و تلگراف در آمد. او شاعری آرام و متین بود. طوری که وقارش جذبه‌ی خاصی به او بخشیده بود.

پژمان در سال ۱۲۹۷ ه. ش همکاری با مطبوعات را آغاز کرد. او زبان فرانسه، عربی و انگلیسی را خوب می‌دانست.

«وفای زن» از کنستان و «رنه» از شاتو بریان به ترجمه او است. به جز این دو، ترجمه بهترین اشعار، دیوان شعر، زن بیچاره، سیه روز و محاکمه‌ی شاعر از کارهای چاپ شده‌ی او است. در کنار اینها کتاب تاریخ پست، تلگراف و تلفن را نیز چاپ و منتشر کرد. دیوان شعر پژمان زیر عنوان خاشاک در زمان حیات شاعر به چاپ رسید.

پژمان در ماه سال رخت به سرای باقی کشید. اکنون زیباترین غزل او را که حسرت عشق نام دارد و بارها به چاپ رسیده است بار دیگر با هم می‌خوانیم:

چاپ رسیده است بار دیگر با هم می خوانیم :

### حسرت عشق ...

در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد  
کس جای درین کلبه ویرانه ندارد  
دل را به کف هر که نهم باز پس آرد  
کس تاب نگهداری دیوانه ندارد  
در بزم جهان جز دل حسرت کش ما نیست  
آن شمع که می سوزد و پروانه ندارد  
گفتم مه من از چه تو در دام نیفتی  
گفتا چه کنم دام شما دانه ندارد  
ای آه مکش زحمت بیهوده که تأثیر  
راهی به حریم دل جانانه ندارد  
در انجمن عقل فروشان نفهم پای  
دیوانه سر صحبت فرزانه ندارد  
تا چند کنی قصه ز اسکندر و دارا  
ده روزهی عمر این همه افسانه ندارد

\*\*\*



## پژوم - احمد

احمد پژوم شاعر سمنانی در سال ۱۲۸۰ ه. ش در سمنان چشم  
بر جهان گشود.

از دوره جوانی به شعر روی آورد. وی علاقه وافری بر  
گردآوری اثر و آثار بزرگان شعر و ادب داشت.

هجا و طنز لطف خاصی به شعرهای او بخشیده است. او آخر عمر  
شاعر در عزلت گذشت تا در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۷ ه. ش چشم  
از جهان فرو بست. گرچه ضعف بینایی این موهبت را پیشاپیش به  
او هدیه کرده بود.

\*\*\*



## پورحسینی - سید ابوالقاسم

سید ابو القاسم پور حسینی در سال ۱۲۹۹ هـ. ش در کرمان پا به عرصه هستی نهاد. پس از اتمام دوره‌ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشسرا شد. پس از فراغ از تحصیل شغل معلمی را برگزید. پور حسینی در سال ۱۳۳۷ هـ. ش به تهران آمد. چند سال بعد وارد دانشگاه تهران شد.

پس از اخذ دکترای فلسفه در همان جا به تدریس پرداخت. پور حسینی شاعری شیرین سخن بود. دو بیتی‌ها و قصاید او معروف است. اما او را بیشتر به عنوان مترجم آثار فلسفی می‌شناسند و آثار چاپ‌شده پورحسینی عبارتند از:

کتاب اخلاق نیکو ماخوس از ارسطو، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق از مسکویه، سلامان و ابسال از ابن سینا، فلسفه رواقی و اپیکوریان، فراسوی تناقض، نمط نهم اشارات ابن سینا و شروح خواجه نصیر و فخر رازی و مشارب عمده اخلاق. پور حسینی مدتی نیز در کرمان روزنامه روح القدس را چاپ و منتشر می‌کرد.

سید ابوالقاسم در روز پنجشنبه ۲۷ آذر ماه سال ۱۳۶۵ هـ. ش در شهداد کرمان بدرود زندگی گفت. بنا به وصیت او جنازه‌اش در جوار مرقده امام زاده زید به خاک سپرده شد.

**ای دوست ...**

هرگز نرفته از نظرم نقش روی دوست  
فارغ نبوده‌ای، دمی از آرزوی دوست

هر رشته‌ای ز بند علایق گسسته شد  
ما مانده‌ایم و بند دل و تار موی دوست  
رسوا شدن به مذهب ما، عین آبروست  
ترسم ز آب دیده رود آبروی دوست  
دست قدر به طالع ما سنگ می‌زند  
ورنه به پای چشم روم سوی کوی دوست  
دل را چه ارج گر نکشد رنج دوستی  
لب را چه سود گر نکند گفتگوی دوست  
غوغای عشق می‌کشدم خوش به کوی یار  
سودای وصل می‌بردم خوش به سوی دوست  
واصل به چشم خلق به ما می‌کند نظر  
ای جان من فدای تو و خلق و خوی دوست

\*\*\*

## پیرنیا - حسین

حسین پیرنیا استاد دانشگاه تهران و اقتصاددان صاحب نظر در سال ۱۲۹۴ ه. ش در تهران به جهان آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت. و در مدرسه پلی تکنیک پاریس به تحصیل پرداخت. پس از ۵ سال به انگلستان رفت و از دانشگاه کمبریج در رشته اقتصاد دکترا گرفت. پس از آن به ایران بازگشت و در دانشکده حقوق به تدریس پرداخت.

او در تأسیس مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی، و دانشکده اقتصاد سهم به سزایی دارد.

پیرنیا در زمینه‌ی اقتصاد صاحب تألیفات و ترجمه‌هایی است که از آن جمله‌اند:

«مالیه عمومی»، «تفکر علمی و توسعه اقتصادی و اجتماعی»، «ده سال کوشش در راه حفظ و بسط حقوق ایران»، «عقاید بزرگترین علمای اقتصاد» از جورج ساو، «اقتصاد» از ساموئلسن، «ریاضیات تحلیلی برای اقتصاد» از آر - جی - دی - آلن.

حسین پیرنیا در اواخر آبان ماه سال ۱۳۷۲ ه. ش درگذشت.

\*\*\*

## پیرهاشمی - تیمور

تیمور پیرهاشمی در ۲۲ مهر ماه سال ۱۲۹۹ ه. ش در اردبیل پا به عرصه هستی نهاد.

دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را هم آنجا گذراند.

پیرهاشمی از همان دوران تحصیل در دبیرستان به ادبیات آذربایجان علاقه مند شد.

در سال ۱۳۲۸ ه. ش شغل معلمی را انتخاب کرد و راهی خوزستان شد. پس از مدتی خدمت در همان جا به تهران منتقل گردید. ضمن خدمت به نونهالان وطن وارد دانشگاه شد. لیسانس گرفت و همچنان با علاقه کار خود را دنبال کرد تا در سال ۱۳۵۵ ه. ش بازنشست شد.

پیرهاشمی فعالیت‌های ادبی خود را با روزنامه جودت آغاز کرد، سپس سرمقاله نویس روزنامه توجه شد. و در کنار آن با دیگر مجله‌ها نیز همکاری داشت.

گرامر زبان ترکی آذری چاپ دانشگاه تبریز از آثار اوست.

پس از انقلاب اسلامی از همکاران قلمی مجله وارلیق گردید. این فعالیت ادامه داشت تا روز شنبه ۶ اسفند ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش در سن ۶۸ سالگی در اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت.

اکنون شعر کوتاهی از او به عنوان نمونه کار شاعری او با هم

می خوانیم:

پیریشا نچیلیق ، سوپریشانه وار

الینده نه قدر ، ای پری شانہ وار

منی ئولدورر عاقبت درد یار

خَدَنگ جَفایه مَنی وردی یار  
مَنی یا نَدیران فلفل خالی دیر  
نِه دیم، کیم وفادن دلی خالی دیر  
اگر دوشسه نامرد الینه کسه ر  
یثراوزره بوتون مرد نسلین کسه ر

\*\*\*



## پیمان - جواد

جواد پیمان نویسنده و روزنامه‌نگار حدود سال ۱۳۱۰ ه. ش در مراغه چشم بر جهان باز کرد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان برد و سپس به تبریز آمد. پیمان در آغاز جوانی، همراه پدرش که هم روزنامه‌نگار بود روزنامه‌ی مهد آزادی را در تبریز چاپ و منتشر می‌کرد. پس از انقلاب اسلامی روزنامه فروغ آزادی را جایگزین آن کرد. در این روزنامه صفحه‌ای اختصاصی به زبان و ادبیات ترکی داده شد و بسیاری از مقالات و اشعار ترکی در آن چاپ و منتشر گردید. ترجمه «خداوندگار مگسها» از ویلیام کلدینگ در سال ۱۳۵۱ ه. ش و ترجمه «گرگ دریا» از جک لندن از اوست. پیمان در اسفند ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش درگذشت.

\*\*\*



## تفضلی - محمود

نام محمود تفضلی همیشه با سرزمین هند همراه است. او در سال ۱۲۹۸ ه. ش در مشهد زاده شد.

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مشهد، و دوره‌ی دانشسرای عالی را در تهران به پایان برد.

پس از آن شغل معلمی را برگزید و دبیر دبیرستان البرز و دیگر دبیرستانهای تهران گردید. تا بعدها که به مقام استادی رسید.

تفضلی از سال ۱۳۲۱ ه. ش فعالیت‌های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. با روزنامه‌های نبرد و ایران‌ما همکاری داشت. مدتی نیز سردبیر و صاحب امتیاز روزنامه تلاش شد.

تفضلی به زبانهای انگلیسی و عربی آشنا بود. در نویسندگی استعداد قابل توجهی داشت.

تفضلی شش سال رایزن فرهنگی ایران در هند شد و سپس مستشار فرهنگی سفارت کبرای هند در ایران گردید. او سالها در کشورهای هند، نپال، ترکیه، یونان و یوگسلاوی به کارهای فرهنگی و مطبوعاتی مشغول بود که حاصل این همه گشت و گذار را در کتابهای او می‌توان دید که:

«نگاهی به تاریخ جهان» در ۳ جلد، «زندگانی من»، «کشف هند»، «روابط ایران و هند»، «اندیشه‌های نهرو»، «نامه‌های پدری به دخترش» و «میعاد یا سرنوشت» از نهرو، «حقیقت من» از ایندیرا گاندی، «همه‌ی مردم برابرند» از مهاتما گاندی، «زندگی بتهوون»، «آثار شاندرپتوفی»، «اتوبیوگرافی فرانکلین»، «شوپن یا شاعر»، «نامه‌های تیر باران شده‌ها»، «فقیرها»، «روابط ایران و هند در زمان



گورکانیان»، «تاریخ دریانوردی» و «سفری به مسکو» در ترجمه، و  
«دوستی - دوستی»، «مصدق، نفت و کودتا» و «زندگی و خاطرات  
خلعت بری» در تألیف می‌تواند در این شمار به حساب آید.

تفضلی دست آخر به زادگاه خود بازگشت. تا در ۴ مهر ماه سال  
۱۳۶۳ ه. ش در اثر حادثه‌ی رانندگی در راه مشهد - نیشابور جان  
خود را از دست داد.

در لحظات پایانی زندگی به صراحت گفت: مرگ شیرین است و  
به زودی همه چیز تمام خواهد شد.

در پایان گفتنی است که تفضلی گاهی که از ترجمه خسته می‌شد  
به شعر پناه می‌برد و شاهد بر این ادعا غزلی است که با هم  
می‌خوانیم:

### غزل ...

بیا که از غم هجر تو شکوه‌ها دارم  
بیا که بی تو من از عمر خویش بیزارم  
ز جان سوخته‌ام کس شکایتی نشنید  
زبان شکوه ندارد دلی که من دارم  
بهار و سبزه و گلهای نوشگفته باغ  
چو روی دوست نبینم دهند آزارم  
در آسمان سیاهم ستاره‌ای ندیدم  
سپیده‌ی سحری، نیست در شب تارم  
درون مَحَبَس شبهای تار تنهایی  
به هر طرف نگرم روی دوست پندارم  
هزار قصه ز پروانه گفت شمع و هنوز

نشان خواب نیامد به چشم بیدارم  
در انتظار تو جانم به لب رسید بیا  
بیا که گر تو نیایی به جان رسد کارم

دهلی مهر ۱۳۴۱

\*\*\*



## تهرانی - سید جلال

سید جلال تهرانی را همه مرد سیاست می‌شناسند. او در سال ۱۲۷۷ ه. ش در مرند زاده شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی به فرانسه و سپس به بلژیک رفت.

تهرانی در نجوم و ریاضیات مطالعات فراوان داشت و در این باره کتابهایی تألیف کرده‌است.

او در کالج نجوم بروکسل به تدریس پرداخت. پس از مدتی به ایران آمد. در دومین کابینه قوام وزیر مشاور شد. بعد سمت وزیر پست و تلگراف یافت و سپس وکیل مجلس سنا شد. زمان مصدق به استانداری خراسان رسید و بعد از آن سفیر ایران در بلژیک بود.

سید جلال در آخرین روزهای حکومت شاه به ایران آمد. از طرف شاه رئیس شورای سلطنتی شد و سپس شرایط خروج شاه را از ایران فراهم کرد و بعد به خدمت امام رسید و از ریاست شورای سلطنتی استعفا داد و به ورسای برگشت.

سید جلال تا آخرین روزهای عمر در ورسای اقامت گزید تا در سال ۱۳۶۷ ه. ش در همان‌جا درگذشت. بنا به وصیت خود جنازه‌اش به مشهد آورده شد و کنار مادرش به خاک رفت.

\*\*\*

## تهرانی - میرزا جواد

میرزا جواد آقاتهرانی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در تهران و علوم دینی و فلسفه را در نجف اشرف فراگرفت. تهرانی در سال ۱۳۲۰ ه. ش به مشهد مقدس عزیمت کرد و در آنجا به تدریس پرداخت.

از تألیفات او می‌توان:

«اصول و عقاید»، «عارف و صوفی چه می‌گوید»، «میزان المطالب»، «رد بر کسروی»، «بررسی پیرامون اسلام»، «بهایبی چه می‌گوید»، «فلسفه بشری و اسلامی» و «آیین زندگی در اخلاق اسلامی» را نام برد.

حضرت آیت‌اله حاج میرزا جواد آقاتهرانی در اول آبان ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش به رحمت ایزدی پیوست.

\*\*\*

## توللی - فریدون

فریدون توللی پرچمدار شعر قدیم ایران در سال ۱۲۹۶ ه. ش در دهویه‌ی شیراز پا به عرصه‌ی هستی گذاشت. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شیراز، به تهران آمد و وارد دانشگاه شد.

او در سال ۱۳۲۰ ه. ش در رشته باستان‌شناسی درجه لیسانس گرفت و به شیراز برگشت و رئیس اداره‌ی باستان‌شناسی استان فارس گردید. در سالهای آخر عمر در دانشگاه شیراز برای تدریس دعوت شد.

فریدون از دوران جوانی به شعر و شاعری روی آورد و در سالهای بعد از ۱۳۲۰ ه. ش در ردیف آزادیخواهان انتقادگر قرار گرفت و شعرها و مقاله‌های انتقادی از اوضاع و دفاع از آزادی چاپ و منتشر کرد.

نخستین اثر او به شعر و نثر در آمد که «التفصیل» نام داشت. او در این کتاب زبان طنز ملایم را در نوشته‌ها و سروده‌های کتاب به کار گرفت.

توللی در تهران با نیما آشنا شد و نظریه‌های او را پذیرفت و در حقیقت با نیما راه افتاد و کتاب «رها» و تا اندازه‌ای نافه مجموعه‌ی شعرهای نو او را شامل می‌شود.

در مقدمه رها در دفاع از شعر نو حرفهای تازه‌ای زد.  
اگر روزی شاملو گفت:

نه فریدونم

نه ولادمیرم، که گلوله‌ای نهاد نقطه وار بر پایان جمله‌ای که



مقطع تاریخش بود

نه بر می‌گردم و نه می‌میرم

اشاره به این مطلب است که فریدون رفیق نیمه راه شد. هم در سیاست راه را کج کرد و گفت:

ترسم ز فرط شعبده چندان خرت کنند

تا داستان عشق وطن باورت کنند

و هم در شعر که نیما را تنها گذاشت. نیمایی که فریدون نام او را در چهره‌ی دختر خود می‌دید.

کتابهای دیگر او:

«پویه»، «شگرف»، «کاروان»، «التفاسیر» نام دارند که به شیوه و اسلوب شعر قدیم و نثر کهن ساخته و پرداخته شده‌اند.

به جز اینها که بر شمرديم کتاب «عجایب القضايب» و رساله‌ی تحقیقی «مینیاتور در ایران» از دیگر کارهای فریدون است. این شاعر گمشده در غبار زمان که زمانی گفته بود:

در این کویر تشنه نشان قدم کجاست

راهی که خواندم به حریم حرم کجاست

پس از آن صفای زندگی را در خلال کلمات و ترکیبات خوش آهنگ و زلال می‌جست و عاشقانه‌های دل‌انگیز و شفاف می‌سرود تا در سال ۱۳۶۴ ه. ش رخت از این جهان به سرای باقی کشید.

اکنون یکی از عاشقانه‌های او را با نام عشق رمیده با هم

می‌خوانیم:

عشق رمیده ...

در پای آن چنار کهن کز بسی زمان

سر بر کشیده یگه و تنها میان دشت  
عشقی رمیده رفته ز افسردگی به خواب  
غمگین ز سرگذشت

غوغا کنان گروه کلاغان به شامگاه  
سوی درخت گمشده پرواز می کنند  
پر می زنند و از پی خواب شبانگهان  
آواز می کنند

شب می رسد گرفته و سنگین نفس ز دور  
سو سو کنان ستاره نظر می کند به خاک  
و اندر سکوت شامگهان ژرف حالتی است  
آرام و سهمناک

گهگاه از میان یکی ابر تیره رنگ  
برقی به چشم می رسد از کوهسار دور  
و ز گوشه‌ی سیاه یکی دخمه سایه‌ای  
سر می کشد ز گور

آنجا کنار قلعه‌ی ویران دور دست  
افروخته است دختر شبگرد آتشی  
او خود به خواب رفته و نالان به گرد او  
روح مشوشی

باد از فراز کوه ، خروشان و تند خیز  
می افکند به خاک ، چنار خمیده را  
می پیچدش به شاخه و بیدار می کند  
عشق رمیده را

\*\*\*

## ثقفی تهرانی - میرزا محمد

میرزا محمد ثقفی تهرانی در سال ۱۲۷۱ ه.ش ولادت یافته است. پس از تحصیل مقدماتی از ادبیات، سطوح فقه و اصول را پیش آقا میرزا کوچک و آقا شیخ آقابزرگ آموخت. پس از آن به قم رفت و رسید آنجا که رسید.

آیت‌الله حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی کتابهایی نوشته است که از آن جمله‌اند:

«حواشی بر مکاسب»، «حاشیه بر سیوطی»، «حاشیه بر منظومه حاجی سبزواری» و «روان جاوید».

ثقفی تهرانی در شعر و شاعری نیز دست داشته است. حاج میرزا محمد در ۱۸ مرداد ماه سال ۱۳۶۴ ه.ش به ملکوت اعلی پیوست.

\*\*\*





## جاوید - سلام‌اله

دکتر سلام‌اله جاوید حدود سال ۱۲۸۱ ه. ش در خلخال چشم به جهان گشود.

تحصیلات مقدماتی و ابتدایی را در همان شهر به پایان برد. سپس به باکو رفت. تحصیلات خود را ادامه داد تا درجه دکترا در طب گرفت و به ایران آمد. در ایران به طبابت پرداخت و در کنار آن کتابهایی در این زمینه نوشت که «راهنمای بهداشت و معالجه»، «استعمال دخانیات و سرطان»، «گلچهره چرامرد» (خطر دیفتری)، «تراخم و عوارض آن» و «راهنمای پرورش کودکان» از آن جمله‌اند.

در سال ۱۳۲۴ ه. ش در حکومت پیشه‌وری وزیر کشور شد. پس از بر افتادن حکومت پیشه‌وری از طرف دولت مرکزی به استانداری آذربایجان منصوب گردید.

شاهکار دکتر جاوید «صداقت» او بود. سال ۱۳۲۵ ه. ش از طرف دولت مرکزی به دادگاه کشیده شد و زندانی گردید. چون خیانتی بر او ثابت نشد مورد بخشش قرار گرفت.

دکتر جاوید از آن به بعد سیاست را برای همیشه کنار گذاشت و در خانه کوچک خود در خیابان شاپور که هم مطب او بود به طبابت و در کنار آن به گردآوری فرهنگ مردم آذربایجان پرداخت که کتابهای «خودآموز زبان آذربایجانی»، «آذربایجان دیل بیلگیسینه قایدالار» و «نمونه‌های فولکلور آذربایجان» در ۲ جلد از آن جمله‌اند. و در کنار آن «صفحات مصور از تاریخ مشروطیت ایران» و «دو قهرمان آزادی» را نیز چاپ و منتشر کرد.

دکتر جاوید چون آلوده‌ی سیاست شده بود در دوره سپهبد



زاهدی نیز به زندان رفت و باز هم به زودی آزاد گردید .  
این پیر پاکدل در آبان ماه سال ۱۳۶۵ هـ . ش در تهران در خانه  
محقر خود در حالی که دوستان صاحب قلم دور او را گرفته بودند  
دار فانی را وداع گفت . جنازه به تبریز حمل گردید و با تشییع  
شاعران و نویسندگان آن سامان در وادی رحمت به خاک سپرده شد .  
شهریار در رثای او گفت :

دنیا عوض دگیشدی	هئیا وئرن نارآلی
آمما منیم قلبیمده	گئنین یئرین دارآلی
دکتر جاویده گئتدی	یارالی یام یارالی
آمما اجل قاباغین	نه بئل نه بئلدار آلی
قارا بخت داغا چیخسا	داغین باشین قارآلی

\*\*\*

## جزایری - سید شمس‌الدین

سید شمس‌الدین جزایری در سال ۱۲۸۳ ه. ش متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به دار الفنون رفت. پس از آن به مدرسه علوم سیاسی راه پیدا کرد. پس از فراغ از تحصیل به معلمی پرداخت

جزایری برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. پس از اخذ دکترای حقوق به ایران بازگشت و در دانشکده حقوق به تدریس دروس مالی، اقتصاد، سیاست، حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی پرداخت. جزایری پس از ۴۲ سال کار فرهنگی و آموزشی بازنشست شد. دکتر سید شمس‌الدین جزایری در زمینه حقوق مالی و قوانین محاسباتی دارای تألیفات است.

این استاد بزرگ در اواخر مهر ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش در ۸۷ سالگی درگذشت.

\*\*\*

## جعفری - محمد تقی

استاد فرزانه و انسان آزاده محمد تقی جعفری در سال ۱۳۰۴ هـ. ش در تبریز چشم بر جهان گشود. او دوره‌ی ابتدایی را در دبستان اعتماد تبریز خواند سپس به مدرسه‌ی طالبیه راه یافت. پس از تکمیل معلومات به تهران آمد. وارد مدرسه‌ی مروی شد. هم آنجا از محضر استادان بزرگی چون میرزا مهدی آشتیانی بهره‌ها برد سپس عازم قم شد. استاد در سال ۱۳۲۷ هـ. ش به نجف اشرف رفت. در مدرسه‌ی صدر رحل اقامت افکند. پس از اتمام دروس تکمیلی به فلسفه روی آورد. اندیشه‌های شرق و غرب را مورد مطالعه قرار داد. پس از آن خود در مسند تدریس نشست. آیت‌اله محمد باقر صدر از شاگردان اوست. استاد پس از مدتی به قم رفت، از آنجا به مشهد و از آنجا به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی به تدریس پرداخت. پس از آن به ایراد سخنرانی‌های پر بار در دانشگاهها پرداخت. در همان اوقات استاد فروزانفر برای تدریس در دانشگاه از او دعوت کرد و استاد به سبب گرفتاریهای تدریس و تألیف دعوت فروزانفر را نپذیرفت. استاد به مولانا جلال‌الدین عشق و علاقه‌ی خاصی داشت. «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی» در ۱۵ جلد، «مولوی و جهان بینی‌ها»، «عوامل جذابیت سخنان مولانا» و «از دریا به دریا» در ۴ جلد مؤید این عشق بی‌ریای اوست. می‌گویند استاد هر وقت به تبریز می‌رفت خدمت دوست

بزرگوارش عبدالله واعظ می‌رسیده و از محضر او فیض‌ها می‌برده است.

استاد متجاوز از ۷۰ جلد کتاب از تألیف و تحقیق دارند که:  
«ارتباط انسان و جهان» در ۳ جلد، «وجدان»، «جبر و اختیار»،  
«آفرینش انسان»، «علم در خدمت انسان»، «طبیعت و ماورای  
طبیعت»، «اخلاق و مذهب»، «نیایش حسین در عرفات»، «انسان  
در افق قرآن»، «نقد و بررسی برگزیده‌ی افکار راسل»، «نگاهی به  
امام علی»، «مجموعه‌ی مقالات»، «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه» در  
۲۶ مجلد، «فلسفه و هدف زندگی»، «حیات معقول»، «تحلیل  
شخصیت خیام»، «حکمت اصول سیاسی در اسلام»، «بقا در قرن  
بیست و یکم»، «سرگذشت اندیشه‌ها»، «تکاپوی اندیشه‌ها»،  
«عرفان اسلامی و فلسفه‌ی دین» در ۲ جلد از آن جمله‌اند.

استاد بزرگوار روز دوشنبه ۲۵ آبان ماه سال ۱۳۷۷  
ه. ش در مرز ۷۳ سالگی در یکی از بیمارستانهای لندن به بیماری  
سرطان و سکتته‌ی مغزی دار فانی را وداع گفت و به خیل خفتگان  
خاک پیوست.

پیکر پاک استاد روز پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۳۷۷ از جلو دانشگاه  
تهران تشییع و بنا به وصیت او در مشهد مقدس به خاک سپرده شد.

روانش شاد باد.



## جمال زاده - سید محمدعلی

جمال زاده را پایه گذار سبکی نو در ادبیات معاصر می دانیم . سید محمدعلی فرزند سید جمال الدین واعظ اصفهانی است . او در سال ۱۲۷۴ هـ . ش در اصفهان متولد شد . پس از تحصیلات مقدماتی در ۱۳ سالگی برای ادامه تحصیل به بیروت رفت . در همان روزهای اول ورود به بیروت خبر به توپ بسته شدن مجلس را می شنود و به دنبال آن کشته شدن مشروطه خواهان به دست ایادی محمدعلی شاه به گوش او می رسد و دست آخر کشته شدن پدر خود به دستور داماد محمدعلی شاه او را حیرت زده می سازد . سید محمدعلی که این مرگ افتخار آفرین را می شنود با کروات قرمز بین مردم ظاهر می شود .

پس از آن جمال زاده به سویس و فرانسه رهسپار شد . پس از چندی از دانشگاه دیژون فرانسه دانشنامه علم حقوق گرفت . در سال ۱۳۰۰ هـ . ش به برلن رفت و از همکاران نزدیک مجله کاوه شد که به مدیریت تقی زاده چاپ و منتشر می شد .

شبی اولین داستان خود را که فارسی شکر است نام دارد در حضور تقی زاده و محمد خان قزوینی خواند و سخت مورد تشویق قرار گرفت . بعد مجموعه چند داستان خود را با همین نام چاپ و منتشر کرد و این کتاب سبب شهرت جهانی جمال زاده گردید . پس از آن یکی بود یکی نبود را چاپ کرد که شیوهی تازه ای در داستان نویسی بود . دیگر آثار جمال زاده عبارتند از :

«راه آب نامه» ، «غیر از خدا هیچ کس نبود» ، «تازه ها و کهنه ها» ، «مجموعه مقالات جدید» ، «قصه های کوتاه برای بچه های ریشدار» ،

«کشکول جمالی»، «چننه جمالی»، «معصومه دختر شیرازی»، «قصه قصه‌ها»، «قصه ما به سر رسید»، «جنگ ترکمن»، «هفت کشور»، «کهنه و نو»، «قنبر علی»، «قصه‌های کوتاه»، «صحرای محشر»، «سر و ته یک کرباس» در ۲ جلد یا «اصفهان‌نامه»، «قلتش دیوان»، «هزار بیشه»، «صندوقچه اسرار»، «آسمان و ریسمان»، «مرکب محو»، «دار المجانین»، «عمو حسینعلی»، «نمک گندیده» و «لغات عامیانه» که هر یک برای خود دنیایی از زیباییهاست.

جمال زاده پس از عمری قلم زدن بالاخره قصه‌اش به پایان رسید و در روز دوشنبه ۱۹ آبان ماه سال ۱۳۷۶ ه. ش در صد و یک سالگی در ژنو با دنیای داستانهای خود وداع گفت و بالاخره کروات قرمز را برای باز ماندگان خود باقی گذاشت.

\*\*\*

## جنتی عطایی - سعید

سعید جنتی عطایی در سال ۱۳۲۱ ه. ش در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در فرانسه به پایان برد و سپس به ایران برگشت. دوره‌ی دبیرستان را در مدرسه رازی گذراند و بعد وارد دانشگاه شد. پس از اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته زبان فرانسه به ترجمه و تألیف روی آورد، تا جایی که به خاطر نوشته‌های خود جایزه لاروس و انستیتوی دانشگاهی پاریس را به دست آورد.

جنتی در ۱۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۱ ه. ش به دنبال یک بیماری طولانی درگذشت.

\*\*\*



## جهانبگلو - منوچهر

منوچهر جهانبگلو موسیقی شناس معروف ایرانی در پنجشنبه ۱۵ آذر ماه ۱۳۶۹ ه. ش در مرز ۶۲ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت.

این موسیقی شناس ادیب در سال ۱۳۰۷ ه. ش متولد شد و پس از به پایان بردن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و بالاخره به اتریش رفت و دکترای موسیقی از دانشگاه اتریش گرفت و به ایران بازگشت.

جهانبگلو که از شاگردان مکتب ابوالحسن خان صبا به حساب می آمد شاگردان زیادی را خود تربیت کرد. کتاب معروف او «آموزش سنتور» نام دارد که از کتابهای به یاد ماندنی موسیقی و ادب معاصر ایران است.

\*\*\*

## جهانشاهی - ایرج

ایرج جهانشاهی نویسنده‌ی ادبیات کودک و ویراستار معروف در شامگاه شنبه ۲۹ تیر ماه ۱۳۷۰ ه. ش بی‌هیچ عارضه‌ای دیده از جهان فرو بست.

جهانشاهی در اول اسفند ماه ۱۳۰۶ ه. ش در تهران متولد شد. دوره ابتدایی و متوسطه را در ملایر و اهواز به پایان برد و سپس به تهران آمد. در سال ۱۳۳۸ ه. ش از مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی فوق‌لیسانس گرفت.

ایرج برای مطالعه در زمینه‌ی ادبیات کودک به آمریکا رفت و پس از گذراندن آن دوره به ایران آمد و در آموزش و پرورش به خدمت مشغول شد.

جهانشاهی مدیریت مرکز انتشارات آموزشی آموزش و پرورش را که همان مجله‌های پیک باشد به عهده گرفت. هفت نشریه زیر نظر او سالهای سال چاپ و منتشر شد. پس از انقلاب اسلامی به کارهای اختصاصی خود پرداخت.

راهنمای نویسنده و ویراستار کتابچه‌ی با ارزشی است از جهانشاهی و از اوپ در کلاس درس به ترجمه‌ی او چاپ و منتشر شده است. به جز اینها جهانشاهی سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگنامه کودکان و نوجوانان شورای کودک را نیز به عهده داشته است.

\*\*\*

## چاووشی - میرمهدی

میرمهدی چاووشی از شعرای ترکی گوی تبریز در سال ۱۲۸۶ ه. ش در تبریز زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شمس به پایان برد. سپس به دنبال تأمین معاش به کارگری روی آورد. در ۱۷ سالگی پدر را از دست داد. خود تنها به کار پرداخت تا آنکه گشایشی در زندگی او پدید آمد. سپس به تکمیل معلومات پرداخت و به شعر روی آورد.

میرمهدی چاووشی در سال ۱۳۵۷ ه. ش درگذشت.

اکنون شعر دیلمی را از این شاعر خود ساخته با هم می خوانیم:

### دیلمی ...

ثبت اندیب صفحہی تاریخیده، دوران دیلمی  
ساخلا یبیدیر بیلین، هر عصرده تابان دیلمی  
بیر چیراقدیر کی اونو، یاندیریب اولده زمان  
سؤندورنمهز اولا، گرمین کره توفان دیلمی  
نچه مین ایلدی کی، دنیا تانیر اودلار وطنین  
دانا بیلمهز با خاکیم، تاریخه هر آن دیلمی  
شاه اسماعیله خلقیم نه اوچون حرمت اندیر؟  
چون رواج وثر میشیدی عصره، او سلطان دیلمی  
قوی گل آپسین آنایوردوم اونا گولسین بوائلیم؛  
ایله سین عشقیله قوی ایندی، گلستان دیلمی

\*\*\*

## چوبک - محمدصادق

محمدصادق چوبک از پایه گذاران داستان نویسی در ادبیات معاصر ایران بود. او در سال ۱۲۹۵ هـ ش در بوشهر به دنیا آمد. پدرش از تاجران معروف بوشهر بود. صادق چوبک کلاسهای ابتدایی و دبیرستان را در بوشهر و شیراز گذراند سپس به تهران آمد و در کالج آمریکایی اسم نوشت. پس از فراغ از تحصیل به داستان نویسی روی آورد.

نخستین مجموعه داستانهای کوتاه او با نام «خیمه شب بازی» در سال ۱۳۲۴ هـ ش چاپ و منتشر شد. این کتاب نام او را بر سر زبانها انداخت. در حقیقت چوبک، هدایت و جمال زاده سه رکن اصلی در پایه گذاری ادبیات نو در نسل معاصر به حساب می آمدند.

موضوع بسیاری از داستانهای او برگرفته از زندگی مردم طبقات پایین جامعه است. چوبک از طبقه خود نبرید ولی به مردم فقیر و دردمند و گرفتار توجه خاصی داشت. مسایل حسی و عاطفی و جنسی در داستانهای او جایگاه خاصی دارد. دیگر آثار قلمی او عبارتند از: «چراغ آخر»، «انتری که لوطیش مرده بود»، «سنگ صبور»، «روز اول قبر»، «آه انسان»، «مهیپاره های هندی» و «تنگسیر» که آخری به صورت فیلم هم در آمد. به جز اینها «آدمک حصیری» را از کار لوکولودی و «توپ لاستیکی» و «غراب» را از ادگار آلن پو ترجمه کرده است. نام دیگر آدمک حصیری، آدمک چوبی (پینوکیو) هم آمده است.

چوبک از سالهای قبل از انقلاب به آمریکا رفت، و در اواخر عمر به ضعف بینایی گرفتار شد تا در تیر ماه سال ۱۳۷۷ هـ ش در شیگاگوی آمریکا در مرز هشتاد و دو سالگی درگذشت.

## حالت - ابوالقاسم

ابوالقاسم حالت مترجم، شاعر و فکاهی نویسنده معاصر در سال ۱۲۹۴ ه. ش در تهران چشم به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تکمیل زبان انگلیسی و عربی همت گماشت. پس از اتمام تحصیلات به استخدام شرکت ملی نفت ایران در آمد تا در سال ۱۳۵۲ ه. ش بازنشست شد.

حالت از پشت نیمکت کلاس زبان به شعر گشود. در ۱۵ سالگی به انجمن‌های ادبی راه پیدا کرد. کارش را با شعرهای طنز گونه آغاز کرد و خیلی زود نامش بر سر زبانها افتاد.

می‌گویند بحر طویل در ادب فارسی از بدعتهای اوست. حالت جذب هفته‌نامه‌ی توفیق شد. پس از مدتی توفیق زیر نظر او چاپ و منتشر می‌شد. حالت تا این اواخر عضو هیأت تحریریه گل آقا بود. گفتنی است که سراینده نخستین سرود جمهوری اسلامی ایران ابوالقاسم حالت است.

کتابهای چاپ شده‌ی او در زمینه‌ی طنز عبارتند از:

«دیوان شعر»، «پروانه و شبنم»، «گلزار خنده»، «فکاهیات حالت» در ۲ جلد، «دیوان ابو العینک»، «دیوان شوخ»، «دیوان خروس لاری»، «بحر طویل‌های هدهد میرزا»، «عیالوار»، «رقص کوسه» و «مقالات طنز» در ۸ جلد.

در زمینه‌ی نوشته‌های جدی می‌توانیم به:

فروغ بینش، شکوفه‌های خرد، راه رستگاری، کلمات قصار علی بن ابیطالب، کلمات قصار حسین بن علی و دختران پیغمبر سخن می‌گویند اشاره کنیم.

حالت به جز اینها در ترجمه نیز کتابهایی به چاپ رسانده است که از جمله تاریخ فتوحات مغول، تاریخ تجارت، ناپلئون در تبعید، زندگی من از مارک تواین، ترجمه کامل ابن اثیر، زندگی بر روی می سی سی پی، پیشروان موشک سازی، بهار زندگی، جادوگر شهر زمرد و بازگشت به شهر زمرد است.

حالت به جز اینها کتابی هم در زمینه‌ی تذکره، زیر عنوان تذکره‌ی شاهان شاعر هم تهیه و تدوین و چاپ کرده است. ابوالقاسم حالت در سوم آبان ماه سال ۱۳۷۱ ه. ش بر اثر سکته‌ی قلبی در بیمارستان ایران مهر، در مرز ۷۳ سالگی، چشم از جهان فرو بست. جنازه‌ی او از برابر تالار وحدت تشییع شد. اکنون برای حسن ختام غزلی از حالت را با هم می‌خوانیم:

### آفریده‌اند ...

گویی هر آنچه درد و بلا آفریده‌اند  
تنها به خاطر دل ما آفریده‌اند  
صاحب‌دل اختیار دل خود نداشته‌است  
تا دلبران ماه لقا آفریده‌اند  
در هیچ گوشه بهر نکوکار جای نیست  
اهل صواب را به خطا آفریده‌اند  
رخسار دلکش و لب شیرین و چشم مست  
بهر فریب خلق خدا آفریده‌اند  
کس یک زمان به درد دل ما نمی‌رسد  
ما را در این زمانه چرا آفریده‌اند

ای دلبران به خویش بنازید کز نخست  
ما را نیاز مند شما آفریده‌اند  
چندان که می‌کند طلب آن چشم دلربا  
جان و دل ای عزیز کجا آفریده‌اند  
در حق ما هر آنچه جفا می‌کنی بکن  
ما را همان ز بهر وفا آفریده‌اند  
تا یک نظر به حالت مسکین بیفکنی  
چشم تو پر ز شرم و حیا آفریده‌اند

\*\*\*



## حایری - عبدالهادی

دکتر عبدالهادی حایری مورخ و استاد دانشگاه مشهد در سال ۱۳۱۴ ه. ش در قم متولد شد. او نوه دختری آیت اله میرزا عبدالکریم حایری بنیانگذار حوزه‌ی علمیه قم است.

حایری از کودکی نزد برادر و پدر به تحصیل پرداخت. و در جوانی به جرگه روزنامه‌نگاران پیوست. در سال ۱۳۳۶ ه. ش وارد دانشگاه شد. در سال ۱۳۴۳ ه. ش به کانادا رفت و مدت نه سال در آنجا به تحقیق و تدریس پرداخت سپس به آمریکا رفت. چهار سال در دانشگاه برکلی کالیفرنیا تدریس کرد. در سال ۱۳۵۷ ه. ش به ایران آمد و در دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس پرداخت.

حایری چند کتاب به زبان انگلیسی نوشت که رساله تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق می‌تواند از این مقوله به حساب آید. پیش از آن، مقاله‌ی بلند «نصیرالدین توسی و ادعای دخالت او در سقوط بغداد» حایری در بروکسل چاپ شده بود.

کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در سال ۱۳۶۷ ه. ش چاپ گردید که از اهمیت چشمگیری برخوردار است.

«آنچه گذشت» و «نقشی از نیم قرن تکاپو» نام‌های دو کتاب دیگر اوست که اخیراً به چاپ رسیده‌است.

دانشگاه مشهد به یاد او کتابی با نام یادگار نامه استاد دکتر عبدالهادی حایری چاپ و منتشر کرده‌است.

حایری در هفته آخر تیر ماه سال ۱۳۷۲ ه. ش در مشهد درگذشت.



## حزین بروجردی - حسین

حسین حزین در سال ۱۳۲۷ ه. ش در محله باغ پسته بروجرد به جهان آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به سبب مشکلات مالی درس را کنار گذاشت و به پیشه بنایی روی آورد.

عشق و شوری در سر داشت به سرودن شعر پرداخت، در میان مردم معروفیت یافت و شعرهای او دهان به دهان می‌گشت.

با سواد کم به گردآوری زندگینامه شعرا و بزرگان بروجرد پرداخت و به نام تذکره حسین حزین چاپ کرد. دیوان غزلیات او دوّمین اثر شاعر به حساب می‌آید که چاپ شد.

حزین روز چهارشنبه ۱۷ بهمن ماه سال ۱۳۷۴ ه. ش به سرای باقی شتافت.

### از شعرهای اوست:

گفتا غم زمانه و عشق نگار چیست  
گفتم چو عشق هست، غم روزگار چیست؟  
گفتا خزان به نزد تو بهتر، و یا بهار؛  
گفتم لقای دوست، خزان و بهار چیست؟  
گفتا حزین ز کوه، گناهت گران‌تر است  
گفتم به نزد مغفرت کردگار چیست؟

\*\*\*

## حسابی - محمود

دکتر محمود حسابی فیزیکدان نامدار ایرانی در ۱۲ شهریور ماه سال ۱۳۷۱ ه. ش در مرز ۹۰ سالگی در ژنو چشم از جهان بر بست. جنازه اش به تفرش - زادگاه او - حمل و به خاک سپرده شد.

حسابی در سال ۱۲۸۱ ه. ش در تهران دیده به جهان گشود. او از خاندان وزیر دارالخلافه‌ی تهران بود. در کودکی به بغداد رفت. بعد به دمشق و سپس به بیروت سفر کرد. در ۷ سالگی در مدرسه فرانسوی‌ها به تحصیل پرداخت، تا وارد دانشگاه شد. از دانشکده مهندسی بیروت و دانشگاه آمریکایی بیروت درجه لیسانس گرفت. سپس به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن فرانسه درجه دکترای فیزیک دریافت داشت.

حسابی در سال ۱۳۰۶ ه. ش به ایران بازگشت و در اداره راه و ترابری به عنوان مهندس راه استخدام شد. او هم زمان با کار موظف به کارهای علمی می‌پرداخت.

دکتر حسابی مدرسه مهندسی را در ایران بنا نهاد. ایجاد اولین ایستگاه هوایی نیز از کارهای اوست.

نصب و راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی به همت او در ایران عملی شد. همچنین پایه‌گذاری مدارس عشایری در ایران نیز از ابتکارات دکتر حسابی است. تأسیس اولین رصدخانه تعقیب ماهواره‌ها در شیراز بنا به پیشنهاد و راهنمایی او انجام گرفت. در پایه‌گذاری مرکز مخابرات اسدآباد دکتر حسابی صاحب نظر بوده است. همچنین پایه‌گذاری مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران به همت او بوده است.

دکتر حسابی در چندین انجمن علمی بین‌المللی عضویت داشت. و یک بار هم مرد فیزیک سال در جهان شناخته شد. با این سر و سودا استاد به زبان و ادبیات فارسی نیز بی تفاوت نبوده است. رساله‌ای با نام توانایی زبان نوشت. سپس کتاب دیگری با نام وند و گهواره‌های فارسی منتشر کرد. در ماههای پایان عمر استاد در فکر یادگیری زبان آلمانی بود. روانش شاد. یادش مستدام باد

\*\*\*

## حسینی نجفی - سید محمد

آیت‌اله حاج سید محمد حسینی نجفی حدود سال ۱۳۲۳ ه. ش در نجف اشرف پا به عرصه‌ی هستی نهاد. در کودکی به ایران آمد. و ۱۳ سال تحت تعلیم پدر قرار گرفت.

پس از پایان تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف برگشت و از محضر استادان بزرگ دانش اندوخت و سپس به ایران برگشت و در همدان ساکن شد و به خدمات دینی و تصنیف و تألیف روی آورد.

انوار درخشان تفسیری به فارسی از قرآن که در ۱۸ جلد چاپ و منتشر شده است از آثار اوست.

این عالم بزرگ در مهر ماه سال ۱۳۷۵ ه. ش پس از ۹۳ سال عمر به سرای باقی شتافت و در همدان به خاک سپرده شد.

\*\*\*

## حمدی - برهان‌الدین

حاج شیخ برهان‌الدین حمدی در سال ۱۳۲۳ هـ. ش در سنندج چشم بر جهان گشود. مقدمات علوم را نزد پدر خود فراگرفت، سپس به محضر دیگر استادان بزرگ رسید تا به درجه اجتهاد نایل آمد.

در سال ۱۳۱۵ هـ. ش به خدمت آموزش و پرورش در آمد. علاوه بر کارهای فرهنگی به تحقیق و تتبع در علوم دینی پرداخت. کتابهای زیر حاصل این تحقیقات است:

ترجمه مشکوة الانوار غزالی، ترجمه رساله فلسفه نماز، رساله الطیر ابن سینا، مرآت الفلسفة طنطاوی، ترجمه رساله حی بن یقطان ابن سینا، شیخ اشراق و ابن طفیل.

حاج شیخ در ۹ آذر ماه سال ۱۳۶۶ هـ. ش روی در نقاب خاک کشید.

\*\*\*

## حمیدی شیرازی - مهدی

مهدی حمیدی شیرازی فرزند ثقة الاسلام نماینده مجلس در نخستین دوره، چهره‌ی مخالف شعر نو در سال ۱۲۹۳ ه. ش در شیراز زاده شد. دوره ابتدایی و متوسطه را در همان شهر و دوره لیسانس و دکترا را در تهران به پایان برد. پس از فراغ از تحصیل استاد دانشگاه شیراز شد و سپس به تهران آمد.

دکتر حمیدی در کنار تدریس به مطبوعات روی آورد. سال ۱۳۲۲ ه. ش امتیاز روزنامه اقیانوس را گرفت و در سال ۱۳۱۴ ه. ش هم سردبیری نشریه کهکشان را به عهده گرفت و در کنار این دو کار هم، نوشته‌ها و مقاله‌ها برای مجله‌ها تهیه می‌کرد.

حمیدی شاعر و صاحب قلم بود، اما مخالفت او با شعر نو و به خصوص نیما همچنان گره ناگشوده ماند. در شعر بلندی می‌گوید:

به شعر گرچه کسی آشنا چو نیما نیست  
بی‌وای شعر، خلافی میانه‌ی ما نیست  
مرا به جستجوی سبک تازه رغبت‌هاست  
ولی به گفتن شعر شکسته سودا نیست

هرچه بود حمیدی سنگر شعر کهن را رها نکرد و بحث و جدل بی‌پایانی در مطبوعات آن روزگار راه انداخت. تا جایی که خود را خدای شاعران خواند و نوک تیز انتقاد را از هر قشری، به خصوص قشر جوان به سوی خود متوجه ساخت.

حمیدی دارای آثار قلمی قابل توجهی از نظم و نثر و ترجمه‌است که عبارتند از:

شکوفه‌ها یا ناغمه‌های جدید، پس از یک سال، اشک معشوق ۲ جلد، زمزمه‌ی بهشت، طلسم شکسته، سالهای سیاه، ده فرمان، شاهکارهای فردوسی، بهشت سخن ۲ جلد، فرشتگان زمین، دریای گوهر ۳ جلد، شعر فارسی در قرن سیزدهم، شعر در عصر قاجار، سبکسریهای قلم، عشق در به در ۳ جلد، شاعر در آسمان، عروض حمیدی، عطار در آثار گزیده او و گزیده اشعار او، فنون و انواع شعر فارسی یا فنون شعر و کالبد فولادین آن و ماه و شش پنی از سامرست موآم که ترجمه است.

دکتر حمیدی در سحرگاه روز ۲۳ تیر ماه سال ۱۳۶۵ ه. ش دیده از دیدار مخالفان بسیار و موافقان اندک بربست و همچون قوی، غافل گیر مرگ شد و در حافظیه شیراز به خاک سپرده شد. اکنون شعر مرگ قو را با هم می خوانیم:

### مرگ قو...

شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد      فریبنده زاد و فریبا بمیرد  
شب مرگ تنها نشیند به موجی      رود گوشه‌ای دور و تنها بمیرد  
گروهی بر آند کاین مرغ شیدا      کجا عاشقی کرد آنجا بمیرد  
شب مرگ از بیم آنجا شتابد      که از مرگ غافل شود تا بمیرد  
من این نکته گیرم که باور نکردم      ندیدم که قویی به صحرا بمیرد  
تو دریای من بودی آغوش و اکن  
که می خواهد این قوی زیبا بمیرد

\*\*\*

## خازن - مهدی

مهدی خازن دانشجوی شاعر در سال ۱۳۴۴ ه. ش در تبریز زاده شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد. به ادبیات به خصوص شعر و بالاخص به شعر ترکی علاقه‌مند شد. بنا به گفته خود در عکاسی، تئاتر، فیلمبرداری و خطاطی نیز تجربیاتی داشته‌است او در سال ۱۳۶۵ ه. ش درگذشت.

ای جانین ائدن فدییه‌ی جانان سنه قوربان  
حق عاشیقی ای قانینه غلطان سنه قوربان  
ای جمله‌ی آمالی آتان حق‌دن ئوتری  
جانانه ائدن جانینی قوربان سنه قوربان  
وئردین باشیوی دشمنه باش اگمه دین اصلا  
ای مملکت حسنده سلطان سنه قوربان  
ملت لری جوشه گتیریب قیرمیزی قانین  
ای پادشه جمله‌ی خوبان سنه قوربان  
زن‌جیر تعلق لری قیردین، هامی دشمن  
قالدی بو بؤیوک همته حیران سنه قوربان  
دنیا سنه تنگ اولمادا، آچدین ملکوته  
بال و پری ای مرغ خوش الحان سنه قوربان  
بسیرائیله دعا خازنی ای حقه مقرب  
جاندیر سنه قوربان، سنه قوربان، سنه قوربان

\*\*\*



## خدایو جم - سید حسین

سید حسین خدیو جم هم نویسنده بود و هم مترجم. بالاتر از همه‌ی اینها او یک محقق بود. او در سال ۱۳۰۶ ه. ش در مشهد زاده شد. سید حسین به سبب گرفتاریهای مالی تا بیست سالگی به مدرسه نرفت، نخستین مدرسه او حضور در درس تفسیر آقا سید هاشم نجف‌آبادی در مسجد گوهرشاد مشهد بود.

بدین ترتیب در سال ۱۳۳۰ ه. ش دیپلم گرفت و وارد دانشگاه شد. هم‌کلاس با دکتر علی شریعتی بودن برای او موهبتی بود. شاید هم به تشویق او بعدها به لبنان و بیروت رفت و دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات عرب را هم آنجا گرفت. سپس به ایران بازگشت سال ۱۳۴۰ ه. ش به تهران آمد و دبیر دبیرستانهای تهران شد و بعد به کتابخانه ملی منتقل گردید.

در سال ۱۳۴۴ ه. ش به عضویت بنیاد فرهنگ ایران در آمد. سپس رایزن فرهنگی ایران در افغانستان را به عهده گرفت. سپس بازنشست شد. در حقیقت با بازنشست شدن دوران اوج کاری او شروع شد. چنین بود که کارنامه قلمی او سر به ۳۰ جلد می‌زند که از جمله‌ی آنهاست: ترجمه احیای علوم غزالی، تصحیح مسیر طالبی، ترجمه عقاید فلسفی ابوالعلا، ترجمه آن روزها از طه حسین، ترجمه مفاتیح العلوم خوارزمی، ترجمه احصاء العلوم فارابی و تألیف واژه‌نامه غزلهای حافظ.

خدایو جم در ۲۴ مهر ماه، سحرگاه روز پنجشنبه سال ۱۳۶۵ ه. ش در مشهد درگذشت و در جوار امام محمد غزالی به خاک سپرده شد.

## خلج اسعدی - مرتضی

مرتضی خلج اسعدی در سال ۱۳۳۱ ه. ش در تهران زاده شد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تمام کرد و سپس درجه‌ی کارشناسی و بعد کارشناسی ارشد را در رشته حقوق سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران گرفت. از سال ۱۳۵۵ ه. ش با مرکز نشر دانشگاهی شروع به همکاری کرد و در سال ۱۳۷۱ ه. ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا از دانشگاه تهران گردید و به عضویت هیأت علمی دانشگاه درآمد.

آثار قلمی او به ترجمه عبارتند از:

مجموعه ریاضی، اتمها و مولکولها - رودزیا، نژاد پرستی و واکنش قدرت استعمارگر از مارتین لونی، سوسیالیسم در شیلی رژی دبره، دو حاکم از آی‌تی‌تی، انقلاب اسلامی در ایران از حامد الگار، تروریسم مقدس اسرائیل از لیوه درکاج، دایرة المعارف کشورهای جهان اسلام ۳ جلد، بیت المقدس، تاریخ فلسفه اسلامی شریف جلد ۳ و ۴، افغانستان از ماری لوئیز، آرمانها و واقعیت‌ها مجموعه مقالات، ایران شناسی در اروپا و ژاپن از رودی ستی و نیکی کدی، فلسفه سیاسی از آنتونی کوئیتین، تاریخ فلسفه در اسلام از ماجد فخری، جوان مسلمان و دنیای متجدد از دکتر سید حسین نصر، ایران، اسلام و تجدد، فرهنگ و دین از کتاب طرح نو ۵ فصل، آغاز مطالعات اسلامی در غرب.

خلج اسعدی در اوج توان کاری در مرز ۴۴ سالگی در شهریور ماه سال ۱۳۷۶ ه. ش به بیماری سرطان درگذشت.

\*\*\*

## خوشدل تهرانی - علی اکبر

علی اکبر خوشدل شاعری از تبار مراثنی سرایان ایران است. او در سال ۱۲۹۳ ه. ش در تهران زاده شد. مادر کاشی و پدر کرمانشاهی و خود تهرانی است.

خوشدل تحصیلات خود را در علوم قدیمی: صرف، نحو، فقه اصول و معانی و بیان در تهران به پایان برد. روزگاری نیز تحصیلات خود را در اصفهان و شیراز پی گرفت تا طبعی به هم رساند و در غزل و قصیده شاعری پخته شد. مجموعه اشعار او در این اواخر به چاپ رسیده است.

خوشدل در نیمه شب ۲ مهر ماه سال ۱۳۶۵ ه. ش به خیل خفتگان خاک پیوست و در جوار شیخ صدوق «ابن بابویه» به خاک سپرده شد.

به عنوان نمونه‌ی کار، شعری هر چند کوتاه از خوشدل همین جا با هم می‌خوانیم:

نشان مرد خدا...

نظام تازه‌ی ما خصم شیوه‌ی کهن است  
که پور آذر بتگر، خلیل بت شکن است  
ز استقامت و عزم خلیل شد گلزار  
و گرنه شیوه‌ی آتش همیشه سوختن است  
به چشم مور مکش حشمت سلیمان را  
که رنجبر شه بی‌تاج و تخت خویشان است  
ز خاک مردم آزاده بوی خون آید

نشان مـرد خدا سرخ بودن کفن است  
نوائ گـرم من از داغهای سینه‌ی اوست  
ز سوز دل بود ار خوشدل آتـشین سخن است

\*\*\*



## خواجه نوری - عباسقلی

دکتر عباسقلی خواجه نوری استاد علم آمار در سال ۱۲۹۴ ه. ش در تهران متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی وارد دانشگاه شد. پس از فراغ از تحصیل به خارج رفت و از دانشگاه ایالت کارولینای شمالی در رشته آمار تجربی فوق لیسانس گرفت و در سال ۱۳۳۵ ه. ش به دریافت درجه دکترا از دانشکده علوم پاریس نایل گردید. سپس به ایران بازگشت و در وزارت کشاورزی مشغول به کار شد و هم استاد دانشگاه گردید. او در سال ۱۳۴۵ ه. ش مؤسسه آموزش عالی آمار را در ایران تأسیس کرد.

از تألیفات او :

روش تحقیق ، آمار ریاضی ، آمار ریاضی چند متغیری ، آمار پیشرفته و بیومتری و منطق ریاضی را می توان نام برد .  
خواجه نوری در اوایل اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۲ ه. ش در مرز ۷۸ سالگی درگذشت .

\*\*\*



## خواجه نوری - ابراهیم

ابراهیم خواجه نوری پایه گذار بیوگرافی نویسی نوین در ایران، در سال ۱۲۷۹ ه. ش در شیراز زاده شد. خانواده‌ی او از کدیر میان رود نور بوده‌است. ابراهیم یک ساله بود که پدر خود را از دست داد. برادر بزرگ او سرپرستی ابراهیم را به عهده گرفت. برادر از هیچ گونه بذل و بخشش در تعلیم و تربیت او کوتاهی نکرد.

ابراهیم تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در تهران به پایان برد. هنوز جوان تازه به دوران رسیده بود که فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کرد. از همان دوران با عشقی شاعر معروف نشست و برخاست پیدا کرد و هر از چند گاهی به محضر مدرّس و ملک الشعراى بهار راه پیدا می‌کرد. در نتیجه افکار آزادی‌خواهی در دل و جان‌ش جوانه زد. بیست و سه سال بیشتر نداشت که روزنامه‌ی نامه‌ی جوانان را منتشر کرد و همان یک شماره او را به زندان فرستاد.

خواجه نوری پس از آزادی در ایران نماند. به بروکسل رفت و به تحصیل حقوق پرداخت. پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت. ابتدا مدیر مدرسه عالی پست و تلگراف شد، سپس به وکالت پرداخت. در این زمان ریاست انتشارات به عهده‌ی او واگذار شد. خواجه نوری در شهریور ۱۳۲۰ ه. ش حزب عدالت را تأسیس کرد و روزنامه‌ی ندای ملت را راه انداخت. هم در آن زمان مدیر مجله حکومت متحده‌ی جهانی گردید.

در دوران اوج فعالیت‌های مطبوعاتی شیوه‌ی ابتکاری او در ایران مورد توجه بسیاری از نویسندگان قرار گرفت.

در کنار این فعالیتها نخستین جلد کتاب بازیگران عصر طلایی را نوشت که بعدها جلدهای دیگر بر آن افزود که علی سهیلی ، سپهد امیر احمدی و سید حسن مدرس از آن جمله‌اند . گویا قرار بود شرح حال پنجاه تن از بازیگران سیاست در آن روزگار را بنویسد که فقط توانست چندتایی از آنها را بنویسد .

کتاب الله آقا و رضا شاه در مردان خود ساخته از دیگر کارهای او می‌تواند به شمار آید .

خواجه نوری در آموزش روان شناسی جدید و روانکاوی کوشید . او بود که برای اولین بار روانکاوی را به جای پسیکانالیز به کار برد و فن بهداشت روانی را در ایران پایه گذاری کرد . روانکاوی و شگفتیهای جهان درون ، حاصل این دوره از تلاش اوست .

خواجه نوری مدتی هم معاونت قوام السلطنه را پذیرفت . در سال ۱۳۲۸ هـ . ش به سناتوری هم رسید . اما در سال ۱۳۳۶ هـ . ش به کلی از سیاست کناره گرفت و به خلق آثار دیگری پرداخت که کتابهای محبوس باغ فردوس ، مکتوب ، چهره‌های درخشان تاریخ ، سیاسای شجاعان از جان اف کندی و اولین برخورد یک ایرانی با زن به زبان فرانسه نتیجه این دوره از عمر پر حاصل او می‌تواند به حساب آید .

خواجه نوری در آذر ماه سال ۱۳۷۰ هـ . ش در تهران درگذشت تا روزی یکی قلم به دست گیرد و بیوگرافی او را رقم زند که هم اکنون خواندید .



## دانا سرشت - اکبر

اکبر داناسرشت، دانا مردی از تبار ریاضی دانان در سال ۱۲۹۰ ه. ش در تهران متولد شد. پدرش زنجانی و مادرش اصفهانی بود. کودک بود که به زنجان نقل مکان کرد. اکبر تحصیلات مقدماتی را با قرآن و زبان عربی آغاز کرد. سپس به علم ریاضی روی آورد و به گفته‌ی خود پنجاه سال با ریاضیات محشور بوده است.

دانا سرشت از شاگردان مشکان طبسی و سید جلال تهرانی و هم کلاسی دکتر غلامحسین مصاحب بود.

چهار کتاب چاپ شده‌ی او که همه ترجمه‌اند عبارتند از:

خلاصه‌ی حکمت الاشراف، اسفار، روان شناسی شفا و آثار الباقیه.

گفتنی است که دانا سرشت برای نخستین بار نقشه مهندسی تهران را تهیه و ترسیم کرد.

دانا سرشت روز جمعه ۲۵ فروردین ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش بر اثر سکتة مغزی درگذشت.

\*\*\*



## دشتی - علی

این نویسنده‌ی بی‌پروا و مرد میدان سیاست در سال ۱۲۷۴ ه. ش در کربلا زاده شد. پس از پایان تحصیلات لازم به ایران آمد. این آخوند زاده‌ی دشتستانی پرورده‌ی عراق عرب به جستجوی کار در عدلیه به تهران رسید. از همان بدو ورود خود را درگیر کارهای سیاسی کرد تا به جرم شبنامه نویسی سر از زندان شماره ۲ قزل قلعه در آورد.

از طرفداران سردار سپه شد. بعدها به جرم مخالفت با او به زندان رفت. وقتی سید ضیاء سقوط کرد، دشتی بار دوم از زندان آزاد شد. نشریه‌ی ستاره‌ی ایران را راه انداخت. سپس شفق سزخ را دایر کرد و وقتی هم که آن روزنامه توقیف شد روزنامه‌ی عصر انقلاب را منتشر کرد. شرح چون و چند این زندانها و توقیف شدن روزنامه‌ها در کتاب ایام محبس او به تفصیل آمده‌است.

این رجل سیاسی با هوش و عصبی که از صندلی بهارستان به زندان شماره ۸ نقل مکان می‌کرد و از آنجا هم به مجلس سنا کشیده می‌شد، در سال ۱۳۲۹ ه. ش به سمت سفیر کبیر ایران در قاهره انتخاب شد. پس از بازگشت، چون پیران سیاست پیشه یا سیاست پیشگان پیر قلم در تحلیل و نقد و بررسی آثار بزرگان شعر و ادب زد. کتابهای در قلمرو سعدی، نقشی از حافظ، سیری در دیوان شمس، شاعری دیر آشنا، کاخ ابداع، دمی با خیام و نگاهی به صائب حاصل این دوران از قلم زنی اوست.

دشتی پیش از اینها فتنه، جادو، هندو و سایه را نوشته بود. علی دشتی به جز اینها که بر شمردیم چند کتاب متفرقه نیز نوشت و

ترجمه کرد که عقلا بر خلاف عقل، راز تفوق انگلوساکسون، اعتماد به نفس از اسمایلز و تطور ملل از گوستا ولوبون از جمله‌ی آنهاست.

دشتی در ایام سلطنت فرزند دوستش نیز کتاب پنجاه و پنج را نوشت.

دشتی مردی که همیشه با آتش بازی می‌کرد و غرور و بد خلقی بیش از اندازه در همه‌ی کارها از خود نشان می‌داد و بعدها گرفتاریهای ادبی - سیاسی را یک جا جایگزین آن کرد، مجال از دواج به او نداد یا شاید فتنه، فتنه‌ای در کار او کرده باشد که آن همه توجه به تجزیه و تحلیل روانی زنها دل مشغولی او شده بود.

این مرد پر مناعت تند مزاج، و گاهی شوخ طبع و بذله‌گو و سخت پرکار، که مرید و دوست کم، و بدخواه و دشمن زیاد، و تماشاچی زیادتر داشت در روز ۲۶ دی ماه سال ۱۳۶۰ ه. ش جهانی را با دسیسه‌ی<sup>(۱)</sup> خود تنها گذاشت و رخت به سرای جاوید کشید.

\*\*\*

---

۱ - نام کتابچه‌ای که درباره‌ی دشتی نوشته شده است.

## دهگان - ابراهیم

ابراهیم دهگان از نیک اندیشان صاحب قلم بود که در سال ۱۲۶۸ ه. ش در مرزجان اراک زاده شد.

پس از پایان تحصیلات ابتدایی در همان ده به اراک رفت. و در مدرسه آقا سید ضیاءالدین جزو طلاب علوم دینی شد.

دهگان در سال ۱۳۳۷ ه. ش به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد و به کار معلمی پرداخت.

از آثار او می توان:

کرجنامه یا آستانه، تاریخ اراک در ۲ جلد، فقه اللغة، اسامی امکنه و سازمان فرهنگ اراک و شرح حال ده تن از مردان نامی اراک را نام برد.

دهگان در ۱۲ شهریور ماه سال ۱۳۶۳ ه. ش در اثر آتش سوزی از چراغ گاز سوز سفری درگذشت.

\*\*\*



## راد - احمد

احمد راد از فرهنگیان قدیمی بود. قلمی توانا داشت. راد در سال ۱۲۷۳ ه. ش به جهان آمد.

پس از اتمام دوره‌ی ابتدایی و مقدماتی به تدریس پرداخت. پس از مدتی به صورت رسمی به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد.

احمد راد با میرزا کوچک خان جنگلی آشنایی یافت. از طرف او مدتی مأمور دریافت اداره‌ی گمرک انزلی گردید. پس از آن بازرس عالی وزارت شد. سالهای پایانی عمر مستوفی مدرسه سپهسالار گردید.

بیشتر آثار او در مطبوعات آن زمان به خصوص مجله‌ی یغما به چاپ می‌رسید.

از این پیر فرهنگ عنوان حدود سی مقاله در فهرست مقالات فارسی آمده‌است.

راد پس از عمری خدمت برای جوانان و نونهالان این آب و خاک روز ۱۳ مرداد ماه سال ۱۳۶۴ ه. ش سر در نقاب خاک کشید.

\*\*\*

## رامیار - محمود

محمود رامیار نویسنده، قرآن شناس و استاد دانشگاه مشهد در سال ۱۳۰۱ ه. ش در مشهد متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان برد. سپس به تهران آمد. در مدرسه سپهسالار به تکمیل معلومات خود پرداخت. پس از آن وارد دانشگاه شد و درجه لیسانس در رشته فلسفه و حقوق از دانشگاه تهران گرفت. دکترای الهیات و معارف اسلامی را از دانشگاه‌های فرانسه دریافت کرد. دکترای اقتصاد را نیز از دانشگاه‌های انگلستان اخذ نمود. در سال ۱۳۴۱ ه. ش استاد و رئیس دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد شد. تا در سال ۱۳۵۹ بازنشست گردید.

استاد به زبانهای عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت و مقالات بی شماری در مطبوعات آن روزگار چاپ و منتشر کرده است.

از آثار قلمی او می توان:

فهارس القرآن، کشف المطالب، تصحیح فهرست شیخ طوسی با فهارس متعدد، تاریخ قرآن، بحثی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، در آستانه قرآن و در آستانه‌ی سال زاد پیغمبر را نام برد.

رامیار در ۲۰ شهریور ماه سال ۱۳۶۳ ه. ش درگذشت.

\*\*\*

## رایین - اسماعیل

نام اسماعیل رایین و کلمه‌ی فراماسونری سالها در ایران بر سر زبانها بود. او در سال ۱۲۹۸ ه. ش متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد مدرسه پست و تلگراف شد. پس از فراغ از تحصیل وارد دانشگاه گردید و دوره روزنامه نگاری ۴ ساله را در دانشگاه تهران به اتمام رساند.

رایین از سال ۱۳۱۸ ه. ش خدمت مطبوعاتی خود را آغاز کرد. در کنار فعالیتهای مطبوعاتی در رشته رادیو و بی سیم از آمریکا دیپلم مکاتبه‌ای گرفت. مقاله‌های او بیشتر در روزنامه خلیج بوشهر چاپ می‌شد و از سال ۱۳۲۰ ه. ش به طور تمام وقت به کار مطبوعات پرداخت. او در نشریه‌های کیهان، اطلاعات، آتش، ایران، خراسان، تهران مصور، روشنفکر، و فردوسی به عنوان خبرنگار و نویسنده به کار پرداخت. به زبان انگلیسی مسلط بود. از کتابهای چاپ شده‌ی او می‌توان به:

فراموشخانه و فراماسونری در ایران، انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت، سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی، قتل عام آرامنه، دلالتان بین‌المللی نفت، حقوق بگیران انگلیس در ایران، مورگان شوستر و اختناق ایران اشاره کرد. رایین از اعضای پایه‌گذار سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود. چندین بار نیز ریاست هیأت مدیره و عضو هیأت اجرایی این سندیکا بوده‌است. او در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۸ ه. ش هنگام بحث بر سر استیفای حق تألیف با مسؤول ناشری که کتابهای او را چاپ کرده بود دچار سکت قلبی شد و دار فانی را وداع گفت.



## رهنما - زین العابدین

زین العابدین رهنما را با کتاب بسیار خوب امام حسین می‌شناسیم. او نوهی آیت‌اله شیخ زین‌الدین مازندرانی و فرزند شیخ العراقین است.

زین العابدین در سال ۱۲۷۳ هـ. ش در نجف اشرف متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و تحصیلات خود را در رشته‌ی کلام، عرفان، اصول و فقه اسلامی تکمیل کرد. سپس به فعالیتهای ادبی و سیاسی کشیده شد.

او در سال ۱۳۰۵ هـ. ش مدیریت روزنامه ایران را به عهده گرفت. در سال ۱۳۰۷ هـ. ش از طرف مردم ری به نمایندگی مجلس انتخاب شد. مدتی هم در مقام نایب نخست وزیر خدمت کرد. در سال ۱۳۱۶ هـ. ش به خارج از ایران تبعید شد.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ دوباره به ایران برگشت و مأموریت‌های والایی یافت.

رهنما به زبانهای ترکی، عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت. بیشتر اوقات زندگی این مرد به تألیف و ترجمه سپری شد و حاصل آن همه تلاش کتابهای:

پیامبر، امام حسین، ترجمه و تفسیر قرآن و قانون در خاورمیانه است.

رهنما داستانی هم با نام ژاله در روزنامه ایران چاپ کرد که چندان اثر چشمگیر به حساب نمی‌آید.

رهنما در تیر ماه سال ۱۳۶۸ هـ. ش در ۹۵ سالگی بدرود حیات گفت.

\*\*\*

## رهین - عظیم

عظیم رهین استاد دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۱۱ ه. ش به جهان آمد. کلاسهای ابتدایی و متوسطه را که به اتمام رساند وارد دانشگاه شد. تحصیلات دانشگاهی را تا اخذ درجه‌ی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه اسبکس انگلستان ادامه داد. پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و در دانشگاه به تدریس پرداخت.

از کارهای چاپ شده‌ی او می‌توان نفت و دولت و ضحاک رانام برد. دیگر ترجمه او پیدایش سرمایه‌داری از دیدگاه مارکس و ماکس وبر است.

او از اعضای فعال جبهه ملی دوم بود.

رهین در ۲۷ آبان ماه سال ۱۳۷۴ ه. ش به علت ناراحتی قلبی به بیمارستان مهر منتقل شد. تا همراه او پول دوا و درمان تهیه کند و برگردد استاد در اتاق انتظار درگذشته بود.

\*\*\*



## ریاضی - عباس

عباس ریاضی را با تقویم‌های کتابچه‌ای خشتی می‌شناسیم. او منجم و استاد ستاره‌شناسی دانشگاه تهران بود.

عباس ریاضی در سال ۱۲۸۶ ه. ش در کرمان زاده شد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در کرمان، به دارالمعلمین عالی تهران «دانشسرای عالی» راه یافت. پس از فراغ از تحصیل به فرانسه رفت و از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای نجوم گرفت. سپس به ایران آمد و از سال ۱۳۱۷ ه. ش در دانشگاه علوم و دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. سپس به مقام استادی کرسی نجوم در دانشگاه تهران رسید.

ریاضی از سال ۱۳۲۵ ه. ش اقدام به استخراج تقویم رسمی ایران کرد.

مهمترین آثار او عبارتند از:

هیأت و نجوم، مقدمه بر نجوم عالی و مثلثات کروی.

منجم معروف زمان ما، بی‌آگاهی از مرگ خویش، روز پنجشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۶۷ ه. ش چشم از جهان فرو بست و با رفتن او استخراج تقویم سالانه به آن سبک و روش سابق به عهده‌ی تعویق افتاد.



## زارعی - احمد

احمد زارعی در سال ۱۳۳۶ ه. ش در مشهد متولد شد. پس از اتمام تحصیلات دوره‌ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد. پیش از آن دروس حوزوی را نیز دنبال کرده بود.

زارعی فعالیت‌های مطبوعاتی را همراه با فعالیت‌های سنگین جبهه کرد. شعر و نقد آثار دیگران نخستین کارهای چاپ شده‌ی او را تشکیل می‌دهند.

زارعی دانشجوی دوره‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی بود که بیماری سرطان سراغ او آمد. تا در ۲۱ دی ماه سال ۱۳۷۲ ه. ش در مرز ۳۶ سالگی در بیمارستان شریعتی جان به جان آفرین تسلیم کرد.

شعری که در این بخش می‌خوانید نمونه‌ای از کار شاعری

اوست:

ای شکوفا کرده از جان و تنم  
ای بهار سبز در پیراهنم  
گل‌ترین گل، در حریم این چمن  
می‌کشم داغ به دل چون لاله من  
خلوت خاکستری رنگ چمن  
پر گل آذین از قنوت ما دو تن  
در میان سایه روشن می‌شدیم  
یکسره بی سایه‌ی تن می‌شدیم  
برگ سبزی در دعایی داشتیم

ونسدر آن برگ و نوایی داشتیم  
پسای می‌شستیم در آوای رود  
جسویباری در دل ما می‌سرود  
متصل با بیکران بودیم ما  
در نمازی جاودان بودیم ما  
دل نه، قرآنی میان سینه بود  
ماه را خورشید در آینه بود  
روی خاک پاک جنگلهای دور  
چون نسیم از نور می‌کردیم عبور

\*\*\*



## زرنندی - عبدالرحمن

عبدالرحمن زرنندی از ادیبان معاصر به شمار می‌رود. شغل اصلی او ویراستاری بود و در کنار آن مطالبی هم‌گاهی برای مجلات می‌نوشت و اگر فرصتی پیش می‌آمد ترجمه هم می‌کرد. او در سال ۱۳۰۹ ه. ش در سراب آذربایجان متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان شهر، به تهران آمد و وارد دانشکده افسری شد.

زرنندی در تهیه و تدوین دایرة المعارف فارسی دکتر مصاحب نقش فعال داشت. و خاک بکر اثر تورگینف که از ترجمه‌های به یاد ماندنی ادبیات معاصر ایران است، از کارهای زرنندی است. او در تیر ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش در تهران درگذشت.

\*\*\*

## زریاب خویی - عباس

دکتر عباس زریاب خویی محقق ارزنده و استاد دانشگاه در روز جمعه ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۷۳ ه. ش در مرز ۷۵ سالگی چشم از جهان فرو بست.

زریاب در سال ۱۲۹۸ ه. ش در خوی به جهان آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را که تمام کرد به قم رفت. از محضر آقای حجّت کسب فیض کرد. سپس وارد دانشگاه شد و درجه لیسانس الهیات گرفت. بعد از فراغ از تحصیل دانشگاه به آلمان رفت. و از دانشگاه ماینز در رشته تاریخ درجه‌ی دکتری گرفت. بعد به ایران آمد.

پس از مدتی برای تدریس در دانشگاه برکلی آمریکا دعوت شد و زریاب این دعوت را پذیرفت.

پس از دو سال تدریس به ایران برگشت و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در ضمن در کتابخانه مجلس شورای ملی نیز مشغول کار شد.

زریاب در زمینه‌ی معارف اسلام، ایران، فلسفه و تاریخ صاحب نظر بود.

دکتر زریاب علاوه بر تألیف به ترجمه و تصحیح متون نیز همت گماشته است که هر یک از کارهای او دارای ارزش فراوانی است.

او پس از انقلاب اسلامی با دایرة المعارف بزرگ اسلامی همکاری داشت. همچنین با دایرة المعارف تشیع و دانشنامه اسلام و دایرة المعارف فارسی و دایرة المعارف ایرانیکا نیز در تهیه و تدوین مطالب از هیچ کوشش دریغ نورزید.

به خصوص در تهیه مطالب تخصصی در این دایرة المعارف‌ها

سنگ تمام گذاشت .

در کنار این فعالیتها کتابهای چندی نیز تألیف و ترجمه کرد که آنها عبارتند از :

تصحیح الصیدنه بیرونی ، آینه‌ی جام ، سیره‌ی رسول اکرم ، بزم آورد ، تهذیب و تلخیص روضة الصفا ، تاریخ فلسفه و لذات فلسفه ترجمه از ویل دورانت .

در پایان گفتنی است که در سال ۱۳۷۰ هـ . ش کتابی با نام یکی قطره باران در بزرگداشت مقام استاد بزرگ چاپ و منتشر شد که احوال و آثار استاد را به صورت کامل می‌توان در آن مجموعه دید و خواند .

\*\*\*

## زرین کوب - حمید

حمید زرین کوب استاد دانشگاه تهران، در ۲۶ مرداد ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش در ۵۱ سالگی به سگته قلبی درگذشت.

حمید زرین کوب، برادر عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۱۵ ه. ش در بروجرد متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در همان شهر و متوسطه را در تهران به پایان برد و به استخدام آموزش و پرورش در آمد. مدت‌ها در بروجرد و بعدها در مشهد به کار تدریس پرداخت. در کنار تدریس دکترای ادبیات خود را از دانشگاه تهران گرفت و استاد دانشگاه شد.

تألیف چشم انداز شعر فارسی در ۲ جلد و تدوین فرهنگ لغات و اصطلاحات ادبی و بلاغت و تصحیح قلندرنامه خطیب فارسی یا سیره جمال‌الدین ساوجی و تصحیح دیوان مجمر از کارهای ادبی او به شمار می‌رود.

\*\*\*

## زمانی - مصطفیٰ

حجت الاسلام مصطفیٰ زمانی نویسنده و محقق حوزه‌ی علمیه قم در بهمن ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش بر اثر سکتہ مغزی در بیمارستان قم دیده از جهان فرو بست .

زمانی در ۲۰ شعبان سال ۱۳۵۲ ه. ق در نجف آباد اصفهان چشم به جهان گشود . پس از طی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به علوم دینی روی آورد و به قم رفت . از محضر استادانی چون ستوده ، حسین نوری و اعتمادی کسب فیض نمود و محضر آیت‌الله و جردی را نیز درک کرد . حدود هشت سال نیز از محضر امام خمینی فیض‌ها برد .

اثنا، زمانی عبارتند از :

ابراهیم بت شکن ، ه سواس ، ترجمه نهج البلاغه ، ترجمه الشیعه و الحادمون و ترجمه المراجعات .

\*\*\*



## زننگه - عزت‌اله

عزت‌اله زننگه، از شاعران معاصر در سال ۱۳۱۶ ه. ش در کرمانشاه زاده شد. پس از گذراندن دوره دبستان و دبیرستان به تهران آمد. وارد دانشگاه شد و درجه لیسانس ادبیات گرفت. به استخدام آموزش و پرورش در آمد. به زادگاه خود برگشت. پس از مدتی به وزارت فرهنگ و هنر منتقل شد. در کنار آن به فعالیتهای رادیویی و تلویزیونی روی آورد. هم در آن دوران با مجله تماشا همکاری آغاز کرد.

زننگه در برپایی هفته شعر و هنر خوشه و برپایی دیگر شبهای شعر در تهران شور و هیجانی بیش از اندازه به کار می‌برد. در سال ۱۳۴۷ ه. ش برنده‌ی جایزه‌ی مسابقات هنری دانشگاه تهران شد، اما از بورس آن نتوانست استفاده کند.

زننگه در مجله‌ی تماشا با محمد نوعی - یکی دیگر از شاعران معاصر که در اثر برق گرفتگی جان خود را از دست داد - همکار قلمی بود. زننگه علاوه بر این فعالیتهای مجله‌های فردوسی، تهران مصور و امید ایران نیز همکاری داشت.

گفتنی است که در اواخر عمر به سبب اعتیاد از زن و فرزندان خود دل برید تا در اواخر خرداد ماه سال ۱۳۵۸ ه. ش پس از تحمل دردی طاقت فرسا درگذشت و به خلوت سرای جاودانی راه یافت. اثر و آثار قلمی زننگه که مهر چاپ خورده عبارتند از:

دلگیر مجموعه شعری از دوران جوانی، تلاوت در آستانه‌ی باران مجموعه شعرهای عاشقانه، بعثت در بعد پنجم شعرهای بلند اجتماعی، آخ اگه بهار بیاد (فولکلور)، گلشن یادبودها مجموعه‌ی



غزل، چیزهای زمستانی شعرهای بلند عاشقانه، پیوند یادها نقد شعر، پشت دروازه‌های خورشید شعر آزاد، جستجویی در شعر معاصر، قافله سالاران شعر کلاسیک، و پایه پای سکوت، مسافر، سمفونی مرگ، غروب در پاییز مجموعه‌هایی در قصه و داستان، هدایت را بهتر بشناسیم نقد بوفکور و گزاره نامه.

اکنون بخشی از شعر صبح روشن بهار را از او می‌خوانیم:

### صبح روشن بهار ...

اگر چه من بهار عمر را ندیده‌ام

اگر چه من، همیشه محنت خزان کشیده‌ام

و روزها، و ماهها، و سالها

همیشه، زهر غم چشیده‌ام؛

ولی شکوفه‌ی نگاه سبز و روشنت،

و عطر یاس و حشی تنت،

- که سایه گستر شب سیاه بستم شده‌است -

و خنده‌های گرم تو،

طلوع روشن سپیده‌ی بهار خرم من است،

نوازش نسیم شط گیسوان تو،

نسلی دل غمین و روح پر غم من است.

بهار من.

دوباره صبح روشن بهار آمده

بهار مستی آفرین من

همیشه در بهار زندگی بمان

\*\*\*

## زهتابی - محمدتقی

زهتابی، مردی از تبار معجز شبستری، استاد زبان و ادبیات ترکی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۰۲ ه. ش در شبستر چشم بر جهان گشود.

تحصیلات مقدماتی را در شبستر و متوسطه را در تبریز به پایان برد. در سال ۱۳۲۹ ه. ش به باکو رفت و وارد دانشگاه آنجا شد. در همین سالها به فعالیتهای سیاسی روی آورد. هم آنجا دستگیر و به عنوان زندانی تبعیدی به سیبری فرستاده شد. پس از چند سال آزاد گردید. به آلمان رفت و مدتی آنجا ماند سپس به باکو برگشت و وارد دانشگاه آنجا شد و به عنوان استاد زبان به تدریس پرداخت.

دکتر محمدتقی زهتابی مدتی هم در بغداد به تدریس زبان عربی به عرب زبانان روی آورد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران بازگشت و به تبریز رفت و استاد دانشگاه تبریز شد و به تدریس زبان و ادبیات پرداخت.

زهتابی زندگی و مبارزات حسین خان باغبان - یکی از مجاهدان مشروطه - را به نظم کشید. به جز آن کتابهای ایران ترکجه سنین صرفی، ایران ترک لرینین اسکی تاریخی جلد ۱، علم المعانی و عناصر ادبی آذری دیلی، پروانه نین گذشتی (شعر)، بختی یاتمیش (شعر)، شهر یورین اون ایکیسی و چریک افسانه سی را تألیف و چاپ کرده است.

در کنار این کارها چند شماره مجله ارک را نیز منتشر کرد.

دکتر زهتابی علاوه بر زبان ترکی و فارسی به زبانهای آلمانی و عربی، روسی و فرانسه نیز تسلط کامل داشته است.

دکتر زهتابی روز دوشنبه ۳۰ آذر ماه سال ۱۳۷۷ ه. ش در  
خانه‌اش در شهر شبستر درگذشت.  
استاد زهتابی که در مرز ۷۵ سالگی در خلوت تنهایی مرگ را پذیرا  
شده بود در شبستر به خاک سپرده شد.  
پزشکان علت مرگ او را ایست کامل قلب اعلام کردند.  
دو بیت زیر را از او با هم می‌خوانیم:

تیکان کولارینی قوی یا خاشمشک  
یول آچا چمنه ، چیچگه گوله  
اینان سؤنمه ز آلوو ، اوگون گله جک  
سنه گول وئره جک ائل ، گوله - گوله

\*\*\*

## زهري - محمد

محمد زهري فرزند ضيغم الممالک، شاعر نو پرداز معاصر، در سال ۱۳۰۵ هـ. ش در روستای عباس آباد نزديک شهسوار (تنکابن) به جهان آمد.

دوره‌ی دبستان را در ملایر و تهران، دوره‌ی دبیرستان را در ملایر و شیراز و تهران به پایان برد.

چون پدرش تبعیدی شهرها بود. بعد از سال ۱۳۲۰ هـ. ش که رضا شاه سقوط کرد به تهران بازگشت. در سال ۱۳۴۲ هـ. ش در رشته زبان و ادبیات درجه‌ی لیسانس گرفت. سپس دوره‌ی دکترای همین رشته را به اتمام رساند.

زهري ابتدا شغل معلمی را برگزید. سپس مشاور مطبوعاتی وزارت فرهنگ و هنر شد. مدتی هم کتابدار کتابخانه ملی گردید تا جایی که معاونت همین کتابخانه را به دست آورد. حاصل این دوره از خدمت ۱۳ جلد کتاب با ارزش است که در زمینه‌ی کتاب شناسی چاپ و منتشر کرد.

زهري سالهای آخر عمر پژوهشگر فرهنگستان ادب و هنر ایران بود.

زهري از سال ۱۳۳۱ هـ. ش به شعر روی آورد نخستین مجموعه‌ی شعرش با نام جزیره در آمد. مجموعه شعرهای:

گلایه، شبنامه، و ... تيمه، مشت در جيب، قطره‌های باران و بالاخره پير ماگفت کارنامه شاعر را تشکیل می‌دهند که در طی سالها یکی پس از دیگری چاپ و منتشر شده‌است.

اگر چه زهري شاعر آرمان‌گرا بود اما شعرش سرشار از صداقت



، عشق و پاکی است . زهری روایتگر دردهای آدمی است . طبیعت  
در شعر او جلوه‌ی خاصی دارد .

اکنون دو بخش از شعرهای کتاب پیر ماگفت زهری را به عنوان  
نمونه‌ی کار شاعر با هم می‌خوانیم :

### پیر ما ...

پیر ما ، با یاران

رو دباری را به تماشا ماندند

ناگهان غلغله خلقان ،

از همه‌مه آب

فرا تر رفت .

از سر پیل

مردانی غرق در فولاد می‌گذشتند

پیر ما پرسید :

این غیوران چه کسانند ؟

پاسخش گفتند :

«غاز یانند»

پیر پرسید :

«به کدامین سوی شتابانند ؟»

باز گفتند :

«رو به اقصای جهان دارند»

کافرستانی ،

که در آن اصله‌ی بیداد تناور گشته‌است

پیر ماگفت :

«وایشان باد، که نزدیک رها کرده و تا دور روانند؟»

\*\*\*

در حکایت از تموچین  
راوی این گونه روایت کرده است  
خان خانان

در شبیخون نشابور  
بر سر پشته‌ای از کشته

به یاران فرمود:

«من نه از طایفه‌ی انسانم، طاقه‌ی طاق جدا بافته‌ای هستم»

به کنایت

پیر ما حاشیه‌ای بر آن بست

گفت:

«آنکه با دستی خونین زاد،

آنکه با دستی خونین زیست،

آنکه با دست خونین مرد؛

راست می‌گوید که نه از طایفه‌ی انسان است»

زهری در ۱۵ اسفند ماه سال ۱۳۷۴ ه. ش در اثر سکت قلبی در تهران  
درگذشت.

\*\*\*

## سادات ناصری - سیدحسن

سید حسن سادات ناصری در سال ۱۳۰۴ ه. ش در تهران زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان برد. سپس وارد دانشگاه شد تا دکترای زبان و ادبیات فارسی پیش رفت. سادات ناصری ابتدا معلم و از سال ۱۳۴۵ ه. ش استاد دانشگاه شد. مدتی نیز با بنیاد فرهنگ کار کرد. پس از آن مدتی نیز با لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت.

سادات فعالیت‌های مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۲۵ ه. ش آغاز کرد. و با مجلات و حید، یغما، ارمغان و ماهنامه آموزش و پرورش همکاری داشت.

سادات به زبان فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. آثار قلمی او عبارتند از:

بدیع و قافیه، سر آمدان فرهنگ و هنر ایران تألیف و کتابهای آتشکده آذر در ۳ جلد، دیوان واعظ قزوینی، دیوان آذر بیگدلی، دیوان محتشم و نهج البلاغه جواد فاضل به وسیله سادات تصحیح و حاشیه نویسی شده است.

سادات ناصری روز شنبه ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش در عمارت سفارت ایران در کابل سر میز شام دچار حمله قلبی شد و درگذشت. جنازه استاد به تهران منتقل و در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

گفتنی است که سادات وقتی از کارهای تحقیقاتی فراغتی می‌یافت آرامش خاطر را در شعر می‌جست که حاصل آن چندین غزل مطلوب است که ما در این بخش یکی از آنها را با نام کعبه مراد



می خوانیم:

### کعبه مراد ...

دلی به پاکی انفس صبحدم دارم  
مرا که هست دلی این چنین چه غم دارم  
غمی که خلق جهان راست، بر سر هیچ است  
منی که هیچ نخواهم دگر، چه کم دارم  
گذشت عمر ز پنجاه و جز طریق وفا،  
رهی نیپویم و ثابت همین قدم دارم  
شب دراز نباید چو عمر کوتاه شمع،  
به بوی صبح چرا مویه بر عدم دارم  
به همتی که مرا عشق داد دلشادم  
که فیض صحبت استاد مغتنم دارم  
حریم دل به صفا، کعبه‌ی مراد من است  
شدم چو محرم دل ره درین حرم دارم  
رهین منت بیگانگان نیم ناصر  
که از کرامت صاحب‌الان کرم دارم

\*\*\*

## ساعدی - غلامحسین

دکتر غلامحسین ساعدی نویسنده‌ی آگاه و نمایش نامه‌نویس پرکار در ۲۴ دی ماه سال ۱۳۱۴ ه. ش در تبریز زاده شد. دوره ابتدایی را در دبستان بدر، و دوره متوسطه را در دبیرستانهای منصور و حکمت تبریز به پایان برد و در سال ۱۳۳۴ ه. ش در تبریز به تحصیل رشته پزشکی پرداخت و سپس رشته روان پزشکی را انتخاب کرد.

نخستین قصه دکتر ساعدی در سال ۱۳۳۰ ه. ش در مجله‌ی معلم که در دانشسرای مقدماتی چاپ و منتشر می‌شد چاپ گردید. نخستین کتاب قصه‌اش نیز با نام کلاته گل چند سال بعد در آمد. ساعدی مدتی مدیر روزنامه‌های فریاد، صعود و بعد جوانان آذربایجان شد. و در کنار آن به نوشتن ادامه می‌داد. حاصل این تلاش آن سالها: بامها و زیر بامها، پنج نمایش نامه، دیکته و زاویه و چند کتاب دیگر شد.

پایان نامه دکتر ساعدی علل اجتماعی پسیکو نوروژها در آذربایجان نام داشت. پس از فراغ از تحصیل برای انجام دادن خدمت سربازی به تهران آمد. سپس مطبئی در سرآسیاب دولاب تهران زد. و همان جا ماندگار شد.

ساعدی سال ۱۳۵۷ ه. ش بنا به دعوت انجمن قلم به آمریکا رفت. سپس در سال ۱۳۶۱ ه. ش رخت سفر به پاریس بر بست. و در آنجا اقامت گزید تا دوم آذر ماه سال ۱۳۶۴ ه. ش دچار خونریزی مغزی شد و در حالی که پدرش بالای سرش بود دارفانی را وداع گفت و در گورستان پرلاشز پاریس کنار صادق هدایت به

خاک سپرده شد.

کارهای دکتر ساعدی را به سه دوره مشخص می‌توان تقسیم کرد. دسته اول دفترهای منوگرافی که کتابهای: ایلخچی، خیابو یا مشگین شهر و اهل هوارا می‌توان در این ردیف نام برد.

دسته دوم نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌نامه‌ها که آنها عبارتند از:

آی با کلاه آی بی کلاه، توپ، ترس و لرز، جانشین، چوب به دستهای ورزیل، دیکته و زاویه، پروار بندان، ده لال بازی، ما نمی‌شنویم، پنج نمایش‌نامه، چشم در برابر چشم و فصل گستاخی. دسته سوم ادبیات داستانی و آنها عبارتند از:

خانه روشنی، شب‌نشینی با شکوه، دندیل، بامها و زیر بامها، کار با فکها در سنگر، کلاته گل، واهمه‌های بی‌نام و نشان، گور و گهواره، عزاداران بیل، عاقبت قلمفرسایی و ماه غسل.

کتابهای متفرقه دیگر هم مانند پسرک بومی دارد که تجربه‌ای در ادبیات کودک می‌تواند به حساب آید. یکی دو کار دیگر بعد از درگذشت ساعدی چاپ شده‌است که تاتار خندان از آن جمله‌است. از روی بعضی از کارهای دکتر ساعدی قبل از انقلاب فیلم‌هایی ساختند که دایره‌ی مینا و آرامش در حضور دیگران و فیلم گاو را می‌توان نام برد.

\*\*\*

## سالور - سبکتکین

سبکتکین سالور قلمزن پیر ، روزنامه‌نگار و پاورقی نویس  
پرکار در نیمه‌ی اول آبان ماه سال ۱۳۷۰ ه. ش در مرز ۶۸ سالگی در  
کانادا چشم از جهان فرو بست .

سالور در سال ۱۳۰۲ ه. ش زاده شد . پس از پایان تحصیلات  
ابتدایی و متوسطه به دانشگاه راه یافت و در رشته تاریخ و جغرافی  
و ادبیات درجه‌ی لیسانس گرفت .

سالور کار مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۹ ه. ش با نوشتن پاورقی  
برای مجلات و روزنامه‌ها آغاز کرد ، اغلب نوشته‌های او با امضای  
مستعار سحر ، سنجر و صحراگرد چاپ و منتشر می‌شد و آثار  
چاپ شده‌ی او را اعم از مقاله ، جزوه ، یادداشت و کتاب افزون بر  
هزار نوشته‌اند .

سالور علاوه بر این فعالیت ، نمایشنامه‌های رادیویی نیز  
می‌نوشت . سالور نویسندگی را از دوره جوانی آغاز کرد و پنجاه  
سال قلم زد .

از کتابهای مدون او کتاب تاریخ او را در سه جلد ، و کتاب دلاور  
را می‌توان نام برد .

\*\*\*

## سامانی - خلیل

خلیل سامانی در سال ۱۳۰۸ ه. ش در اصفهان زاده شد. تحصیلات ابتدایی، هم متوسطه را در آن شهر به پایان برد و سپس به تهران آمد.

از دوره جوانی به فعالیتهای سیاسی علاقه‌مند بود تا جذب گروههای سیاسی شد.

پس از تیراندازی به شاه سامانی دستگیر و زندانی گردید. سال ۱۳۳۰ ه. ش آزاد شد. از سال ۱۳۳۲ ه. ش به طور جدی فعالیتهای مطبوعاتی را آغاز کرد. با مجله‌های امید ایران، خواندنیها، یغما و ارمغان همکاری داشت.

در سال ۱۳۳۸ ه. ش انجمن ادبی صائب را پی‌ریخت و به دنبال آن نشریه‌ای به همین نام چاپ و منتشر می‌کرد.

پس از چاپ کتابهای بیژن و منیژه، فریاد زندگی، یتیم، ملانصرالدین در انگلستان و شب شاعر، کتابهای اقتراح، دویست شاعر در ۳ جلد، پنجاه و سه مثنوی، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در زیر تیغ دژخیم را چاپ کرد.

نوح سامانی که موج تخلص می‌کرد مجموعه شعری نیز که شامل کلیات شاعر می‌تواند باشد چاپ کرد. او در ۲۲ مهر ماه سال ۱۳۶۰ ه. ش چشم از جهان پوشید.

شعر چه شد او را به عنوان نمونه‌ی شعر او با هم می‌خوانیم:

**چه شد ...**

آنکه رفت و گفت یاد ما شود فردا چه شد؟

آمد آن فردا، وفا و عهد یاد ما چه شد؟

صد هزاران عقده از دست دورویان در دل است  
در مقام یک دلی بود آنکه بی همتا، چه شد؟  
سالهاگذشت و تیری از کمانی برنخاست  
در صف رزم آوران بود آنکه بی پروا چه شد؟  
توده‌ی خاکستری از کاروان رفته ماند  
روشن آن آتش که می‌شد در دل شبها چه شد؟  
ره به سر منزل نبرد از گمراهان کس راستی  
رهروان رفته را، آثار نقش پا چه شد؟  
بهر مردم ز اشک غم، گر چشم یاران تر نگشت  
موج را دامان ز فیض این گهر، دریا چه شد؟

\*\*\*

## ساهر - حبیب

حبیب ساهر معروف به اولکر روستا زاده‌ای از سرزمین آذربایجان است. از ترکِ میانه. مدت‌ها پیش خانواده‌اش رخت اقامت در تبریز افکنده بودند. ناگزیر حبیب در سال ۱۲۸۲ ه. ش در محله دوه‌چی تبریز پا به عرصه‌ی هستی نهاده است.

پدرش در بلوای تبریز کشته شد. حبیب درس و مکتب را در محلی به نام سرداباوستو با قرآن آغاز کرد. سپس کتابهای قدیمی مکتب خانه‌ها را ابتدا در مدرسه معتمده و سپس در محمدیه یکی پس از دیگری تمام کرد. بعد به مدرسه دولتی رفت و دیپلم گرفت. و به شغل انبیا روی آورد و قرعه فال به کردستان افتاد.

در سال ۱۳۰۶ ه. ش رخت سفر بریست و به استانبول رفت. او که زبان فرانسه را قبلاً در مدرسه کاتولیک‌های تبریز خوب یاد گرفته بود ادامه درس برای او مشکلی نداشت. لذا وارد دانشگاه شد و در رشته جغرافیا لیسانس گرفت و به ایران برگشت و شغل معلمی را پی گرفت و در شهرهای مختلف از جمله قزوین، زنجان، اردبیل و تهران به تدریس پرداخت.

حبیب با اینکه معلم جغرافیا بود، اما به گفته‌ی سادات اشکوری - یکی از شاگردان کلاس او - قسمتهای پایانی ساعات درس او به ادبیات ختم می‌شد آن هم شعر و بالاخص شعر ترکی.

استاد حبیب تا پایان عمر قلم زد و شعر گفت که حاصل آن همه تلاش کتابهایی است که هم اکنون چاپ و منتشر شده‌اند و آنها عبارتند از:

میوه‌ی گس، ادبیات منظوم ترک، شقایق، افسانه‌های شب، سایه‌ها

، کتاب شعر ساهر ۲ جلد ، اشعار برگزیده ، آرزو و قمر ، اساطیر ،  
جغرافیای خمسه ، آذربایجان جغرافیاسی ، کؤوشن ،  
سحرایشیقلا نیر ، لیریک شعرلر ، سؤنمه ین گونشلر و داغینیق  
خاطره لر .

گفتنی است که زبان شعری ساهر ترکی ادبی است و لغات دخیل در  
آن اندک است .

اما تأثیر لهجه ی استانبولی کم و بیش در آن مشهود است .  
اکنون برای آشنایی با زبان شعری حبیب چند دو بیتی «بایاتی» از او  
با هم می خوانیم :

آی نه نه جیران نه نه  
سونبوللر دولدو دَنه  
سن گئتدون دای گلمه دین  
دورنالار گلدی یئنه

□□□

گول قیزیل ، سونبول ساری  
باغلارین چو خودو باری  
نه اوچون ماتملی دیر  
تبریزین سون باهاری

□□□

گون باتدی یاندی چیراق  
دوشدوم آه سندن ایراق  
باغلارین سون بزه گین  
یئل تۆکور یارپاق یارپاق

□□□



چو خوردا سحر ائرکن  
اوشا قدیر کریش کسن  
بللی دیر گؤز یاشلاری  
قیرمیزی کریش لردن

□□□

گون بویار ایلک با هاری  
گوللره قونار آری  
توی آچار، ماتم باغلار  
بیرتایلی قاپیلاری

□□□

عزیزیم قارا داغلار  
دره ده سولار چاغلار  
ائل کؤچوب گندن گوندن  
داغ آغلار، دره آغلار

استاد ساهر روز سه‌شنبه ۲۶ آذر ماه سال ۱۳۶۴ هـ. ش در  
تهران دار فانی را وداع گفت و به خیل خاموشان پیوست.  
پیر مرد با آن جثه‌ی کوچک و موهای سفید و ابروهای سفیدتر  
اما پرپشت‌تر، بی تکیه‌گاهی در این عالم، تکیه‌گاه ادبیات ترکی  
آذری بود.

روانش شاد

\*\*\*

## سپهری - سهراب

سهراب سپهری، آنکه اهل کاشان بود و تکه نانی داشت و خرده هوشی و سر سوزن ذوقی در ۱۵ مهر ماه سال ۱۳۰۷ ه. ش در کاشان دیده به جهان گشود.

دوره دبستان و دبیرستان را همان جا به پایان برد سپس به تهران آمد. وارد دانشگاه شد. دانشکده هنرهای زیبا را پشت سر گذاشت و در تهران ماندگار شد.

این شاعر نقاش یا نقاش شاعر شروع به سرودن شعرهای متفاوت با زمان خود کرد و نخستین مجموعه شعرش با نام مرگ رنگ چاپ و منتشر شد و نام سهراب را بر سر زبانها انداخت. اگر چه پیش از آن در کنار چمن را در ۲۶ صفحه در ۱۹ سالگی در کاشان چاپ و منتشر کرده بود.

کتابهای دیگر او زندگی خوابها، آوار آفتاب، شرق اندوه، صدای پای آب، مسافر، حجم سبز و بالاخره ما هیچ، ما نگاه را به تدریج سرود و چاپ کرد. که هم اکنون کلیات او با نام هشت کتاب معروف است.

این شاعر زیباییها و صمیمیت، در غروب روز دوشنبه اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ ه. ش پس از پشت سر گذاشتن درد جانگناه سرطان خون به خلوتیان زمین پیوست.

جسم نحیف او بنا به وصیت خود او در صحن امام زاده سلطان علی در قریه‌ی مشهد اردهال کاشان به خاک سپرده شد.

با هم یک بار دیگر از او پرسیم که خانه‌ی دوست کجاست؟

## نشانی ...

«خانه‌ی دوست کجاست؟» در فلق بود که پرسید سوار  
آسمان مکثی کرد.  
رهگذر شاخه‌ی نوری که به لب داشت به تاریکی شنها بخشید.  
و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت:  
«نرسیده به درخت،  
کوچه باغی است که از خواب خدا سبز تراست،  
و در آن عشق به اندازه‌ی پره‌های صداقت آبی است.  
می روی تاته آن کوچه که از پشت بلوغ، سر به در می آرد  
پس به سمت گل تنهایی می پیچی،  
دو قدم مانده به گل؛  
پای فواره‌ی جاوید اساطیر زمین می مانی  
و تو را ترسی شفاف فرا می گیرد.  
در صمیمیت سیال فضا، خش خشی می شنوی:  
کودکی می بینی،  
رفته از کاج بلندی بالا، جوجه بردارد از لانه‌ی نور،  
و از او می پرسی  
خانه‌ی دوست کجاست؟»

\*\*\*

## سجادی - ضیاءالدین

دکتر ضیاءالدین سجادی استاد و پژوهنده ادبیات فارسی در سال ۱۲۹۸ ه. ش در مشهد چشم به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تهران آمد. وارد دانشگاه شد و تا دکترا پیش رفت. پس از اتمام تحصیلات در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. مدتی هم ریاست دانشگاه تربیت معلم و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را به عهده گرفت.

از کارهای قلمی او می توان:

شرحی بر دیوان خاقانی، تصحیح دیوان خاقانی، برگزیده اشعار سنایی، مقدمه‌ای بر عرفان و تصوف، دیباچه نگاری، تصحیح و ترجمه الغارات، سبکها و مکتب‌های ادبی، درّ دری و سیری در اندیشه و شناخت معرفت را نام برد.

دکتر سجادی روز پنجشنبه ۴ مرداد ماه سال ۱۳۷۵ ه. ش در تهران درگذشت.

\*\*\*

## سعیدی - غلامرضا

غلامرضا سعیدی اقبال شناس مؤمن در سال ۱۲۷۴ ه. ش در روستای نوزاد بیرجند متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به بیرجند رفت و تحصیلات خود را پی گرفت. آن‌گاه به استخدام بانک در آمد. اما کار در بانک مطابق ذوق او نبود. خیلی زود آن را رها کرد و شغل معلمی را برگزید.

در سال ۱۳۲۰ ه. ش به تهران آمد. با دکتر جعفر شهیدی آشنا شد. مدتی با او مجله‌ی فروغ را چاپ و منتشر می‌کرد.

سعیدی چند سفر به هند و پاکستان کرد. هم آنجا بود که اقبال را شناخت. شیفته علامه لاهوری شد. مقاله‌های متعدد در شناخت و دیدگاه اقبال نوشت. و کتابی با نام اقبال شناسی را ترجمه کرد.

به دنبال آن منشور جهانی اسلام، فرد و اجتماع و اول اخلاق بعد تمدن را یکی پس از دیگری ترجمه و چاپ کرد. به جز اینها کتابهای عمّار یاسر، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، مبانی اخلاق، ماجرای سقیفه، رسول اکرم در میدان جنگ، پیشرفت بدیع اسلام، مبادی اسلام و فلسفه احکام، ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم، فلسفه و تربیت، تفتیش عقاید و عایشه همسر پیغمبر را نیز در طول سالیان دراز نوشت و چاپ کرد.

سعیدی دوست صمیمی دکتر علی شریعتی در شامگاه روز سه‌شنبه ۲۲ آذر ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش درگذشت.

\*\*\*

## سعیدی رضوانی - عباس

عباس سعیدی رضوانی استاد دانشگاه مشهد در سال ۱۳۰۶ ه. ش در مشهد متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در دانشگاه رشته جغرافی را دنبال کرد. در سال ۱۳۳۶ ه. ش از دانشگاه ویسکانسین آمریکا فوق لیسانس گرفت و در سال ۱۳۵۰ ه. ش از دانشگاه سوربن به اخذ درجه‌ی دکترای نایل آمد.

سعیدی به ایران بازگشت. ریاست تربیت معلم استان خراسان به او واگذار شده شد. سپس به تدریس جغرافیا در دانشگاه مشهد پرداخت.

او در سال ۱۳۵۸ ه. ش به ریاست کتابخانه آستان قدس مشهد منصوب شد و پس از آن مدیر عامل انتشارات آستان قدس گردید. او اهل علم و مرد تحقیق بود. چندین مقاله در زمینه‌های مختلف جغرافیایی چاپ و منتشر کرد.  
از آثار او:

جغرافیای ژاپن، سرخس دیروز و امروز، بینش اسلامی و پدیده‌ای جغرافیایی را می‌توان نام برد.  
سعیدی روز جمعه ۳۰ مرداد ماه سال ۱۳۷۱ ه. ش بر اثر سکته‌ی قلبی در مرز ۶۵ سالگی بدرود زندگی گفت.

\*\*\*

## سهند - بولوت قره چورلو

بولوت قره چورلو (سهند) شاعر نام آور آذربایجانی در بهار سال ۱۳۰۶ هـ. ش در مراغه چشم به جهان گشود.

به سبب گرفتاریهای مالی و معیشتی تحصیلات مقدماتی را کنار گذاشت و به پارچه بافی روی آورد.

بولوت پشت دستگاه پارچه بافی به خواندن کتابهای شعر پرداخت و خود شروع به گفتن شعر کرد.

در سال ۱۳۲۴ هـ. ش در انقلاب آذربایجان سهند عملاً شرکت کرد. وقتی انقلاب به خون کشیده شد، سهند عقده های دل خود را با زبان

شعر و از زبان قهرمانان انقلاب بیان کرد.

چنین بود که کتاب سازیمین سؤزو در ۲ جلد چاپ و منتشر شد و آن روزگار سر و صدایی راه انداخت.

بولوت پس از مدتی به تهران آمد. با صباحی، فرزانه، کاتبی و دیگر ادب دوستان انجمن ادبی تشکیل داد. هر جلسه شعرهای تازه خوانده می شد و نقد و بررسی می گردید. سهند شیفته دوکس بود صمد و ورغون و شهریار.

شهریار را دیوانه وار دوست می داشت. شعرها برای او گفت و شهریار نیز سهندیه را به نام او کرد. شهریار همیشه بولوت را «مرد ایگیت» یعنی یل جوانمرد خطاب می کرد.

سهند او آخر عمر امکانات مالی بیشتری به دست آورد. به طوری که او را از دنیای شعرش بیگانه کرد. پس از آن کتابی چاپ نکرد. فقط چند خطابه به دوستان شاعر سرود و جواب گرفت.

سهند در ۲۱ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ هـ. ش در نخستین بهار بعد

از انقلاب وقتی که ابرها دریاها را می‌گریستند به سگته قلبی  
درگذشت و سر در نقاب خاک کشید و شهریار را در عزای خویش  
نشاند.

اکنون به عنوان نمونه‌ی شعری چند بند از مجموعه سازیمین سؤزو  
را باهم می‌خوانیم:

هله ده هله ده بسیزیم یئرلرده  
ساده انسانلارین آندی چرا قدیر  
خلقین آراسیندا کدده شهرده  
مقدس یئرلرین آدی اجا قدیر

\*\*\*

قارا قیش دنیانی بر باد ائدردی  
دالیجا یاز اولوب یای اولماسایدی  
قارانلیقدا انسان الدن گئدردی  
گونش اولما سایدی آی اولما سایدی

\*\*\*

چؤللری بوروین معنالی سکوت  
بعضاً لال دایانیر، گاه دیله گلیر  
یوللارا با خدیقجا من مبهوت مبهوت  
ائيله بیل کی سکوت منی سسله ییر

\*\*\*



## سهیلی - مهدی

مهدی سهیلی شاعر معاصر در ۱۸ مرداد ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش به خیل خاموشان پیوست.

مهدی در سال ۱۳۰۳ ه. ش در تهران چشم بر جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران تمام کرد. در کنار آن صرف، نحو، منطق و معانی و بیان را نیز خواند.

سهیلی کار مطبوعاتی را با طنز آغاز کرد. ابتدا با روزنامه‌های فکاهی تهران همکاری کرد. سپس خود روزنامه فکاهی متلک را چاپ و منتشر کرد. مدتها بعد روزنامه‌ی دیگری با نام نوشخند جایگزین آن نمود.

بیشتر شعرهای خود را با نامهای مستعار: شازده پسر، شیرین، بذله گو، نمکدان، لوطی پسر بی خیال، کثیر الاضلاع، نوشخند، زهرخند، نیشخند، چاقالو، هاردی، متلک گو، خواجه سهیل الملک، شیخ مهدی سهیل الدین، جاهل العلماء، آقا مهدی خان، فکلی پسر و ضعیف الاقویاء امضا می‌کرد.

در کنار کارهای مطبوعاتی با سازمان رادیو تلویزیون نیز فعالیت‌های ادبی داشت. مهدی سهیلی کتابهایی که در زمینه نظم و نثر چاپ و منتشر کرده است سر به ۳۸ جلد می‌زند و آنها عبارتند از: فکاهیات سهیلی، دو قطره اشک، خوشمزگیها در ۲ جلد، نمکپاش، زنگ تفریح، خیام و سهیلی، مادر حوّا، چوب دو سر طلا، الراجیف، سرد بیرگیج، دزد ناشی که به کاهدان زد، سخنان حسین بن علی (ع) ترجمه، کاروانی از شعر ۷ جلد، گنجینه‌ی سهیلی ۳ جلد، عقاب، مشاعره، شاهکارهای سعدی، خاطرات یک اشک،



بزم شاعران، گنج غزل، لحظه‌ها و صحنه‌ها، اشک مهتاب، چشمان تو در آینه‌ی اشک، بوسه‌ای بر دست مادر، هزار خوشه‌ی عقیق، شاهکارهای صائب و کلیم کاشانی، نگاهی در سکوت، طلوع محمد (ص) و بوی بهار می‌دهد.

می‌گویند اسرار مگو در ۲ جلد نالیف و گردآوری مهدی سهیلی است.

مهدی سهیلی چندان مورد توجه شاعران و نویسندگان امروزی نبود. به هر حال به عنوان نمونه‌ی شعر، اشک مهتاب او را در این بخش با هم می‌خوانیم:

### اشک مهتاب ...

تو دیروز بر چشم من چشم بستی

به صد ناز در دیده‌ی من نشست

مرا با دو چشمی که آتشفشان بود

نگه کردی و خنده بر لب شکستی

□□□

ز چشم سیه مست ناز آفرینت

به جان و تنم مستی خواب می‌ریخت

چو بر ماه رویت نظر می‌گشودم

به شام دلم موج مهتاب می‌ریخت

□□□

چو لبخند روی لب‌ت موج می‌زد

دل من در آن لحظه توفان سرا بود

چو اندام جادوییت تاب می‌خورد

مرا حیرت از شاهکار خدا بود

□□□

بی نوشخندی چو لب می‌گشودی  
به دندان تو بود لطف سپیده  
تو گویی که الماس دندان نما بود  
و یا اشک مهتاب! بر گل چکیده

□□□

بسی رفت و بی مستی عشق بودم  
به چشمت قسم مستی از سر گرفتم  
تو دیشب نبودی خیالت گواه است  
که او را به یاد تو دربر گرفتم

□□□

پس از این دلم بی تو چون گور سرد است  
بیا بخت من شو در آغوش من باش  
مرو، بی تو شبهای من بی ستاره است  
تو پروین شبهای خاموش من باش

□□□

## سیاسی - علی اکبر

علی اکبر سیاسی در سال ۱۲۷۳ ه. ش در تهران زاده شد. پس از تحصیلات ابتدایی، مکتبی و متوسطه به فرانسه رفت. از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای ادبیات گرفت و سپس به ایران بازگشت. استاد دارالفنون و دانشکده حقوق و علوم سیاسی شد. مدتی نیز ریاست دانشگاه تهران را داشت. جدا کردن دانشگاه از وزارت معارف از کارهای بسیار خوب دکتر سیاسی است.

استاد سیاسی با نوشتن و ترجمه مقالات و کتابهای فلسفی مقام شامخی برای خود کسب کرد. حاصل این تلاش ترجمه و تألیف کتابهای چندی است در زمینه روان شناسی و مبانی فلسفه، علم و اخلاق و به خصوص شعر فارسی است که اهم آنها عبارتند از:

روان شناسی پرورشی، روان شناسی، دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلن، علم النفس ابن سینا، علم اخلاق، منطق و روش شناسی، مبانی فلسفه، هوش و خرد، روان شناسی جنایی، گزارش یک زندگی، روان شناسی جدید و منطق و فلسفه.

استاد سیاسی گاهی به سیاست هم توجه می کرد. پایه گذاری حزب ایران جوان از آن مقوله می تواند به حساب آید. در برنامه های آن حزب تعلیمات اجباری رایگان را به دولت پیشنهاد کرد.

بالاخره استاد در ۶ خرداد ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش رخت به سرای باقی کشید و دوست بسیار عزیز خود ابو القاسم حالت را تنها گذاشت. اگر چه او هم بی وفایی نکرد و دو سال بعد به او پیوست.

\*\*\*

## شاهی - علیرضا

علیرضا شاهی قصه‌نویس جوان و آگاه پاکدل در سال ۱۳۳۴ ه. ش در میانه متولد شد. علیرضا هنوز تحصیلات ابتدایی را به پایان نرسانده بود که پدرش را از دست داد.

پس از مدتی به دنبال کار به تهران آمد. در دبیرستان‌های تهران اسم نوشت و خود در کارگاه خیاطی به کار مشغول شد.

علیرضا به نشریات کودکان علاقه‌مند شد. قصه‌نویسی را تجربه کرده یکی دوتای آنها را چاپ کرد. توجه گردانندگان مجلات کودک به سوی او جلب شد. با کیهان بچه‌ها و مجله‌های رشد شروع به همکاری کرد. شاهی علاقه داشت قصه‌هایی از جبهه‌های نبرد ایران و عراق تهیه کند. به همین سبب برای رفتن به جبهه با دوستانش به مصلحت‌اندیشی پرداخت. دوستانش توصیه می‌کردند که درش را بخواند و مقداری از درآمدش را همچنان به مادر پیر و خواهرهایش بفرستد. اما یک روز بی‌خبر برای تهیه گزارش به جبهه رفت و اوایل آذر ماه سال ۱۳۶۲ ه. ش بود که به دست اشخاص ناشناس کشته شد و فردای آن شب جنازه‌اش را پشت چادرهای رزمندگان و ارتش جمهوری اسلامی ایران نزدیک پاسگاه زید یافتند. جنازه‌اش به میانه حمل شد و در آنجا به خاک سپرده شد. از علیرضا شاهی مجموعه‌ی قصه‌ای با نام مادرم آسمان من است چاپ و منتشر شده‌است و چند قصه کوتاه که در نشریات روز به چاپ رسیده‌است.

علیرضا چند نمایشنامه کوتاه هم نوشت که به همت جوانان میانه روی صحنه آمد.

جای او خالی مباد



## شرفکندی - عبدالرحمن

عبدالرحمن شرفکندی متخلص به هزار، شاعر و مترجم کرد، در سال ۱۲۹۹ ه. ش در شهر مهاباد چشم بر جهان گشود. در سهای ابتدایی و مقدماتی را پیش آخوندهای محل کسب کرد. سپس خود به مطالعه و خودسازی پرداخت. شرفکندی در ضمن مطالعه به شعرهای حاجی قادر کوبی - شاعر معروف سرزمین کرد - برخورد. آنها را موافق طبع خود یافت. سپس به طرف شعر کشیده شد. شعرهایی به زبان کردی سرود و در نشریه‌های نشتمار و وطن چاپ و منتشر کرد. ترجمه‌هایی از آن شعرها نیز در مجله‌های شفق و وطن یولوندا به چاپ می‌رسید.

شاعر بعدها به تهران منتقل شد و سرگرم کارهای مطبوعاتی بود تا در اسفند ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش در تهران درگذشت.

پیکر این ادیب کرد زبان در روز جمعه ۴ اسفند ماه به مهاباد منتقل و در گورستان بداغ سلطان به خاک سپرده شد.

\*\*\*

## شریعتی - محمدتقی

دکتر علی شریعتی نامی آشنا و دوست داشتنی است، اما پدرش محمدتقی شریعتی استاد بزرگواری که میان جوانان ناشناخته ماند و گمنام زیست.

محمدتقی شریعتی در سال ۱۲۸۶ ه. ش در روستای مزینان از توابع سبزوار در یک خانواده روحانی چشم به جهان گشود. پدرش آقا شیخ محمود مزینانی روحانی آن بلوک بوده است.

محمدتقی تحصیلات مقدماتی و علوم را در مزینان آغاز کرد. بعد برای ادامه تحصیل به مشهد رفت و منطق و فلسفه، فقه و اصول را به خوبی آموخت. از سال ۱۳۰۹ ه. ش در مدارس ملی و از سال ۱۳۱۱ ه. ش در مدارس دولتی به تدریس پرداخت.

محمدتقی با بدعت‌های ناروا و اندیشه‌های غیر اسلامی مخالف بود و در این باره با نوشتن و سخنرانی‌های خود موضع خود را مشخص کرد. در زمان رضا شاه چند بار به زندان رفت.

پس از آزادی از زندان کانون نشر حقایق اسلامی را پی ریخت. در میان مردم وجهه‌ای پیدا کرد و از طرف مردم مشهد به نمایندگی مجلس هم انتخاب شد.

شریعتی با حکومت دیکتاتوری رضا خانی مخالفت می‌کرد. در سال ۱۳۳۶ ه. ش او و پسر خلفش - علی - به زندان کشیده شدند. پس از آزادی به دعوت مطهری در ارشاد الحسینیه به تفسیر قرآن پرداخت.

استاد در آواخر عمر به دانشکده معقول و منقول جهت تدریس دعوت شد.

پس از عمری زندگی پر درد سر اما شرافتمندانه محمدتقی در روز  
دوشنبه ۳۱ فروردین ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش پس از ۸۰ سال زندگی  
دارفانی را وداع گفت. پیکر پاک استاد در جوار حضرت امام رضا  
(ع) در مشهد به خاک سپرده شد.

آثار چاپ شده‌ی استاد عبارتند از:

تفسیر نوین، وحی و نبوت، امامت در نهج البلاغه، خلافت و  
ولایت، چرا حسین قیام کرد و فایده و لزوم دین.

\*\*\*



## شریف زاده - هوشنگ

هوشنگ شریف زاده دانشمندی جوان و دانش پژوهی آگاه بود. در سال ۱۳۱۶ ه. ش در مشهد زاده شد و تحصیلات مکتب خانه‌ای و مقدماتی و دبیرستانی را در شهرهای گلپایگان، قم، تویسرکان و چالوس و تهران گذراند. در سال ۱۳۳۵ ه. ش از مدرسه دارالفنون دیپلم ریاضی گرفت.

در سال ۱۳۳۸ ه. ش دانشسرای عالی را در رشته آموزش فیزیک به پایان برد و سپس معلم شد و به خطه پارس رفت.

در سال ۱۳۴۴ ه. ش به تهران آمد و در سازمان کتابهای درسی مسئول ویرایش کتابهای درسی شد. هم در این زمان آموزش علوم را در یکی از دانشگاههای انگلستان گذراند.

در سال ۱۳۵۸ ه. ش مقاله‌های علوم فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را در شورای کودک تهیه و ویرایش کرد.

در سال ۱۳۶۸ ه. ش مجله پر بار گنجینه را راه انداخت. که فقط دو شماره از آن در آمده بود که شریف زاده به ابدیت پیوست.

شریف زاده حدود ۵۰ جلد کتاب تهیه و تألیف و ویراستاری و چاپ کرده از آن جمله‌اند: کتاب فیزیک برای دوره تربیت معلم در ۴ جلد و ترجمه کتابهایی مانند: در قلمرو مکانیک از هامفری و کتاب دوم استاتیک.

شریف زاده با آگاهی از اینکه چند صباحی بیش زنده نخواهد ماند و دکتر معالج کار و تلاش را بر او ممنوع کرده بود با شور و شوقی فراوان و با آن چهره گشاده و خندان کار خود را ادامه داد تا در سحرگاه روز پنجم آذر ماه ۱۳۶۹ ه. ش در یکی از بیمارستانهای

تهران جهان را با همه داشته‌هایش به دیگران گذاشت و رفت .

یادش گرمی باد

\* \* \*



## شفیانی - منوچهر

منوچهر شفیانی از داستان نویسان معاصر بود که در سال ۱۳۶۶ ه. ش مرگ نا به هنگام به سراغ او آمد. شفیانی در سال ۱۳۱۹ ه. ش زاده شد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به داستان نویسی روی آورد. کارهای قلمی چاپ شده‌ی او عبارتند از: قرعه آخر، آهای گربه‌ی ما آنجاست، گاو میش، معامله‌چی‌ها و عبور از چات.

\*\*\*

## شکری - یداله

یداله شکری همکار صمیم لغت‌نامه‌ی دهخدا در ۴ مهر ماه سال ۱۳۳۳ ه. ش در روستای بازکول رودسر زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و متوسطه را در تهران به اتمام رساند. سپس وارد دانشگاه شد، تاجایی که موفق به اخذ درجه‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی شد. بعد از آن استادیار دانشگاه علامه طباطبایی گردید. بعدها در دانشگاه تربیت معلم و شهید بهشتی نیز به تدریس پرداخت. اواخر عمر سرپرست گروه ادبیات فارسی مرکز نشر دانشگاهی شد.

شکری در طول عمر کوتاه خود فعالیت‌های علمی پر ثمری انجام داد. با بنیاد فرهنگ ایران همکاری داشت. با سازمان لغت‌نامه دهخدا سالها کار کرد. از کارهای تحقیقی او می‌توان:

تصحیح کتاب عالم آرای صفوی، منتخب تاریخ جهانگشا، تخشیه و چاپ دیوان سراج‌الدین قمری، تصحیح دیوان سنایی و تاریخ بیهقی را نام برد.

شکری در شب ۸ آذر ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش به دنبال یک بیماری طولانی که کار به عمل جراحی نیز کشید در بیمارستان شهید چمران چشم از جهان فرو بست.



## شکیباپور - عنایت‌اله

عنایت‌اله شکیباپور مترجم پرکار در سال ۱۲۸۶ ه. ش در همدان زاده شد.

تحصیلات ابتدایی را در همدان، متوسطه را در مازندران و تهران و دوره لیسانس زبان را در تهران به پایان برد.

رشته‌ی او زبان و ادبیات فرانسه بود. پس از فراغ از تحصیل به عضویت علمی - فرهنگی در آمد.

نخستین کار قلمی او مجموعه اطلاعات عمومی در ایران است.

سپس کتاب محمد ستاره‌ای که در مکه درخشید را نوشت و کتاب بعدی او از استبداد تا جمهوری اسلامی را باید نام برد.

کارهای دیگر شکیباپور در ترجمه عبارتند از:

بینویان و یکتور هوگو، ژاندارک، سرگذشت ولتر، کنت مونت کریستو، قرار دادهای اجتماعی و برادران کارامازوف.

گفتنی است که در ترجمه‌های شکیباپور دقت و وسواس کمتری به کار رفته است.

شکیباپور در ۲۰ مهر ماه سال ۱۳۶۳ ه. ش برای همیشه دست از

کار کشید و در خوابگاه ابدیت خفت.

\*\*\*

## شهابی - علی اکبر

علی اکبر شهابی استاد دانشگاه مشهد بود. او در سال ۱۲۸۷ ه. ش در تربت حیدریه چشم به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را پیش پدر فراگرفت. برای تکمیل معلومات خود به شهرهای مشهد، اصفهان و دست آخر تهران رفت. سپس به استخدام دولت در آمد و شغل معلمی را انتخاب کرد. پس از اخذ فوق‌لیسانس به دانشسرای عالی راه یافت. و بعد در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. ضمن تدریس، دوره دکتری را نیز گذراند.

شهابی علاوه بر تدریس به کارهای تحقیقی و تتبعی بیشتر علاقه‌مند شد و کتابهایی در زمینه‌های مختلف چاپ و منتشر کرد که عبارتند از:

اصول النحو، اصول الصرف، اصول روان‌شناسی، روابط ادبی ایران و هند، تاریخ وقف در اسلام، همبستگی تشیع و تصوف، شیعه‌شناسی، ترجمه تعبیر رؤیای ابن سینا، تصحیح رساله‌ی صناعیه میرفندرسکی و نظامی شاعر داستانسرا.

استاد شهابی زمانی نیز ریاست دانشکده ادبیات مشهد را به عهده گرفته بود.

شهابی روز جمعه ۱۱ آذر ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش در کالیفرنیا درگذشت.



## شهره - احمد

احمد نعمت‌الهی شاعری از انجمن ادبی محیط قم، در غروب  
هنگام چهارم آبان ماه سال ۱۳۷۱ ه. ش به خیل خفتگان پیوست.

چه سان ای کاروان از کوی جانان رخت بریندم  
که با خود می‌برم جان و تن ناقابل خود را

او در سال ۱۲۸۵ ه. ش در قم چشم به جهان گشود. تحصیلات  
قدیمی و حوزه‌ای را در آن شهر به پایان برد. سپس به خدمت اداره  
پست و تلگراف در آمد.

نعمت‌الهی که تخلص شهره برای خود انتخاب کرده بود، پس از  
کسب فیض از محضر استادان به شعر و شاعری روی آورد.  
دو کتاب نسرین آزاد و دامنه‌های خیال در شعر و عالم انتقام در نثر  
حاصل کار مطبوعاتی اوست.

شهره در ابتدای شاعری به صوفیگری روی آورد. اما خیلی زود  
صوفیگری را برای همیشه بوسید و کنار گذاشت.

شهره اهل قیل و قال نبود. به همین سبب هم بود که گمنام ماند  
اکنون غزل منزلگه خدا را از او با هم می‌خوانیم:

### منزلگه خدا ...

بیا ز جلوه‌ی حسنت ببین چه‌هاست دلم  
ز یمن مقدم عشق تو در بلاست دلم  
اسیر طره‌ی آن خال و خط نه امروزم  
چه سالها که به بند تو مبتلاست دلم  
به راه دوست چو بیگانگان قدم نهم

ز بهر آن که بدان خانه آشناست دلم  
به گرد کعبه نگرדם به نام خانه‌ی دوست  
منی که کعبه و منزلگه خداست دلم  
چو در شکنجه‌ی نازش فتاد محرم عشق؛  
کشید هر وله و گفت در کجاست دلم؟  
صفا و مروه چه کار آیدم که در همه عمر  
صفای صفی میخانه را صفاست دلم  
سکندر از چه ز ظلمت حیات می طلبید،  
بگو به خضر که سرمایه‌ی بقاست دلم

\*\*\*



## شهریار - سید محمد حسین

تا هستم ای رفیق ندانی که کیستم

روزی سراغ وقت من آیی که نیستم

اکنون که شهریار نیست به سراغ او می‌رویم. سید محمد حسین بهجت خشگنابی، در سال ۱۲۸۳ ه. ش در محله‌ی بازارچه‌ی میرزا نصراله تبریز، معروف به چای قیراغی «کنار رودخانه» پا به عرصه‌ی هستی نهاد.

شهریار در دوران کودکی با حبیب ساهر - یکی دیگر از شاعران ترکی‌گوی آذربایجان - همبازی بود. در ۹ سالگی خانواده‌ی شهریار به خشک‌ناب، قریه‌ی قیش قرشان - موطن اصلی آبا و اجدادی - کوچ کرد. شهریار در سهای مقدماتی را در خشگناب یاد گرفت و خیلی زود با حافظ مأنوس شد.

او دوره‌ی متوسطه را در تبریز به پایان برد و شعر گفتن را از پشت نیمکت‌های کلاس آغاز کرد.

شهریار در سال ۱۳۰۰ ه. ش به تهران آمد. و در مدرسه‌ی دارالفنون به تحصیل پرداخت. سپس به مدرسه‌ی طب راه یافت. اما عشقی ناشناخته و بی سرانجام به سراغ او آمد. شهریار طب را رها کرد. برای گذران زندگی به خدمت دولت در آمد و کارمند ثبت اسناد گردید.

در سال ۱۳۱۱ ه. ش با همان پست سازمانی به نیشابور تبعید شد. در همین دوران با تبعیدی دیگر - استاد کمال‌الملک نقاش معروف - آشنا شد. در سال ۱۳۱۲ ه. ش حاج میرآقا خشگنابی - وکیل

خوشنام دادگستری و پدر شهریار - دار فانی را وداع گفت . شهریار به تبریز برگشت تا سرپرستی خانواده‌ای را به عهده بگیرد . آنجا نتوانست بماند به تهران برگشت . در تهران با جمعی از شاعران و نویسندگان انجمن ادبی نو پایی تشکیل داد .

شهریار در سال ۱۳۰۵ هـ . ش نخستین مجموعه‌ی شعر خود را با نام صدای خدا ، و با مقدمه‌ی ملک الشعرا ی بهار چاپ کرد . مجموعه‌ی شعر روح پروانه<sup>(۱)</sup> را ، یک سال بعد با مقدمه‌ی پژمان بختیاری به چاپ رساند . بعد از آن بود که شهریار به فکر تدوین دیوان افتاد . تا در سال ۱۳۱۰ هـ . ش مجموعه اشعار خود را یک جا منتشر کرد و آن را به میرزا احمد خان اشتری - یکی از آزادیخواهان خوشنام و پاکدامن - تقدیم کرد .

شهریار در سال ۱۳۳۵ هـ . ش کلیات جدیدی از اشعار خود را در ۴ جلد به بازار فرستاد . در حالی که چهار سال پیش از آن مجموعه‌ی زیبای حیدر بابا به سلام را به زبان ترکی آذربایجانی چاپ و منتشر کرده بود . این کتاب در آن دوره غوغایی بر پا کرد . چنان که تا امروز هم ارزش و اعتبار ادبی خود را دارد . شهریار جلد دوم آن را هم سرود و چاپ کرد . قالب و محتوای این دو مجموعه مورد تقلید بسیاری از شاعران ترکی زبان قرار گرفت . دانشگاه تبریز به شهریار عنوان استاد افتخاری داد و روز ۲۶ اسفند در تاریخ فرهنگ آذربایجان به نام روز شهریار نامیده شد .

شهریار را خداوند غزل ، شهریار ملک سخن و افتخار شرق و غرب نامیده‌اند .

---

۱ - پروانه خواننده‌ی خوش صدای ایرانی بود که به بیماری سل در جوانی درگذشت .

شهریار در سال ۱۳۶۶ ه. ش با نیما - شاعر نو پرداز - آشنا شد و مورد ستایش نیما قرار گرفت .

استاد در شعر نو به نیما نظر داشت ، در غزل به حافظ و در شعر ترکی به حاج رضا صراف .

شعرهای لطیف او همه جا ورد زبان شده بود . شاید هم عشق دختری با نام ثریا ، این همه لطافت و شور و حال به شعر او بخشیده بود .

شهریار همیشه این عشق را انکار می کرد . و می گفت : «عشق من همین سیده خانم است که با او ازدواج کرده ام» اشاره اش به عزیزه خانم بود که شغل معلمی داشت .

شهریار از او صاحب سه فرزند شد . عزیزه خانم در سال ۱۳۵۴ ه. ش هنگام اقامت شهریار در تهران ، به سکنه قلبی درگذشت . و بعد از او بود که شهریار واقعاً تنها ماند . پس از مرگ او چندین بار به تبریز برگشت . در مدت اقامت آخر ، خانه‌ی شهریار زیارتگه شاعران و نویسندگان فارسی زبان و ترکی زبان شده بود . شعرهای فارسی شهریار ، شاعران فارسی زبان را به \* کرنش وا داشته بود و شعرهای ترکی او ، شاعران ترکی زبان را غلام‌خانه زاد گردانیده بود . به خصوص سهند - شاعر معروف آذربایجان - اخلاص تمام به شهریار پیدا کرده بود . حتی در تهران آپارتمانی هم در اختیار او گذاشت . این دوستی به جایی رسید که شهریار شعر بلند سهندیه را برای او سرود و هدیه کرد ، که از شعرهای زیبای ادبیات ترکی است با حفظ همه معیارهای حسی و عاطفی و بخصوص قالب زیبای شعری .

اواخر عمر ، شاعر گرفتار بیماری ریوی شد . این بیماری او را

خانه نشین کرد. در این دوران شهریار همیشه چشم انتظار دوستان، دیده بر در دوخته بود. به همین سبب در غزلی گفت:

یاران چرا به خانه‌ی ما سر نمی‌زنند

آخر چه شد که حلقه به این در نمی‌زنند

بالاخره هنگام کوچ شهر یاران نیز رسید. او روز یکشنبه ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش در اثر نارسایی قلب در بیمارستان مهر تهران، به خیل خلوتیان خاک پیوست. پیکر پاک استاد یک روز بعد به تبریز منتقل و در مقبره الشعراى تبریز، کنار خاقانی، همام، اسدی و دیگر شاعران به خاک سپرده شد. که هم اکنون آرامگاه او زیارتگاه اهل دل است.

اکنون دو غزل «ترکی و فارسی» از این شاعر بلند پایه را در این بخش با هم می‌خوانیم. ناگفته نگذارم که در انتخاب آنها سلیقه‌ای به کار نبرده‌ام. چه همه‌ی شعرهای او برگزیده است.

### نازائيله میسن ...

چو خلار اینجیکدی کی، سن اونلارا نازائيله میسن  
منده اینجیک، کی منیم نازیمی آز ائيله میسن  
ائتمیسن نازی بو ویرانه کؤنولده سلطان  
ائوین آباد اولا، درویشه نیاز ائيله میسن  
هر باخیشدا، چالییان کیبریگی مضراب کیمی  
بیر قولاق وئر، بوسینیق قلبی نه ساز ائيله میسن  
باشدان آچ یایلیغی، افشان ائله سوسن سنبل  
سن بیزیم بایرامی میزسان، قیشی یازائيله میسن  
کاکلی باشدا بوروب با غلامیسا تاج کیمی

او قیزیل ساچدان ، اونا گوللی قوتازائیله میسن  
 سینه بیر دشت مغاندیر ، قوزویان یا نه یا تیب  
 منیم آغلارگوزومو ، اوردا آراز ائیله میسن  
 دستماز ائیله دیگین چشمه مسیحا قانی دیر  
 بیلمیرم هانسی کلیساده نماز ائیله میسن  
 من عشیران او خو سام ، پنجه عراق اوسته گزر  
 گۆزه لیم ترک اولالی ، ترک حجاز ائیله میسن  
 بس کی زلف و خط و خالین قو پالاغین گؤتدون  
 زلفلی نین ده باشین آز قالا داز ائیله میسن  
 خط و خالیندان آلیب مشقیمی قران یازارام  
 بو حقیقت له منی ، اهل مجاز ائیله میسن  
 منی دان اولدوزو سن یاخشی تا نیرسان کی سحر  
 أفقی خلوت ائدیب راز و نیاز ائیله میسن  
 شهریارین داغیلیب ، داغدا داشا دالدالانیب  
 نوزون انصاف ائله ، محمودی ایاز ائیله میسن

### غزال و غزل ...

امشب از دولت می دفع ملالی کردیم  
 این هم از عمر شبی بود که حالی کردیم  
 ما کجا و شب میخانه خدا یا چه عجب  
 کز گرفتاری ایام مجالی کردیم  
 تیراز غمزه ی ساقی ، سپر از جام شراب ؛  
 باکماندار فلک جنگ و جدالی کردیم  
 غم به رویین تنی جام می انداخت سپر ،

\*\*\*

غم مگو عربده با رستم زالی کردیم  
باری از تلخی ایام به شور و مستی ،  
شکوه با شاهد شیرین خط و خالی کردیم  
نیمی از رخ بنمود و خمی از ابرویی ،  
وسط ماه تماشای هلالی کردیم  
روزه‌ی هجر شکستیم و هلال ابرویی ،  
منظر افروز شب عید وصالی کردیم  
بر گل عارض از آن زلف طلایی فامش  
یاد پروانه‌ی زرین پرو و بالی کردیم  
مکتب عشق بماناد و سیه حجره‌ی غم  
که در او بود اگر کسب کمالی کردیم  
چشم بودیم چومه شب همه شب تا چون صبح  
سینه آینه‌ی خورشید جمالی کردیم  
عشق اگر عمر نیوست به زلف ساقی ،  
غالب آن است که خوابی و خیالی کردیم  
شهریار غزلم خوانده غزال وحشی  
بد نشد با غزلی صید غزالی کردیم

\*\*\*

## شهبازی - اسحق

اسحق شهبازی از غزل سرایان معاصر ایران است که در سال ۱۲۹۷ ه. ش در رشت متولد شد.

تحصیلات خود را تا دیپلم در رشت ادامه داد. سپس به خدمت آموزش و پرورش در آمد. در کنار معلمی وارد دانشگاه شد و لیسانس ادبیات گرفت. سپس در دانشگاه آزاد اسلامی رشت به تدریس پرداخت.

شهبازی با مطبوعات گیلان همکاری داشت. گاهی برنامه‌هایی نیز برای رادیو رشت می‌نوشت.

شهبازی در سحرگاه ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۶۹ ه. ش زندگی را بدرود گفت.

بخشی از شعر بهار شهبازی را با هم می‌خوانیم:

بهار...

گیتی ز بهار است پر آرایش و رونق

عالم چو بهشت است به زیبایی مطلق

کرده ز ره جامه به تن بانوی خاور،

بسته ز شفق غازه به رخ، طارم ازرق

راغ است چو اراسته دیبای منقش

باغ است چو پیراسته ایوان خورنق

در رنگ افق جلوه‌ی ارژنگ دل‌انگیز

در لطف هوا مستی صهبای مرقوق

لرزنده به مه هاله چنان طره‌ی مرغول  
لغزنده به گل ، ژاله چنان قطره‌ی زیبق  
ایران من ای مدفن گردان دلاور  
سامان من ای تربت پاکان محقق  
بر دور زمان رشته‌ی نام تو مؤکد  
بر روی زمین ، منبع فرّتو موثق  
تابنده بمانی همه با شادی و امید  
پاینده بمانی همه با زینت و رونق

\*\*\*



## شوشتري - سيد محمد تقى

علامه شوشتري محقق بزرگوار در سال ۱۲۷۹ هـ. ش در نجف اشرف متولد شد.

سيد محمد تقى شوشتري تحصيلات مقدماتى و ديگر علوم را در همان شهر به پايان برد. پس از تحصيلاتعالى در معارف اسلامى و فقه و اصول كتاب معروف قاموس الرجال را تأليف كرد.

اين كتاب در ۱۴ جلد انتشار يافته است و در سال ۱۳۷۱ هـ. ش به عنوان كتاب سال برگزيده شد.

علامه پس از عمرى تحقيق روز جمعه ۳۰ ارديبهشت ماه سال ۱۳۷۴ هـ. ش در شوستر به جوار رحمت ايزدى پيوست، و در بقعه‌ى سيد محمد گلابى به خاک سپرده شد.

\*\*\*

## شیبانی - منوچهر

منوچهر شیبانی شاعر نو پرداز و نقاشی شاعر بود. او در سال ۱۳۰۳ ه. ش در کاشان به جهان آمد. تحصیلات ابتدایی را آنجا و متوسطه را در تهران به پایان برد. سپس به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد.

شیبانی در دانشکده‌ی هنرهای زیبا، در رشته‌ی نقاشی به تحصیل پرداخت. پس از فراغ از تحصیل در وزارت فرهنگ و هنر آغاز به کار کرد. پس از مدتی به خارج رفت. دانشکده‌ی هنرهای زیبا را در رم، و دانشکده‌ی سینما را در پاریس گذراند.

شیبانی در کنار نقاشی و سینما، به شعر نو علاقه‌مند شد و شیوه‌ی نیما را پیش گرفت. تا جایی که در شعر بی وزن بر بسیاری حق تقدم پیدا کرد. نخستین کتاب شعر او، که از نخستین کتابهای شعر نو در ادبیات فارسی نیز به حساب می‌آید، در سال ۱۳۲۴ ه. ش با نام جرّقه چاپ و منتشر شد. آتشکده‌ی خاموش دومین مجموعه‌ی شعری او بعد از ده سال به بازار آمد.

شعر شیبانی اجتماعی - اساطیری است. او را از مدرنیست‌های ایرانی به حساب می‌آورند که، بر روند هنر معاصر تأثیر گذاشته‌است.

شیبانی علاوه بر کار در زمینه‌ی شعر و نقاشی، به هنر سینما نیز علاقه‌مند شد. و در این رشته ذوق آزمایی کرد و فیلم عطش را ساخت.

منوچهر شیبانی در ۲۰ آبان ماه سال ۱۳۷۰ ه. ش به بیماری سرطان درگذشت و به جمع خاکیان از دنیا بریده پیوست.

شب از شب او را شعری مناسب در این مجموعه می‌دانیم که  
بویی از زمستان اخوان را دارد، با هم می‌خوانیم:

### شب از شب ...

شب از شب رنگ می‌گیرد.

سیه نقش سیاهی بر جدار سینه می‌ریزد.

تنیده عنکبوت خوف، بر هر پنجره، هر در؛

نفس در سینه‌ها مانده‌است.

سخن از باد و توفان نیست.

نسیمی بر نمی‌خیزد.

و من سر در گریبانم.

نمی‌دانم ... نمی‌دانم.

ز مشکین موی دلداران، فروشد پیچ و تاب امشب.

چه نوشی می‌که جز تلخی به کامت نیست.

جز آنده به جامت نیست

در میخانه‌ها بستند و جام مهر بشکستند و دل خستند.

به جام لاله خون کردند و فارغ بال بنشستند.

هزاران را

دهان از نغمه‌های عشق، ببردند.

گلستانها پراکندند و

طرحی نو در افکندند.

خدایا این چنین می‌پسند

جباران به غمخواری

ریاکاران به دلجویی

فسونسازان به عیاری

شب از شب رنگ می گیرد .

نسیمی بر نمی خیزد .

کجا شد دیر ! توفانزای موج انگیز بیداری ؟

و من سر در گریبانم .

نمی دانم .

نمی دانم .

\*\*\*

## شیدا - محمدبیریای کهن

محمد بیریای کهن (گیلانی) متخلص به شیدا، شاعر غزل سرای نامی ایران که سالها تن به بستر بیماری سپرده بود در روز پنجشنبه ۱۶ تیر ماه سال ۱۳۷۳ ه. ش در مرز ۷۵ سالگی درگذشت و در کنار عطار نیشابوری به خواب جاودان رفت.

شیدا در سال ۱۲۹۸ ه. ش در بندر انزلی چشم به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت. سپس معارف اسلامی و صناعات ادبی را پیش استادان بزرگ آموخت. پس از آن بود که به شعر روی آورد. محمد بیریای در ۱۳۱۶ ه. ش به اتهام فعالیتهای سیاسی دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی سعی کرد شاعر بماند.

او در شعر شیدا تخلص می‌کرد. پس از مدتی رخت سفر به اصفهان کشید و به احترام صائب ۱۲ سال همان جا به تدریس در دانشگاه پرداخت. پس از آن به تهران آمد و در رادیو ایران به ترانه سازی روی آورد. پس از سالها تنهایی و دل آزرده‌گی به دیار خود برگشت.

در سال ۱۳۶۶ ه. ش به نیشابور رفت. خانه او در آن شهر انجمن شعرا و ادیبان بود. و در حقیقت مرکز انجمن سخن نیشابور، بر همین مبنای وجود آمد.

از آثار او:

نیمروز عاشورا، نیلوفر مرداب و گزیده‌ای از غزلیات او که هر سه چاپ و منتشر شده‌است.

شعر موج نیستی شیدا دست‌رسم بود که با هم می‌خوانیم:

### موج نیستی ...

در چشم او ، اگر چه حیا موج می زند  
هنگام خشم ، برق بلا موج می زند  
چون بشکفتد به کنج لبانش تبسمی ،  
زان لعل پاره آب بقا موج می زند  
گیسو به عاج شانه چو ریزد ، عبیرتر  
در دامن نسیم صبا موج می زند  
خون گردود ز شرم به گلزار عارضش  
سوری جدا و یاس جدا موج می زند  
در شام زلف صبح بنا گوش او نگر ؛  
سیماب ، زیر مشگ ختا موج می زند  
یک ره گشود چاک گریبان به روی ما  
در جان ما نگر که چه ها موج می زند  
باشد ز حسرت نگه جانفزای او ،  
داغی اگر به سینه ی ما موج می زند  
بفکن حجاب جسم که بی پرده بنگری  
در کاینات نور خدا موج می زند  
شیدا اگر به دست طلب آستین کشی ،  
آن را که طالبی همه جا موج می زند

\*\*\*

## شیروانلو - فیروز

فیروز شیروانلو از مترجمین خوب روزگار ما بود. او در سال ۱۳۱۷ ه. ش به جهان آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به انگلستان رفت. پس از اتمام تحصیلات به ایران برگشت.

شیروانلو نخستین کارش را با ترجمه اثری از فیشر ارائه داد. سپس کارهای دیگر او یکی پس از دیگری چاپ و منتشر شد که مهمترین آنها عبارتند از:

کتاب گستره و محدوده‌ی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، خاستگاه اجتماعی هنر و نگاهی به نگارگری در ایران.

شیروانلو یک واژه‌ساز و معادل‌پرداز حرفه‌ای بود. اثر و آثار همین کار در هر یک از کتابهای او پیداست.

فیروز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را در ایران پی‌ریخت. در سال ۱۳۵۶ ه. ش نیز فرهنگ سرای نیاوران را راه انداخت. در هر فرصتی هم نمایشگاههای داخلی و خارجی از آثار هنرمندان ترتیب می‌داد.

به جز آنها که نام بردیم، شیروانلو کتابهای دیگری نیز ترجمه کرده‌است که می‌توان به ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی، تفکر و شناخت زبان در روند تکامل اجتماعی، از خود بیگانگی در ادبیات، مسایل فلسفی تاریخ و فرهنگ را نام برد.

شیروانلو جمعه شب ۳۰ دی ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش در بیمارستان ساسان درست در حالی که به دایرة المعارف نا تمامی که در دست داشت می‌اندیشید از این جهان رخت به سرای باقی کشید.



## شیوا - بابا مردوخ روحانی کردستانی

بابا مردوخ روحانی متخلص به شیوا در سال ۱۳۰۲ هـ. ش در روستای کاشتر چشم بر جهان گشود.

پدر او حبیب اله مدرس مردی روحانی بود و از کودکی به تربیت فرزند همت گماشت.

بابا مردوخ تحصیلات خود را نزد ملا مدرس گرجی و ملا بدیع الزمان سنندجی ادامه داد و سپس به تهران آمد. وارد دانشگاه شد و پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به کردستان برگشت و شغل معلمی را انتخاب کرد.

معروفترین اثر بابا مردوخ مشاهیر کرداست که در دو جلد تدوین یافته است.

بابا مردوخ در اوایل بهمن ماه سال ۱۳۶۷ هـ. ش به رحمت ایزدی پیوست.





## شیون فومنی - میراحمد فخری نژاد

میراحمد فخری نژاد متخلص به شیون فومنی در سال ۱۳۲۵ هـ. ش در شهرستان فومن مرکز فومنات در ۲۷ کیلومتری جنوب غربی رشت زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در فومن و رشت گذراند سپس به کرمانشاه رفت. تحصیلات متوسطه را هم آنجا طی کرد و وارد خدمت سپاهی دانش شد. و دست آخر به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد.

او در ساری مشغول خدمت شد. پس از آن به گیلان منتقل شد. و بارادیوی آن سامان به همکاری پرداخت. او که شعر و شاعری را از همان دوران جوانی آغاز کرده بود تا پایان عمر ادامه داد.

ذوق سرشار از احساسات شاعرانه اش را در شعرهای چند سال پیش او می توان به خوبی دریافت. او به دو زبان «گیلکی - فارسی» شعر می سروده است. شیون بیشتر به دو بیتی های محلی اهمیت می داده است. از شعرهای محلی شیون در نوارهای کاست پر و ضبط شده است.

مجموعه شعرهای دیگر او با نام های یک آسمان پرواز و پیش پای برگ چاپ و منتشر شده اند. شعرهای شیون با نازک خیالی های خاص خود رنگ و بوی فولکلور محلی دارد.

شیون فومنی پس از عمری خدمت در آموزش و پرورش روز چهارشنبه ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۷۷ هـ. ش در پی نارسایی های پس از عمل پیوند کلیه درگذشت.

پیکر شاعر محبوب گیلان زمین بنا به وصیت خود او در بقعه

سلیمان داراب - کنار آرامگاه میرزا کوچک خان جنگلی - به خاک  
سپرده شد .

اکنون غزل سر تا پای شور او زیر عنوان «بمیرم ای همه خوبی»  
را در این مجموعه با هم می خوانیم :

### بمیرم ای همه خوبی ...

تُرَنج تنگ بلورین شعرهای منی  
اگر چه شاخه نشین درخت خویشتی  
چه نسبتی است تو را با سپیده‌ی نوروز ،  
که در ضیافت گل آفتاب برف تنی  
به جشن باده ، چراغانی تنت پیدا است  
بلور جامه تراز شیشه‌ی شراب منی  
سَحر به سِحر ستاره ، طلسم خاکت کرد  
تو شیشه زاد پر یواره‌ی جهان وطنی  
میان سر و قدان ، سایه‌ات تماشایی است  
به هر دو دست نپایم که بر سرم فکنی  
چرا شکسته نیاید دلِ درست اندیش ؟  
به سینه‌ای که تو اش نادرست می‌شکنی  
زالال چشم مرا آسمان آبی گیر  
کبوترانه کجادر هوای پر زدنی  
گمان نمی‌کنم این باغ بی تو ماند سبز ،  
عبور ساکت ماه از جوانی چمنی  
بمان که با تو بماند بهانه‌ی بودن  
حضور خاطره‌ی دیرمان یاسمنی

به خلوتی که صدا از سکوت لبریز است ؛  
تو چون نگاه دو دل‌داده خوش‌ترین سخنی  
چرا به گریه نخوانم پرنده را از شوق  
بهار خنده زنِ غنچه‌های بی‌دهنی  
عصاره‌ی غم تا کی در این عطش آباد  
به گر مجوشی می ، مهربان مرد و زنی  
شکسته‌های دل شیون است آینه‌ها  
تویی که با همه‌ی شیشگی نمی‌شکنی

\*\*\*



## صادقی - بهرام

بهرام صادقی از چهره‌های معروف داستان‌نویسی در ادبیات معاصر است. او در سال ۱۳۱۵ ه. ش در نجف‌آباد اصفهان پا به جهان گذاشت.

پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تهران آمد و تحصیلات خود را ادامه داد. صادقی پس از پایان تحصیلات به داستان‌نویسی روی آورد. بسیاری از داستانهای او مایه‌ای از طنز قوی و محکم دارد.

صهبا مقدادی نام مستعار او در داستان‌نویسی است. اغلب داستانهای او در مجله‌های سخن، فردوسی، صدف، کتاب هفته، کیهان هفته و جنگ اصفهان چاپ و منتشر شده‌است.

او دو مجموعه از داستانهای خود را زیر عنوان‌های سنگر و قمقمه‌های خالی و ملکوت چاپ و منتشر کرده‌است.

بهرام صادقی با آفرینش داستانهای هوشمندانه و متکّی به معیارهای دشوارتر داستان، نام خود را در رده‌ی نویسندگان واقع‌گرای، جاودانه ساخت. هر یک از داستانهای او شکلی بدیع و ساختمانی درست و محکم دارد. گرچه او آخر عمر بهرام دیدی متفاوت به داستان‌نویسی پیدا کرد و این دیدگاه ناامیدی دوستان هم قلم او را فراهم آورد.

صادقی در ۱۶ دی ماه سال ۱۳۶۳ ه. ش در تهران درگذشت.

\*\*\*

## صارمی - ابوطالب

ابوطالب صارمی مترجم توانا در سال ۱۲۹۲ هـ. ش در سمنان چشم به جهان گشود.  
او پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشگاه به ترجمه روی آورد. و از مترجمان خوب حرفه‌ای شد.  
زیباترین کار او ترجمه کتاب معروف ظهور و سقوط رایش سوم است از ویلیام سایور که در ادبیات جایگاه خاصی دارد.  
دیگر ترجمه‌های او عبارتند از:  
انسان و سمبلهایی از یونگ، برده‌ی آزادی‌بخش از کاترین شپین، سیری در اندیشه‌های سیاسی اسلام حمید عنایت، چنگیز خان هارولد لامب، روح انسان از ویکتور هوگو و چند جلد از دوره تاریخ تمدن ویل دورانت.  
گفتنی است کلیه‌ی کارهای ترجمه شده او سر به چهل جلد می‌زند.  
صارمی در سال ۱۳۷۴ هـ. ش در مرز ۸۲ سالگی در زادگاه خود دیده از جهان فرو بست.

\*\*\*

## صبحاحی - گنجعلی

گنجعلی صباحی میاب، بی اغراق از بهترین نویسندگان و شاعران آذری زبان است.

صبحاحی در ۱۲۸۵ ه. ش در ده میاب از اقمار مرند آذربایجان چشم بر جهان گشود.

پدرش برای تحصیل معاش راهی آذربایجان شوروی شده بود. گنجعلی هفت ساله هم همراه مادر به پدر پیوست. صباحی تحصیلات ابتدایی را در شامخور و متوسطه را در گنجه به پایان برد و سپس در باکو وارد دانشگاه شد و در رشته ادبیات لیسانس گرفت. صباحی پس از فراغ از تحصیل به استخدام وزارت فرهنگ در آمد. تا به مقام استادی رسید. در سال ۱۹۴۶ م به علت فعالیت‌های سیاسی به سیبری تبعید شد. پس از آزادی در ۱۳۲۴ ه. ش به تبریز آمد که ابتدای تأسیس دانشگاه تبریز بود. صباحی مدیر بخش ادبیات و استاد ادبیات ترکی در دانشگاه تبریز شد.

صبحاحی پس از مدتی خدمت به زندان افتاد سپس به لرستان تبعید شد. پس از دو سال به تبریز برگشت در ۱۳۲۹ ه. ش به تهران کوچانده شد. در تهران نیز به عنوان مهاجر مورد سوءظن قرار گرفت و زندانی شد. پس از آزادی که عمری را پشت سر گذاشته بود گوشه امنی جست.

صبحاحی که از جوانی دست به قلم برده بود و زبان به شعر گشوده بود حرمت قلم و زبان را نگهداشت و آن دو را پای خوکان پست فطرت نریخت.

آثار چاپ شده‌ی این نویسنده و شاعر آواره عبارتند از:

داستانهایی از فجایع زندگی، قارتال و شعر ما با زمان پیش می‌رود.  
صبحی در ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش به خیل خفتگان  
زمین پیوست.

\*\*\*



## صحاف - حاج حسین جنتی مقام

حاج حسین جنتی مقام صحاف از شاعران و معلمان فاضل تبریز بود. او در سال ۱۲۹۰ ه. ش در تبریز دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و علوم قدیمی را در این شهر به پایان برد. سپس به استخدام آموزش و پرورش در آمد. در کنار آن، شغل صحافی داشت و به صحاف معروف شد. کتاب گلشن شهدا، کواکب المصایب و دهه‌ی عاشورا از کارهای چاپ شده‌ی اوست.

صحاف در سال ۱۳۶۴ ه. ش در تبریز دیده از جهان فرو بست. شعر زیر نمونه‌ای از ذوق سرشار از لطافت اوست.

دلم ز روز نه دیده، دیده باز کند  
که تا نگه به رخ یار دلنواز کند  
به جویبار محبت نشسته مردم چشم  
به صد نیاز تماشای سروناز کند  
به گوش او که سر زلف، سر فرو برده  
ز تیره بختی من قصه‌ی دراز کند  
به یک نظاره که دیده‌است زاهد ابرویش  
تمام عمر به محراب از آن نماز کند  
هر آنکه عافیت خویش را طلب کاراست  
ز مهر روی بتان باید احتراز کند  
برون نمی‌شود اقبال خود ز شیرازه  
به تار زلف تو صحاف اگر طراز کند  
او نظیره‌ای هم برای حیدر بابایه سلام شهریار پرداخته‌است که  
چند بند آن چاپ شده‌است.

\*\*\*



## صدر - حسن

حسن صدر وکیل محترم و معروف دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی شاه راهمه می‌شناسیم.

الجزایر و مردان مجاهد، استعمار نو و دفاعیات دکتر مصدق در دیوان لاهه از کارهای چاپ شده‌ی زیبای اوست.

حسن صدر در سال ۱۲۸۸ ه. ش در اصفهان زاده شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشگاه شد. پس از مدتی در رشته حقوق از دانشگاه پاریس دکترا گرفت و به ایران بازگشت.

حسن صدر خدمات مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۳۲ ه. ش آغاز کرد و روزنامه قیام ایران را به صورت هفتگی چاپ و منتشر می‌کرد و در آن به دفاع از نهضت ملی کردن نفت داد سخن می‌داد. در کنار آن کتابهایی نظیر مرد نامتناهی، نئوکلنالیسم، حقوق زن در اسلام و اروپا و دست‌چینی از مقالات حسن صدر، مجموعه مقالات قیام و آمریکایی که من می‌شناسم، چاپ و منتشر کرد.

حسن صدر نشان درجه اول علمی گرفت و جایزه‌ی کتاب مرد نامتناهی را نیز به آموزش و پرورش اصفهان اهدا کرد.

حسن صدر در سال ۱۳۶۴ ه. ش به سرطان حنجره که شدت یافته بود سر در نقاب خاک کشید و به خلوتیان زمین پیوست.



## صدیق اعلم - عیسی

صدیق اعلم از رجال با سواد ایران در سال ۱۲۷۳ ه. ش در تهران پا به عرصه‌ی هستی نهاد.

پس از به پایان بردن تحصیلات ابتدایی و مقدماتی وارد دار الفنون شد. پس از فراغ از تحصیل در سال ۱۲۹۰ ه. ش برای ادامه تحصیل به پاریس رفت. هفت سال بعد به ایران بازگشت. در سال ۱۳۰۹ ه. ش عازم آمریکا شد. از دانشگاه کلمبیا در فلسفه درجه‌ی دکترا گرفت و دوباره به ایران بازگشت. مقام ریاست دانشسرای عالی تهران را یافت. سپس استاد دانشکده‌ی ادبیات، و دانشکده‌ی علوم گردید.

صدیق در طول خدمات فرهنگی چند بار به وزارت فرهنگ منصوب شد. اما همچنان مدرس دارالمعلمین نیز بود. صدیق در سال ۱۳۱۲ ه. ش دانشگاه تهران را تأسیس کرد. در مهر ماه سال ۱۳۱۹ ه. ش نیز اداره‌ی کل انتشارات را پی نهاد. ایجاد دانشسراها را نیز از ابتکارات او می‌شمارند.

صدیق کتابهای:

روش نوین در آموزش و پرورش که کتاب تدریس او بود. سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، ایران نوین و فرهنگ آن به انگلیسی، یک سال در آمریکا، تاریخ فرهنگ ایران و اروپا و یادگار عمر در ۲ جلد را تألیف کرد.

عیسی صدیق در آذر ماه سال ۱۳۵۷ ه. ش در مرز ۸۴ سالگی به سکنه‌ی قلبی درگذشت و خانه و کاشانه‌اش را برای همیشه ترک گفت.

\*\*\*

## صدیقی - غلامحسین

غلامحسین صدیقی، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس و سیاستمدار و یادگار دکتر مصدق بود.

صدیقی در سال ۱۲۸۴ ه. ش در تهران متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، دارالفنون و الیانس در سال ۱۳۰۹ ه. ش به فرانسه رفت. پس از اخذ مدرک دکترای ادبیات «رشته فلسفه و جامعه‌شناسی» در سال ۱۳۱۶ ه. ش به ایران بازگشت و استاد دانشکده ادبیات و معارف اسلامی شد. چند مدتی هم مدیرکل دانشگاه شد. به تأسیس انجمن آثار ملی همت گماشت. بعدها رئیس انجمن آثار ملی شد و نیز عضو کمیسیون ملی یونسکو و گنجره‌ی هزاره‌ی ابن سینا گردید.

صدیقی از بنیان‌گذاران جبهه ملی بود. در سال ۱۳۳۰ ه. ش در کابینه مصدق سمت وزارت یافت. در جریان ۲۸ مرداد دستگیر و زندانی شد. پس از آن واقعه ۴ بار دیگر نیز سر از زندان در آورد. در سال ۱۳۵۷ ه. ش پیشنهاد شاه را برای نخست‌وزیری رد کرد. دکتر صدیقی در کنار سیاست‌پیشگی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی را پی ریخت که در سال ۱۳۵۱ ه. ش به دانشکده علوم اجتماعی تبدیل شد.

دکتر صدیقی در تهیه و تنظیم بخشی از لغت‌نامه دهخدا نیز سهمی در خور دارد.

اثر و آثار قلمی او عبارتند از:

جنبش‌های دینی ایران در قرون دوم و سوم هجری به زبان فرانسه، گزارش سفر هند، تصحیح قرآضه‌ی طبیعیات، معراج‌نامه،

ظفرنامه و خردنامه .

دکتر غلامحسین صدیقی روز دوشنبه ۹ اردیبهشت ماه سال  
۱۳۷۰ هـ. ش در بیمارستان خاتم الانبیاء تهران چشم از جهان  
فرو بست و در این بابویه به جمع سپید جامگان خاک پیوست .

روانش شاد باد

\*\*\*



## صفا - سید ذبیح‌الله

استاد صفا، سخنور توانا، محقق بزرگ و استاد ممتاز دانشگاه روز پنجمشنبه ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۸ ه. ش در یکی از بیمارستانهای شهر لوبک آلمان در مرز ۸۸ سالگی درگذشت.

سید ذبیح‌الله صفا فرزند سید علی اصغر میرصافی در ۱۶ اردیبهشت سال ۱۲۹۰ ه. ش در شه میرزاد سمنان متولد شد. دوره‌ی علوم مقدماتی را در زادگاه خود و در بابل (بار فروش سابق) به پایان برد. در سال ۱۳۰۴ ه. ش به تهران آمد. وارد دانشگاه شد تا اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات پیش رفت.

صفا فعالیت‌های مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۱۲ ه. ش آغاز کرد و در مجله‌های تعلیم و تربیت، جلوه، سخن، ایران امروز، مهر، یغما، دانش، پشوتن، تمدن، مربی، فرهنگ و ... مقاله چاپ کرد. صفا مجله‌ی سخن را پایه‌گذاری کرد. پس از یک سال آن را به ناتل خانلری واگذار نمود. بعد از آن سه دوره از مجله‌ی مهر را چاپ و منتشر کرد. زمانی نیز روزنامه‌ی شباهنگ را به مدت دو سال اداره کرد.

استاد صفا از سال ۱۳۲۲ ه. ش استاد تاریخ ادبیات فارسی دانشگاه تهران گردید. مدتی ریاست اداره‌های دانشسراها را داشت. زمانی نیز متصدی تعلیمات عالیه روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ شد. وقتی نیز نمایندگی کنفرانس‌های یونسکو را در بیروت، پاریس و فلورانس به عهده داشت. مدت‌ها هم ریاست دبیرخانه‌ی کمیسیون ملی یونسکو در ایران را به عهده گرفته بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از ایران رخت سفر برپست تا ...

اثر و آثار چاپ شده‌ی استاد عبار تند از :  
 «حماسه سرایی در ایران»، «جشن نامه‌ی ابن سینا»، «تاریخ ادبیات  
 ایران» ۵ جلد در ۷ مجلد، «تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی»،  
 «تاریخ تحول نظم و نثر در ایران»، «آیین سخن»، «دانشهای یونانی  
 در کشور شاهنشاهی ساسانی»، «اخوان الصفا»، «تصحیح اسرار  
 التوحید»، «تصحیح ورقه و دلگشای عیوقی»، «تصحیح دیوان  
 سیف فرغانی»، «گنج سخن» در ۳ جلد، «گنجینه‌ی سخن» در ۶  
 جلد، «دلیران جانباز»، ترجمه‌ی «رافائل و مرگ سقراط» از آثار  
 لامارتین.

گفتنی است که استاد گاهی به شعر نیز روی می‌آورد. شعرهای  
 دوره‌ی جوانی او گاهی چهار پاره و بیشتر غزل است که در همین  
 بخش غزلی کوتاه از او با هم می‌خوانیم:

غزل ...

مرغ دلم پس از توبه شاخی مکان نجست  
 بس آشیان که یافت ولی آشیان نجست  
 ماه رخت چو از افق دل طلوع کرد  
 دیگر ستاره‌ای ره این آسمان نجست  
 آرام جان نخواهم و شاد آنکه از نخست  
 در راه عشق، روی تو آرام جان نجست  
 نازم بهار خرم رویت که هیچ‌گاه  
 آسیب خشکسال و بلای خزان نجست  
 دست زمان زدود ز دل جلوه‌ی نشاط  
 خرم کسی که ره ز عدم زی جهان نجست

\*\*\*

## صناعی - محمود

محمود صناعی در سال ۱۲۹۸ ه. ش در اراک متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران وارد کالج آمریکایی شد. دانشکده ادبیات و دانشکده حقوق را به پایان برد. سپس در رشته فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات فارسی و زبان خارجه و حقوق به گرفتن درجه لیسانس موفق شد. پس از فراغ از تحصیل به خدمت آموزش و پرورش در آمد. مدتها در کالج آمریکایی درس فلسفه و ادبیات تدریس کرد.

صناعی در سال ۱۳۲۴ ه. ش برای تکمیل معلومات خود به کشور انگلستان رفت. و در دانشگاه لندن به تحصیل فلسفه، روان شناسی و حقوق پرداخت، پس از موفقیت به تحصیل پسیکانالیز روی آورد و در سال ۱۳۳۳ ه. ش به عضویت انجمن بین‌المللی این رشته انتخاب شد.

صناعی دوستدار آثار افلاطون بود. چهار رساله افلاطون از ترجمه‌های اوست. او مقالات و ترجمه‌های بی‌شمار خود را در مجلات مهر، یغما و سخن چاپ و منتشر می‌کرد. ترجمه کتاب نبرد با مشکلات از والتر کراسیلر از کارهای اوست. دکتر محمود صناعی در دوم مهر ماه سال ۱۳۶۴ ه. ش در لندن درگذشت.

آثار محمود صناعی عبارتند از:

«آزادی فرد و قدرت دولت» ترجمه و تألیف، «پنج رساله افلاطون»، «اصول روان‌شناسی مان» ترجمه، «آزادی و تربیت» ترجمه و تألیف و «در آزادی» از میل جان استوارت ترجمه.

## طالقانی - محمود

آیت اله آقاسید محمود طالقانی دانشمند مبارز و مردی نستوه از تبار ابو ذر، در سال ۱۲۸۹ ه. ش در طالقان چشم بر جهان گشود. پس از کسب معلومات مقدماتی به تحصیل ادامه داد. علوم مذهبی و اجتهاد را در مدرسه‌های رضویه و فیضیه قم به پایان برد.

آسید محمود در ۲۸ سالگی برای تدریس علوم دینی به مدرسه سپهسالار رفت. از همان روزهای اول طالقانی موضع خودش را انتخاب کرده بود. مخالفت با دستگاه حاکم، چندین بار زندان رفت، شکنجه‌ها دید پس از آزادی همان سر حرف اولش پافشاری می‌کرد آن هم علنی تا در سال ۱۳۵۰ ه. ش به زابل و بافت کرمان تبعید شد. آخرین زندان او سال ۱۳۵۴ ه. ش بود که در سال ۱۳۵۷ ه. ش با قیام مردم در زندانها باز شد و آسید محمود نیز مانند هزاران زندانی دیگر آزاد گردید.

اینک آسید محمود است که بر بلندای مصلاهی نماز جمعه قامت کشیده است. جهادش اینکه دیگر هرگز نیفتد. اما روز شنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۵۸ ه. ش قامت رسایش برای همیشه به سجده افتاد و لبیک گویان راه خانه دوست پیش گرفت.

تهران بود و یک عالم ماتم. برای تشییع پیکر پاک مالک زمان، پدر پدر گویان مردم خود جوش از خانه‌ها بیرون ریختند. اینک معجزه بزرگ انسان که تبلور آشکارا یافته است.

پرتوی از قرآن در ۴ جلد زیباترین کار آسید محمود می‌تواند به شمار رود.

روانش شاد باد



## طاهباز - سیروس

سیروس طاهباز نویسنده، محقق، مترجم توانا و تکیه‌گاه کودکان و نوجوانان ایرانی در ۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۷۷ ه. ش به خیل خاموشان پیوست و قامت رسایش در روستای یوش - کنار نیما - به خاک رفت.

اگر سیروس زمانی شال کلاه کرده بود و به یوش رفته بود تا نیما را دوباره کشف کند، اینک خود در هوای مه‌گرفته‌ی یوش از دیده‌ها ناپدید شد.

سیروس در دی ماه سال ۱۳۱۸ ه. ش در بندر انزلی چشم بر جهان گشود. پس از پایان بردن تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تهران آمد، وارد دانشگاه شد. پس از فراغ از تحصیل به خدمت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در آمد و تا آخر عمر در آنجا قلم زد. ترجمه کرد و قصه نوشت.

از ترجمه‌های او:

مروارید، تاتوی قرمز یا اسب سرخ و راسته‌ی کنسروسازان هر سه از جان اشتاین‌بک، و پیروزی بر شب از ژ. کریستان.

و از تألیفات او:

پر درد کوهستان، زنی تنها، دعای مرغ آمین، شاعر و آفتاب، بیابید با هم زندگی کنیم، گرد آفرید، بچه‌ها و کبوترها و تونیک می‌کن را می‌توان نام برد.

سیروس ارادتی تمام به نیما داشت، تا جایی که کتابی درباره‌ی زادگاه او با نام یوش نوشت. بعدها هم اثر و آثار نیما را اعم از نظم و نشر با یاری شراگیم - پسر نیما - تدوین کرد و آثار منظوم او را به

چاپ رسانید .

اگر چه بعدها مورد بی‌مهری قرار گرفت .

طاهباز قبل از انقلاب مجله‌ی آرش را راه انداخت . دوره‌ی اول از شماره ۷-۱، و از دوره‌ی دوم از شماره‌ی ۱۳-۸ را چاپ و منتشر کرد . بعد از آن دفترهای زمانه را گرد آوری و چاپ کرد .

مهم‌ترین کار سیروس طاهباز راه انداختن کلاسهای قصه‌نویسی در این چند سال اخیر بود ، و با این کار قلم به دست بسیاری از قصه‌نویسان جوان داد .

سیروس در فکر راه انداختن مجله‌ای در قصه‌نویسی بود که گل‌گیری‌ای یوش امانش نداد .

یادش گرامی باد

\*\*\*

## طاهری - هوشنگ

هوشنگ طاهری استاد دانشگاه و آخرین سردبیر مجله سخن در سال ۱۳۱۳ ه. ش در اهواز زاده شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به سینما روی آورد. پس از مدتی به فرنگ رفت. و در زمینه‌ی سینما مطالعاتی کرد و بعد به ایران آمد. کارهای مطبوعاتی را پیگیر آغاز کرد.

طاهری در رشته تاریخ هنر و مهندسی اقتصاد کشاورزی درجه‌ی دکترا گرفت. و سپس استاد دانشگاه شد. در کنار این کار مدتی نیز سردبیر مجله سخن شد.

داستانهای نوین ایرانی و هنر اسلامی را در سالهای ۱۳۴۸ - ۱۳۴۶ ه. ش ترجمه کرد.

دیگر ترجمه‌های طاهری عبارتند از:

همچون در یک آینه از برگمن، مهر هفتم از برگمن و توت فرنگیهای وحشی از برگمن. ماجرا و صحرای سرخ دو کتاب از آنتونیونی، هیروشیما عشق من از رنه دوراس، زندگی از کوروساوا، قاتل از فرتیس انگ، رئالیسم در ادبیات و هنر از سارتر، هنر اسلامی از کوفل، داستانهای نوین آلمانی، خاکستر و الماس از آندره یوسکی.

آخرین ترجمه‌ی او تاریخ سینمای هنری نام داشت که آن را گرکور و پاتالاس نوشته بودند و طاهری یک سال پیش از مرگ نا به‌هنگام خود آن را به چاپ سپرده بود.

طاهری در یک شب سیاه بارانی - ۲۱ اسفند ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش - در تهران زیر ماشین رفت. بیکر خون آلودش فردای آن روز در

کنار خیابان پیدا شد.  
و در حقیقت این آخرین ترجمه‌ی او بود از سینمای زندگی،  
ترجمه‌ای که به تجربه پیوست.

خدایش بیامرزاد

\* \* \*



## طاهری - احمد

دکتر احمد طاهری در سال ۱۳۲۲ ه. ش در اراک زاده شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته زبان و ادبیات فارسی به اخذ درجه لیسانس نایل آمد.

پس از فراغ از تحصیل در بنیاد فرهنگ ایران به پژوهش پرداخت از سال ۱۳۴۸ ه. ش در مرکز خدمات کتابداری مشغول کار شد. نظام طبقه‌بندی کتاب به طریق علمی را در ایران عملاً پیاده کرد.

طاهری در سال ۱۳۵۵ ه. ش به انگلستان رفت تا سال ۱۳۶۲ ه. ش در زمینه‌ی مطالعات اسلامی و زبان و ادبیات عرب به تحصیل پرداخت. سپس به ایران بازگشت. از سال ۱۳۶۳ ه. ش همکاری با بنیاد دایرة المعارف اسلامی را آغاز کرد.

همچنین سردبیری مجله تحقیقات اسلامی را پذیرفت. او جزو اعضای علمی دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی بود. هم‌زمان با این فعالیت‌ها تدریس در دانشگاه را نیز داشت. او به دقت نظر و وسواس در تصحیح متون معروف بود. کلمات خواجه بهاء‌الدین نقشبند نمونه بارزی از کار توان فرسای او می‌تواند به شمار رود.

در هر فرصتی نیز مقاله‌ای علمی یا ادبی در مطبوعات به چاپ می‌رسانید. مقالات چاپ شده‌ی او عبارتند از:

کنیه در زبان فارسی، ظهور چاپ در شرق میانه، کتابخانه‌ی آستان قدس، دارالکتب، سنت روایت در تحقیقات و تألیفات اسلامی، هنر جلدسازی، نقشی از نقشبندان، سرگذشت نامه‌های اسلامی، ابو سعید نیشابوری و شرف‌النبی، تقسیم‌بندی علوم از نظر غزالی، زندگی فخر رازی، حجاز و عربستان، پاسخ‌های



شهاب‌الدین عمر سهروردی ... ، بدر زبان عربی و بدر عرفان  
اسلامی .

طاهری در ۱۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۰ ه. ش به سبب عارضه  
ریوی در تهران دارفانی را وداع گفت و به جمع گمشدگان خاکی  
پیوست .

از دکتر طاهری سه کتاب از زنده با نامهای :  
رده‌بندی ده دهی دیویی ، رده‌ی BP و خواجه احمد پارسا چاپ و  
منتشر شده‌است که در ادبیات معاصر بی سابقه‌است .

\*\*\*

## طباطبایی - محمد

دکتر محمد طباطبایی زبان شناس و فرهنگ نویس معاصر در سال ۱۳۲۰ ه. ش در بهبهان زاده شد.

پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تهران آمد. پس از اخذ لیسانس به استرالیا و بعد به انگلستان رفت. پس از بازگشت به ایران استاد دانشگاه تبریز شد.

در سال ۱۳۵۷ ه. ش برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا رفت و پس از اخذ درجه‌ی دکترا در رشته زبان شناسی به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.

از تألیفات پر ارزش او می‌توان:

فرهنگ پزشکی، فرهنگ مدیریت، فرهنگ اصطلاحات فنی و فرهنگ صناعات ادبی را نام برد.

طباطبایی در اواخر آبان ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش در مرز ۴۸ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت.

\*\*\*

## طباطبایی (علامه) - سید محمد حسین

سید محمد حسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی صاحب تفسیر معروف المیزان و یکی از بزرگترین حکما، عرفا، فلاسفه و مفسرین اسلام، در سال ۱۲۷۸ ه. ش در تبریز پا به عرصه‌ی هستی نهاد.

نسب و نسبت او از طرف پدر به امام حسن مجتبیٰ (ع) می‌رسد. سید بزرگوار در ۵ سالگی مادر، و در ۹ سالگی پدر را از دست داد. تحصیلات مقدماتی را به وسیله معلم سرخانه فراگرفت. سپس دانش‌های اسلامی و سطح را دنبال کرد. در سال ۱۳۰۴ ه. ش برای تکمیل معلومات به نجف اشرف رفت. پس از ده سال تحصیل در زمینه‌ی حکمت الهی، فلسفه، ریاضی، جبر و مقابله و هندسه و حساب استدلالی و دیگر علوم معمول عصر خود به تبریز بازگشت.

سید پس از مدتی عازم قم شد. و تا پایان عمر به تدریس حکمت، فلسفه و تفسیر در آن شهر پرداخت. و در ترویج فرهنگ اسلامی کوشید. او در هیأت استاد مسلم بود. حاصل این همه تلاش بی‌امان و صرف عمر پر برکت، تألیف تفسیر بزرگی است از قرآن در ۴۰ جلد با نام تفسیر المیزان که درباره‌ی آن مقاله‌ها نوشته شده است. به جز این تفسیر استاد حدود ۳۰ جلد کتاب در زمینه‌های مختلف موضوعات اسلامی تألیف کرده است.

علامه بزرگوار گاهی شعر نیز می‌سرودند که نمونه‌هایی از آنها در مطبوعات آن روز به چاپ می‌رسیده است.

استاد بی‌بدیل در روز یکشنبه ۲۴ آبان ماه سال ۱۳۶۰ ه. ش پس



از عمری تلاش سازنده در شهر قم چشم از جهان پوشید و به  
ابدیت پیوست و در همان جا به خاک سپرده شد و دیار خفتگان  
خاک را متبرک کرد. نظیر خویش به نگذاشتند و بگذشتند  
خدای عزّ و جل جمله را بیامرزاد  
اکنون غزلی از استاد را با هم می خوانیم :

### ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا بود ...

مهر خوبان دل و دین از همه بی پروا برد .  
رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد .  
تو میندار که ، معجون سر خود معجون گشت .  
از سمک تا به سُهایش ، کشش لیلی برد .  
من به سرچشمه‌ی خورشید نه خود بردم راه .  
ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد .  
من خس بی سر و پایم که به سیل افتادم .  
او که می‌رفت ، مرا هم به دل دریا برد .  
جام صهباز کجا بود ، مگر دست که بود ؛  
که درین بزم بگردید و دل شیدا برد .  
خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود ،  
که به یک جلوه زمن نام و نشان یک جا برد .  
خودت آموختیم مهر و خودت سوختیم .  
با برافروخته رویی که قرار از ما برد .  
همه یاران به سر راه تو بودیم ولی ،  
خم ابروت مرا دید و زمن یغما برد .  
همه دلباخته بودیم و هراسان که غمت .  
همه را پشت سر انداخت ، مرا تنها برد .

## طبری - احسان

احسان طبری از چهره‌های معروف داستان نویسی در ایران است. اما این چهره‌ی ادبی با حزب بازی خدشه‌دار شد.

احسان نواده شیخ علی‌اکبر مجتهد طبری از علمای معروف ساری بود. او در سال ۱۲۹۵ ه. ش در ساری متولد شد.

پس از پشت سر گذاشتن تحصیلات دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به تهران آمد. با ادبیات آشنا شد. دست به قلم برد و از حکومت وقت انتقاد کرد احسان طبری مورد توجه دکتر ارانی قرار گرفت. به وسیله انور خامه‌ای به دام حزب افتاد. در سال ۱۳۱۶ ه. ش که فقط ۲۱ سال داشت و دانشجوی دانشکده‌ی حقوق بود؛ جزو گروه ۵۳ نفر دستگیر شد. به دنبالش زندان و تبعید را گذراند.

پس از آزادی احسان دیگر آن جوان آراسته خوش لباس نبود که هر روز سر از خیابان ناصر خسرو در می‌آورد. احسان دیگر در چنگ حزب افتاده بود.

او را به مسکو فرستادند. در دوران اقامت ۹ ساله‌اش در مسکو که پایان‌نامه‌اش را درباره‌ی فلسفه‌ی ابن‌سینا نوشت به دیگر مطالعات حزبی پرداخت و یکی از تئوریسین‌های مهم حزب شد.

طبری به راستی به ده زبان مهم دنیا مطلب می‌خواند و می‌نوشت.

کتابهای چندی که جسته و گریخته نوشته بود بعضی‌ها را موفق به چاپ شده بود و بعضی دیگر بلا تکلیف در دست او مانده بود. تا در سال ۱۳۵۷ ه. ش که داعیه داران حزبی، به عنوان متولی به ایران

آمدند و احسان هم با آنها وارد ایران شد. فرصتی برای او پیش آمد و کتابهای چندی در ایران چاپ و منتشر کرد که آنها عبارتند از: رانده‌ی ستم، دهه‌ی نخستین، فرهاد چهارم، خانواده برومند، گئومات، سفر جادو، برخی بررسی‌ها درباره جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران، مسایلی از فرهنگ و هنر و زبان، ایران در دو سده‌ی واپسین، چشمان قهرمان بازااست، نقدی بر تئوری، انسان پراتیک اجتماعی، جستارهایی از تاریخ و از میان ریگها و الماس‌ها.

احسان همچنان در نظر حزب خوش می‌درخشید و پیش می‌رفت تا روزی که کاسه کوزه حزب به هم ریخت و احسان و یاران او همه دستگیر و محاکمه و زندانی شدند.

احسان بعد از خرابی بصره به فکر ترمیم مافات افتاد و کتاب کژ راهه را نوشت و در آن به بن‌بست رسیدن مارکسیسم و آورندگان اندیشه‌های غلط را اعلام کرد. سپس مقالاتی چند در مطبوعات در این رابطه چاپ کرد. و گناهان گذشته را به گردن گرفت. اما اینها همه نوشداروی بعداز مرگ سهراب بود.

طبری بعداز ظهر روز شنبه ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش به علت نارسایی کلیه درگذشت.

احسان در اواخر عمر مجموعه اشعاری با یاد زین و فادارش آذر، بانام آذرستان فراهم آورد که بعد از مرگ او چاپ و منتشر شد.

از دیگر کارهای او می‌توان:

جامعه و جامعه‌شناسی، نقدی بر تئوری همگرایی، شکنجه و امید و خدایان از بند رسته را نام برد.

\*\*\*

## طَبْسِي - مُحَمَّدْرَضَا

آیت اله شیخ محمدرضا طبسی از مدرّسین حوزه‌های علمیه و مؤلفین کتب اسلامی در سال ۱۲۸۲ هـ. ش متولد شد. پس از اتمام علوم مقدماتی و علوم حوزوی و دیگر علوم از مدرّسین حوزه نجف اشرف و قم شد. آیت اله شیخ محمدرضا طبسی در کنار تدریس، کتابهایی نیز در زمینه‌ی فقه، کلام، تفسیر، اصول، تاریخ، حدیث و اخلاق تألیف کرد که آنها عبارتند از:

الشیعة و الرجعة در ۸ جلد، دُرر الاخبار در ۳ جلد، مُنیة الراغب فی ایمان ابی طالب و ...

طَبْسِي روز چهارشنبه ۲۸ آذر ماه سال ۱۳۶۳ هـ. ش به عالم باقی شتافت.

\*\*\*

## ظهوری - صمد

صمد ظهوری در سال ۱۳۰۴ ه. ش در محله نوبار تبریز دیده بر جهان گشود.

او پس از پشت سر گذاشتن تحصیلات ابتدایی و متوسطه دیپلم طبیعی گرفت. سپس وارد خدمت ارتش شد. ضمن خدمت وارد دانشگاه گردید و در رشته‌ی الکترونیک درجه لیسانس گرفت. تا در سال ۱۳۵۶ ه. ش بازنشست شد.

ظهوری از همان دوران تحصیل در دانشگاه به طرف شعر و ادبیات کشیده شد. پس از بازنشستگی از اعضای فعال انجمن ادبی تبریز گردید. و کتابهای:

عروض ثولچوسو، هجائولگوسو و شعر صنعتی ایران تورکجه ادبیاتیندا چاپ و منتشر کرد که در حقیقت این کتابها برای دیگر شاعران معیار و الگوی خاص شعری می‌تواند به حساب آید.

ظهوری از نویسندگان مجله وارلیق بود. او ۹ نشانه‌ی مصوت‌ها را در جدول ساده تهیه و تدوین و چاپ کرد که برای شاعران، قانونمندی خاص شعری تعیین کرد که بسیار مفید افتاد.

ظهوری در سال ۱۳۶۴ ه. ش درگذشت و به جاودانگی پیوست. اکنون شعری از او به عنوان نمونه کار در همین بخش نقل می‌کنیم:

غزل ...

نقشین سالییر خیالیمه کئچمیش فسانه‌لر  
ذهنیمده جان توتور اونودولموش ترانه‌لر

طبعیم بهاری، بوقوجا وقتیمده گولله نیر  
سینمیش کؤتوکده، گؤر، نه جو جرمیش جوانه‌لر

بىر نازنين وجوده اوركدن وورولميشام  
 خوشدور يولوندا چكسه وجوديم زبانهلر  
 جان اتماييم نه چاره قيلم ؟ جلوه سینه دوست  
 هر زاددا گؤسترير منه آيدين نشانهلر  
 يئر سيز يارا نمايب ، بود و شونجه ، بود ويغولار  
 دراكه يته سيغيشميري بي جا بهانهلر  
 او جسوز بو جاقسيز عالمي حيرتده درك ائدر  
 پارلير سؤنور ، گوش لري سايسيز زمانهلر  
 مخلوق ايسته سه گؤره خالق مقاميني  
 اولماز چتين گر آد دا يامين آستانهلر  
 عشقين پيامي ساده دي عاشق اگر دويما  
 دگمه ز عقیده پيكرينه تازيانهلر  
 دريای عشقه جومسان اگر جانندان اوز الين  
 بود الغالی دنيژدن اوزا قدير کرانهلر  
 توفان قوپاندا تکجه اره نلر دوام ائدر  
 قوشلار اوچار گئدر پوزولار آشيانهلر  
 غم آغناييدي کؤنلومه ، قليم آچيلماير  
 گؤزلر ئوونده توزلانيري اينجی دانهلر  
 ايلقار حق پولاد کيمدير محکم ، اول امين  
 حق سيز ، آغاج تکين دي بي يهر مورياهلر

\*\*\*

## علوی - بزرگ

بزرگ علوی از چهره‌های معروف ادبیات معاصر ایران در سال ۱۲۸۲ ه. ش در محله‌ی چاله میدان تهران، در خانواده مرفه به دنیا آمد. علوی ۱۵ روز پس از مرگ پدرش سید ابوالحسن متولد شد. سید ابوالحسن کتاب گنجینه‌ی اسرار تاریخ ایران را نوشته بود. دوره‌ی دبستان را در تهران گذراند و از ۱۲ سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به آلمان رفت. تحصیلات خود را همان جا پی گرفت و در رشته‌ی تعلیم و تربیت درجه‌ی لیسانس گرفت. سپس به ایران آمد. در ایران به استخدام آموزش و پرورش در آمد و به شیراز رفت. در سال ۱۳۰۷ ه. ش به تهران بازگشت. در مدرسه صنعتی تهران که به دست آلمانها اداره می‌شد به تدریس پرداخت. در همین دوران به سیاست کشیده شد. دست به قلم برد. نوشته‌هایش در مجله‌ی دنیا به چاپ می‌رسید.

علوی در سال ۱۳۱۶ ه. ش دستگیر شد و به زندان رفت. در سال ۱۳۲۰ ه. ش پس از آزادی در مجله‌ی پیام نو مشغول به کار شد. علوی در سال ۱۳۲۲ ه. ش زمان دکتر مصدق به دعوت شوروی به آلمان رفت و دیگر برنگشت.

علوی در برلن استاد دانشگاه بود تا در سال ۱۹۶۵ م برابر ۱۳۴۴ ه. ش بازنشست شد. پس از بازنشستگی به طور افتخاری هفته‌ای چند ساعت در همان دانشگاه به تدریس پرداخت. این نویسنده‌ی توانا اگر چه بیشتر عمرش در آلمان گذشت، اما ریشه در خاک ایران داشت و نوشته‌های او حال و هوای ایرانی دارد به خصوص در داستانهایش به مسایل جدی توجه دارد.

کتابهای او عبارتند از :

نامه‌ها و داستانهای دیگر ، ورق پاره‌های زندان ، چمدان ، چشمه‌هایش ، پنجاه و سه نفر ، میرزا ، سالاریها ، دیو ... دیو ... ، ازبکان ، انیران ، داستان احسن القصص ، یگه و تنها و تاریخ و توسعه ادبیات معاصر فارسی که در سال ۱۳۴۲ هـ. ش برنده‌ی جایزه‌ی آکادمی برلن شد. رمان زیبای چشمه‌هایش در ادبیات فارسی جایگاه خاصی دارد .

دیگر کتابهای او که به ترجمه از او چاپ شده‌اند می‌توان :  
دوشیزه اورلئان از شیلر ، حماسه‌ی ملی ایران از تئودور نولدکه ،  
دوازده ماه ، شبی در پاییز ، کسب و کار میسزوارن و باغ آلبالو از  
چخوف و مستنطق را نام برد .

بزرگ علوی به جز اینها لغت‌نامه بزرگی هم به فارسی - آلمانی  
تدوین کرده بود که در آلمان چاپ و منتشر شده‌است .  
علوی در ۲۸ بهمن ماه سال ۱۳۷۵ هـ. ش در مرز ۹۳ سالگی در برلن  
درگذشت و در گورستان مسلمانان به خاک سپرده شد .

\*\*\*



## علیزاده - غزاله

غزاله علیزاده از نویسندگان نوپای ادبیات معاصر بود. مجموعه داستان‌های او با نام‌های چهار راه، خانه ادریسی‌ها، بعد از تابستان، عصر قربانی و سفر ناگذشتنی چاپ و منتشر شده‌اند. او در ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ ه. ش در مرز ۲۹ سالگی - به قولی در جنگلهای شمال - خودکشی کرد. جنازه‌ی او در امام زاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

\*\*\*



## علیزاده - عباسعلی

عباسعلی علیزاده صابر یکی دیگر از شاعران ترکی گوی آذربایجانی است که در سال ۱۳۰۲ ه. ش در تبریز زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مکتب خانه‌ها و مدارس همان شهر به اتمام رسانید. به سبب نداشتن امکانات مالی ترک تحصیل کرد و به شغل آزاد روی آورد.

از همان دوران جوانی به شعر علاقه‌مند شد و صابری تخلص می‌کرد. شعرهایش ساده، صمیمی و پر احساس است. گاهی از مسایل اجتماعی به شعر خود چاشنی می‌زند.

بسیاری از شعرهای او در مجلات آن روز چاپ می‌شد. علیزاده در سال ۱۳۶۴ ه. ش به دار بقا شتافت و اخلاق نیک و سلوک خوب خود را با خود زیر خاک برد.

اکنون شعری از او به عنوان نمونه کار او با هم می‌خوانیم:

غزل ...

سنی یاز دوغدو گولوم، گول سنه گولمک یاراشار  
کیم نه جور وارلیغا با خسا، او سایاقیله یاشار  
آچ اوزون قوی سنی گورسون بوتون عالم گولسون  
ساج گونش تک ایشیفین، ایسته‌مه ین گوز قاماشار  
سیخما کونلون سنه بیردن اریشه رسه نا اهل  
قایدادیر نازلی گولون قامتینه اوت دولاشار  
دوشمه الدن اله، گزایسته دیگین بیرالی تاپ  
تا پار آخیردا، اوز آختار دیقینی کیم آراشار

لکه سیز قال سنی قوی ساغلام آدمالار تاپسین  
 میوه ضایلانسا، اونا بللی دی قود - قوش داراشار  
 هاچان آندین، کی واریندیر یا نلیش، هر نه ده آز  
 اونوتتیز یا نلاکی، قالسا چوخالار حددن آشار  
 زحمتیندن یارانان حاصلی ساخلا یلیک اول  
 باشاریب اولدون آیه، ساخلاماغین یا خشی باشار  
 دؤز چتین لیکده کی وار هر قیفیلین بیر آچاری  
 ایتیره رسن ئوزوی، دویغوجایار عقل چاشار  
 ظالمین ظلمی جهاندا ابدی لیک قالماز  
 آتالاریا خشی دئییلر کی «چاناخ دولسا داشار»  
 بؤش یئرہ یورما ئوزون آنلاماز آنماز سؤزوی  
 نه دییه رسؤز، نه قانار سؤز، دانیشار کین دالاشار  
 خلقدن قاچما، قاچیرتما سن ئوزوندن ائلیوی  
 سن یاناشسان ائیلوه، ائل سنہ آرتیق یا ناشار  
 یونتاییب رنده کیمی قارشویا یونقار قالاما  
 گئرییه قارشیلکس - سڤ نئجه کی ازہ - موشار  
 دوشمه سن برکه بوشا ایشده پشیب برکیمہ سن  
 ایگیدین قدرتی آرتار اونا گلدیکجه فشار  
 صابری دوزدوکی حق سؤز آجیدیر، أمما اینان  
 نئجه تر سیکسه یارا مرهم ایله تئز قووشار

\*\*\*

## عمادزاده - حسین

حسین عمادزاده اسلامی نویسنده معاصر در سال ۱۲۸۴ ه. ش در اصفهان زاده شد.

پس از تحصیلات ابتدایی وارد حوزه اصفهان گردید تا جایی که به کسب اجازه روایتی از علمای بزرگ نایل آمد.

عمادزاده علاقه وافری به تحقیق و معارف اسلامی داشت و در

این زمینه کتابهایی تألیف و چاپ کرده است که عبارتند از:

ترجمه و تفسیر قرآن، شرح زندگانی معصومین، تاریخ انبیا، تاریخ

مفصل اسلام، شرح خطبه غدیر، تاریخ و جغرافیای مکه و دیگر

عتبات و تراجم و شرح حال دانشمندان و اندیشمندان اسلامی.

استاد در سال ۱۳۱۵ ه. ش به تهران آمد و تا پایان عمر هم آنجا

ماندگار شد.

عمادزاده در ۱۲ فروردین ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش ندای حق را لبیک

گفت و به سرای باقی شتافت.

\*\*\*

## عنایت - حمید

حمید عنایت جامعه شناس، محقق، مترجم و مؤلف آثار فلسفی اجتماعی در سال ۱۳۱۰ ه. ش در تهران متولد شد. در سهای مقدماتی را در مدارس ارامنه سپهر و خادم گذراند. دوره‌ی دبیرستان را در فیروز بهرام و دار الفنون، و دوره لیسانس رشته حقوق را در دانشگاه نهران به پایان یرد. سپس به انگلستان رفت و در رشته‌ی علوم سیاسی از دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه لندن درجه‌ی دکترای گرفت. سپس در سودان استاد دانشگاه شد. عنایت پس از سالها به ایران آمد و به تدریس در دانشگاه پرداخت. او از سال ۱۳۳۳ ه. ش فعالیتهای مطبوعاتی خود را آغاز کرد. به زبان فرانسه، انگلیسی و عربی تسلط کامل داشت.

عنایت در اواخر عمر استاد رسمی دانشگاه آکسفورد در انگلیس شد و به تدریس پرداخت و از ترجمه و چاپ کتاب سیاست ارسطو جایزه گرفت. از آثار او می توان:

سیری در اندیشه سیاسی غرب، عقل در تاریخ از هگل، خدایگان و بنده از هگل، سیاست از ارسطو، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، لوراس تر دس از ادموند لیچ، فلسفه‌ی هگل از سیتس، مارکوزه از الکساندر مک انیتایر، دین و جامعه مجموعه مقاله، جهانی از خود بیگانه مقاله، قیصر و مسیح از تاریخ تمدن ویل دورانت، اسلام و سوسیالیسم در مصر مقاله، تاریخ طبیعی دین از دیوید هیوم و سه مقاله در باب اجتماعیات خاورمیانه.

حمید عنایت در آغاز برگریزان سال ۱۳۶۱ ه. ش بر اثر سکته‌ی قلبی با فلسفه وداع کرد و به خفتگان خاک پیوست.

## راوندی - مرتضیٰ

پژوهنده‌ی سترگ تاریخ اجتماعی ایران - مرتضیٰ راوندی - بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۳ شهریور ماه سال ۱۳۷۸ ه. ش در اثر عارضه‌ی قلبی؛ در بیمارستان آبان تهران درگذشت و به جمع خلوتیان زمین پیوست.

راوندی در سال ۱۲۹۲ ه. ش در تهران چشم بر جهان گشود. پس از پایان بردن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و از دانشکده حقوق ليسانس قضایی گرفت. پس از آن به خارج رفت. دست به قلم برد و مطالبی در مطبوعات چاپ کرد تا دست آخر راه خود را پیدا کرد و برای نخستین بار درباره زندگانی مردم سرزمین خود مطلب نوشت.

راوندی در سال ۱۳۱۸ ه. ش وارد خدمت قضایی شد و تا دادیاری دیوان عالی کشور، در دوره‌ی وزارت الموتی پیش رفت. پس از بازنشستگی دامنه‌ی تحقیقات خود را در همان زمینه گسترده‌تر کرد. تاریخ اجتماعی ایران را که ابتدا در سه جلد نوشته بود کنار گذاشت و سپس آن را با موضوع بندی علمی به صورت گسترده نوشت و به بخش‌های مختلف تقسیم و چاپ کرد.

اکنون تاریخ اجتماعی او در ۱۲ جلد پیش روی ماست که با تجزیه و تحلیل و دقت نظر خاص نوشته شده است. گفتنی است که جلد ۹ و ۱۰ آن در سوئد چاپ شد و به ایران آمد.

آخرین اثر استاد درباره‌ی تاریخ روزنامه‌نگاری در اروپا و ایران نام دارد که مرگ نا به هنگام استاد فرصت تکمیل آن را نداد.

## غبرایی - فرهاد

فرهاد غبرایی مترجم پرکار و توانا در سال ۱۳۲۸ ه. ش در لنگرود به جهان آمد.

غبرایی در سهای ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و سالهای آخر دبیرستان را در کرمانشاه به پایان برد. سپس به دانشگاه پهلوی سابق شیراز راه یافت و در ادبیات انگلیسی درجه‌ی لیسانس گرفت.

غبرایی پس از پایان تحصیلات به فرانسه رفت و به قصد ادامه تحصیل در زمینه‌ی سینما وارد دانشگاه شد. پس از مدتی محیط آنجا را نامساعد دید و ترک تحصیل کرد و با تعدادی از هنرمندان گروه تئاتری تشکیل داد و به سفرهای دور و دراز و گوناگون رفت. پس از انقلاب به ایران بازگشت.

غبرایی به ترجمه روی آورد. گاهی شعر نیز می‌گفت. کتابهای ذیل با ترجمه‌ی بسیار خوب غبرایی چاپ و منتشر شده‌اند:

شهر شیطان زرد از گورگی، شکست و اسوموار هر دو از امیل زولا، آخرین نفر از الکساندر مادایوف، معجزه در باد و باران از سیمون شوارتز، چهار مجموعه شعر از پابلو نروودا و نیز پایان جهان از نروودا، کولابرونیون از رومن رولان، زندگی بتهوون از رومن رولان، جزیره از روبر مرل، حریم از ویلیام فالکنر، کودک سیاه از کامارالی، خانواده‌ی پاسکوال دو آرته از کامیلو خوسه سلا، جشن بیکران از ارنست همینگوی، سفر به انتهای شب از لویی فردینان سلین، فللینی از زبان فللینی و گرایش‌های نوین در هنر معاصر.

غبرایی در ۱۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۳ ه. ش در یک تصادف نا به هنگام اتومبیل جان به جان آفرین تسلیم کرد.

## غضنفری - اسفندیار

اسفندیار غضنفری امرایی شاعر و ادیب در سال ۱۲۹۷ ه. ش در خانواده‌ی متدین و اهل علم کوهدشت به جهان آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در خرم آباد ماندگار شد. او در سال‌های قبل از انقلاب گرفتار بحران‌های سیاسی شد. از استاد در زمینه شعر و ادب فارسی و لری تحقیقات گوناگون به جای مانده است که بخشی از آنها در مطبوعات چاپ شده است. غضنفری در اواخر فروردین ماه سال ۱۳۷۲ ه. ش در مرز ۷۵ سالگی در خرم آباد درگذشت.

\*\*\*



## فانی - سید علی

سید علی فانی در سال ۱۳۳۳ هـ. ق در اطراف اصفهان زاده شد پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و مقدماتی ، به علوم اسلامی روی آورد و مدارج علمی را از سطح تا دوره خارج در نجف اشرف گذراند . فانی پس از آن در مسند تدریس نشست . آثار سید علی فانی را تا ۸۰ جلد رقم زده اند .

فانی روز دوشنبه ۸ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ هـ. ش سر در نقاب خاک کشید .

\*\*\*



## فخرایی - ابراهیم

موسیو ابراهیم فخرایی بزرگ مردی از خطه‌ی گیلان، منشی مخصوص میرزا کوچک خان جنگلی، در سال ۱۲۷۸ ه. ش در محله‌ی آفخرای رشت چشم بر جهان گشود.

درسهای ابتدایی، سپس علوم متداول زمان خود را، به خصوص زبان فرانسه را به خوبی فرا گرفت. و در ۱۶ سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به شام رفت.

پس از سالی جنگ جهانی آغاز شد. دنیا ناامن گردیده بود. فخرایی پس از ۱۷ ماه توقف در شام به ایران بازگشت و به زادگاه خود رفت.

پس از چندی به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون اسم نوشت. درست در همان زمان سر و صدای نهضت جنگل در همه جا پیچیده بود. ابراهیم جوان به گیلان رفت و منشی مخصوص میرزا کوچک خان شد. بعدها وزیر معارف و سپس وزیر عدلیه‌ی میرزا گردید.

پس از شکست نهضت، مورد تعقیب قرار گرفت. خانه‌اش به غارت رفت. پس از پشت سر گذاشتن این غایله خود را پیدا کرد و معلم زبان و ادبیات فرانسه در رشت شد. و لقب موسیو از مردم گرفت.

فخرایی دست به قلم برد. در سال ۱۳۰۲ ه. ش روزنامه پیام را منتشر کرد. پس از توقیف روزنامه باروزنامه طلوع شروع به همکاری کرد. سپس خود رونامه‌ی فروغ را راه‌انداخت و در کنار آن فعالیت‌ها، به نوشتن و تألیف کتاب پرداخت. که گنجینه ادب، اخلاق، تاریخ و تعلیمات مدنی یادگار آن دوره به شمار می‌رود. در همین دوران فخرایی یک دوره‌ی تاریخ ایران را هم نوشت. اما کار

بسیار زیبایی فخرایی که در حقیقت نام او را بر سر زبان‌ها انداخت  
نوشتن کتاب سردار جنگل بود. اگر چه کتاب‌هایی مانند:  
گیلان در جنبش مشروطیت، گیلان در گذرگاه زمان، گیلان در  
قلمرو شعر و ادب و گزیده‌ی ادبیات گیلکی نیز می‌تواند از کارهای  
بسیار خوب فخرایی به حساب آید.  
اواخر عمر خانه‌ای فخرایی محل اجتماع شعرا و نویسندگان شده  
بود.

این یادگار میرزا در اواخر بهمن ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش پس از  
عمری خدمت فرهنگی، سیاسی در مرز ۸۸ سالگی در خطه‌ای  
گیلان به محفل خلوت گزیدگان خاک راه یافت.

\*\*\*

## فرجیان - مرتضی

مرتضی فرجیان نویسنده طنز پرداز در سال ۱۳۱۳ ه. ش چشم  
بر جهان گشود.

پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به خدمت آموزش و  
پرورش در آمد. در این دوران فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کرد  
و به مطالب طنز علاقه مند شد. با توفیق همکاری داشت، تا به  
سر دبیری مجله گل آقا نیز رسید.

او در ۲۳ فروردین ماه سال ۱۳۷۴ ه. ش بر اثر سکته قلبی  
درگذشت.

\*\*\*



## فرید - سیداحمد

دکتر احمد فرید استاد دانشگاه پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد.

پس از پایان دوره‌ی دانشگاه، استاد دانشگاه تهران شد و به تدریس فلسفه و حکمت معنوی پرداخت. پس از بازنشستگی در انجمن حکمت و فلسفه به تدریس مشغول گردید.

او به زبان‌های عربی، فرانسه، آلمانی آشنایی کامل داشت. فرید در همه حال و مکان به نقد فلسفه غرب و نکوهش تمدن غربی می‌پرداخت.

وضع اصطلاح غرب زدگی، که بعداً به عنوان یکی از پر سر و صداترین نوشته‌های جلال آل احمد در آمد از اوست.

استاد فرید می‌گفت: جلال اصطلاح غرب زدگی را خوب شنید اما خوب نفهمید.

فرید در ۲۵ خرداد ماه سال ۱۳۷۳ ه. ش دارفانی را وداع گفت و بر تارکیان دنیا پیوست.

\*\*\*

## فرزاد - مسعود

مسعود فرزاد دوست دیرین هدایت و حافظ شناس با سابقه در سال ۱۲۸۵ ه. ش در سنندج دیده بر جهان گشود.

مسعود در کودکی همراه پدر به تهران آمد. کلاسهای ابتدایی و مقدماتی را پشت سر گذاشت. وارد دارالفنون شد. پس از فراغ از تحصیل به عنوان مترجم در وزارت دارایی به کار پرداخت.

مسعود در سال ۱۳۰۸ ه. ش به انگلستان رفت. پس از اخذ مدرک رشته‌ی علوم اقتصادی به ایران بازگشت و در وزارت امور خارجه به عنوان مترجم استخدام شد.

مسعود مدتی هم در دانشکده‌ی افسری به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. در جنگ جهانی دوم دوباره به انگلستان رفت و در رادیو لندن مشغول کار شد. در جریان نهضت ملی شدن نفت، حاضر به خواندن مقاله‌های ضد ملی نشد و در نتیجه از کار خود استعفا کرد. سپس مترجم سفارت ایران در لندن گردید و در اواخر عمر به ایران بازگشت.

فرزاد شاعر، نویسنده و به خصوص مترجم با استعداد کم کاری بود. در حقیقت مسعود یک شاعر بود تا یک نویسنده و مترجم. شاعری که دیدی بدبینانه به دنیای اطراف خود داشت. بهتر است بگویم مسعود هدایت دیگری بود در شعر. نام کتاب‌های او در شعر: بزم درد، کوه تنهایی و گل غم نشانی از این دیدگاه دارد.

دوستی او با صادق هدایت و مجتبی مینوی بخشی از زندگی او بوده است.

کتاب وغ وغ ساهاب را هدایت با همکاری مسعود نوشته است.

مسعود فرزاد به جز شعر در دیگر مقوله‌ها هم قلم زده‌است .  
ترجمه‌ی غزل‌های حافظ و ترجمه‌ی موش و گربه عبید و وزن  
رباعی و مردی که فکر می‌کند و رؤیای نیمه شب تابستان و هملت  
از دیگر کارهای مسعود می‌تواند به حساب آید .

مسعود در سال ۱۳۶۰ هـ . ش پس از پشت سر گذاشتن یک  
بیماری طولانی در انگلستان روی از جهان برتافت و حل مشکل  
زندگی را در راه یافتن به دنیای هدایت جست .

اکنون چند بیتی از غزل او را با هم می‌خوانیم که از چنین دیدگاه  
بدبینانه اثر و آثاری دارد :

ای که پرسی ز ما که بهر چه ما  
دست در دامن جنون زده‌ایم  
پاکشیده ز عالم بیرون  
خیمه در عالم درون زده‌ایم  
چند و چون راز ما مپرس که ما  
قفل بر لب ز چند و چون زده‌ایم  
این قدر هست کز همه آشوب  
رسته و تکیه بر سکون زده‌ایم  
یار از ما دلی پر از خون خواست  
پی فرمانش دل به خون زده‌ایم  
قصری از عشق ساختیم بلند  
وندر آن از جنون ستون زده‌ایم  
در می عقل نشئه کم دیدیم  
زین سبب ساغر جنون زده‌ایم

\*\*\*

## فروه‌وشی - بهرام

بهرام فروه‌وشی استاد دانشگاه تهران روز جمعه اول خرداد سال ۱۳۷۱ ه. ش بر اثر سرطان و ذات‌الریه در مرز ۶۵ سالگی دارفانی را وداع گفت.

او در سال ۱۳۰۶ ه. ش در ارومیه زاده شد. پدرش مدتی رئیس فرهنگ ارومیه بود. بهرام پس از مدتی به زادگاه پدری (اصفهان) رفت. در سال ۱۳۲۶ ه. ش دوره دانشسرای مقدماتی آنجا را تمام کرد. سپس به تهران آمد. به استخدام آموزش و پرورش در آمد. ضمن تدریس به تحصیل پرداخت و درجه لیسانس گرفت.

به تشویق استاد ابراهیم پور داوود، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت، و در رشته‌ی زبانها و فرهنگ ایران باستان درجه‌ی دکترا گرفت. به ایران بازگشت و استاد دانشگاه شد.

فروه‌وشی آثار پور داوود را تدوین و منتشر کرد. در زمینه‌ی فرهنگ ایران باستان به تحقیق و پژوهش پرداخت.

کتاب فرهنگ پهلوی به فارسی در ۲ جلد و فارسی به پهلوی کار بسیار زیبا و پر اهمیت او می‌تواند به حساب آید.

فروه‌وشی در تدوین آن کتاب‌ها کار کرده بود. او همچنین حدود پنجاه مقاله در زمینه‌ی شناخت فرهنگ ایران باستان نوشته و در مطبوعات به چاپ رسانده‌است که مجموعه ۲۹ مقاله از آنها زیر عنوان ایران ویج در سلسله کتاب‌های دانشگاه چاپ و منتشر شده‌است.

کتاب معروف روبنسون کروزه از دانیل دیفو نیز از ترجمه‌های اوست.



## فریدونی - عطاءله

عطاءاله فریدونی طیبی شاعر از سرزمین سرسبز رشت بود. او حدود سال ۱۳۱۴ ه. ش در رشت دیده بر جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را پشت سر گذاشت و وارد دانشگاه شد. در رشته‌ای طب درجه‌ای دکترا گرفت. فریدونی شعرهای خود را به مجلات فردوسی و تهران مصور می‌فرستاد. بدین ترتیب فعالیت مطبوعاتی فریدونی آغاز شد. او در سال ۱۳۴۸ ه. ش مجموعه شعری با نام آوازهای جنگلی باد چاپ و منتشر کرد. و در آن شاعری خود را به ثبت رسانید. اگر چه شعر را از پشت نیمکت کلاسهای دانشگاه آغاز کرده بود. عطاءاله در مهر ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش زندگی را بدرود گفت و از زندان این خاکدان رهایی یافت. هنگام مرگ بالای ۵۰ سال عمر کرده بود.

\*\*\*

## ملاح - حسینعلی

حسینعلی ملاح از محققان موسیقی در ایران، در سال ۱۳۰۰ ه. ش به جهان آمد، در کودکی نزد علی نقی وزیری که دایی او بود تعلیم دید و بعد در مدارس به تحصیل پرداخت. از هنرستان عالی موسیقی فارغ التحصیل شد. در رادیو ایران به کار پرداخت. علاوه بر نوازندگی و آهنگ سازی سرپرست ارکستر نیز شد.

مدت ها سردبیر مجله موسیقی بود. بیشتر اوقات خود را صرف تحقیق در موسیقی و ادبیات می کرد و کتابهایی در این زمینه چاپ کرده است که از آن جمله اند:

حافظ و موسیقی، منوچهری دامغانی و موسیقی، زندگی و آثار غلامحسین درویش، تاریخ موسیقی نظامی ایران، پیوند موسیقی و کلام، پیوند شعر و موسیقی، فرهنگ سازها که حکم دایرةالمعارف در موسیقی را دارد.

به جز اینها که بر شمردیم مقالاتی نیز در مطبوعات آن روز در همین زمینه چاپ و منتشر می کرد.

ملاح در اواخر تیر ماه سال ۱۳۷۱ ه. ش در مرز ۷۱ سالگی درگذشت و در کنار غلامحسین بنان، عبدالعلی وزیری در امام زاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

\*\*\*

## فلسفی - نصراله

نصراله فلسفی تاریخ نویس خبره و آگاه در سال ۱۲۸۴ ه. ش هفت روز پس از مرگ پدر در تهران به جهان آمد. پدرش میرزا نصراله خان مستوفی سوادکوهی و مادرش نوهی علی مدرس دانشمندی از دوره قاجار بوده است.

نصراله تحصیلات خود را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و بالاخره دارالفنون به پایان برد. ابتدا در وزارت پست و تلگراف استخدام شد بعد به وزارت دادگستری منتقل گردید و سپس شغل شریف معلمی را انتخاب کرد.

او از ۱۸ سالگی به نویسندگی، شاعری و به خصوص به مترجمی روی آورد و در کنار آن در دارالفنون به تدریس پرداخت.

فلسفی در ۳۵ سالگی استاد تاریخ در دانشگاه تهران شد. کارهای مطبوعاتی را نیز ادامه داد. زمانی مجله پست و تلگراف، مدتی مجله تعلیم و تربیت و روزگاری نیز نامه هفتگی امید را چاپ و منتشر می کرد.

فلسفی از اعضای پیوسته‌ی فرهنگستان ایران بود. وقتی هم رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا شد. در همان زمان مجله رنگی مصور ایران را نیز چاپ و منتشر می کرد.

فلسفی بیشتر به مطالب تاریخی توجه خاص داشت. زیباترین کار او در تاریخ، تاریخ زندگانی شاه عباس کبیر در ۴ جلد است که از دقت نظر چشمگیری برخوردار است.

دیگر آثار قلمی او اعم از تألیف و ترجمه عبارتند از:

\* \* \* تألیف - دختر سلحشور پاورقی شفق سرخ، تاریخ عالم در

قرون نوزده و بیست، جغرافیای مفصل کشورهای بزرگ جهان، اصول تعلیم و تربیت، تاریخ روابط سیاسی ایران و اروپا در دوران صفویه، تاریخ عمومی در قرون هفده و هیجده، شرح حال بزرگان یعقوب لیث صفاری، داریوش بزرگ و انوشیروان، تأثیر تاریخ در پرورش افکار، جغرافیای اقتصادی کشورهای بزرگ جهان، تاریخ ایران از حمله‌ی عرب تا حمله‌ی مغول، هشت مقاله‌ی تاریخی و ادبی، جنگ چالدران، داستانهای کوچک از نویسندگان بزرگ.

\*\*\* ترجمه — داستان ۱۸۳ ترجمه از مورس لوبلان، داستان توده‌ی طلا، ترجمه از لوبلان، در وادی فراغنه ترجمه از میرمام هری، تاریخ انقلاب کبیر روسیه ترجمه از اولیب لوریه، داستان سرتنگ بلور از لوبلان، سرگذشت ورتراز گوته، بیچارگان از ویکتور هوگو، تاریخ تمدن قدیم از فوستل دوکولانژ، تاریخ سلطنت قباد و ظهور مزدک از آرتور کریستن سن، منتخب اشعار ویکتور هوگو و فرهنگ فلسفی از ولتر.

نصراله فلسفی پس از عمری خدمت مطبوعاتی و قلم زندهای بی حد و حصر در سال ۱۳۶۰ ه. ش از دنیا و دنیا پرستان برید و به سرای جاوید شتافت.

فلسفی گاهی که از ترجمه و نوشتن خسته می شد به شعر پناه می برد. شاید غزل مرغان پرشکسته پناهگاهی برای او باشد. با هم می خوانیم:

### مرغان پرشکسته ...

جز دل به یاد زلف تو، ای شوخ نازکن،  
مرغی ز دام عشق نشد نغمه ساز کن.

هر حلقه گیسوی تو ز دلهاست مجمعی ،  
زین رشته تا سحر ، سر صحبت دراز کن .  
این موی نیست ، رشته‌ی عمرست و بایدش ،  
هر رشته را هزار دل و جان نیاز کن  
خواهم دگر نظر نکنم جز به روی خوب ،  
گر بخت یار ، و یار شود دلنواز کن .  
دادت خدای دیده ، که بینی رخ نکو ،  
تا سازدت به صنعت خود ، دیده باز کن .  
چشمم جدا نمی شود از صورتت ، که گفت ؟  
کز آفتاب ، دیده بود احتراز کن .  
من راز عشق خویش نگفتم به هیچ کس ،  
شد دیده از سراچه‌ی دل کشف راز کن .  
من بی ریابه روی بتان سجده می‌کنم ،  
زاهد ریایی است و به مسجد نماز کن .  
ترسم زخم که شانه و بی آشیان شوند ،  
مرغان پر شکسته‌ی سوز و گداز کن .

\*\*\*

## فیض الاسلام - علینقی

علی نقی فیض الاسلام حدود سال ۱۲۸۴ هـ. ش متولد گردید. پس از به پایان بردن علوم مقدماتی به تکمیل اندوخته‌های خود پرداخت و از محضر استادان بزرگ فیض‌ها برد تا خود دانشمندی شد از دانشمندان زمان ما.

حجت الاسلام علی نقی نهج البلاغه را به زبان سلیس فارسی ترجمه کرد. و این نخستین کار او بود که در ۶ جلد چاپ و منتشر شد و به نهج البلاغه فیض الاسلام معروف است. همچنین شرح صحیفه کامله سجادیه از دیگر کارهای اوست. ترجمه و خلاصه تفسیر قرآن مجید نیز در سه جلد سومین کار او به حساب می‌آید. فیض الاسلام در ۲۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۴ هـ. ش دعوت حق را لبیک گفت و به زمینیان پیوست.

روانش شاد باد

\*\*\*

## قاسمی - ابوالفضل

ابوالفضل قاسمی از چهره‌های شناخته شده‌ی جبهه ملی بود. او در سال ۱۳۰۰ ه. ش دیده بر جهان گشود.

پس از پایان بردن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد کارهای سیاسی شد. در کنار این کارها ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را بر عهده داشت. این کار فرصت مطالعه‌ی بیشتر در زمینه تاریخ را برای او فراهم آورد. دست به قلم برد و کتابهایی در تاریخ گذشته و تاریخ معاصر نوشت که عبارتند از:

سیر الیگارشی در ایران ۵ جلد، حکومتگران ایران، استعمار در ایران، تصحیح و چاپ سفرنامه دور دنیای صحافباشی، تاریخ سیاه یا حکومت خانواده‌ها در ایران ۳ جلد، اسلام از نظر دیگران، مادر شیر مرد اتک، قمار، دشمن خانه زاد بشر، فداکاری مسلم بن عقیل، نئوزاکائیسیم یا مترقی‌ترین ایدئولوژی جهان، مومو ترجمه از تورگینف، شهید خردسال کربلا، سلمان پارسی، یار وفادار پیامبر، امیرالمؤمنین دیباج، خاوران، گوهر ناشناخته ایران، هزار ماه سیاه یا فجایع تاریخی امویان، قصه‌های استاد، قربانیان استعمار در ایران، الیگارشی یا خاندان‌های حکومتگر ایران در ۲ جلد.

ابوالفضل قاسمی در آبان ماه سال ۱۳۷۲ ه. ش در مرز ۷۲ سالگی درگذشت تا باقی روایت‌های تاریخ خود را از تاریخ سازان خفته در خاک پی گیرد.



## قاضی - محمد

محمد قاضی مترجم توانای دیر آشنای زودجوش ، در سال ۱۲۹۲ هـ. ش در روستای چاغرلوی شهر مهاباد ، در خانواده‌ی قاضیان معروف کرد «قاضی محمد» به جهان آمد .

محمد نوه‌ی شیخ جلال قاضی ، امام جمعه‌ی شهر مهاباد بود . پدرش سه فرزند پیدا کرد و اسم هر سه را بنا به اخلاصی که به محمد (ص) داشت محمد نامید . محمد اول و دوم درگذشتند و محمد سوم همین قاضی معروف است .

محمد پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مهاباد به تهران آمد و در سال ۱۳۱۸ هـ. ش در دارالفنون نام نویسی کرد . او در سال ۱۳۱۸ هـ. ش درجه‌ی لیسانس حقوق در رشته‌ی قضایی گرفت . سپس به استخدام وزارت دارایی در آمد . تا در سال ۱۳۵۵ هـ. ش باز نشست شد و با آسودگی خیال به ترجمه روی آورد .

قاضی در حقیقت کار ترجمه را از سال ۱۳۳۰ هـ. ش با ترجمه کتاب جزیره پنگوئن‌ها اثر آناتول فرانس آغاز کرد . سپس سپید دندان را از جک لندن ترجمه کرد .

این مترجم خوش قلم پس از بازنشستگی در کانون پرورش فکری نوجوانان دعوت به کار شد . و تا آخر عمر کتاب قطوری زیر بغل با دسته‌ای کاغذ کاهی و مدادهای تراشیده در دست دور میز کهنه خود می‌گشت . می‌نشست و ترجمه می‌کرد . خسته می‌شد قدم می‌زد و با بی‌خیالی آمیخته به خوشحالی کودکانه می‌خندید و یادداشت‌های خود را ردیف می‌کرد . او در آغاز کار نویسندگی داستان زارا یا عشق چوپان را تألیف کرد .



قاضی هیچ نمی دانست که کارش کارستان است. او یک تنه کار چندین مترجم پر سابقه و توانا را انجام داد. با اینکه قاضی از سال ۱۳۵۵ ه. ش در اثر سرطان گلو قادر به سخن گفتن نبود، اما این نقیصه کوچکترین افسردگی در روحیهی او پدید نیاورد. او با وسیله ای کوچک کار خود را راه می انداخت. و صحبت های لازم را از سوراخ کنار گردن، در زیر گلو به طرف مقابل بازگو می کرد و شاد و سرمست از چاپ کتاب جدید خود می گفت و می خندید.

به جز چند تألیف یاد شده کلیه آثار ترجمه شده ی او به ترتیب عبارتند از:

«آدم ها و خرچنگ ها» از خوزوئه دوکاسترو، «آزادی یا مرگ» از نیکوس کازانتساکیس، «اقلیم آسمانی» از میکا والتاری - این کتاب بعد از درگذشت او چاپ شد.، «ایالات نامتحد» از ولادیمیر پوزنر، «برندگان سیاه» از کامل آنستوت، «بی ریشه» از نویسندگان مختلف، «بیست کشور آمریکای لاتین»، «تاریک ترین زندان» از ایوان اولبراخت، «جزیره ی پنگوئن ها» از آناتول فرانس، «چهل روز موسی داغ» از فرانتس و رقل، «درباره ی مفهوم انجیل ها» از کری ولف، «در آغوش خانواده»، «دن کیشوت» ۲ جلد از سروانتس - این اثر برنده ی جایزه شد.، «دکامرون» از بوکاچیو، «زمین و زمان»، «ساده دل» از ولتر، «سپید دندان» از جک لندن، «سرمایه داری آمریکا» از بانو ماریان دوبوزی، «شازده کوچولو» از آنتوانت دوست اگزوپری، «شاهزاده و گدا» از مارک تواین، «طلا» از بلز ساندررا، «فاجعه سرخپوستان آمریکا» از دی براون، «قربانی» از مالا پارتی، «قلعه ی مالویل» از روبر مرل، «کلود ولگرد»، «مادام بواری» با همکاری عقیلی، «ماجرای یک مسیحی فقیر» از اینیاتسه

سیلوه ، «مادر» از پرل . س . باک ، «مسیح باز مصلوب» از نیکوس  
کازانتاکیس ، «مهاتماگاندی» از رومن رولان ، «ناپلئون» از پارله ،  
«نان و شراب» از اینیاتسه سیلونه .

این مترجم توانا و پرکار روز پنجشنبه ۲۵ دی ماه سال ۱۳۷۶ هـ.  
ش در بیمارستان ایران مهر به دیار خاموشان شتافت و برای همیشه  
ابزار سخن گفتن خود را همراه با مدادهای تراشیده و ورق‌های  
کاغذ کاهی کنار گذاشت .

پیکر پاک قاضی از جلو تالار وحدت تشییع شد و به مه‌آباد حمل  
گردید و آنجا به خاک سپرده شد . همان جا که از خاک برآمده بود بر  
خاک شد .

گفتنی است که قبل از انقلاب گفته می‌شد که وزن کتابهای ترجمه  
شده‌ی قاضی سنگین‌تر از خود قاضی است . دوستی می‌گفت : «اول  
قاضی را وزن کردیم سپس کتاب‌هایش را» قاضی به طوری که اشاره  
شد علاوه بر ترجمه‌ها ، خاطرات یک مترجم اتوبیوگرافی ، زاغه‌ها  
و سرگذشت ترجمه‌های من را نیز چاپ کرده بود .

خدای عز و جل جمله را بیامرزاد

\*\*\*

## قاضی - سید حسن

سید حسن قاضی طباطبایی فرزند حاج میرزا علی قاضی ادیب بزرگوار و استاد دانشکده ادبیات تبریز در سال ۱۲۹۸ ه. ش در تبریز چشم بر جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی و مکتبی به ادبیات عرب روی آورد. در سال ۱۳۳۴ ه. ش متصدی کرسی زبان و ادبیات عرب در دانشگاه تبریز گردید. قاضی استادی برجسته و ادیبی کم نظیر بود. حافظه‌ای عجیب و خارق‌العاده او همیشه مرا به یاد ابوالعلاء معری شاعر و فیلسوف نابینای عرب می‌انداخت. کتاب‌های کتابخانه‌ی سیار او گسترده بر روی جاجیمی روی میز بزرگ ناهارخوری چوبی خانه‌اش نظر هر تازه وارد را به خود جلب می‌کرد. دیدن این صحنه تصویر و تصویری از ابن سینا را به یاد می‌آورد در کتابخانه بزرگ سامانیان.

استاد صدها مقاله تحقیقی و تاریخی در نشریات دانشکده ادبیات تبریز به چاپ سپرد که هر یک سندی معتبر برای محققان تاریخ و ادیبان این آب و خاک می‌تواند به حساب آید. کتاب‌های او عبارتند از:

تصحیح و تحشیه تجربه‌الاحرار و تسلیة الابرار در ۲ جلد و حواشی و تعلیقات بر تجارب السلف.

استاد بزرگ در روز یک‌شنبه ۱۸ اسفند ماه سال ۱۳۶۴ ه. ش در تبریز چشم از جهان مادی فرو بست و به معنویات پیوست.

روانش شادباد

\*\*\*

## قاضی - نعمت

نعمت قاضی از نویسندگان معاصر و روزنامه‌نگاران قدیمی بود.

قاضی در ۱۳۰۲ ه. ش چشم بر جهان گشود و پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به زبان و ادبیات انگلیسی روی آورد و دست به ترجمه و نوشتن برد که حاصل قلم او کتابهایی است به اسامی ذیل:

بارگاه لرزان، نقشبند راستی، به سوی سیمرغ، مشعلی در توفان، خون در خورشید، تاریخ سیاسی اسلام، صدف‌های شکسته، عشق و مرگ پوشکین، کلاه گشاد، پای طاووس، این قاجار در پهنه تاریخ ایران، رستاخیز زنگیان و تیمور ملک.

گفتنی است که این نویسنده و مترجم پرکار و توانا در ۱۴ خرداد ماه سال ۱۳۷۵ ه. ش روی در نقاب خاک کشید.



## قدسی - غلامرضا

غلامرضا قدسی نژاد میرزاجانی از شاعران خوش ذوق و نغزگوی خراسان در سال ۱۳۰۴ ه. ش در مشهد دیده بر جهان گشود.

پس از تحصیلات مقدماتی، علوم حوزوی را آغاز کرد. او شاعری را از دوران طلبگی آغاز کرد و گاهی در رثای اهل بیت شعر می سرود. پس از مدتی انجمن ادبی مشهد را پی ریخت.

قدسی در سال‌های بعد از ۴۲ دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی باز هم کار خود را ادامه داد. او مدتی هم مدرس دانشگاه فردوسی مشهد بود.

قدسی در سبک‌های هندی، عراقی و خراسانی شعرهای بسیار لطیف دارد. غلامرضا شعر چاپ شده فراوان دارد اما دفتر و دستک و دیوان ندارد.

قدسی این شاعر محبوب روز سه شنبه ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش به علت عارضه‌ی قلبی در ۶۴ سالگی به خلوتیان زمین پیوست. اینک غزلی از قدسی را با هم می خوانیم:

صدای آشنا...

ز دامان چمن، بوی بهاری بر نمی خیزد.  
از این گلشن، نوای مرغ زاری بر نمی خیزد،  
خوشا روزی که من خاک بیایان عدم گردم.  
کزین صحرای ناپیدا، غباری بر نمی خیزد.  
چنان از سرد مهریهای او، افسرده شد جانم.

که آتش گرشوم ، از من شراری بر نمی خیزد .  
کجا صبح سعادت بر سر ما پرتو افشانند .  
که آهی از دل شب زنده داری بر نمی خیزد .  
خدایا از چه بنیان ستم ویران نمی گردد ،  
مگر سیلی ، ز چشم اشکباری بر نمی خیزد .  
دل افسرده ای ، تا نشکفت آرام ننشینم .  
نسیمی همچو من در روزگاری بر نمی خیزد .  
جز از شهر جنون قدسی مجو فرهاد مجنون را ،  
صدای آشنا از هر دیاری بر نمی خیزد .

\*\*\*



## قلی زاده - احمد رضا

احمد رضا قلی زاده در سال ۱۲۸۶ ه. ش پای در این خاکدان نهاد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را به پایان برد، سپس وارد خدمت معارف شد و در بابل آغاز به کار کرد. بعدها به ساری و شیراز منتقل شد و دست آخر به تهران آمد. ضمن خدمت تحصیلات خود را بالا برد تا استاد دانشگاه تهران شد و در دانشکده پزشکی به تدریس پرداخت. از قلی زاده سه کتاب شیمی دبیرستانی، ۱۲ جلد کتاب فیزیک و شیمی باقی است. کتاب علم و زندگی هم از اوست و شیمی مدرن نیز از کارهای بسیار خوب قلی زاده به حساب می آید. او در روز یکشنبه ۲۸ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش در بیمارستان لوس آنجلس درگذشت.

\*\*\*

## کاتبی - حسینقلی

حسینقلی کاتبی استاد دانشگاه تهران و وکیل درجه یک دادگستری که هم در نویسندگی دستی آشنا به قلم داشت در سال ۱۲۸۹ هـ ش در تبریز دیده بر جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و دبیرستانی وارد دانشگاه شد و پس از مدتی درجه‌ی دکترای حقوق گرفت و به وکالت پرداخت.

کاتبی در همان اوان جوانی دست به قلم برد. با روزنامه‌ی ایران آغاز همکاری کرد. در سال ۱۳۲۱ هـ. ش روزنامه‌ی فریاد را راه انداخت. پس از توقیف روزنامه‌اش در سال ۱۳۳۲ هـ. ش فعالیت‌های مطبوعاتی خود را همچنان ادامه داد. چند سال بعد مجله‌ی حقوق مردم و بعد حقوق امروز را یکی پس از دیگری چاپ و منتشر کرد. گرداندگی مجله کانون وکلای نیز سال‌های سال بر عهده داشت. کاتبی در سال ۱۳۱۷ هـ. ش سی فصل در فن انشا را منتشر کرد.

سپس کتابهای:

سبک نگارش، تاریخ نثر فارسی، آذربایجان و وحدت ملی، شکوفه‌های ادب، مفهوم و منشأ حق، تاریخ بردگی، فرهنگ حقوق - ترجمه از فرانسه -، اعلان حقوق بشر، حقوق تجارت، فاجعه‌ی لهستان، نویسندگان معاصر جهان، ادب و ادبیات، وکالت، فرهنگ فرانسه به فارسی، از لیبرالیسم تا سوسیالیسم، حقوق و صنعت و آذربایجان تابلوسی را تقدیم بازار مطبوعات آن روزگار کرد.

کاتبی در سال ۱۳۲۰ هـ. ش سردبیری مجله مهتاب را پذیرفت. و تا سال ۱۳۵۰ هـ. ش نیز سردبیری کانون وکلای را داشت.



کاتبی به ادبیات آذری نیز بی تفاوت نبود و شعرها و سروده‌ها فراوان به این زبان شیرین دارد، که به امضای جوشغون چاپ و منتشر شده است.

دکتر حسینقلی کاتبی در دی ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش در تهران درگذشت و به خیل سپید جامگان خاک نشین پیوست.  
اکنون در این بخش، شعری به زبان ترکی، از کاتبی با هم می‌خوانیم:

عزیز شهریار اسلام...

گینه ده الهامیم، آشیب داشیری  
گینه کۆنول منله، پیچیلدا شیر  
ئوز اوره ک دوستو نو، سراخلا شیر  
سلام اولسون سنه عزیز شهریار  
آدینا فخر آندیر بوتون بودیار

سن شعر عالمینین سازی، سۆزوسن  
یارادان الی سن، گۆره ن گۆزوسن  
سن شعرین معناسی، شعرین ئوزوسن  
کۆنول لر دوستوسان، اوزون ائللردن  
هیچ زامان دوشمه میش، آدین دیل لر دن  
پری لر قاناتی، عاشیق لار سازی  
منشه لرین سسی، صبحین ایازی  
آخیب قلمیندن، اولو بدو یازی  
اولو بدیر مثنوی، اولو بدیر غزل  
سنین یازدیقلارین گۆزلدیر گۆزه ل

سن فارسی شعرینده ، مکتب یاراتدین  
غزلده او جابیر ، مقاما چاتدین  
شعرین الاهی سین ، تخته چیخاتدین

چولقادی شهرتون بوتون ایرانی  
نه تکجه ایرانی ، بلکه دونیانی

شعرین طراوتلی باغین گزرکن  
گۆزهل چیچکلردن ، خونچابزرکن  
بدیعی شعر ، اینجی سینی دوزه رکن

آجدی یا خاسینی قارشووا آنان  
دئدی : «هنرووه ، شعروه قربان»

\*\*\*



## کارنگ - عبدالعلی

عبدالعلی اشکریز که بعدها به کارنگ معروف شد از ادیبان و مؤرخان خوش قلم تبریز بود. او در حدود سال ۱۳۰۰ ه. ش در تبریز متولد شد.

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان برد سپس وارد دانشگاه شد. پس از فراغ از تحصیل به خدمت آموزش و پرورش در آمد.

او سال‌های سال دبیر دانشسرای مقدماتی تبریز بود. در کنار شغل دبیری دست به قلم برد و اثر و آثاری به وجود آورد.

کارنگ در تبریز مجله‌ای بانام جهان اخلاق راه انداخت و بسیاری از مقالات او در همان مجله چاپ می شد. با مجله تربیت معلم نیز همکاری داشت.

قلم شیوا و بیان گیرای او ورد زبان همه بود. ابتدا کتابی در زمینه نگارش و انشا چاپ کرد سپس کتاب معروف تاتی و هر زنی را نوشت که توجه مستشرقانی نظیر مینورسکی و ریپکارا به خود جلب کرد و کتاب بعدی او آثار باستانی آذربایجان نام دارد که فقط جلد اول آن را تألیف کرد و جلد دوم کتاب به وسیله شخص دیگری نوشته و چاپ گردید.

او در سال ۱۳۵۸ ه. ش به سکنه قلبی در مرز ۵۸ سالگی در تبریز درگذشت.



## کازمیه - اسلام

اسلام راوی قصه‌های کوچه‌های دل به خواه ، در اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۶ هـ. ش در پاریس خودکشی کرد. در لحظات آخر حیات نوشت: «کسی در مرگ او مقصر نیست».

اسلام کازمیه جزو دار و دسته‌ی آل احمد و دکتر ساعدی بود و هم سن و سال آنها.

دکتر ساعدی همیشه از تنبلی او می‌نالید: «کم می‌نویسد بی‌حال و حوصله‌است». واقعاً هم اسلام چنین بود. اگر حال و حوصله‌ای پیدا می‌کرد خوب می‌نوشت. نه که سال به سال مقاله‌ای هم چاپ نمی‌کرد.

اسلام هنر نویسندگی خود را در قصه‌های کوچه‌های دل به خواه نشان داد پس از آن قصه‌های شهر خوشبختی را نوشت. و پس از آن جای پای اسکندر را که هم سفرنامه‌ی بلوچستان اوست چاپ و منتشر کرد.

اسلام بعد از انقلاب جایگاه خود را نتوانست پیدا کند. ناگزیر سر از ینگه دنیا در آورد که حاصلی جز بی‌سرانجامی بار نیاورد.

\*\*\*

## کامبوزیا - امیر توگل

امیر توگل کامبوزیا در سال ۱۲۸۳ ه. ش به جهان آمد. کامبوزیا از کردهای زعفرانلو بوده است. او تحصیلات ابتدایی را در تهران و دروس قدیم و متوسطه را در مشهد به پایان برد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل راهی تاشکند شد. گفتنی است که کامبوزیا از یاران نزدیک کلنل محمد تقی پسیان بوده است. پس از کشته شدن کلنل، کامبوزیا به جنوب تبعید شد. سپس روی به کارهای دولتی آورد و تحقیق و تتبع در تاریخ سیاسی را آغاز کرد. دو کتاب تفسیر آیات ذوالقرنین و بلوچستان و علل خرابی آن از جمله کارهای تحقیقی اوست. امیر توگل در ۲۴ مهرماه سال ۱۳۶۳ ه. ش درگذشت.



## کتابی - بدرالدین

بدرالدین کتابی از مدرّسین منطق، فلسفه و روان شناسی در سال ۱۲۹۱ ه. ش در اصفهان دیده بر جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و علوم قدیم را در همان شهر خواند. سپس به منطق، ادبیات و اصول روی آورد. او زبان فرانسه و عربی را خوب یاد گرفته بود. چنان که بعدها فلسفه، روان شناسی و منطق و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات به زبان فرانسه تدریس می کرده است. از کتاب های او می توان:

هیپوتیزم در دسترس همه، به سوی اصفهان از پی یر لوتی، فروغ خاور از هرمان الدنبرگ، پیرامون سیره ی نبوی از طه حسین، اخلاق از پی یر ژانه، آداب المتعلمین از خواجه نصیر، مکتب های اصلی فلسفه از ویکتور کوزن، علم تاریخ و تحقیق در مقدمات آن از پی یر ژانه و نصوص فارابی را نام برد. کتابی در گرماگرم مرداد ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش از سرای عاریتی به سرای باقی شتافت.

\*\*\*

## کردبچه - حسین

مهندس حسین کردبچه در سال ۱۲۹۹ ه. ش به جهان آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و با درجه‌ی مهندسی شیمی از همان دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. کردبچه بر خلاف نام رشته‌اش به ادبیات علاقمند شد. ناگزیر دنبال کار روزنامه‌نگاری را گرفت تا از دانشگاه نورت و سترن آمریکا در رشته‌ی روزنامه‌نگاری مدرک گرفت.

کردبچه سردبیر مجله‌ی اطلاعات هفتگی شد و مدتی هم روزنامه اطلاعات را به خوبی اداره کرد. او گاهی تفسیر سیاسی برای روزنامه‌ها هم می‌نوشت.

کردبچه که فعالیت‌های مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۱۸ ه. ش آغاز کرده بود آثار قلمی بسیاری در مطبوعات آن روزگار از خود به جای گذاشت. او مترجمی توانا هم بود و به زبان‌های آلمانی، فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت.

ایران و ایرانیان اثر بنجامن، سفری به دربار سلطان صاحبقران اثر هاینریش و ۴۵ روز جنگ در جبهه باختر، اصفهان خونین شاه صفی اثر اولتاریوس آرام از آثار اوست.

کردبچه در ۲۷ تیر ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش به علت کسالت ریوی درگذشت و به مجمع خاکیان پیوست.

\*\*\*

## کریمان - حسین

حسین کریمان استاد دانشگاه تهران در ۳۰ آذر ماه سال ۱۳۷۲ ه. ش در مرز ۸۰ سالگی درگذشت.

کریمان در سال ۱۲۹۲ ه. ش در قزوین زاده شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تهران آمد. وارد دانشگاه شد. درجه‌ی لیسانس گرفت. به استخدام آموزش و پرورش در آمد، و برای تدریس به قم رفت. فرصتی برای استفاده از علوم حوزه برای او پیش آمد. در سال ۱۳۳۵ ه. ش از دانشگاه تهران درجه‌ی دکترای ادبیات گرفت و به تدریس در دانشگاه دعوت شد.

او در زمینه‌ی تاریخ و جغرافیا صاحب نظر بود. کتابهایی در این زمینه تألیف کرده‌است، که عبارتند از:  
جغرافیای شهرستان قم، ری باستان، قُصران و تهران در گذشته و حال.

کریمان کتاب مجمع البیان شیخ طبرسی را نیز تصحیح و چاپ کرده‌است.

\*\*\*



## کسری - لیلا

لیلا کسری معروف به افشار از شاعران نو پرداز ایرانی بود. لیلا در سال ۱۳۱۸ ه. ش زاده شد.

پس از پایان تحصیلات به شعر نو علاقه مند گردید و در این هنر ذوق آزمایی های کرد. بیشتر شعرهای او در آن زمان در مجلات روز چاپ و منتشر می شد. به خصوص مجله فردوسی که پایگاه شاعرانی از این دست بود.

لیلا پس از مدتی به انگلیس رفت و در رشته علوم اداری از کالج انگلیس مدرک گرفت و به ایران بازگشت.

لیلا فعالیت مطبوعاتی خود را که از سال ۱۳۳۵ ه. ش آغاز کرده بود و با بیشتر مجلات به خصوص امید ایران و روشنفکر همکاری داشت به عضویت هیأت تحریریه مجله اطلاعات بانوان نیز در آمد و وجودش در آن مجله و در آن روزگار مغتنم بود.

لیلا نخستین کتاب شعری خود را با نام «فصل مطرح نیست» چاپ کرد و برنده ی جایزه تلویزیونی هم شد. لیلا بعدها مجموعه دیگری از شعرهای خود را نیز با نام در جشنواره ی این سوی پل چاپ کرد. که برای او چندان موفقیتی به دنبال نداشت.

لیلا در سال ۱۳۶۸ ه. ش در مرز پنجاه سالگی در آمریکا - بی یاد وطن - بدرود زندگی گفت و به جمع خاکیان پیوست.

اکنون بخشی از یک مثنوی او را با نام مثنوی هشتم از کتاب در جشنواره ی این سوی پل با هم می خوانیم:

مثنوی هشتم...

با من صحرایی از صحرا بخوان  
قصه‌ی تنهایی‌ام تنها بخوان  
با دل از غم، بامی از مینا بگو  
خسته‌ی امروزم از فردا بگو  
در شکلیا ییم تنهایی بریز  
در پریشانیم رسوایی بریز  
بستر از اندوه چشمانم بساز  
دل به سرمای زمستانم بباز  
شعله زن با لغزشی در بستری  
آتشی برپاکن از خاکستری  
صبح را در جام شبهایم بریز  
خنده‌ام در گریه‌ی نایم بریز  
قصه‌ی دیوانگی را گوش کن  
در من این دیوانگی خاموش کن  
با من اما خالی از هر کینه باش  
جلوه‌ی یک آسمان آینه باش  
تا از اعماق وجودت بگذرم  
از یکایک تار و پودت بگذرم  
تا بگویم باده او پیمان‌ه اوست  
تا بگویم کعبه او بتخانه اوست

\*\*\*

## کسرایی - سیاوش

سیاوش کسرایی حماسه سرای آرش، که در ابتدای شاعری کولی تخلص می‌کرد، در سال ۱۳۰۵ ه. ش در اصفهان دیده بر جهان باز کرد.

دوره‌ی دبستان و دبیرستان را در تهران گذراند سپس وارد دانشگاه شد.

کسرایی درجه‌ی لیسانس خود را در رشته‌ی سیاسی اخذ کرد و در سال ۱۳۳۱ ه. ش به استخدام وزارت بهداری در آمد. پس از مدتی آن شغل را رها کرد و به خدمت وزارت آبادانی و مسکن در آمد. او که شعر و شاعری را از پشت نیمکت دبیرستان آغاز کرده بود و طبعی لطیف و ذوقی سرشار از احساس به هم رسانده بود، شغل دوم را نیز مناسب حال خود نیافت و به تدریس روی آورد و به دانشگاه بلوچستان رفت.

سیاوش از نخستین کسانی بود که راه نیما را پیش گرفت. اما به راه نیما نرفت و در شعر جهت‌گیری خاص اجتماعی پیدا کرد.

کسرایی نخستین مجموعه‌ای شعر خود را با نام آرش کمانگر چاپ و منتشر کرد. با این کتاب نام خود را بر سر زبان‌ها انداخت. آوا، خون سیاوش، سنگ و شبنم، با دماند خاموش و خانگی مجموعه شعرهای بعدی اوست که یکی پس از دیگری به بازار آمد. کسرایی با سرودن مجموعه شعرهای سیاسی مانند: به سرخی آتش به طعم دود و از قرق تا خروسخوان از حال و هوای شعر اصلی خود فاصله گرفت.

کسرایی پس از برجیده شدن بساط حامیان کاخ کرملین در ایران

بعد از انقلاب بار سفر بست و راهی سفر بی بازگشت خود به  
فرنگستان شد. تا در ۱۷ بهمن سال ۱۳۷۴ ه. ش زیر عمل جراحی با  
دنیای شعری خود وداع کرد و به خیل رفتگان پیوست.

جنازه‌ی شاعر سرود ژاله خون شد در گورستان پرلاشز فرانسه،  
کنار صادق هدایت به خاک سپرده شد.

اکنون شعر غزل برای درخت او را که از زیباترین شعرهای ادبیات  
معاصر است با هم می‌خوانیم:

### غزل برای درخت ...

تو قامتِ بلندِ تمنایی ای درخت.

همواره خفته‌است در آغوش آسمان.

بالایی ای درخت.

دستت پر از ستاره و جانت پر از بهار.

زیبایی ای درخت.

وقتی که بادها،

در برگ‌های درهم تو لانه می‌کنند؛

وقتی که بادها،

گیسوی سبز فام تو را شانه می‌کنند؛

غوغایی ای درخت.

وقتی که چنگ و حشی باران گشوده‌است.

در بزم سرد او،

خنیانگر غمین خوش آوایی ای درخت،

در زیر پای تو.

اینجا شب‌است و شب زدگانی که چشمشان،



صبحی ندیده‌است .  
تو روز را کجا ،  
خورشید را کجا ،  
در دشت دیده غرق تماشایی ای درخت .  
چون با هزار رشته ، تو با جان خاکیان .  
پیوند می‌کنی .  
پروا مکن ز رعد .  
پروا مکن ز برق که بر جایی ای درخت .  
سربرشش ای رمیده که همچون امید ما .  
با مایی ای یگانه و تنهایی ای درخت .

\*\*\*



## کسمایی - علی اکبر

علی اکبر کسمایی روزنامه‌نگار حرفه‌ای در سال ۱۲۹۹ ه. ش. متولد شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل به مصر رفت. با طه حسین، توفیق الحکیم و عباس عقاد از نویسندگان و ادیبان معاصر مصر آشنا شد. پس از پایان تحصیلات به ایران برگشت. در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری و روابط عمومی به کار پرداخت.

مدتی سردبیر مجله‌ی صبا و مدتی هم سردبیر مجله‌ی ادبی یغما شد. مقاله‌ها و گزارش‌های بی‌شماری در مطبوعات چاپ کرد، تا به همکاری روزنامه اطلاعات جذب شد و تا پایان عمر نیز همین همکاری را داشت. کتابهای جهنم دزه و زیبای حسود در ۲ جلد از کارهای اوست.

کسمایی در ۱۶ بهمن ماه سال ۱۳۷۳ ه. ش. در تهران درگذشت.



## کشاورز - کریم

کریم کشاورز در سال ۱۲۷۹ ه. ش در رشت زاده شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه کشاورزی رشت شد. سپس به تهران آمد. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی آلیانس فرانسه پی گرفت. پس از فراغ از تحصیل به خدمت فرهنگ در آمد. این نویسنده پژوهشگر و محقق، کارهای قلمی خود را در مطبوعات آن روزگار چاپ کرد.

کشاورز در تهران با بهار، نیما و دهخدا از نزدیک آشنا شد. او که در رشت انجمن فرهنگی را تأسیس کرده بود و زمانی هم معلم زبان فارسی مدرسه‌ی مبلّغین آمریکایی در رشت شده بود در تهران منشی کنگره‌ی نویسندگان ایران گردید.

کشاورز دید ماتریالیستی پیدا کرد و به سمت سیاست کشیده شد. در سال ۱۳۳۳ ه. ش دستگیر و به جزیره‌ی خارک تبعید شد که چون و چند آن را در کتاب چهارده ماه در جزیره‌ی خارک بازگو کرده است.

کشاورز در آغاز کارهای مطبوعاتی کتابهایی از چخوف، لرماتوف و مارک تواین ترجمه و چاپ کرد. کتابهای بعدی او عبارتند از:

اسلام در ایران از پطروشفسکی، نهضت سربداران از همان نویسنده، کشاورزی و مناسبات ارضی، ایران در عهد مغول، ترکستاننامه، آبیاری در ترکستان از بار تولد و مقدمه‌ی فقه اللّغه ایرانی از اورانسکی، قربانعلی بیک از جلیل محمد قلی زاده.

مجموعه داستانهای فی مدةالمعلومه که زبانی ساده و صریح

دارد، حسن صباح، هزار سال نثر فارسی ۵ جلد، گیلان، ترجمه اشکانیان و تاریخ ماد از دیاکونوف، آدمها و ماجراهای کوچهای نو از دیگر کارهای اوست.

کریم کشاورز روز یکشنبه ۱۸ آبان ماه سال ۱۳۶۵ ه. ش در مرز ۸۶ سالگی در تهران درگذشت.

\*\*\*





## کمالی - علی

علی کمالی در سال ۱۳۲۳ ه. ش در بند امیراز محال خرقان ساوه چشم بر جهان گشود. تحصیلات مقدماتی و ابتدایی را در زادگاه خود آغاز کرد و دوره‌ی متوسطه را در ساوه و بعد در دارالفنون تهران به پایان برد و سپس وارد دانشگاه شد.

کمالی در سال ۱۳۴۵ ه. ش درجه لیسانس در رشته حقوق گرفت و فوق لیسانس را در رشته‌ی حقوق قضایی پس از آن کسب کرد. و با عنوان وکیل درجه یک دادگستری آغاز به کار نمود.

کمالی از مردان خیر و آگاه روزگار خود بود. مدرسه‌ای در زادگاه خود دایر کرد. در مانگاهی راه انداخت. پل ساخت، جاده کشید، حمام ساخت، آسیاب موتوری در روستا نصب کرد با کشیدن برق چشم و دل روستاییان را روشن کرد. بسیاری از دانش آموزان بی‌بضاعت را به تحصیلات بالاتر رساند.

او در کنار کار وکالت به نوشتن روی آورد. با مجله‌های ترک زبان، بخصوص با مجله‌ی وارلیق به همکاری پرداخت.

کمالی به زبانهای عربی و انگلیسی تسلط کامل داشت، اما او هرگز به ترجمه روی نیاورد.

گردآوری آثار شاعران ترک زبان را اساس کار خود قرار داد. مجموعه شعری در طنز با نام نغله چاپ و منتشر کرد. به دنبال آن کتابی با نام انقلاب به چاپ رساند که مجموعه‌ای از شعرها و شعارهای روزگار داغ انقلاب اسلامی ایران را شامل می‌شد.

کمالی شیفته تئلیم خان از شاعران بنام روستای امیربندی بود. بیشتر هم خود را صرف گردآوری آثار او به روایت‌های گوناگون

کرد. سپس مجموعه‌های دیگری از شاعران محلی را تهیه و تدوین کرد که موفق به چاپ آنها نشد. در یک کلام علی‌کمالی عاشق ادبیات ترکی بود. او با این همه آرزو، روز پنجشنبه ۱۱ مرداد ماه سال ۱۳۷۵ ه. ش در مرز ۵۲ سالگی به سکت قلبی درگذشت و به جمع خلوتیان خاک پیوست.

روانش شاد باد

\*\*\*



## گرگانی - امیرفریدون

گرگانی مترجم و هند شناس در سال ۱۳۰۷ ه. ش حدوداً، در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند. سپس وارد دانشکده حقوق شد. دو سال بعد در سال ۱۳۲۷ ه. ش به انگلستان رفت و تحصیلات خود را هم آنجا دنبال کرد. ضمن تحصیل به ادبیات هند علاقه‌مند شد. در سال ۱۳۳۶ ه. ش به هند رفت. نزدیک به ۸ سال عمر خود را به ترجمه و تحقیق در هند گذراند.

گرگانی زبان انگلیسی و زبان اردو را به طور کامل و زبان فرانسه را در حد رفع نیاز فراگرفت. به طوری که در ترجمه متن انگلیسی نیازی به کتاب لغت پیدا نمی‌کرد.

نخستین ترجمه‌ی او مذهب در شرق و غرب نام دارد که آن را کریشنانوشته بود. ترجمه دیگر او کتاب معروف تلموداست که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دیگر ترجمه‌های او عبارتند از:

پلنگ از لامیه دوزا، هند آزادی گرفت، سرزمین و مردم هند از موزاک مانورا، سدّ هرتها از هرمان هسه، قربانی، میهن من کنگو از پاتریس لومومبا، میهمانی، کوکتل از الیوت، دختر هُمر از رابرت گریوز، خاطرات مونگمری، گاهنامه، قطار پاکستان از خوشوانت سینگ، در سرزمین نیلوفر و باران، دام والدین، سفر باور نکر دنی از برنفورد شیلا، دیپلماسی آمریکا در پنجاه سال اخیر و ترکیه‌ی زرین که گرگانی موفق به ترجمه‌ی بخشی از آن شد و شش نمایشنامه از تاگور.

گرگانی پس از بازگشت به ایران در رادیو ایران مشغول کار شد .  
از برنامه‌های بسیار خوب او می‌توان برنامه‌ی شاعران قصه  
می‌گویند را نام برد . حدود ده سال در تهیه‌ی داستان شب با رادیو  
همکاری داشت .

امیر فریدون گرگانی با این سرو سوداروز چهارشنبه ۱۴ آذر ماه  
سال ۱۳۵۸ هـ. ش درگذشت و به خلوتیان زمین پیوست .

\*\*\*

## گرگانی - فضل اله

فضل اله گرگانی شاعری از تبار گرگانیان ، فرزند مجتهد گرگانی در سال ۱۲۹۵ هـ. ش در تهران زاده شد . تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه و سپس دبستان فردوسی گذراند . صرف و نحو و منطق را پیش پدرش آموخت . تا در سال ۱۳۱۴ هـ. ش به صورت متفرقه دیپلم گرفت .

بعد به دانشسرای عالی رفت . در رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت . پس از فراغ از تحصیل به خدمت وزارت دارایی در آمد . پس از مدتی بازرس وزارت دارایی شد .

گرگانی از همان آغاز جوانی به شعر و شاعری توجه داشت . گاهی شعرهایی می‌سرود و در مطبوعات آن روزگار به چاپ می‌رساند . تا در سال ۱۳۲۳ هـ. ش مجموعه شعری با نام امواج چاپ کرد . او در شعر گاهی بهری و گاهی شمیمه تخلص می‌کرده‌است . گرگانی در بهار سال ۱۳۶۰ هـ. ش در تهران درگذشت و به ابدیت پیوست .

اکنون دل بی‌خانمان او را در همین جا نقل می‌کنیم تا با نمونه‌ی کارش آشنا شویم :

**دل بی‌خانمان ...**

داریم داغ عشق تو ای مه به جان هنوز  
خاکستری شراره زند بر روان هنوز  
جان مرا گرفتی و رفتی بیا بیا  
باقی است از من این دو سه مشت استخوان هنوز

دردا که زهر خند خزانش روان بسوخت  
آن مرغ، ناگرفته به باغ آشیان هنوز  
برگشته‌ام من از سفر عشق سالهاست  
دارم به چشم گوهر اشک، ارمغان هنوز  
آن وعده‌ها و گرده‌ها و شبها و بوسه‌ها  
وان قصه‌ها که از همه باشد نماند هنوز  
رفت آنچه بود و ماند فقط خاطرات تلخ  
عبرت نگیرد این دل بی خانمان هنوز  
اشکم تمام روی زمین را فرا گرفت  
با من به سخره می‌نگرد آسمان هنوز  
همخانه‌ی رقیب شد و دم همی‌زند  
از مهربانی آن بت نامهربان هنوز  
خارم به کف خلید و سر انگشت خون فشاند  
می‌خوآندم به باغ گل ارغوان هنوز  
ای عشق و آرزو نکشی دست از سرم  
از روزگار بس نبود امتحان هنوز؟

\*\*\*

## شاپور - پرویز

در تیر ماه ۱۳۴۶ ه. ش برای نخستین بار در مجله‌ی خوشه کلمات قصار شاپور چاپ شد، و نام شاپور را بر سر زبانها انداخت. کارها و کلمات قصار شاپور کاریکلماتور نام گرفت. گفتنی است که احمد شاملو این عنوان را برای اینچنین کارها پیشنهاد کرد. با تلفیق کاریکاتور و کلمات، که بعدها به عنوان نوع ادبی تازه پذیرفته شد. پرویز شاپور در کلمات اندک معانی بسیار می آورد. در حقیقت او با این کار - به قولی - قله‌ی استعداد خود را کشف کرده است. و در این کشف به فتح قله دست یافته است و لبخند خود را ارزانی کسانی کرده است که او را در قله می‌نگرند. پرویز در سال ۱۳۰۳ ه. ش در تهران متولد شد. پس از پایان بردن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق شد.

شاپور بازی با کلمات را از پشت میز نیمکت‌های دبیرستانی آغاز کرد. در سال ۱۳۳۷ ه. ش کارهای او جسته و گریخته در مطبوعات با نام مستعار چاپ شد. با کشیدن کاریکاتور شوخی‌های تازه‌ی نیشدار در آنها گنجانده شد.

اردشیر محمص، شاپور را به کشیدن کاریکاتور تشویق کرد. شاپور - به قول عمران - گاهی دوستان اداری خود را در طرح‌هایش آورده است.

شاپور در گالری زروان از کارهای خود نمایشگاهی ترتیب داد. در پاییز ۱۳۷۴ ه. ش نیز یک بار دیگر این کار را تکرار کرد. شاپور از مسابقه‌ی ملا نصرالدین ترکیه دیپلم افتخاری گرفت و به دنبال آن بسیاری از کارهای او در مطبوعات خارجی چاپ و منتشر شد.

هفته‌نامه‌ی گل آقا در تجلیل شاپور مراسمی برگزار کرد و لوح تقدیری نصیب پرویز گردید.

شاپور پسری با نام کامیار دارد، که همو دستی آشنا به قلم دارد و سالها پیش مجموعه شعری چاپ کرده‌است. شاپور در سنین جوانی با فروغ فرخزاد - شاعر معاصر - ازدواج کرد که بعدها به متارکه انجامید. هم اکنون از شاپور ۶ کتاب با نام کاریکلماتور چاپ و منتشر شده‌است.

پرویز شاپور در سحرگاه روز ۱۵ مرداد ماه سال ۱۳۷۸ ه. ش لبخند طنزگونه‌ی خود را به مرگ ارزانی داشت. از اوست:

(عاشق جغدی هستم که بر ویرانه‌ی آزادی اشک می‌ریزد)،  
(گرسنگی، پرنده را از پرواز سیر می‌کند)، (با تنهایی، رفع تنهایی می‌کنم)، (عاشق آدم دروغگویی هستم، که چشمان راستگویی، جبران دروغ‌گوییهایش را می‌کند)، (قطار زندگی برای زنده رسیدن به مقصد آخرت، مطمئن‌ترین وسیله‌است)، (بیداری در چشم مسافر خسته به خواب می‌رود)، (آرزو می‌کنم نگاه آسمانی شکارچی برای پرنده خطر جانی نداشته باشد)، (فقط پرواز می‌تواند از پرنده‌ی محبوس، رفع دلتنگی کند)، (مرگ، از زندگی سرچشمه می‌گیرد)، (سقوط، همسفر نامرئی پرواز است)، (عاشق بادی هستم که کمر خمیده‌ی درختی را راست می‌کند)، (وقتی با پیراهن‌گلداز از درخت عربان پاییزی بالا می‌روم، پرستوی مهاجر، فرار رسیدن اختلال حواس را بشارت می‌دهد)، (خورشید از تاریکی می‌ترسه و دریا از خشکسالی) و (ترس از تشنگی به دریا عظمت می‌بخشد).

\*\*\*



## گلشن کردستانی - سید محمود

سید محمود گلشن کردستانی از شاعران غزل سرای معاصر ، صاحب دو مجموعه شعر با نامهای گلبنگ و تندر در دی ماه سال ۱۳۷۱ ه. ش در مرز ۶۲ سالگی در دمندانه چشم از جهان فرو بست و به جمع خلوتیان خاک پیوست .

سید محمود در سال ۱۳۰۹ ه. ش در سنندج متولد شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان برد . سپس درجه لیسانس ادبیات را از دانشگاه شیراز گرفت .

پس از فراغ از تحصیل به خدمت آموزش و پرورش در آمد و سالها در شهرهای سقز ، همدان ، شیراز و تهران به تدریس پرداخت . تا در سال ۱۳۵۶ ه. ش بازنشست شد .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی عضو شورای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد . و در رادیو به کار و یرایش پرداخت .

سخن گلشن سبک عراقی است با رنگین خیالی های شیوه هندی و آراسته به صفا و سادگی . ستاره ی گمشده را از او در همین بخش با هم می خوانیم :

### ستاره ی گم شده ...

خزان عمر به سرسبزیم امان ندهد

رهی به شهر بهارم کسی نشان ندهد

چه گلشنم که گل آرزوی من نشکفت

ره شکفتن این غنچه ، باغبان ندهد

ستاره گم شده ی روزگار خویشتم

فروغ جلوه به این اختر ، آسمان ندهد

سپردن ره ملک عدم ز شهر وجود  
حقیقتی است که راهی به هر گمان ندهد  
به جز قلمزن خط صفا، خدا به کسی  
نشان فیض ازل، نام جاودان ندهد  
خوش آن که از در خلق آیم این دودم زیرا  
چو از در آید اجل، یک دمم امان ندهد  
نه جام باده، نه گیسوی یار در دستم  
مجال این دو، به من گردش زمان ندهد  
به مهر کوش شود گرم تا دمت «گلشن»  
زمانه، گوش به این شعر و داستان ندهد

\*\*\*

## گل گلاب - حسین

حسین گل گلاب شاعر ترانه سرا، در سال ۱۲۷۴ ه. ش در تهران زاده شد. در سهای دوره‌ی ابتدایی، مقدماتی و متوسطه‌ی قدیم را در مدرسه‌ی مخبر السلطنه‌ی هدایت به پایان برد و سپس وارد دارالفنون شد. پدرش ابوتراب خان مصورالملک، نقاش معروف آن زمان بود.

گل گلاب پس از فراغ از تحصیل معلم درس طبیعی شد. کار تدریس را ادامه داد. مدتی هم استاد گیاه‌شناسی دانشکده‌ی علوم و طب شد. کتابی نیز در این زمینه «گیاه‌شناسی» برای دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی تألیف کرد. استاد در سال ۱۳۴۵ ه. ش بازنشست گردید.

گل گلاب در تدوین و تهیه‌ی کتابهای درسی آن دوره سنگ تمام گذاشت و کتابهایی مانند:

جغرافیای دبیرستانی ۳ جلد، کتاب طبیعی ۹ جلد، گیاه‌شناسی و فرهنگ گیاهان دارویی، راهنمای گیاهی گیا، ترجمه‌ی منظوم اپرای کارمن و اپرای فاوست و ترجمه تاریخ اشکانیان را گردآوری، تألیف و ترجمه کرد.

گل گلاب به جز اینها که بر شمردیم در زمینه موسیقی و ترانه سازی نیز فعال بود. سرودها و ترانه‌های زیادی ساخته و پرداخته است که بعضی از آنها را خانم روح‌انگیز<sup>(۱)</sup> - خواننده‌ی معروف آن زمان - اجرا کرده است.

(۱) \* نام اصلی او بتول عباسی است اهل شیراز بوده است.

گفتنی است که سرود ای ایران که با صدای گیرای بنان<sup>(۲)</sup> اجرا شده است از سروده های اوست . خود در این باره می گوید : «روزی از خیابان هدایت می گذشتم در کنار خیابان یک سرباز آمریکایی را دیدم که بقالی را کتک می زد و کسی جرأت نزدیک شدن به او یا میانجیگری را نداشت . خیلی ناراحت شدم . به انجمن خالق می رفتم . بی اختیار دست به قلم بردم و سرود ای ایران را ساختم . که بعدها خالدی روی آن آهنگ گذاشت و بنان با صدای رسای خود آن را اجرا کرد» .

گفتنی است که پیش از بنان این سرود با صدای حسین سرشار<sup>(۳)</sup> ضبط و پخش شد . گفتنی است که سرود آذر آبادگان نیز از سروده های اوست .

گل گلاب زمانی هم عضو رسمی فرهنگستان اول و دوم ایران بود . حدود ۳۰۰ لغت و ترکیب از ساخته های اوست که در کتابهای درسی مدارس آن دوره به کار برده شده است .

گل گلاب در پایان عمر به فکر تدوین فرهنگنامه ی بیولوژی و گیاهان بود که در دوم آذر ماه سال ۱۳۶۳ هـ . ش برای همیشه چشم بر جهان فرو بست و به کنج خانه ی خلوتیان خاک پیوست .

اکنون یک بار دیگر سرود ای ایران او را ، این بار با صدای خود زیر لب زمزمه کنیم :

**سرود ای ایران ...**

ای ایران ، ای مرز پر گهر      ای خاکت سرچشمه ی هنر  
دور از تو اندیشه ی بدان      پاینده مانی تو جاودان

(۲) \* غلامحسین بنان در سال ۱۲۹۰ هـ ش متولد و در ۸ اسفند ماه ۱۳۶۲ هـ ش درگذشت .

(۳) \* حسین سرشار ، شاعر و هنرمند در ۲۵ فروردین ماه سال ۱۳۷۴ هـ . ش در تصادف اتومبیل جان خود را از دست داد . جنازه سر از حتما به دانشگاه تهران شناسنامه شد .

ای ... دشمن ار تو سنگ خاره‌ای من آهنم

جان من فدای خاکی پاکِ میهنم

مهر تو چون، شد پیشه‌ام دور از تو نیست اندیشه‌ام  
در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما پاینده باد خاک ایران ما

\*\*\*

سنگِ کوهت درّ و گوهر است خاکی دشتت بهتر از زراست  
مهرت از دل، کی برون کنم بر گوی مهر تو چون کنم

تا ... گردش جهان و دور آسمان به پاست

نور ایزدی همیشه رهنمای ماست

مهر تو چون شد پیشه‌ام دور از تو نیست اندیشه‌ام  
در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما پاینده باد خاک ایران ما

\*\*\*

ایران ای خرم بهشت من روشن از تو سرنوشت من  
گر آتش ببارد به پیکرم جز مهرت در دل نپرورم

\*\*\*

تا ... آب و خاک و مهر تو سرشته شد گلم

مهر اگر برون رود گلی شود دلم

مهر تو چون، شد پیشه‌ام دور از تو نیست اندیشه‌ام  
در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما پاینده باد خاک ایران ما

\*\*\*

## گنابادی - محمد پروین

محمد پروین گنابادی، محقق پر توان در سال ۱۲۸۲ ه. ش در کاخک گناباد، از شهرهای خراسان دیده بر جهان گشود. پس از پایان بردن تحصیلات ابتدایی و مقدماتی به معارف اسلامی، و ادبیات فارسی علاقه مند شد. سال ۱۲۹۷ ه. ش به مشهد رفت و به تحصیل ادامه داد. فلسفه و حکمت قدیم را از حاج فاضل و آقا بزرگ حکیم آموخت. سپس به معلمی روی آورد. از معلمی به استادی دانشگاه و سپس به ریاست دانشسرای عالی دختران مشهد رسید. تا در سال ۱۳۴۲ ه. ش بازنشست شد.

او در جوانی از طرف مردم سبزوار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. سپس به تهران آمد و تا پایان عمر در تهران ماندگار شد. به یاد بیاوریم آنکه گفت: «تهران گیل گیرا دارد».

گنابادی سالها با لغت‌نامه‌ی دهخدا همکاری کرد. مقاله‌های تحقیقی پر ارزش خود را در مجله‌های یغما، راهنمای کتاب، سخن، دانش، گوهر و به خصوص ماهنامه‌ی آموزش و پرورش چاپ و منتشر می‌کرد. بخشی از مقاله‌های استاد، با نام گزینه مقاله‌ها از طرف انتشارات فرانکلن چاپ و منتشر شد.

گنابادی مدتی هم با مجتبی‌ی مینوی در بنیاد فرهنگی مشغول کار گردید. استاد به میراث فرهنگی ایران سخت علاقه‌مند بود. اثر و آثار او عبارتند از:

شرح حال فردوسی و هفتخوان رستم، راهنمای مطالعه، اندیشه‌ها، فن مناظره، شیوه‌ی نگارش، مقدمه‌ی ابن خلدون، تصحیح کشف الاسرار در ۴ جلد با همکاری علی اصغر حکمت، تصحیح تاریخ

بلعمی، گزینہی مشترک یاقوت حموی و چاپ گزینہ .  
استاد گنابادی روز چهارشنبه اول شهریور ماه سال ۱۳۵۷ هـ. ش  
پس از پشت سر گذاشتن ۷۵ سال کوشش پر ثمر به سرای باقی  
شتافت و راه به دنیای خلوتیان خاک پیدا کرد .

### غزل ...

دمید سبزه ز دشت و شکوفه باران نیست .  
که در فضای بیابان ، هوای باران نیست .  
چه شعله‌ای است شناور به دامن این دشت ،  
که گل به گلبن و ، رنگی به سبزه‌زاران نیست .  
زمین ز خون شهیدان گرفته رنگ شفق .  
زالال زندگی اینجا به جویباران نیست .  
کدام سرو تناور به پا در این باغ است  
که همچو سبزه لگدکوب کامگاران نیست .  
ز سوز داغ دل باغبان چه می‌پرسی ؟  
شکوفه سوختگان را سر بهاران نیست .  
بسه داغ لاله از آن رو دلم نمی‌سوزد ؛  
که داغ دارد و ، از جمع سوگواران نیست .  
کجا به دامن خون خفته‌اند زنده دلان  
که غیر نام و نشانی از این سواران نیست .  
بسه وحشت شب بسی صبحدم گرفتاریم  
به یاد هیچ کس این شب به روزگاران نیست .  
نهفته هم نفسان سوگوار یکدگرند .  
ز بیم رخصت دیدار داغداران نیست .  
نمی‌رود ز دلم داغ ماتم یاران .  
که جز دلم دل دیگر به یاد یاران نیست .

## گوهرین - سیدصادق

سیدصادق گوهرین نویسنده‌ی معاصر در سال ۱۲۹۳ ه. ش متولد شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی وارد دانشسرای عالی شد. و به اخذ درجه لیسانس نایل آمد. آن گاه به نگارش و مقاله نویسی پرداخت.

او با نوشتن کتاب لغات مثنوی درجه‌ی دکترا گرفت. در دانشگاه تهران و شهید بهشتی به تدریس پرداخت. دیگر آثار او عبارتند از:

حجت‌الحق ابو علی سینا، پیر چنگی، فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی در ۹ جلد، تصحیح اسرارنامه عطار، تصحیح منطق‌الطیر و روایت شیخ صنعان.

استاد در آذر ماه سال ۱۳۷۴ ه. ش رخت به سرای باقی کشید.

\*\*\*



## لنکرانی - شریف

شریف لنکرانی را به عنوان مترجم خوب می‌شناسیم، ترجمه‌ی کتاب‌های:

اپرای سه پولی، صعود و سقوط شهر ماهاگونی، ارباب پونتیلا و برده‌اش ماتی، ننه دلاور، آدم آدم‌است و ترس و نکبت رایش سوم شاهد بر این گفته‌ی ماست.

شریف در سال ۱۳۱۰ ه. ش در تهران زاده شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشگاه عازم کشورهای اتریش و آلمان شد. پس از ۱۱ سال با دستی پر و مغزی پرتر، به ایران برگشت و دست به ترجمه‌ی آثار بزرگان ادب جهان به خصوص آثار برشت زد. در حقیقت از همان سالها همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد.

کتابهای:

عقاید یک دلقک از هاینریش بل، آبروی از دست رفته، کاترینابلوم، عکس دسته جمعی با خانم، وقتی برای زندگی، وقتی برای مرگ از جمله‌ی دیگر کارهای زیبای این مترجم تواناست. همچنین با نوشتن کتاب اقتصادی سال ۲۰۰۰ برای دانشگاه ارزش ادبی کارهای خود را مشخص تر کرد.

شریف لنکرانی در روز سوم بهمن ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش در لندن چشم از جهان فرو بست.

جای او خالی مباد



## مبشری - اسداله

دکتر اسداله مبشری از نویسندگان و مترجمان و حقوق دانان معروف ایران بود. او در سال ۱۲۹۸ ه. ش در تهران به جهان آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده حقوق شد. پس از فراغ از تحصیل به خدمت دادگستری در آمد. پس از آن بود که به سوربن فرانسه رفت و از دانشگاه آنجا دکترای حقوق گرفت. پس از فراغ از تحصیل به ایران آمد. در دولت دکتر محمد مصدق مدیر کل دادگستری شد.

مبشری بعد از انقلاب نیز مصدر کارهایی شد که از آن جمله است سرپرستی روزنامه کیهان و وکالت دادگستری. مبشری در این دوران به ترجمه و تألیف پرداخت که مهم ترین آنها عبارتند از:

حقوق بشر و فائوست اثر گوته ی آلمانی.

مبشری در زمینه ی شعر نیز طبع آزماییهای کرد که می توان مجموعه شعرهای:

منظومه شب، پرتگاه، نوا و یا علی را از آن مقوله نام برد.

او در ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش چشم از جهان بریست و به دیار باقی شتافت.

\*\*\*

## محجوب - محمدجعفر

دکتر محمدجعفر محجوب استاد و دانشور معروف فرهنگ ایرانی و ادبیات معاصر در ۲۷ بهمن ماه سال ۱۳۷۴ ه. ش به بیماری سرطان درگذشت.

محجوب در سال ۱۳۰۳ ه. ش در خانواده اهل فرهنگ و دانش چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تهران گذراند سپس به دانشکده حقوق راه یافت.

او در سال ۱۳۲۶ ه. ش در رشته علوم سیاسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. ۴ سال بعد وارد دانشکده‌ی ادبیات گردید. و دوره‌ی دکترارادر سال ۱۳۳۵ ه. ش به پایان برد. رساله‌ی دکترای او، درباره‌ی کلیله و دمنه، نام دارد. که این مجموعه از کارهای بسیار خوب دکتر محجوب به شمار می‌رود.

استاد محجوب در زمینه‌ی ادبیات کهن و فولکلور فعالیت چشمگیری داشت. که بسیاری از مقاله‌های او در مجله‌ی تماشای آن روزگار چاپ و منتشر می‌شد.

آثار چاپ شده‌ی او عبارتند از:

سبک خراسانی در شعر فارسی، درباره شاهنامه، آفرین فردوسی، و تصحیح دیوان قانئ، تصحیح ویس و رامین فخرالدین گرگانی، تصحیح فتوت نامه‌ی سلطانی واعظ کاشانی. تصحیح دیوان سروش و دیوان ایرج میرزا و طریق الحقایق نایب الصدر شیرازی. از ترجمه‌های او می‌توان به کتابهای:

خاطرات خانه‌ی مردگان از داستایوسکی، داستانهای دریای جنوب، یک سیرک، از خود گذشتگی زنان، و دخمه نشینان و مروارید از

جان اشتیان بک اشاره کرد .

محبوب از هنر شعر نیز بی بهره نبود . غزلی با نام باید و نیست  
را در همین بخش می آوریم و قضاوت را به عهده‌ی شما خواننده‌ی  
عزیز واگذار می‌کنیم :

### باید و نیست ...

رسید پیری و دل را قرار باید و نیست  
نمی‌رهایی‌ام از هجر یار باید و نیست  
مرا از آن لب گلرنگ و آن بنفشه‌ی زلف  
هزار خرمن گل ، در کنار باید و نیست  
به تیر غمزه دلم صید کرد و خونم ریخت  
کنون به کشته‌ی خویش گذار باید و نیست  
پس از گذشتن عمری به هجر ، دولت وصل  
ز شام تا به سحر پایدار باید و نیست  
دلم سیه شد از آن آسمان بخت مرا  
ستاره‌ای به شب انتظار باید و نیست  
پی برون شدن از هفت خوان غم دل من  
به پهلوانی اسفندیار باید و نیست  
ز سخت جانی خود آمدم به جان که مرا  
به تن خدنگ بلا جان شکار باید و نیست  
چنان شکست دل ، از زخم بی‌علاج زمان  
که مومیایی‌اش از نیش مار باید و نیست  
دم از فضیلت و دانش مزین که بخت تو را  
مدد ز کوکب طالع ، به کار باید و نیست

\*\*\*

ز شرح غصه فرو بند لب که محرم راز  
ز خیل یاران یک از هزار باید و نیست  
فسرده آتش غم باد، کز شراره‌ی آن  
سرود دلکش من، آبدار باید و نیست

\*\*\*



## محبوبی - منوچهر

منوچهر محبوبی طنز نویس پر کار، بیشتر نامش با مجله آهنگر بر سر زبانها افتاد. او حدود سال ۱۳۱۵ ه. ش دیده بر جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده‌ی ادبیات شد.

کارهای مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۵ ه. ش با طنز آغاز کرد.

منوچهر مدتی سردبیری مجله کاریکاتور را به عهده گرفت. در کنار آن با رادیو و تلویزیون نیز همکاری داشت. بسیاری از مطالب توفیق را هم خود می‌نوشت. در حقیقت محبوبی با توفیق، توفیق دیگری در طنز پیدا کرد. محبوبی علاوه بر اینها مترجم کم‌نظیری نیز بود. از کارهای چاپ شده‌ی او می‌توان به:

خانه‌ی نینو از جووانی گوارسکی، قدر یک لبخند و تاکمرگاه، درخت از یوستینف، اتوبیوگرافی لیفتو شینکو و حاجی فیروز اشاره کرد.

به جز اینها که بر شمردیم ستون غلطهای زیادی، در کیهان که بعدها به صورت کتابی جداگانه چاپ شد نیز از اوست.

محبوبی در سال ۱۳۶۸ ه. ش در مرز ۵۳ سالگی بر اثر بیماری سرطان در لندن درگذشت.

\*\*\*

## محزون - محمدعلی فخرالدین

محمدعلی فخرالدین شاعر غزل سرای آذری زبان، در سال ۱۲۷۸ ه. ش در آذربایجان متولد شد. در کوچکی پدر را از دست داد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی ترک تحصیل کرد. برای تأمین معاش به کارگری روی آورد. ابتدا در دکان آهنگری شاگردی می‌کرد بعد شغل عکاسی را برگزید.

محمدعلی در سال ۱۳۱۷ ه. ش به تبریز آمد. مغازه سمساری باز کرد. کارش نرفت. پنج سال بعد رحل اقامت در تهران افکند و تا آخر عمر عکاسباشی باقی ماند.

فخرالدین با همان سواد کم به شعر روی آورد. ابتدا شعر گونه‌های کوتاه می‌سرود. پس از مدتی غزلواره‌ها و بعد غزل جای آنها را گرفت.

فخرالدین که در شعر محزون تخلص می‌کرد. مجموعه شعرهای اولیه خود را با نام غزلر انتشار داد. پس از مدتی مجموعه‌ی شعر دیگری با نام هجران خسته‌سی چاپ و منتشر کرد. محزون در شعر پیرو فضولی و واحد بود. گفتنی است که محتوای غزلیات او به مصداق نامش ناله و ندبه‌ی عاشق هجران کشیده نیست. درد عشق او درد اجتماعی است. درد همه‌ی مردم ایران عزیزاست. در کنار آن، عشق به زادگاه خود، در شعر او تبلور خاصی دارد.

محزون در سال ۱۳۶۵ ه. ش رخت به سرای جاویدانی کشید و به دنیای خاموشان راه یافت.

اکنون به عنوان نمونه‌ی شعر او غزلی را با هم می‌خوانیم:

## غزل ...

قیزار میش لاله تک با غریم سنین داغ فراقیندا  
گزر مجنون اولان کونلوم گنجه - گوندوز سراغیندا  
گل ای هجرانيله حسرت گوزوم یولدا قویان دلبر  
گزک بیر یثرده ، گلزاری ، بهارین غنچه چاغیندا  
اوزون گولدور ، ساچین سنبل ، توتوب عطرین بودنیانی  
تا پیلما زهر گوزل سن تک جهانده حسن باغیندا  
امن لعل لبیندن خضرتک عمرائيله رعالمده  
خدا آب حیاتین خلق ائدیپ ، ناز یک دو داغیندا  
قیزیل گول اوسته دو شمیش بیر بنفشه ، من خیال ائتدیم  
بنفشه خالی من ای مه گور رکن گول یا ناغیندا  
تا پار هجراندا قان اولموش بوکونلوم در دینه چاره  
گور رسه گر نوزون جانان سنین وصلت اتاغیندا  
نولا بیر دسته گول یارب ، اولایدیم منده عالمده  
گزیدیم یارالینده ، یادوشونده یا بوخاغیندا  
داها دلشاد اولار محزون بوتون دنیا اول آزاد  
ئولنده انتظار اولماز آنا یوردون قوجاغیندا

\*\*\*



## محیط طباطبایی - محمد

محمد محیط طباطبایی زواره‌ای در سال ۱۲۸۱ ه. ش در روستای گزلا، از توابع زواره‌ی اصفهان پا به عرصه‌ی هستی نهاد. تحصیلات ابتدایی را در زواره، متوسطه را در اصفهان به پایان برد پس از آن به فراگیری زبان فرانسه پرداخت.

محمد به تشویق مادرش رشته‌ی پزشکی را انتخاب کرد. اما به سبب بروز جنگ جهانی درس را رها کرد. وقتی آرامش جایگزین جنگ شد او دوره‌ی رشته‌ی ادبی را در دارالفنون دنبال کرد. سپس به مدرسه عالی حقوق راه یافت. در سال ۱۳۰۵ ه. ش به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد و راهی خوزستان شد. بعد از چهار سال به تهران بازگشت. استاد دارالفنون، دانشگاه افسری و دانشسرای مقدماتی و سپس استاد دانشگاه تهران شد. پس از آن بود که به صورت جدی همکاری با مطبوعات را آغاز کرد و همکار رسمی روزنامه‌ی اطلاعات آن روزگاران شد.

محیط در کنار آن گرفتاریهای شغلی و مطبوعاتی مجله‌ای بانام محیط راه انداخت. پس از چندی سرپرست مجله موسیقی گردید و بعد مدیریت ماهنامه‌ی آموزش و پرورش به عهده‌ی او واگذار شد. بعد از آن بود که رای‌زنی فرهنگی ایران در دهلی را پذیرفت.

استاد پژوهشگر در کنگره‌ها و نشست‌های علمی - فرهنگی مقاله‌های ارزشمندی ارائه می‌داد. بدین ترتیب مورد توجه دانشمندان معاصر ایران و کشورهای همسایه گردید. به پاس این خدمات از دانشگاه بهشتی درجه‌ی دکترای افتخاری گرفت. و عضو رسمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی گردید.

محیط در سال ۱۳۳۸ ه. ش وقتی می‌خواست بازنشست شود، استاد دانشگاه تهران بود. پس از آن مسؤول برنامه‌های مرزهای دانش رادیو ایران گردید.

محیط از تبار دانشمندان کم‌مدرک پر سواد می‌تواند به حساب آید. از او حدود ۱۵۰۰ مقاله‌ی تحقیقی در زمینه‌های مختلف ادبی باقی است که از آن جمله‌اند :-

تاریخ اعزام محصل به اروپا، زندگی محمد زکریای رازی. دوران نادر، تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزده - بعد به صورت کتاب چاپ شد. - تاریخ تحلیل مطبوعات ایران و نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین. استاد با این سر و سودا روز چهارشنبه ۲۷ مرداد ماه سال ۱۳۷۱ ه. ش، پس از یک بیماری ناشی از پیری در تهران دعوت حق را لبیک گفت و به گرفتاران خاک پیوست.

بنا به وصیت خود، پیکر پاک استاد در محوطه‌ی برج طغرل، در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

در تشییع جنازه‌ی استاد رئیس‌جمهور و وزیر ارشاد اسلامی حضور داشتند و بدین ترتیب اقرار کردند که: مرگ چنین خواجه‌نه کاری است خرد.

\*\*\*

## محلاتی - ذبیح‌اله

شیخ ذبیح‌اله محلاتی صاحب ریاحین الشریعه در سال ۱۲۷۴ هـ ش متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی، مدتها در نجف اشرف و سامرا به تحصیل پرداخت و سپس به تهران آمد. به نویسندگی و تحقیق روی آورد.

کتابهای:

تاریخ سامرا در ۳ جلد، دایرةالمعارف ۶ جلد با نام ریاحین الشریعة، اختران تابناک و وقایع الایام از اوست.

استاد ذبیح‌اله در اسفند ماه سال ۱۳۶۴ هـ ش دارفانی را وداع گفت و به سلک خفتگان خاک پیوست.

\*\*\*



## مدرس رضوی - محمد تقی

محمد تقی مدرس رضوی را همه محقق بزرگ عصر حاضر می‌دانند. این پژوهشگر نستوه در سال ۱۲۷۰ ه. ش در مشهد دیده بر دنیا گشود.

تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه‌های زادگاه خود گذراند. سپس به دنیای شعر، تحقیق و ادبیات کشیده شد. تحصیلات خود را در فلسفه، منطق، شناخت طب و اصول پی‌گرفت و از محضر استادانی مانند حکیم آقا بزرگ، خاتم‌الحکما و محمد طاهر تنکابنی استفاده کرد.

مدرس با استاد فروزانفر هم‌کلاس بود. پس از کمال بخشیدن به معلومات خود در سال ۱۳۱۰ ه. ش مدرس و ناظم مدرسه‌ی سپهسالار تهران شد. و در دارالفنون نیز به تدریس پرداخت. پس از فوت پدر نیز به جای او، در منصب تدریس در آستان قدس رضوی نشست. در سال ۱۳۱۷ ه. ش دوباره به تهران آمد. مدیر، و مدرس دانشکده معقول و منقول گردید. در کنار این کارها دو سال نیز با علامه دهخدا در کار لغت‌نامه همکاری داشت.

آثار قلمی استاد اعم از تألیف، تصحیح و تحقیق، و ترجمه عبارتند از:

تاریخ رجال خراسان، تاریخ مشهد رضوی، احوال و آثار خواجه نصیر، رساله‌ای در علم عروض، المعجم، تصحیح دیوان سنایی، تاریخ بخارا، اساس الاقتباس، تنسوخ نامه‌ی ایلخانی، مجمل التواریخ، دیوان واعظ قزوینی، دیوان انوری، شرح ابیات مشکل دیوان انوری، ترجمه‌ی میزان‌الحکمه خارنی، شجره‌ی طیبه،

کارنامه‌ی بلخ، تعلیقات بر حدیقه، رساله‌ی آثار علوی، دیوان سید  
حسن غزنوی، بیست باب اسطرلاب، و مختصری در احوال  
محقق قوسی ...

استاد با این همه شور و شوق تحقیق و گرفتاریهای ادبی و علمی  
فرصتی برای مرگ پیدا نمی‌کرد تا در سال ۱۳۷۰ ه. ش در مرز ۹۵  
سالگی، این فرصت به دست آمد و استاد بزرگوار رخت به سرای  
باقی کشید و یاد و خاطره‌ی خود را با این همه اثر و آثار در فکر و  
ذهن مردم این آب و خاک باقی گذاشت.

روانش شاد و یادش مستدام باد

\*\*\*

## مدرسی - ابوالقاسم رحمانی خلیلی مازندرانی

آیت‌اله حاج شیخ ابوالقاسم رحمانی خلیلی مازندرانی در سال ۱۳۰۲ هـ. ش در خلیل محله‌ی بهشهر دیده بر جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی، به تحصیلات حوزه‌ای روی آورد. دوره مقدمات و سطوح را به پایان برد. در سال ۱۳۲۵ هـ. ش برای تکمیل معلومات راهی نجف اشرف شد. پس از پایان دوره تحصیلی به تدریس نشست.

شیخ ابوالقاسم پس از چهارده سال تدریس به زادگاه خود - خلیل محله - برگشت و حوزه‌ی علمیه آنجا را تأسیس کرد. سپس به تعلیم و تربیت طلاب پرداخت.

شیخ پس از مدتی عازم قم شد. برنامه‌های تعلیمی و تدریسی خود را همان جا پی گرفت. زهد و پارسایی شیخ زبانزد خاص و عام بود. از آثار او می‌توان:

شرحی بر تبصره‌ی علامه حلی، شرحی بر عروة الوثقی، تفسیر بر سوره‌ی شریفه‌ی حمد، رساله در مشتق، رساله در طلب و اراده، نامه‌ها و مکتوبات عرفانی، اسرار و اذکار و کتابی در نحو را نام برد. شیخ ابوالقاسم روز یک‌شنبه ۲۷ اسفند ماه سال ۱۳۷۴ هـ. ش در مرز ۷۴ سالگی به سرای باقی شتافت.

\*\*\*

## مدرس نراقی - علی

علی مدرس نراقی، نویسنده‌ی با ذوق، و صاحب دو اثر خوب در قصه‌نویسی با نام‌های دهکده و آزادی، و ارثیه، در سال ۱۳۲۰ ه. ش زاده شد.

علی پس از تحصیلات دبستان و دبیرستان به دانشگاه راه یافت و مهندس راه و ساختمان شد. سپس به چاه‌بهار رفت.

علی در کنار کار مهندسی، به نویسندگی علاقه‌مند شد. با شاعران و نویسندگان معاصر بیشتر حشر و نشر داشت. به جز اینها به هنر سینما نیز روی آورد. در فیلم آرامش در حضور دیگران نوشته دکتر ساعدی و ساخته‌ی ناصر تقوایی شرکت کرد.

بادهای مرموز، تبعید و آقای احمدی ناگهان دریافت سه قصه‌ی دیگر از کارهای چاپ شده‌ی مدرس نراقی است.

علی مدرس روز شنبه ۱۵ اسفند ماه سال ۱۳۶۰ ه. ش در مرز ۴۰ سالگی در اثر سکته‌ی قلبی، ناگاه درگذشت و دنیای زیبای هنرش را با خود زیر خاک برد.

اسماعیل خویی مرثیه‌ای به نشر به بهانه‌ی یادواره در سوک علی دارد.

\*\*\*

## مدنی - علی اکبر

دکتر علی اکبر مدنی روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه، پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و تا اخذ درجه دکترا پیش رفت. سپس به نویسندگی روی آورد. مدنی مدتی بخش ستون روزنامه‌ی کیهان را به شیوه‌ی مطلوب تهیه و تدوین می‌کرد که از شیوه‌نگارش بسیار خوب او حکایت داشت.

مدنی مدتی نیز با تهران اکونومیست همکاری داشت، در کنار کارهای مطبوعاتی مدیر عامل بانک پارس و بعد بانگ فرهنگیان نیز بوده است.

مدنی در سال ۱۳۶۴ ه. ش به جمع خاموشان پیوست.





## مردانی - محمدعلی

شاعر معاصر و حماسه سرای روزهای خون و آتش ، محمدعلی مردانی در ۱۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۸ ه. ش در مرز ۷۷ سالگی به عارضه‌ی سکته‌ی مغزی در بیمارستان ایران دار فانی را وداع گفت .

محمدعلی در سال ۱۳۰۱ ه. ش در خمین چشم بر جهان گشود . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان برد . سپس به اراک رفت . به تحصیل علوم قدیم و صرف و نحو پرداخت . مردانی از شاگردان محمد خزائلی بود .

مردانی شعر و شاعری را از همان دوران نوجوانی با مدّاحی و مرثیه سرایی آغاز کرد . مدّاح خاندان نبوت و امامت شد . او در سال ۱۳۳۱ ه. ش به تهران آمد ، چهار سال بعد انجمن مدّاحان را تأسیس کرد که بعدها با نام انجمن نغمه‌سرایان مذهبی شرق تهران معروف شد .

محمدعلی مردانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت شورای شعر و ادب ارشاد اسلامی واحد ادبیات حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی در آمد .

او در طول ۸ سال دفاع مقدس در کنار رزمندگان اسلام حضور داشت . در طول جنگ دچار عارضه‌ی سنگینی گوش شد . به دنبال آن سکته سراغ او آمد و در خانه بستری گردید .

از آثار او می‌توان به :

شکوه ایمان ، علی مظهر تقوی ، احتجاج بانوی بزرگ اسلام ، طلوع خورشیدها ، گلزار شهیدان ، نوای رزمندگان ، یوسف دل ، در مصر

نور، فروغ ایمان، لاله‌های جاویدان، هدیه‌ی صیام، مجموعه‌ی نور، جنگ جنگ ۲ جلد، آثار بهیگان، همراه کاروان، کاروان عاشورا، گل انتظار و ادبیات جنگ اشاره کرد.

پیکر شاعر عزیز از حسینیه ثار الله میدان ۷ تیر تشییع شد. اکنون به عنوان نمونه‌ی کار او، شعر مفتی عشق را با هم می‌خوانیم:

### مفتی عشق ...

جلوه‌ات در نظرم بود و نمی‌دانستم  
یاد تو همسفرم بود و نمی‌دانستم  
خال کنج لب‌ت ای قافیه پرداز وجود  
مردم چشم ترم بود و نمی‌دانستم  
تو گل گلشن ایجادی و نامت همه عمر  
ذکر شام و سحرم بود و نمی‌دانستم  
تا برم ره به سرچشمه‌ی نور از ظلمات  
باورت راهبرم بود و نمی‌دانستم  
در دل آتش و امواج حوادث همه جا  
عشق پاکت سپرم بود و نمی‌دانستم

\*\*\*

## مرعشی نجفی - سید شهاب‌الدین

آیت‌اله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی شب پنجشنبه ۸ شهریور ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش بر اثر سکته قلبی در ۹۶ سالگی دار فانی را وداع گفت و به دنیای جاودانگی شتافت. بنا به وصیت خود او پیکر پاکش در کتابخانه شخصی خود که عمری در آنجا گذرانده بود به خاک سپرده شد.

مرعشی در سال ۱۲۷۳ ه. ش در نجف اشرف متولد شد. در همان جا مقدمات علوم را فرا گرفت. سپس تفسیر را پیش استاد خلیل شیرازی و میرزا محمد علی رشتی و میرزا محمود شیرازی فرا گرفت. بعد به کاظمین سفر کرد. محضر آقا سید حسن صدر و شیخ مهدی خالصی را درک کرد. پس از بازگشت به نجف اشرف به تکمیل معلومات خود پرداخت و در مقام علمی رسید به جایی که باید می‌رسید. او در جوانی به مرحله اجتهاد رسیده بود.

مرعشی در سال ۱۳۰۰ ه. ش به تهران آمد. محضر آیت‌اله نجم‌آبادی و آیت‌اله نوری را دریافت بعد به قم رفت و در حوزه علمی قم به تدریس پرداخت.

چند کتاب به زبان عربی و در زمینه‌های فقه و اصول، حدیث و رجال و عرفان از آن استاد بزرگوار به جای مانده است.

\*\*\*

## مستعان - حسینقلی

مستعان داستان پرداز معروف ایرانی در سال ۱۲۸۳ ه. ش در تهران زاده شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی و دانش قدیم در هفده سالگی به داستان نویسی روی آورد. ابتدا با روزنامه‌ی اتحاد و ایران همکاری را آغاز کرد. سپس برای مجله‌های دیگر پاورقی می‌نوشت. مدت‌ها با امضای مستعار ح. م حمید با مجله مهرگان همکاری داشت. تا خود مجله‌ای بانام راهنمای زندگی راه‌انداخت. آثار چاپ شده‌ی مستعان را حدود صد جلد نوشته‌اند که معروفترین آنها عبارتند از:

آفت، رابعه، شهر آشوب، آتش به جان شمع فتد...، قصه‌ی انسانیت، بی‌عرضه، گناه مقدس، حماسه‌ی شوق، دلی در تندباد هوس، از شمع پرس قصه، آتش، بلای خوشکلی، لعبت، بی‌بی دل، قصه‌ی رسوایی، تصویر روح، نقطه‌های شراب، پله‌ی اول، که عشق آسان نمود اول، آلامد، همیشه اسیر، پسر ایران، خون‌خواه مرو، آزیتا، شیده، آفرین و شهرزاد...

گفتنی است که مستعان در ترجمه نیز ذوق آزمایی کرد که کتاب بینوایان هوگو را از این مقوله باید به حساب آورد.

مستعان با به‌گردن گرفتن این همه دروغ و راست که در قصه‌های خود آورده بود، در ۱۵ اسفند ماه سال ۱۳۶۱ ه. ش فوت کرد و در امام‌زاده عبدالله به خاک سپرده شد.

\*\*\*

## مسعودی - مجید

مجید مسعودی مترجم، گوینده و برنامه نویس رادیو B.B.C بود او در سال ۱۳۰۱ ه. ش در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و سپس متوسطه را در مدارس علمیه و دارالفنون به پایان برد. پس از جنگ جهانی دوم در وزارت دارایی و شرکت نفت به سمت مترجم مشغول خدمت شد.

او در سال ۱۳۳۶ ه. ش به لندن رفت. و پس از مدتی همکاری خود را با B.B.C لندن آغاز کرد.

مسعودی علاوه بر کار در رادیو چند کتاب به زبان فارسی ترجمه کرد که از آن جمله‌اند:

تاریخ انگلستان از آندره موروا، همیشه عنبر از ویندزور و از ترجمه بر حذر باش از اشتفان سوایک.

مسعودی در اواخر مهر ماه سال ۱۳۷۰ ه. ش در مرز ۷۰ سالگی در لندن بدرود زندگی گفت.

\*\*\*



## مشایخ فریدنی - محمد حسین

محمد حسین مشایخ فریدنی از ادیبان معاصر ایران در سال ۱۲۹۳ ه. ش در محله‌ی عودلاجان تهران - ناصر خسرو و پامنار فعلی - متولد شد.

تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس و بالاخره، دکترای خود را در تهران گذراند و بعد به استخدام اداره معارف در آمد. پس از مدتی به اصرار علی اصغر حکمت به وزارت خارجه منتقل شد. و به عنوان سفیر به کشورهای عربی، هند و پاکستان رفت و در این سفرها به گسترش زبان فارسی همت گماشت. در پاکستان کرسی زبان فارسی را در دانشگاه تأسیس کرد.

مشایخ را اقبال شناس معروف می‌دانند. نوای شاعر فردا را که در حقیقت روایت تازه‌ای از اسرار خودی و رموز بی خودی اقبال است مؤید این امر می‌دانند.

مشایخ در دانشگاه‌های پنجاب، پیساور و حیدرآباد به تدریس پرداخت و از دانشگاه لاهور پاکستان درجه‌ی دکترای افتخاری گرفت و استاد حقوق شناخته شد.

آثار دیگر او عبارتند از:

رساله‌ای درباره نظریات سیاسی علی (ع) و ترجمه‌ی شرح کتاب کبیر الآغانی و آفتاب در آینه که شامل هزار حدیث معتبر است.

مشایخ فریدنی در ۱۴ آذر ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش در مرز ۷۶ سالگی بر اثر سکته قلبی در کشتی تحقیقاتی راه آبی جاده ابریشم، در نزدیکی بمبئی، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

\*\*\*

## مشکور - محمدجواد

محمدجواد مشکور تاریخ نگار توانا به دنبال سگته مغزی در سال ۱۳۷۴ هـ ش دارفانی را وداع گفت. مشکور در سال ۱۲۹۷ هـ ش در تهران به جهان آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی و متوسطه به دانشگاه راه یافت و در رشته‌های ادبیات عرب، ادبیات فارسی و تعلیم و تربیت از دانشگاه تهران درجه لیسانس گرفت.

مشکور در سال ۱۳۳۲ هـ ش به فرانسه رفت و درجه‌ی دکترای خود را در رشته تاریخ اسلام از دانشگاه سوربن گرفت و به ایران بازگشت. و در دانشگاه تبریز به تدریس پرداخت پس از مدتی استاد دانشگاه تهران گردید.

او مدتی نیز رایزن فرهنگی ایران در دمشق بود. در همان زمان کرسی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه‌های دمشق و حلب دایر کرد و در همان زمان به عضویت فرهنگستان دمشق در آمد. پس از مدتی به ایران بازگشت استاد دانشگاه شد و سپس بازنشست گردید. مشکور مدتی هم با علامه دهخدا در لغت‌نامه کار کرد.

آثار قلمی او عبارتند از:

فرهنگ تطبیقی زبانهای عربی با زبانهای سامی و ایرانی ۲ جلد، تاریخ آذربایجان و تبریز ۲ جلد، اخبار سلاجقه‌ی روم، ترجمه‌ی فرق الشیعه‌ی نوبختی، تاریخ مذاهب الاسلام، تاریخ ایران در عهد باستان و تاریخ اجتماعی ایران در ۲ جلد.



## مصاحب - غلامحسین

اندیشمند بزرگ و محقق پرکار دکتر غلامحسین مصاحب، صاحب دایرةالمعارف بی نظیر در سال ۱۲۸۹ ه. ش در تهران زاده شد. پس از پایان تحصیلات خود در ایران به انگلستان، سپس به فرانسه رفت. در سال ۱۳۲۷ ه. ش پس از اخذ درجه دکترای ریاضی از دانشگاه کمبریج. از اعضای انجمن ریاضی در لندن و انجمن فلسفی کمبریج شد.

مصاحب پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۰۶ ه. ش در فرهنگ استخدام شد و مجله‌ای با نام ریاضیات علمی و مقدماتی راه انداخت. در کنار این کارها، گاهی به نوشتن کتابهای مفید علمی نیز می پرداخت که مهمترین آنها عبارتند از:

جبر و مقابله خیام، تاریخ ریاضیات تا زمان خیام، مدخل منطق صوری، حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر، مدخل آنالیز ریاضی، دوره تئوری مقدماتی اعداد و بالاخره دایرةالمعارف فارسی در سه جلد که فقط جلد اول آن زمان حیات او چاپ و منتشر شد و جلد دوم در ۱۳۵۹ ه. ش و جلد سوم در ۱۳۷۵ ه. ش چاپ و منتشر گردید.

مصاحب تا آخرین دم حیات استاد دانشگاه تربیت معلم بخش ریاضیات بود.

استاد در اواخر مهر ماه سال ۱۳۵۹ ه. ش به سکتی مغزی درگذشت.

یادش گرامی باد

\*\*\*



## مصدق - غلامحسین

دکتر غلامحسین مصدق پسر دکتر محمد مصدق در مرز ۸۴ سالگی در روز ۱۴ مرداد ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش پس از عمری خدمت در سلک طبابت به مردم این آب و خاک درگذشت.

مصدق در ۱۲۸۵ ه. ش در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به خارج رفت و پس از اخذ تخصص جراحی و مامایی در لوزان به ایران برگشت و استاد کرسی امراض زنان دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد.

دکتر غلامحسین در همه بحرانهای سیاسی در کنار پدرش بود. اما گفتنی است که او هیچ وقت خود را قاطی سیاست نکرد.

مصدق در آخرین سال عمر پر بارش کتابی زیر عنوان در کنار پدرم مصدق که در حقیقت خاطرات خود اوست نوشت و انتشار داد. این کتاب گوشه‌هایی دیگر از زندگی دکتر مصدق را به خوانندگان ارائه می‌دهد.

\*\*\*

## مصداق - حمید

اگر تو باز نگر دی

امید آمدنت را به گور خواهم برد.

پرسیدم این شعر از کیست؟ خبر در کلاس پیچیده بود: «آقا دیروز، شنبه حمید مصداق درگذشت، درباره‌ی او صحبت کنید!»  
گفتم: حمید مصداق از چهره‌های شناخته شده‌ی شعر معاصر ایران بود. در سال ۱۳۱۸ ه. ش در شهرستان شهرضا - قمشه - چشم به جهان گشود.

او پس از اتمام دوره‌ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد در رشته‌های حقوق و اقتصاد از دانشگاه تهران درجه‌ی فوق‌لیسانس گرفت.

او عضو هیأت علمی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی، و عضو کانون وکلا بود. بعد از انقلاب به صورت جدی به کارهای وکالت روی آورد. مصداق سردبیر نشریه‌ی کانون وکلان نیز بود.

مجموعه شعرهای درفش کاویان، دو منظومه، از جدایی‌ها و سالهای صبوری را چاپ و منتشر کرد.

شیر سرخ و تارهایی - گزیده‌ی اشعار - را یکی بعد از دیگری به بازار فرستاد.

کتاب دیگری نیز با نام مقدمه‌ای بر روش تحقیق از او چاپ شده است.

رباعیات مولوی، غزلهای سعدی و شکوه شعر شهریار از دیگر کارهای اوست.

مصدق روز شنبه ۷ آذر ماه سال ۱۳۷۷ هـ. ش در بیمارستان دی ،  
به سکتی قلبی درگذشت .

### جدایی ۹ ...

چه روزهایی خوب .  
که در من و تو گل آفتاب می روید .  
قلندرانه .  
- گریبان دریده تا دامن ،  
برآستانه‌ی حافظ ،  
- خراب می رفتیم .  
و چشمهای تو با من همیشه می گفتند :  
«رها شو از تن خاکی ،  
ز خیل خواب و خمودی ،  
مرا به خواب مبین  
بیا به خانه‌ی من ،  
- خوب من -  
به بیداری»

و با فسانه‌ی شیرین به خواب می رفتیم .  
و چشمهای سیاهت سکوت می آموخت .  
و چشمهای سیاهت همیشه می خواندم .  
به قدر ریگ بیابان دروغ می گویی .  
درون آن برهوت ،  
این من و تو «ما» مبهوت ،  
فریب خورده به سوی سراب می رفتیم .

\*\*\*

## مصطفوی - سیدجواد

دکتر سیدجواد مصطفوی استاد دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۰۱ ه. ش در خانواده روحانی در روستای طرق مشهد زاده شد. پس از پایان بردن تحصیلات ابتدایی و مکتبی به مشهد رفت. تحصیلات بعدی را در همان جا ادامه داد و در سال ۱۳۲۱ ه. ش به تهران آمد.

سیدجواد در تهران ضمن تدریس در مدرسه‌ی مروی به تحصیل ادامه داد، تا موفق به اخذ درجه‌ی دکترای گردید. باز به مشهد برگشت. تا آخر عمر در همان شهر به تدریس الهیات پرداخت. از کتابهای او می‌توان:

رابطه نهج البلاغه با قرآن، ابعاد گسترده‌ی اسلام، التطبیق بین السّفینه و البحار، مفتاح الوسایل، الکاشف، جنگ در نهج البلاغه و بهشت خانواده را نام برد.

استاد در روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش بر اثر بیماری کلیه، و به دنبال آن عارضه‌ی قلبی در مرز ۶۸ سالگی درگذشت و به سرای جاوید شتافت.

\*\*\*

## مطهری - سیاوش

سیاوش مطهری شاعر پزشک در سال ۱۳۲۱ ه. ش دیده بر جهان گشود. پس از پایان تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دوره‌ی دکترای پزشکی به خدمت مردم در آمد. اما هنر شاعری خود را در کنار پزشکی به کار گرفت و از آن معجونی ساخت که شعر مطهری نام دارد.

مطهری شعرهای خود را در دو مجموعه با نامهای چاپار و در این شرابسالی چاپ و منتشر کرد.

مطهری شاعری پزشک پیشه یا پزشکی شاعر مسلک در اوایل فروردین ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش در مرز ۴۸ سالگی درگذشت و ظاهراً از شمار دو چشم یک تن کم شد.

اکنون شب دعای سیاوش را در سوگش با هم می‌خوانیم:

### شب دعا ...

هزار شب به دعا رفت و آفتاب نشد.  
هزار بال شکست و قفس خراب نشد.  
چه استغاثه، که در دست، شاخه‌ها خشکید.  
چه التماس، که در کام مرک آب نشد.  
نشستگان همه خفتند و خفتگان مردند.  
چه لای لای گرانی که خرج خواب نشد.  
چه خیشها که شکست و چه بذرها خشکید.  
به شوره، سبز، درختی به جز سراب نشد.  
کتابهای دعا شرمشان ز خویش آمد،

ز بس دعا که هدر رفت و مستجاب نشد .  
ز دست شعر چه بس گریه در گلو کردیم ،  
چه خون دل - به دلِ شیشه - از شراب نشد .

\*\*\*



## مطهری - مرتضیٰ

استاد شهید مرتضیٰ مطهری متفکر بزرگ اسلام در سال ۱۲۹۸ ه. ش در قریه فریمان مشهد پا به عرصه‌ی هستی نهاد. همه قبیلہ‌ی او عالمان دین بودند.

مرتضی تحصیلات مقدماتی و علوم اسلامی را در مشهد گذراند و سپس به قم رفت. از محضر آیت‌اله بروجردی و امام خمینی و علامه طباطبایی علم و دانش خویش را تکمیل کرد. در سال ۱۳۳۱ ه. ش به تهران آمد. استاد دانشگاه تهران شد و به تدریس پرداخت. مطهری ضمن تدریس با کج رویها و انحرافات، سخت مبارزه می‌کرد و در نتیجه برای خود دشمنانی پیدا کرد.

در جریانات ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه. ش حضور فعال مطهری چشمگیر بود تا جایی که به زندان افتاد. پس از آزادی در فعالیتهای سیاسی امام خمینی (ره) خوش درخشید. پس از انقلاب سرپرستی شورای انقلاب اسلامی به او تفویض شد.

اثر و آثار به جای مانده از استاد آنچه که به چاپ رسیده‌اند عبارتند از:

### \* الف - در زمینه فلسفه:

اصول فلسفه و روش رئالیسم ۵ جلد، مقالات فلسفی، شرح مختصر منظومه ۲ جلد، شرح مبسوط منظومه ۲ جلد، نقدی بر مارکسیسم.

### \* ب - اعتقادی و کلامی:

عدل الهی، انسان و سرنوشت، علل گرایش به مادیگری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، امامت و رهبری، جهاد، اسلام و مقتضیات

زمان .

**\* ج - پیرامون سیره‌ی معصومین و اولیاء اله :**

داستان راستان ۲ جلد ، سیره‌ی نبوی ، جاذبه و دافعه علی (ع) ،  
سیری در نهج البلاغه ، حماسه‌ی حسینی ۳ جلد ، قیام و انقلاب  
مهدی (ع) .

**\* د - فرهنگ و تمدن اسلامی :**

خدمات متقابل اسلام و ایران، آشنایی با علوم اسلامی ، تماشاگاه راز ،  
آشنایی با قرآن ۳ جلد ، تعلیم و تربیت در اسلام .

**\* ر - گفتارها :**

ده گفتار ، بیست گفتار ، گفتارهای معنوی .

**\* ز - پیرامون مسایل زن :**

نظام حقوق زن در اسلام ، مسأله‌ی حجاب ، اخلاق جنسی .

**\* س - پیرامون نهضت اسلامی :**

نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر ، پیرامون انقلاب اسلامی ،  
پیرامون جمهوری اسلامی .

**\* ش - موضوع‌های دیگر :**

امدادهای غیبی در زندگی بشر ، شش مقاله ، حق و باطل ، تکامل  
اجتماعی انسان ، ربا ، فلسفه‌ی اخلاق .

استاد بزرگوار در اوج بهره‌دهی در ۱۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸  
ه. ش به دست یکی از افراد گروه فرقان به شهادت رسید .

امام رضوان الله علیه در رثای او سخنرانی مفصلی دارد که در  
یک کلام می‌فرماید : «مطهری حاصل عمر من بود» .

\*\*\*



## معروف - حبیب

مهندس حبیب معروف در سال ۱۳۱۲ ه. ش در تبریز زاده شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تهران آمد. وارد دانشگاه شد، در رشته مهندسی ادامه‌ی تحصیل داد. پس از فراغ از تحصیل که مهندسی راه و ساختمان بود به کار آزاد روی آورد. معروف شرکت بام رود را تأسیس کرد.

معروف در کنار کارهای پر در دسر مهندسی، دست به قلم برد و با مطبوعات به همکاری پرداخت. به خصوص به مجله‌ی نشر دانش ارادت خالصانه به هم رساند. به طوری که بنا به وصیت او، جنازه‌اش از برابر مرکز نشر دانشگاهی تشییع شد.

کتاب واژه‌نامه‌ی راه و ساختمان و معماری از کتابهای سودمندی است که مهندس حبیب تألیف کرده است.

مهندس مجله‌ی ماهانه‌ای با نام آگاهی‌نامه‌ی راه و ساختمان راه انداخت که فقط توانست شش شماره از آن را منتشر کند.

معروف در اسفند ماه سال ۱۳۷۳ ه. ش در مرز ۶۱ سالگی به سکنه‌ی قلبی درگذشت و دنیای ادبیات را بی مهندس گذاشت.

\*\*\*

## معصومی - جهانگیر

جهانگیر معصومی شاعری از خاک پاک خلخال است. بنا به گفته خود سال ۱۳۱۶ ه.ش در کیوی خلخال چشم به جهان گشوده است. هنوز کودک بود که مادر را از دست داد به دنبال آن پدر راهی دیاری بی بازگشت شد. او تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را هم آنجا تمام کرد سال ۱۳۳۷ ه.ش وارد دانشسرای مقدماتی تبریز شد. پس از فراغ از تحصیل به خدمت آموزش و پرورش در آمد و راهی زادگاه خود شد و در دبیرستان بوعلی سینا به تدریس پرداخت. معصومی سالها بعد به تهران آمد. وارد دانشگاه شد و شب و روز سرگرم تدریس و تهیه کتاب و جزوه برای دانش آموزان بود تا در سال ۱۳۷۱ ه.ش به سکنه مغزی درگذشت. و دنیای زیبای شعرش را به خاموشیان خاک سپرد.

معصومی شاعری با احساس، و دردمندی درد شناس بود. در دوره‌ی دانشسرا نخستین مجموعه شعر خود را با نام دو شاعر با دوستش عباس پور عبدل چاپ کرد و در سال ۱۳۴۴ ه.ش مجموعه شعر بازگشت را انتشار داد.

اکنون بخشی از نامه‌ی منظوم او را به عنوان نمونه کار او در همین بخش با هم می‌خوانیم، نامه خطاب به دوست فراموش کارش عباس پور عبدل است:

### نامه‌ای به دوست ...

در کجایی، با که‌ای، جان دلم؟ ای امیدم، ای صفای محفلم  
ای قرار خاطر افسرده‌ام وی فروغ شمع بزم مرده‌ام

از چه رو ترک عزیزان کرده‌ای؟  
حال شاعر را پریشان کرده‌ای؟  
بی تو «پورعبدل» همه روزم شب‌است  
شب همه کارم فغان و یارب‌است  
بی تو کارم شب همه، زاری بود  
خویشتن سوزی و بیداری بود  
بی تو جانان بیقرباری می‌کنم  
شب همه، شب زنده‌داری می‌کنم  
صبر بر هجر عزیزان مشکل‌است  
سنگ خارانیست آخر، این دل‌است  
قصه‌ی هجران حکایت می‌کنم  
از تو در پیشت شکایت می‌کنم  
کی تو با من بی‌وفا بودی چنین؟  
بی‌وفا با من کجا بردی چنین؟  
نال‌ام دیدی و رنجیدی زمن؟  
ای دریغ این‌گونه ببردی زمن؟  
شمع بزم دوستان بودیم ما  
دوستان را همچو جان بودیم ما  
در دلم زان جمله دردی مانده‌است  
داغ عشقی، آه سردی مانده‌است  
تا تو رفتی جمله رفتند از برم  
و نه نمی‌دانی چه آمد بر سرم  
هیچ‌کس با من وفاداری نکرد  
با من افتاده کس یاری نکرد

چون شده آن شوخی و شادابیت ؟  
آن ز عشق آشنا بی تابیت ؟  
محرم رازت کدامین آشناست ؟  
هیچ می دانی جهانگیرت کجاست ؟  
من در این سودا زیان آورده‌ام  
یک جهان غم ارمغان آورده‌ام  
گرچه بی رویت همه در آتشم  
با امید وصل باری دلخوشم  
چون شود با نامه‌ای یادم کنی ؟  
وعده‌ی وصلم دهی شلدم کنی  
تا به کی جانا غم دوری کشم ؟  
رنج مشتاقی و مهجوری کشم ؟  
حالا هستم ندانی کیستم  
یک زمان آیی که دیگر نیستم  
بهر سراغ وقت من آیی دمی  
مشت خاکی بینی و داغ غمی  
آرزو دارم کسه بـینم یک دمت  
وان گهی میرم به پیش مقدمت

\*\*\*

## منشی - محمود

محمود منشی شاعر، نویسنده و محقق در سال ۱۳۰۲ ه. ش در کاشان زاده شد.

پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به شعر و نویسندگی روی آورد. در انواع شعر، بیشتر در قصیده طبع آزمایی کرد. کتابهای:

سلام بر حسین و صادق آل محمد (ص) از کارهای خوب اوست که چاپ و منتشر شده‌اند.

منشی روز دو شنبه ۳۰ دی ماه سال ۱۳۶۴ ه. ش برای همیشه چشم از جهان فرو بست.

\*\*\*

## منصوری - ذبیح‌اله

ذبیح‌اله منصوری پرکارترین نویسنده عصر حاضر در سال ۱۲۷۶ ه. ش در سنندج متولد شد.

نام اصلی او ذبیح‌اله حکیم‌الهی رشتی بود. بعضی‌ها او را از رشت می‌دانند و تاریخ تولد او را ۱۲۸۸ ه. ش نوشته‌اند.

منصوری پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه آلیانس کردستان اسم نوشت و مشغول تحصیل شد. او از همان دوران به مطبوعات علاقه‌مند شد و دست به قلم برد و به مجله‌های آن روز مطلب ترجمه کرد و نوشت. یک بار هم همراه پدرش عازم فرانسه شد و زبان فرانسه را نیک آموخت و به ایران بازگشت.

منصوری در سال ۱۲۹۹ ه. ش روزنامه‌ی کوشش را راه‌انداخت. سپس به ترجمه‌ی آثار موریس مترلنیک علاقه‌مند شد، و بعد ترجمه‌های خود را به‌طور مرتب در اختیار مجله‌ی خواندنیها گذاشت.

این نویسنده‌ی پر آوازه و مترجم توانا حدود ۶۰ سال به‌طور مداوم قلم زد. کتابهایی در زمینه رمان پلیسی، رمان تاریخی و زندگی‌نامه تهیه و تدوین کرد. اثر و آثار او مقام پر فروش‌ترین کتابهای عصر حاضر را به دست آورد. گفته‌اند آثار قلمی او سر به ۱۴۰۰ عنوان کتاب می‌زند. اگر این رقم اغراق‌آمیز هم باشد کتابهای موجود او در تمام کتابفروشیها و فروش غیر قابل تصور آنها این مطلب را تأیید می‌کند.

منصوری با روزنامه‌های داد، ترقی، تهران‌مصور، روشنفکر و سپید و سیاه و به‌خصوص خواندنیها همکاری می‌کرد. همکاری او

را با مطبوعات همهی اهل فن در حد خوراک دادن به مطبوعات قبول دارند .

او روزی ۱۶ ساعت قلم می زد . به طوری که تهیه کاغذ ، قلم و جوهر برای او مشکلات جدیدی پدید آورده بود .

جوانان تازه به دوران رسیده و روشنفکران صاحب قلم مخالف ذبیح‌اله منصوری هستند . اهل فن و صاحب قلمان معاصر او را کم دقت‌ترین مترجم روز می دانند .

جماعت ناشر به دلیل پرفروش بودن کتابهای او منصوری را پیامبر نجات‌دهنده می دانند و پیران از دنیا بریده او را نابغه‌ی بی‌بدیل به حساب می آورند . اما او بی اعتنا به این قضاوتها فقط خودش بود . آرام راه می رفت . آرام حرف می زد و تند می نوشت .

برخی از کتابهای او عبارتند از :

خداوند علم و شمشیر ، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت ، عایشه بعد از پیامبر ، مغز متفکر جهان شیعه ، امام حسین و ایران ، آثار و احوال ملا صدرا ، خداوندالموت ، خواجه‌ی تاجدار ۲ جلد ، عارف دیهیم‌دار ۲ جلد ، سلیمان خان قانونی و شاه تهماسب ، شاه جنگ ایران در چالدران ، خاطرات چرچیل در ۷ جلد ، آثار کامل موریس مترلینگ ، خاطراتی از یک امپراتور ، نامه‌های روزولت به چرچیل و مردی بالای صلیب .

از دیگر آثار او می توان :

دنیای دیگر از موریس مترلینگ ، راز بزرگ از موریس .. ، زنبور عسل از موریس .. ، سقوط پاریس از ایلیا اهرنبورک ، سقوط فرانسه از وینستون چرچیل ، سه سال در ایران از کنت گوینو ، عجایب آمریکا از موریس دوکرا ، قهرمانان تمدن از ژوزف کاتلر ، کاشف

مانیه تیسیم از استفان زوایک ، مورچگان ، موریانه از موریس  
مترلینگ ، یک سال در میان ایرانیان از ادوارد براون ، اندیشه‌های  
یک مغز بزرگ از موریس و .... را نام برد و صدها اثر دیگر که ما به  
نام آنها نیز دسترسی پیدا نکردیم .

منصوری در ۱۹ خرداد ماه سال ۱۳۶۵ هـ . ش در مرز ۸۹ سالگی  
بر اثر نارسایی قلب درگذشت . مرگ او نیز چون زندگانش آرام و  
بی سروصدا بود . حتی مجلس ترحیمی هم برای او برگزار نشد .  
پس از مرگش مطالب زیادی درباره‌ی او نوشته و چاپ شد .

\*\*\*



## منظوری خامنه‌ای - عبدالکریم

عبدالکریم منظوری خامنه‌ای نویسنده‌ی صدیق ادبیات آذری در سال ۱۳۰۸ ه. ش در خامنه به جهان آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را همان‌جا به پایان برد و سپس به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد و به تربیت نونهالان این آب و خاک همت گماشت.

منظوری علاقه وافری به ادبیات مردمی پیدا کرد و فعالیت‌های مطبوعاتی خود را در این زمینه آغاز کرد. بسیاری از مطالب او در مجله‌های پیک و یول و واریق به چاپ رسید. در کنار آن کتاب‌های زیر را نیز چاپ و منتشر کرد:

تاپما جالار، مکالمات روزمره‌ی ترکی - فارسی، بهلول داننده ۲ جلد ترکی - فارسی، تهیه و تدوین اصلی و کرم، عباس و گولگز، محبت داستانلاری، سرگذشت مرد خسیس از آخوندزاده - ترجمه - منیم گؤورچینلریم از میرزا ابراهیم اوف - ترجمه - و قیزیل غنچه‌لر از انور محمد خانلو - ترجمه -.

عبدالکریم منظوری در سال ۱۳۷۵ ه. ش رخت از این جهان به سرای باقی کشید.

گفتنی است که منظوری از یاران صدیق و همکاران بی‌دریغ مجله واریق به حساب می‌آمد.

\*\*\*

## موسوی علوی خوانساری - سیدحسین

سیدحسین موسوی در سال ۱۲۷۸ ه. ش در خوانسار تولد یافت. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در زادگاهش گذراند و سطوح وسطی را در اصفهان خواند. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به نجف اشرف رفت. پس از پایان تحصیلات به خوانسار برگشت. آثار قلمی او عبارتند از:

دوره تقریرات اصول نائینی، صلوة مسافر، خارج کفایه تقریرات آخوند خراسانی و فقه مرحوم آقا سیدمحمد کاظم یزدی. آیت‌اله حاج سیدحسین موسوی علوی خوانساری در سال ۱۳۶۸ ه. ش پس از ۹۰ سال زندگی بدرود حیات گفت و به سرای جاوید شتافت.

\*\*\*

## موسوی آرنی - سید شهاب‌الدین

سید شهاب‌الدین موسوی آرنی غزل سرای معاصر در ۱۴ دی  
ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش در نقاب خاک کشید.

موسوی در سال ۱۳۰۴ ه. ش در آران چشم بر جهان گشود.  
پس از پایان تحصیلات ابتدایی به تهران آمد و سرپرست یکی از  
انجمن‌های ادبی شد.

این شاعر غزل سرا بعد از انقلاب سرپرست شعبه‌ای از انجمن  
بنیاد ۱۵ خرداد گردید. در عین حال یک کارگر ساده باقی ماند. تا  
رخت به سرای جاوید کشید.

\*\*\*



## مهدوی - سید مصلح الدین

سید مصلح الدین مهدوی پژوهشگر و تاریخ‌دان معاصر در سال ۱۲۹۴ ه. ش در اصفهان چشم بر جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی به حوزه‌ی علمیه راه یافت. پس از مدتی به تهران آمد و وارد دانشسرای عالی شد. به میراث فرهنگی و تمدن اسلامی علاقه‌مند گردید. مقاله‌هایی در همین زمینه نوشت و چاپ کرد. تألیفات او عبارتند از:

دانشمندان و بزرگان اصفهان، مزارات اصفهان یا تخت فولاد، زندگی‌نامه علامه محمدباقر مجلسی ۲ جلد، بیان المفاخر در باب حجة الاسلام شفتی ۲ جلد، شعرای معاصر اصفهان، اوضاع علمی - فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۳ جلد، تاریخچه‌ی شهر سامرا، زندگی‌نامه‌ی حضرتین عسکرین علیهما السلام، عطیه جواد در زندگانی و کلمات قصار امام نهم.

سید مصلح الدین در تیر ماه سال ۱۳۷۵ ه. ش رخت از این جهان خاکی به عالم بقا کشید.

\*\*\*

## میرعلایی - احمد

احمد میرعلایی مترجم توانا در سال ۱۳۲۱ هـ ش در اصفهان متولد شد. پس از اتمام تحصیلات دوره‌ی ابتدایی و متوسطه، به زبان انگلیسی علاقه‌مند شد. پس از فراغ از تحصیل به تدریس پرداخت. مدتی در دانشگاه کراچی و سپس در اصفهان مشغول کار شد.

میرعلایی به ترجمه روی آورد و از پرکارترین مترجمان عصر حاضر گردید. او در کنار مترجمی ویراستار چند مجله نیز بود. تهیه و تدوین کتاب امروز، فرهنگ و زندگی، آیندگان ادبی و جنگ اصفهان از کارهای اوست.

میرعلایی برای نخستین بار نام چند نویسنده خارجی به خصوص خورخه لوئیس بورخس را در ادبیات معاصر مطرح کرد. کارهای چاپ شده‌ی میرعلایی عبارتند از:

ویرانه‌های مدور، الف و داستانهای دیگر، هزارتوها، مرگ و پرگار، باغ گذرگاه‌های هزار پیچ از بورخس. سنگ و آفتاب، درباره‌ی ادبیات، کودکان آب و گل از اکتاویوپاز، کلاه کلمنتس از میلان کوندر، از چشم غربی از کنراد، شیاطین از وایتینگ، طوق طلا و ... از تی. ام فاستر، عرفان مولوی از عبدالحکیم خلیفه، خدای عقرب از ویلیام گلدینگ، ژان پل سارتر از پی یرهانری، کنسول افتخاری و عامل انسانی از گراهام گرین، هند تمدن مجروح از ناپیل. در پایان گفتنی است که احمد میرعلایی از چهره‌های خلاق در ادبیات معاصر بود.

میرعلایی در دوم آبان ماه سال ۱۳۷۴ هـ. ش در مرز ۵۳ سالگی در اصفهان رخت به سرای دیگر کشید.

## ناتل خانلری - پرویز

پرویز ناتل خانلری، ادیب پژوهنده، نویسنده‌ی خوش قلم و شاعر معاصر در سال ۱۲۹۲ ه. ش در تهران زاده شد. در سہای مقدماتی را پیش پدر خود خواند. متوسطه را در مدرسہ‌های دارالفنون و سن لویی به پایان برد. سپس وارد دانشگاه شد. پس از اخذ درجہی لیسانس به خدمت آموزش و پرورش در آمد و راهی رشت شد. در همین دوران تحصیلات خود را ادامه داد و درجہی دکترای ادبیات فارسی گرفت و سپس به پاریس رفت. خانلری در دانشگاه سوربن، در رشته‌ی زبان شناسی و زیبایی شناسی ادامه‌ی تحصیل داد. پس از اتمام آن دوره به ایران بازگشت و استاد دانشگاه شد.

پرویز در کنار کار دولتی دست به قلم برد. در سال ۱۳۲۲ ه. ش مجله‌ی سخن را پی ریخت. که از کارهای به یاد ماندنی او می‌تواند به حساب آید.

خانلری اگر چه مرد سیاست نبود، اما زمانی نماینده‌ی مجلس سنا شد. سپس معاونت وزارت کشور را پذیرفت و حتی تا مقام وزارت آموزش و پرورش هم پیش رفت.

خانلری بنیاد فرهنگ ایران را پی ریخت. تعدادی از کتابهای مفید ادب فارسی را با بودجہی آن چاپ و منتشر کرد که تعداد آنها سر به ۳۵۰ جلد می‌زند.

از همه‌ی اینها بالاتر پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران را به وجود آورد و دانشجویان رده‌های بالا را سوی خود جلب کرد. یا بهتر بگوییم به دست آنها قلم داد.

راه‌انداختن پیکار با بیسوادی و سپاهی دانش و چند طرح دیگر از ابتکارهای او می‌تواند محسوب شود.

خانلری اگر چه شاعری نو باور بود، اما به حیطة ادبیات معاصر و شعر نو نتوانست وارد شود. چند شعر نو - بی‌توجه به معیارهای درست آن - سرود و سپس به دنیای ادبیات کهن برگشت. نظرهای جدید در دستور زبان فارسی ارائه داد که خیلی سودمند افتاد.

آثار چاپ شده‌ی استاد عبارتند از:

روان‌شناسی، تحقیق انتقادی در عروض فارسی، زبان‌شناسی و زبان فارسی، ماه‌در مرداب (شعر)، وزن شعر فارسی، تاریخ زبان ۵ جلد، شعر و هنر، فرهنگ و اجتماع، سمک عیار (تصحیح) ۵ جلد، دختر سروان (ترجمه)، تریستان و ایزوت از ژرف بدیه (ترجمه)، هفتاد سخن، مجموعه‌ی سرمقاله‌های مجله‌ی سخن، نشر معاصر ایران، چند نامه به شاعری جوان از ریلکه (ترجمه)، شاهکارهای هنر ایران از آرتور پوپ (ترجمه)، مخارج حروف ابن سینا، یوسف و زلیخا (تصحیح)، دیوان حافظ (تصحیح)، رستم و سهراب (تصحیح و حاشیه)، سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی (تصحیح و تحشیه)، درباره‌ی زبان فارسی، داستانهای بید پای هندی، دستور زبان فارسی، و یک دوره کتاب درسی ادبیات برای دبیرستان و همه‌ی این کتابها زیر عنوان مجموع آثار در ۳۰ جلد چاپ و منتشر شده‌اند.

گفتنی است مجتبی مینوی، صادق هدایت و ناتل خانلری سه یار دبستانی بودند با فکرهای جداگانه.

ناتل خانلری با این سروسودا و شور نوشتن و چاپ کردن، روز

پنجشنبه اول شهریور ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش، در حالی که می‌گفت:  
«دو هزار و پانصد سال دیگر زنده خواهم ماند» در بیمارستان آبان با  
کمال نارضایی جان به جان آفرین تسلیم کرد.  
اکنون شعر «می‌رود» او را در این بخش با هم می‌خوانیم:

### می‌رود...

هر چه با خود داشتم از من گریزان می‌رود.  
راحت دل می‌رود، دل می‌رود، جان می‌رود.  
بامدادان خوشدلی بار سفر بر بست و رفت.  
اینک امید از پیش زار و پریشان می‌رود.  
بام و روزن راست‌گویی پر گرفت از شوقِ راه،  
کوی و برزن می‌خزد بر خاک و پیچان می‌رود.  
باد را گویی سرود از دور می‌آید به گوش.  
زار می‌خواند به ره، کاین می‌رود کان می‌رود.  
می‌روم کز همد می‌پرسم نشان، اندر غمم،  
سایه پیشاپیش من، افتان و خیزان می‌رود.  
هر چه گرد خویش می‌بینم وفاداری نماند.  
ای شب غم پایدار اکنون که جانان می‌رود.

\*\*\*



## ناصر اصفهانی - محمدعلی

محمدعلی ناصر اصفهانی بنا به نوشته خود در سال ۱۳۱۶ ه. ق برابر با ۱۲۷۴ ه. ش در تهران متولد شد. دوره‌ی دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند. سپس به ادبیات اعم از نقد شعر، عروض، قافیه، صرف، نحو، منطق و فلسفه و حکمت عملی و علم اجتماع روی آورد.

ناصر از همه اینها بالاتر شعر را پذیرا شد و شروع به گفتن شعر در قالب غزل کرد.

در تهران انجمن ادبی ایران را پی ریخت. در برنامه‌های انجمن، تدریس استادان را به اهل فن و هواخواهان شعر جا انداخت. خود بخشی از آن کار را به عهده گرفت. و در حقیقت کلاس شعر و شاعری راه انداخت و بسیاری از شاعران نو پرداز و غزل سرا را تربیت کرد.

محمدعلی در کنار این فعالیتها کتابهایی نیز نوشت و تصحیح کرد که عبارتند از:

سیره‌ی جلال‌الدین، اشعار فکاهی انتقادی، شرح حال خاقانی و صاحب بن عباد، شرح بوستان، زندگانی صلاح‌الدین ایوبی و دیوان اشعار.

ناصر در سحرگاه سه‌شنبه ۱۸ شهریور ماه سال ۱۳۶۵ ه. ش به خاموشیان زمین پیوست. و پیکر پاکش در امام‌زاده عین‌اله به خاک سپرده شد.

اکنون شعری از او با نام «غلط» با هم می‌خوانیم:

## غلط ...

فکرت دنیا غلط ، اندیشه‌ی ، عقبی غلط .  
کار ما بیچارگان ، اینجا غلط ، آنجا غلط .  
دل به صورت بستن از معنی تغافل جستن است .  
عشقبازی زین سبب با صورت زیبا غلط .  
دشمنی هر چند با کس شیوه‌ی احرار نیست .  
دوستی هم با منافق مردم دنیا غلط .  
هر دو تن از معنی دین چون که دور افتاده‌اند ،  
بر سر لفظ است جنگ مسلم و ترسا غلط .  
شد معذب از خطای بوالبشر نوع بشر ،  
جرم فرزندان چه باشد چون کند بابا غلط .  
گر چه باشد آب و رنگ و نقش گیتی دلفریب ،  
بشنو از ناصح که این نقش است سر تا پا غلط .

\* \* \*

## ناصح - ناطق

ناصح ناطق یا ناطق ناصح مترجمی توانا و نویسنده‌ای هوشیار بود.

ناصح را از وقتی می‌شناسیم که قلم به دست گرفته‌است و از طرفی نیز مهندسی کارآزموده‌است. از آثار او می‌توانیم:

بحثی درباره‌ی زندگی مانی و پیام او، مستوفی و آذربایجان، آذربایجان و وحدت ملی، شاهزاده خانم بابل ترجمه از ولتر، سفرنامه‌ی اسکارمان تادو، جنایت و ستر نوبار، زانو دکلن و آدمک حصیری، دختر کلماتین و ترجمه‌ی بخشی از دایرةالمعارف معتبر تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر.

ناصح در نوشته‌های خود، دیدی متفاوت به قومیت خود دارد. مهندس در آخرین روزهای مهر ماه سال ۱۳۶۴ ه. ش سر در نقاب خاک کشید.

\*\*\*

## نجاتی - محمدعلی

محمدعلی نجاتی شاعر و مترجم پیر معاصر در نیمه اول آذر ماه سال ۱۳۷۳ ه. ش در مرز ۹۲ سالگی در تهران درگذشت .  
او در سال ۱۲۸۱ ه. ش زاده شد . پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به شعر علاقه‌مند گردید و به انجمنهای ادبی راه یافت . عضو اصلی انجمن ادبی نظامی شد .  
مدتی مجله‌ی ارمغان را اداره کرد . سپس به خدمت ارتش در آمد . و سردبیر مجله‌ی ژاندارمری شد . ترجمه کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور اثر شرفشاه از عربی به فارسی از کارهای اوست .

\*\*\*

## نجفی کاشانی - شیخ علی

حاج شیخ علی آقا نجفی در سال ۱۳۰۰ هـ. ش در محله‌ی  
محتشم کاشان به دنیا آمد.

پس از آموختن دروس مقدماتی به نجف اشرف رفت. پس از ده  
سال تحصیل به درجه‌ی اجتهاد رسید و به ایران بازگشت. در قم  
مشغول تدریس شد. پس از مدتی به کاشان رفت و در همان جا  
مدرّس و امام جماعت شد.

نجفی در فقه، اصول، علم رجال، کلام و ادبیات و تفسیر متبحر  
بود.

از آثار قلمی او می‌توان:

برداشتی از نماز، پیرامون شراب، لنگرهای زمین، زمان چیست و  
چگونه می‌گذرد، سرانجام کافر، اشتباه عمدی و افسانه‌ها در ۳ جلد  
را نام برد.

آیت‌اله نجفی روز پنجشنبه ۲۳ مرداد ماه سال ۱۳۶۵ هـ. ش از  
دارفانی به دار بقا منتقل گردید.

\*\*\*

## نراقی - حسن

حسن نراقی در سال ۱۲۷۳ ه. ش در کاشان متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی و مقدماتی و علوم جدید و زبان فرانسه در کاشان و تهران به مبارزان انقلاب مشروطیت پیوست. و برای نشر افکار آزادیخواهی خود و دوستان خود به نوشتن روی آورد.

تاریخ اجتماعی کاشان، خاندان غفاری کاشان، کاشان در جنبش مشروطه‌ی ایران و آثار تاریخی شهرستان کاشان و نظنر از کارهای بسیار زیبای او در شناخت زادگاه خود کاشان است.

در کنار این کارها، کتاب‌های: نخبه‌البیان، قره‌العیون، اللمعة الالهية و الکلمات الوجيزة و مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی (تصحیح) را نیز چاپ و منتشر کرده‌است.

حسن نراقی پدر دکتر احسان نراقی - جامعه‌شناس معاصر - است. حسن نراقی یکشنبه ۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش در مرز ۹۵ سالگی چشم از جهان فرو بست.

\*\*\*

## نصر - تقی

تقی نصر استاد اقتصاد و نویسنده‌ی معاصر در تابستان سال ۱۳۶۴ ه. ش به بیماری ذات‌الریه در آمریکا درگذشت.  
سید تقی نصر در سال ۱۲۸۴ ه. ش زاده شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به ریاضیات و تاریخ روی آورد. کتاب ایران در برخورد با استعمارگران از اوست.  
تقی نصر به مقاماتی از جمله وزارت هم رسید.

\*\*\*



## نعمتی - محمدرضا

محمدرضا نعمتی حدود سال ۱۳۱۰ ه. ش در بوشهر زاده شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان شهر به استخدام آموزش و پرورش در آمد.

نعمتی از نخستین شاعرانی است که در جنوب به شعر نیمایی روی آورد.

مجموعه شعری از او با نام «پس از سکوت»، سالها پیش چاپ و منتشر شده است.

دو مجموعه دیگر با نامهای «قصه‌های دل‌بستگی» و «صداهایی در باران» آماده چاپ است.

شاعر عزیز جنوب در اسفند ماه سال ۱۳۶۷ ه. ش در بوشهر بدرود زندگی گفت. و جای خالی دیگری در ادبیات معاصر ایران باقی گذاشت.

\*\*\*



## نعلبندیان - عباس

عباس نعلبندیان نویسنده‌ی هنرمند، در سال ۱۳۲۶ ه. ش در تهران زاده شد. تحصیلات خود را در دبستان ادیب و دبیرستان حکیم نظامی تهران به پایان برد. سپس در دهه‌ی روزنامه‌فروشی پدر مشغول کار شد.

عباس طبعاً به مطبوعات علاقه‌مند شد. در ۲۱ سالگی نخستین نمایشنامه‌ی خود را روی صحنه برد.

در سال ۱۳۴۸ ه. ش به عنوان نویسنده، مدیر و عضو شورا در کارگاه نمایش مشغول کار شد. در کارنامه زندگی او اثر و آثار حدود ۵۰ نمایش‌نامه آشکارا رقم خورده‌است.

عباس در سال ۱۳۵۷ ه. ش به زندان افتاد و در کارگاه نمایش بسته شد.

پس از آزادی مدتی سرگردان و بلا تکلیف ماند تا دوشنبه اول خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش خودکشی کرد و به بلا تکلیفی خود خاتمه داد. خدایش بیامرزاد. مهم‌ترین کارهای او عبارتند از:

از هفت تانه ونیم، ص. ص. م. از مرگ تا مرگ، وصال در وادی هفتم، پژوهشی ژرف و سترگ... و اگر فاست یه کم معرفت به خرج داده بود.

\*\*\*

## نورانی وصال - عبدالوهاب

عبدالوهاب نورانی وصال استاد دانشگاه تربیت مدرس ، ادیب و شاعر روز جمعه ۲۳ دی ماه سال ۱۳۷۳ هـ. ش پای به سرای باقی گذاشت .

نورانی وصال از باز ماندگان خاندان وصال شیرازی بود . او در سال ۱۳۰۲ هـ. ش در شیراز زاده شد . تحصیلات مقدماتی را پیش پدر خود میرزا علی روحانی خواند و در سال ۱۳۲۱ هـ. ش به تهران آمد . وارد دانشگاه شد . پس از فراغ از تحصیل به تدریس پرداخت . نورانی وصال ضمن تدریس دوره‌ی دکترا را به پایان برد و دانشیار دانشگاه شیراز گردید . سپس مدیریت گروه ادبیات فارسی همان دانشگاه را به عهده گرفت . تصحیح مصیبت‌نامه عطار و هزار مزار در شرح مشاهد شیراز از عیسی بن جنید ، تصحیح فراید السلوک از شمس‌الدین سبحانی ، تصحیح دیوان داوری و تصحیح دیوان حافظ از کارهای قلمی او به شمار می‌رود .

دکتر نورانی وصال شعر نیک می‌سرود و شعرش آکنده از احساس و اندیشه‌های نو است . نورانی تا آخر عمر مجرد زیست . شاید این نوع زندگی تأثیری بر شعر و شاعری او و در نهایت به دید او در زندگی گذاشته باشد . اکنون غزلی از او به عنوان نمونه‌ی کار او با هم می‌خوانیم :

غزل ...

دلربایی تا به پایش جان و دل ریزیم ، نیست .  
آتش از برق نگاهش در دل انگیزیم ، نیست .

گرچه ما را غنچه مقصود هرگز وانشد،  
همتی، تا چون نسیم از جای برخیزیم نیست.  
نیست شمعی ورنه چون پروانه در سودای او،  
هرگز این اندیشه تا از شعله پرهیزیم نیست.  
پای رفتن نیست ما را تا پردازیم جای،  
دست شوقی، تا به دامانی در آویزیم نیست.  
مرگ بهتر گر فروغی در سپهر دل نتافت،  
چون نباشد، گل هراس از باد پاییزیم نیست.  
روز دمسردی فراز آمد، چو شمع سوخته.  
آه آشناک و، اشکی تابه رخ ریزیم نیست.  
گرنباشد نغمه‌ی مرغی، چمن ماتم سراسر است.  
وای از این ماتمسرا، پایی که بگریزیم نیست.  
گرچه ما را نیست از دیدار مردم چاره‌ای،  
رغبتی در دل، که با اینان درآمیزیم نیست.

\*\*\*

## نیستانی - منوچهر

منوچهر نیستانی، شاعر معاصر در سال ۱۳۱۵ ه. ش در کرمان به جهان آمد، پس از گذراندن دوران تحصیلی ابتدایی و دبیرستان به تهران آمد. وارد دانشگاه شد. پس از فراغت از تحصیل به خدمت آموزش و پرورش در آمد.

منوچهر از همان دوران دانشگاه شروع به شعر گفتن کرد. شعرهای تند سیاسی او در توفیق و چلنگر چاپ می شد. او در سال ۱۳۵۶ ه. ش باز نشست گردید. پس از آن دیگر فعالیت‌های مطبوعاتی او کم شد. گاه گاهی شعرهایی از او در مجله‌های آن روز به چشم می خورد.

از کتابهای شعر او:

جوانه، خراب، گل او مد بهار او مد و دیروز خط فاصله.

و از کتابهای او در ترجمه و تصحیح می توان:

روان شناسی و دشواریهای تربیتی نوشته نیناردنور و خارستان اثر قاسمی کرمانی را نام برد.

شاعر صبح پنجشنبه ۲۷ اسفند ماه سال ۱۳۶۰ ه. ش به سکت قلبی درگذشت، و عید را بر دوستانش عزا کرد.

اکنون شعر «در این ازدحام» او را با هم می خوانیم:

**در این ازدحام ...**

ز ما، دو خاطره‌ی بی دوام می ماند

ز می، نه حال، که دردی تمام می ماند.

چه سالها که زمین بی من و تو خواهدگشت

که صید می رهد از دام، و دام می ماند.

از این تردد دایم که در نظر جاری است  
کدام منظره‌ای مستدام می ماند .  
خطوط منکسری باشتاب می گذرد  
بر این صحیفه ، که گفت از تو نام می ماند .  
چو سایه وار ، سواران در آستان غروب  
چه نقشی ؟ از که ؟ در این ازدحام می ماند .  
چه باغها به گذرها پر از شکوفه‌ی سیب  
چه عطرها که تو را در مشام می ماند .  
ستاره‌ها و سحرها و صخره‌ها و سفر  
چه خوب ، زین همه برجا کدام می ماند .  
به جز به چهره‌ی ما خفتگان که رو در روی  
چه جای پایی ازین صبح و شام می ماند .  
مسافران ز عطش دسته دسته می میرند  
و چشمه حیوان در ظلام می ماند .  
تمام گفتمی و گفتیم و گفتمی بنماند  
ولی از آن همه این یک کلام می نماید .  
دریغ از آن که درین بوته سوختیم دریغ  
ولی چو نقره‌ی خالص که خام می ماند ؟  
اگرچه دیر نشستیم و قصه‌ها رانندیم  
هنوز قصه‌ی ما ناتمام می ماند .

\*\*\*

## واقف - جمشید

جمشید واقف، شاعری از سرزمین آذربایجان بود. او در سال ۱۳۱۶ هـ. ش در خوی دیده به دنیا باز کرد. تحصیلات مقدماتی، ابتدایی و متوسطه را در خوی به پایان برد. سپس وارد دانشسرای مقدماتی تبریز شد. پس از فراغ از تحصیل به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد و راهی زادگاه خود شد. پس از مدتی خدمت، به تبریز برگشت. وارد دانشگاه شد و درجه‌ی لیسانس گرفت.

واقف شاعری با احساس و پر عاطفه، نخست شعر را با غزل آغاز کرد. سپس به شعر نوری آورد. احساس‌های رقیق شاعرانه‌ی او را در غزل‌های ترکی و فارسی می‌توانیم دریابیم. نخستین کتاب شعر او «رقص یاد» نام دارد. کتابهای بعدی او: غریب، نامه‌های عاشقانه یک شاعر، بر دروازه‌های فردا و از تهی سرشار یکی پس از دیگری چاپ و منتشر شد. کتابهای آماده‌ی چاپ او از آوازه‌های ممنوع، تذکره‌ی شعرای معاصر آذربایجان و بیراهه بود. که تا امروز چاپ نشده‌اند.

واقف از ارادتمندان شهریار بود. سالها با او حشر و نشر داشت. در حقیقت شهریار در شعر مشوق او بود.

واقف در سال ۱۳۶۶ هـ. ش در مرز پنجاه سالگی بی‌هیچ عارضه‌ای چشم از جهان فرو بست.

اکنون دو غزل (ترکی و فارسی) از شعرهای او را در همین

بخش با هم می‌خوانیم:

### غزل ...

آچیبیدیر برقعی، تِئل - تِئل تۆکوب زلف پریشانی  
ائدیبدیر، ماهی ده، اومه جبین گؤرنه گل افشانی  
گؤزون خمخانه دیر، مدهوش ائدیب، حافظ کیمی رندی  
اوسوزگون گؤزلرین، مجذوب ائدیب دیر، اهل ایمانی  
سنینده قامتین بیرگون، کمان تک قاتلانا سؤزیوخ  
غنیمت بیل بئله حسنی، غنیمت سای بودورانی  
کتاب حسنون دیباچه سی خوشدور پری صورت  
او خوبوتازه دفتردن، عزیزیم درس پایانی  
خزانین آفتی یو خدور سنون زیبا جمالوندا  
خزاندا، سن گتیر، ای بولبولوم فصل بهارانی  
او سرو قامتون قامت دگیل، عین قیامتدیر  
سنی تاری پریشان ائت، او گیسوی پریشانی  
سنه واقف غزل یازسا، اولانماز قیمت و قدری  
سنه شایسته دیر بلقیس تک، ملک سلیمانی

### اندوه ...

لذت وصل به هجران نرسد خرم آن دل که به جانان نرسد  
چون سر زلف تو خواهم ز خدا که دلم هیچ به سامان نرسد  
عاشقی سوختن و ساختن است درد باید که به درمان نرسد  
آخر عشق جنون است جنون کس به این مرحله آسان نرسد  
اشک عاشق نشود دُر دانه اگر اندوه فراوان نرسد  
دارم امید که در دل غم عشق جاودان مانده به پایان نرسد  
مستی ما، ز می عرفان است به همه این گهر ارزان نرسد

\*\*\*

## وجیه‌الهی - ابوالقاسم

حاج ابوالقاسم وجیه‌الهی یکی از بنیان‌گذاران تعلیمات اسلامی در دوره‌ی حکومت شاه در تهران بود.

وی در سال ۱۲۹۸ ه. ش در تهران زاده شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و مقدماتی در وزارت راه مشغول کار شد.

وجیه‌الهی از دوران جوانی به فکر ایجاد مرکز نشر افکار اسلامی برای جوانان کشور بود. با تلاش پیگیر او این مرکز به وجود آمد، و زیر عنوان تعلیمات اسلامی بسیاری از مدارس دوران شاه در تهران و شهرستانها را زیر پوشش خود گرفت.

تعلیمات این مدارس همه جوانان را اعم از پسر و دختر در بر می‌گرفت. حاج ابوالقاسم هر سال سمینارهایی برای پیشبرد هدفهای مرکز ترتیب می‌داد و استادانی نظیر: شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتح، مرحوم محمدتقی جعفری و بسیاری از سخنرانان دیگر را برای تدریس و سخنرانی به همان محافل دعوت می‌کرد. و کتابهای بزرگان دین را بین دعوت شدگان پخش می‌کرد. این جامعه کتابهایی نیز نشر می‌داد که ترجمه و نشر کتاب نفیس الغدیر از جمله خدمات ارزنده‌ی آن جامعه می‌تواند به حساب آید. وجیه‌الهی در ۲۸ دی ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش بر اثر سکته قلبی دار دنیا را ترک گفت و به ابدیت پیوست.

\*\*\*



## ورزی - ابوالحسن

ابوالحسن ورزی شاعر غزل سرای ادب فارسی در سال ۱۲۹۳ ه. ش در تهران به جهان آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق شد و در رشته قضایی موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس گردید. و به خدمت وزارت دادگستری در آمد.

ورزی از سال ۱۳۲۰ ه. ش به این طرف سمت‌هایی مانند بازرس مخصوص نخست وزیری، ریاست شرکت فلاحتی خراسان و مدیرکل مالی شهرداری تهران را داشته‌است. پس از مدتی به وزارت دارایی منتقل شد.

ورزی به زبان فرانسه آشنایی داشت. شعر او به سبک و شیوه‌ی شاعران سنت‌گرا (غزل) بوده‌است.

ابوالحسن ورزی با عبدالله الفت و علی اشتری بیشتر حشر و نشر داشت.

در کتاب «من متهم می‌کنم» مهین سکندری یادی نه چندان نیک، از این سه رفیق گرمابه و میخانه شده‌است. دیوان شعر ورزی چاپ و منتشر شده‌است.

ورزی روز ماه سال ۱۳ ه. ش در درگذشت.  
برای آشنایی با نمونه کار شاعری ابوالحسن غزل زیر را با هم می‌خوانیم:

غزل ...

تنی آلوده‌ی درد و دلی لب‌ریز غم دارم  
ز اسباب پریشانی تو را ای عشق کم دارم

دلّم چون غنچه خونین است، و لب پر خنده همچون گل  
که خود را پیش بی دردان به شادی متهم دارم  
به خوابوت سوزد و کس روشنی او نمی بیند  
دلی در تیره روزی چون چراغ صبحدم دارم  
از این کسبوس وحشت زاکه نام زندگی دارد  
رهایی گر توانم داشت در خواب عدم دارم  
ز شادی کم کند دوران و افزایش به غمهایم  
درین سودا چه سودی از حساب بیش و کم دارم

\*\*\*

## وزیری - فردوس

فردوس وزیری بانوی فاضل و نویسنده‌ی آگاه زمان ما و قصه‌نویس خوب بچه‌ها در سال ۱۳۰۸ ه. ش در بافت کرمان به جهان آمد.

پس از اتمام تحصیلات دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به تهران آمد. پس از اخذ دیپلم به خدمت آموزش و پرورش در آمد.

روی علاقه‌ای که به فرزندان و نوباوگان این آب و خاک داشت، به ادبیات کودک روی آورد. گاهی شعر و گاهی قصه برای آنها می‌نوشت. تا در سال ۱۳۴۸ ه. ش سردبیر مجله‌ی کودک در مرکز انتشارات آموزشی آموزش و پرورش شد. حدود پانصد - ششصد قصه برای بچه‌ها در این مجله و دیگر مجله‌ها چاپ کرد. و در همه‌ی قصه‌ها و شعرها هدف مشخص بود:

انسان دوستی، آزادیخواهی و احترام به ارزشهای انسانی. با اینکه فردوس یک عمر تنها زندگی کرد اما همیشه همراه و هم‌گام با بچه‌های این آب و خاک بود. تا پایان عمر این هدف را در چهارچوب مجله‌ی کودک دنبال کرد. تا روز یک‌شنبه ۱۸ آذر ماه سال ۱۳۵۸ ه. ش به سرطان خون درگذشت. با فرو مردن چراغ عمر این بانوی مهربان قصه‌ها، مجله پیک کودک هم مرد و تا امروز هم کسی جای او را نگرفته است.

کره اسب سیاه، قصه نخودی و معیارهای سنجش یک قصه کودک به صورت جداگانه از او چاپ و منتشر شده است.

یاد و خاطره فردوس وزیری گرامی باد

## وطن پرست - اسماعیل

اسماعیل وطن پرست به سال ۱۳۱۰ ه. ش در روستای آشناخور الیگودرز زاده شد. پس از فراگیری دروس ابتدایی و مقدماتی قدیم به تهران آمد. و به طرف مطبوعات کشیده شد. و از سال ۱۳۲۹ ه. ش فعالیت مطبوعاتی را آغاز کرد.

اسماعیل در زمینه‌ی تاریخ ادبیات، علوم تاریخ، تاریخ هنر و فلسفه دارای مقالات فراوانی است. بعضی نوشته‌ها را با امضای مستعار هالو و پرستو نیز امضا می‌کرد.

کتابهای:

تاریخ ۱۴ ساله محمد شاه قاجار، سیمای تاریک و روشن امیر کبیر، پشتوانه‌های معنوی مردم در طول تاریخ، خلاصه‌ای از علم عروض، ترجمه احوال و بیان آثار وزیران قاجاریه و اسناد و مدارک اجتماعی - سیاسی دوران قاجاریه از اوست.

اسماعیل وطن پرست در بهمن ماه سال ۱۳۶۴ ه. ش بدرود زندگی گفت.

\*\*\*

## هاله - حیدر رقابی

حیدر رقابی متخلص به هاله، شاعر ترانه مراببویس معروف، در سال ۱۳۱۰ ه. ش در تهران زاده شد.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان نوشیروان، و متوسطه را در دارالفنون به اتمام رساند. سپس وارد دانشگاه شد. از همان دوره‌ی دانشگاه به فعالیتهای ادبی روی آورد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، حیدر به کشورهای آلمان و آمریکا برای ادامه‌ی تحصیل رفت. پس از چندی درجه دکترا در حقوق گرفت. دیگر به ایران برنگشت و در آمریکا استاد دانشگاه شد. هاله نخستین کسی است که در ایجاد و تأسیس دانشگاه دیوسی سرخ پوستان زحمت فراوان کشید. سپس مدیریت برنامه‌ریزی آنجا را به عهده گرفت.

کتابهای هاله را تا ۳۰ جلد نوشته‌اند که مطرح‌ترین آنها عبارتند از: فلسفه دنیای سوم، شقایق‌ها، آسمان آشک، خاطرات میگون، شهرزاد و شاعر شهر شما. هاله بعد از انقلاب اسلامی به ایران آمد و دوباره به آمریکا برگشت تا روز ماه سال ۱۳ ه. ش در آمریکا چشم از جهان فرو بست و ثابت کرد که بهار او گذشته است، گذشته‌ها نیز گذشته است.

بند دوم...

ستاره مرد، سپیده‌دم چو یک فرشته ماهم،  
نهاده دیده بر هم،

میان پرنیان غنوده بود.

به آخرین نگاهش ، نگاه بی‌گناهِش

سرود واپسین سروده بود

دید که من از این پس دل در راهی دیگر دارم

به راه دیگر شوری دیگر در سر دارم

ز صبح روشن باید اکنون دل بردارم

که عهد خونین با صبحی روشن تر دارم

به روی او نگاه من ،

نگاه او به راه من ،

فرشتگان زیبا ، به ماتم دل ما ،

در آسمان هم آوا

ستاره مرد سپیده دم ، چو یک فرشته ما هم ،

نهادیده دیده بر هم ،

میان پرنیان غنوده بود

به آخرین نگاهش ، نگاه بی‌گناهِش

سرود واپسین سروده بود

دختر زیبا همچون شبنم گلها ، با برگ شقایق‌ها

بنشین بر بال باد سحر

دختر زیبا ، چشمان سیه بگشا ، با روی بهشت آسا

بنگر خندانم بار دگر

مرا ببوس ، مرا ببوس ، برای آخرین بار

تو را خدا نگهدار

که می‌روم به سوی سرنوشت

بهار ما گذشته ، گذشته‌ها گذشته

منم به جستجوی سرنوشت

آذرماه ۱۳۳۳

## هاتفی - جواد قوام‌پور

حاج جواد قوام‌پور که به هاتفی اصفهانی معروف است، روز یک‌شنبه ۲۹ مهر ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش بر اثر بیماری قلبی درگذشت و در شهر سمنان به خاک سپرده شد. هاتفی شاعر کویر در سال ۱۲۹۲ ه. ش در سمنان پا به جهان گذاشت.

پس از تحصیلات ابتدایی به معارف اسلامی روی آورد. به شعر علاقه‌مند شد و به سرودن شعر پرداخت. اشعار او پر از نکات معارف اسلامی است. «ندای دل» نام مجموعه‌ی اشعار اوست که از این شاعر به چاپ رسیده است.

\*\*\*



## هراتی - سلمان

سلمان هراتی شاعر جوان بعد از انقلاب در جمعه‌ای از آبان ماه سال ۱۳۶۵ ه. ش بر اثر حادثه رانندگی جان خود را از دست داد. شاعر عزیز نو پرداز، پیرو نیما و در خدمت انقلاب اسلامی بود. مجموعه‌های شعری او با نام‌های: «از آسمان سبز»، «دری به خانه‌ی خورشید» و «از این ستاره تا آن ستاره» چاپ و منتشر شده است. هراتی در سال ۱۳۳۸ ه. ش در یکی از روستاهای تنکابن به جهان آمد. پس از به پایان بردن تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت آموزش و پرورش در آمد.

این نهال نارس که دلی به پاکی بال کبوتر داشت و هنوز ۲۷ بهار پشت سر نگذاشته بود، به خزان جاویدان نشست.

اکنون شعری از هراتی در این مجموعه با هم می‌خوانیم:

### غزل ...

چنان درخت در این آسمان سری داریم .  
برای حادثه دست شناوری داریم .  
وفور فتنه اگر هست آسمان با ماست .  
که چشم لطف ، ز دنیای دیگری داریم .  
اگرچه از عطش و التهاب می‌خوانیم ،  
برای عشق ولی دیده‌تری داریم .  
برای رفتن از اینجا میان سینه تنگ .  
دلی به پاکی بال کبوتری داریم .  
دوباره بر لب دل خواهش شکستن رُست .  
هنوز آرزوی زخم دیگری داریم .



## هروی - حسینعلی

حسین علی هروی در ۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۲ ه. ش بر اثر بیماری ریوی در تهران درگذشت .

هروی پس از پایان تحصیلات دبستانی و دبیرستانی وارد دانشگاه تهران شد .

پس از اتمام تحصیلات به تدریس پرداخت . در کنار آن به ترجمه و تألیف روی آورد . چند کتاب از زبان فرانسه ترجمه کرد که آخرین اثر او کتاب ۴ جلدی حافظ پژوهی اوست که چاپ و منتشر شده است .

\*\*\*



## همایی - جلال

جلال‌الدین همایی بازمانده‌ای از نسل کهن ادب فارسی، هم‌خانوار بهار، فروزانفر و مینوی در سال ۱۲۷۸ ه. ش در یاقلعه‌ی اصفهان پایه عرصه‌ی هستی گذاشت. پس از پایان بردن دوره‌ی ابتدایی، مقدماتی و علوم قدیم به معلمی روی آورد. نخستین معلم او پدر و بعد مادرش بود. پدر او طرب شیرازی، نواده‌ی همای شیرازی است.

جلال‌الدین پس از آموختن دروس حساب سیاق، ترسُل، حساب و هندسه‌ی جدید، ریاضیات و دیگر علوم، در سال ۱۳۴۸ ه. ش وارد مدرسه‌ی نیم‌آورد اصفهان شد.

همایی بیست سال از عمر خود را در محصلی و مدرسی آن مدرسه، در اتاقی تنگ و تاریک گذراند.

استاد در فقه و اصول تا حد اجتهاد پیش رفت به طوری که در روایت از مشایخ اسلامی اجازه داشت. و در هیأت، ریاضی جدید، اسطرلاب، ادبیات عرب و ادبیات فارسی سر آمد استادان شد.

استاد در سال ۱۳۰۷ ه. ش به تهران آمد. ۱۲ سال در دوره‌های لیسانس و دکترا به تدریس پرداخت. پس از ۴۵ سال تدریس در پایه‌های مختلف در سال ۱۳۴۵ ه. ش بازنشست شد.

استاد در طول خدمت، کرسی ادبیات فارسی را در دانشگاه لاهور هند تأسیس کرد و تا آخر عمر از اعضای پیوسته‌ی فرهنگستان ایران بود.

استاد حدود ۳۶ جلد کتاب تصحیح و تألیف کرده است که از مشهورترین آنها می‌توان در تألیف:

تاریخ ادبیات ایران ۵ جلد، غزالی‌نامه، تصوف در اسلام، تاریخ علوم اسلامی، مقالات بیست‌گانه، معانی و بیان فارسی، دوره‌ی کامل فقه، دوره‌ی کامل فلسفه، ارث و تاریخ میراث در اسلام و سایر ادیان، مقدمه‌ی تاریخ ناصری، خیامی‌نامه جلد ۱، طریق محاسبات نجومی، معیارالعقول، رساله‌ی شعوبیه، صناعات ادبی، فلسفه شرق، طبله‌ی عطار و نسیم گلستان، تاریخ اصفهان ۱۰ جلد، شرح احوال شعرای اصفهان، مولوی‌نامه، رساله‌ای در تحقیق احوال خواند میر و دیوان اشعار.

و در تصحیح و تحشیه:

نصیحة المملوک غزالی، التفهیم ابوریحان، مصباح‌الهدایه و مفتاح الکفایه، مثنوی ولدنامه و ترجمه‌ی اشارات ابوعلی را نام برد.

در ۲۸ تیر ماه سال ۱۳۵۹ ه. ش دعای استاد که گفته بود: «ای کاش این نفس که بر آمد فرو رود» مستجاب شد و به پیشینان پیوست و بنا به وصیت خود در تکیه‌ی لسان الارض تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

استاد غزل نیک می‌گفت و سنا تخلص می‌کرد. هم اکنون غزلی از او با هم می‌خوانیم:

**خانه‌ی دنیا ...**

تا چند، عمر در هوس و آرزو رود  
ای کاش این نفس که بر آمد فرو رود  
مهمانسراست خانه‌ی دنیا که اندرو  
یک روز ایمن بسیاید، یک روز او رود  
برکام دل به گردش افلاک دل میند

کاین چرخ کجمدار نه بر آرزو رود  
آن کس که سر به جیب قناعت فرو برد  
بگذار تا به چاه مذلت فرو رود  
از بهر رفع غم ، به کسی گر بری پناه  
هم غم به جای ماند و هم آبرو رود  
ای گل ، به دستمال هوس پیشگان مرو  
مگذار تا ز دست تو این رنگ و بو رود  
بر رغم روزگار ، تو با دوستان بساز  
بگذار روزگار به کام عدو رود  
کردیم هر گناهی و از کرده غافلیم  
ای وای اگر حدیث گنه رو به رو رود  
امروز رو نکرده به درگاه حق سنا  
فردا به سوی درگه او با چه رو رود ؟

\*\*\*

## هیمن - محمدامین

محمدامین شیخ‌الاسلامی مگری متخلص به هیمن، از شاعران نغزگوی و از نویسندگان خوب سرزمین کرد، در سال ۱۳۰۰ ه. ش در روستای لاپین (حومه‌ی مهاباد) متولد شد.

خاندانش اهل علم و دانش بودند. تبارش به سه نسل به ملا جامی<sup>(۱)</sup> - عارف بزرگ کرد - می‌رسد.

محمدامین در کودکی نزد مرحوم ملا سعید ناکام صرف، نحو، قرآن و متون ادبی آموخت. سپس به ساوجبلاغ (مهاباد) رفت و در خانقاه پدر بزرگ خود به تحصیل علوم دینی پرداخت. در همان اوقات با عبدالرحمن شرفکندی آشنا شد.

محمدامین در سال ۱۳۳۱ ه. ش عضو شورای نویسندگان روزنامه نیشتمار شد که یک روزنامه سیاسی بود و به صورت مخفیانه چاپ و منتشر می‌شد.

محمدامین پس از انقلاب اسلامی مجله سروه را به زبان کردی چاپ و منتشر می‌کرد. مجموعه‌های:

تاریک و رون، ناله جدایی (شعر)، همه وادی خالی (مقاله)، باشد روک (مقاله و شعر)، تحفه مظفریه (ترجمه)، قلعه و عدم و شاهزاده و گدا (ترجمه)، از کارهای این شاعر و نویسنده آزاده‌ی کرداست.

هیمن در ۲۸ فروردین ماه سال ۱۳۶۵ ه. ش بر اثر سکته قلبی به رحمت ایزدی پیوست.

۱ - شاید سید ملا جامی چوری، از علمای قرن ۱۱ باشد که از مریوان به مهاباد برای تدریس فراخوانده شده است.

## یزدگردی - امیرحسن

امیرحسن یزدگردی همکار با وفای فروزانفر و مینوی در سال ۱۳۰۸ ه. ش به جهان آمد.

پس از تحصیلات مقدماتی، متوسطه و دانشگاهی موفق به اخذ درجه‌ی دکترای و استاد دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران گردید. امیرحسن مردی وارسته و صاحب قلم بود. تصحیح و تعلیقات کتاب نفثه‌المصدور زیدوی از کارهای تحقیقی اوست. کتاب دیگرش درباره‌ی حواصل (بوتیمار) است که از طرف دانشگاه تهران در شرف چاپ و نشر است. کار دیگر او تصحیح دیوان حافظ است.

امیرحسن یزدگردی در ۴ فروردین ماه سال ۱۳۶۵ ه. ش در حالی که فقط ۵۷ سال داشت در اثر ناراحتی کبد در بیمارستان ایران مهر، رخت از این جهان بربست.

\*\*\*

## یغما - حیدر

در اینجا سخن از حیدر خشتمال نیشابوری است. نامی آشنا برای اهل ذوق و هنر.

حیدر یغما در سال ۱۳۰۲ ه. ش در نیشابور پا به عرصه‌ی هستی نهاد. تحصیلات کلاسی و غیر کلاسی مطلقاً نداشت. شاعری بی سواد، خشتمالی زحمتکش و عاشقی بی معشوق بود. هوش و استعداد خارقالعاده‌اش به کمک او شتافته بود. شعرهای عاشقانه و منسجم می‌گفت.

قبل از انقلاب شعرهای او در محافل شعر و نویسندگان نقل مجالس بود. شاعر برای تکمیل معلومات خود به جلسات قرآن می‌رفت. شعرهایش گرایش‌های مذهبی پیدا کرد.

در سال ۱۳۶۵ ه. ش انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد مجموعه‌ای از شعرهای او را چاپ کرد که اشک عاشورا و مجموعه رباعیات نام گرفت. سپس مجموعه دیگری با نام سیری در غزلیات حیدر یغما آرایش بخش و پیرین کتاب فروشیهای معتبر تهران شد. گفتنی است که شعرهای یغما ساده، صمیمی، روان و عاری از تکلف‌های بازاری است.

شاعر روز یک‌شنبه ۲ اسفند ماه سال ۱۳۶۶ ه. ش در زادگاه خود نیشابور بدرود زندگی گفت و با خیام هم بالین گردید.



## یغمایی - اقبال

اقبال یغمایی محقق و مترجم توانا در سال ۱۲۹۵ ه. ش در خور و بیابانک چشم بر جهان گشود.

پدر بزرگ اقبال میرزا قاضی، مجتهد جندق و بیابانک بود. نسب او به یغمای جندقی شاعر معروف دور، می قاجار می‌رسد.

اقبال پس از پایان بردن تحصیلات ابتدایی و مقدماتی وارد مدرسه‌ی علمیه تهران شد. سپس در دانشسرای عالی تهران تحصیلات خود را پی‌گرفت.

اقبال در سال ۱۳۱۶ ه. ش به خدمت فرهنگ در آمد. و در همین دوران با خانم نصرت خادمی از بانوان تحصیل کرده‌ی آن دوره، ازدواج کرد. اقبال پس از مدتی به دامغان بعد مشهد منتقل شد و سپس به تهران آمد.

او در کنار تدریس سردبیر مجله‌ی آموزش و پرورش و سپس مسئول نخستین دوره مجله‌ی دانش‌آموز گردید. اقبال با مجله‌های یغما و ارمغان همکاری داشت. به خصوص پس از بازنشستگی در سال ۱۳۴۷ ه. ش دامنه‌ی این فعالیت گسترده‌تر شد. اقبال پس از بازنشستگی به بنیاد فرهنگ ایران دعوت به کار شد.

اقبال یغمایی علاوه بر تهیه و تدوین مقالات و کتابهای ادبی و تاریخی به ترجمه نیز روی آورد که کتابهای:

پل ورژینی از برناردن دوین پیر، تلماک از پتی شوزاز، مختصر رامین، روبنسون کروزوئه از دانیل دیفو، و سفرنامه‌ی شاردن ۵ جلد را می‌توان نام برد.

دیگر آثار او عبارتند از:



شرح زندگانی بایزید بسطامی، تاریخ و جغرافیای دامغان، خلیج فارس، سیستان و بلوچستان، خواجه نصیر توسی، سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، بزرگمهر دانای بزرگ، داستانهای تاریخی جهانگیر، دارالفنون، گزیده‌ی خمسه نظامی، ز گفتار دهگان، هوسنامه‌ی خسرو و شیرین، داستانهای عاشقانه‌ی ادبیات فارسی، گزیده‌ی قابوسنامه، طرفه‌ها و تشبیهات شاعرانه.

استاد یغمایی در ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۷۶ ه. ش در تهران دارفانی را وداع گفت و به جمع خلوتیان خاک پیوست. پیکر پاک او در بهشت زهرا به خاک سپرده شد<sup>(۱)</sup>.

\*\*\*

---

۱- این مطالب را دختر فاضله‌ی استاد، خانم فرشته یغمایی در اختیار ما گذاشتند.

## یغمایی - حبیب

استاد حبیب یغمایی با مجله‌ی یغما به میدان آمد. قلم زنی ادیب و ادیبی نکته‌دان بود.

حبیب فرزند مرحوم حاج میرزا اسداله مجتهد و برادر زاده یغمای جندقی شاعر نامدار است.

حبیب در سال ۱۲۸۰ ه. ش در خور، از آبادیهای کویری ناحیه جندق و بیابانک دیده بر جهان گشود.

پس از تحصیلات مقدماتی در ۱۵ سالگی برای تحصیل علوم قدیمی به دامغان سپس به شاهرود رفت. برای تکمیل معلومات خود بعدها به تهران آمد و در مدرسه‌ی آلیانس اسم نوشت.

حبیب از همان دوره‌ی تحصیلی به ادبیات علاقه‌مند شد. با فرّخی یزدی آشنایی پیدا کرد. مدت‌ها با او همکار بود.

حبیب پس از فراغ از تحصیل در مدرسه‌ی آلیانس، به مدرسه‌ی حقوق و علوم سیاسی رفت. سپس به خدمت آموزش و پرورش در آمد و از معلمی به ریاست معارف و اوقاف سمنان و دامغان رسید. دوباره به تهران برگشت و مدرس دارالفنون گردید.

یغمایی مدت ۸ سال با محمدعلی فروغی در تصحیح و چاپ متون ادبیات، همکاری داشت. مدتی نیز ماهنامه‌ی آموزش و پرورش را سردبیری کرد که دوره‌های ۲۳-۱۵-۱۴ حاصل این دوره از فعالیت‌های ادبی اوست.

حبیب از سال ۱۳۲۷ ه. ش مجله یغما را راه‌انداخت و مدت ۳۱ سال تمام بی وقفه این مجله را چاپ و منتشر کرد و آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان را در آن مجله گردآورد. استاد در اواخر عمر،

از دانشگاه تهران دکترای افتخاری گرفت.

کارهای قلمی استاد عبارتند از:

جغرافیای جندق و بیابانک، دخمه‌ی ارغون، رساله‌ای در علم قافیه، فردوسی و شاهنامه‌ی او، نامه فرهنگیان در ده شماره، تصحیح گرشاسب‌نامه، تصحیح گلستان سعدی، نمونه‌ی نظم و نثر فارسی، قصص الانبیا - که کتاب سال شناخته شد -، تصحیح تفسیر طبری در ۷ جلد و دوره‌ی کامل مجله‌ی یغما.

باغ عمر استاد یغمایی، در سحرگاه دوشنبه روز ۲۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳ ه. ش که بهار، تازگی از سرگرفته بود، به خزان نشست.

بنا به وصیت او، پیکر پاکش در خور به خاک سپرده شد. پر آرامش‌ترین سرگرمی استاد شعر و شاعری بود که گاهی به آن روی می‌آورد. دیوانش در سال ۱۳۵۱ ه. ش چاپ و منتشر شد.

اکنون شعر «سبکباری» او را به عنوان نمونه‌ای از شعر استاد با هم می‌خوانیم:

### سبکباری ...

غیر عزم خویشتن از کس مددکاری مجوی  
خود غم خود خور، ز مردم رسم غمخواری مجوی  
مرگ بهتر مرد را، از منت دون فطرتان  
همت ار یاری کند زین مردمان، یاری مجوی  
آز مودستم که احسان نیست احسان را جزا  
خود به پاداش نکوکاری، نکوکاری مجوی  
آنکه ما را بهر خود خواهد ته خود را بهر ما

گر وفاداری به او کردی ، وفاداری مجوی  
در دو دنیا بار غم سنگین شود از مال وزن  
ای برادر تا توانی جز سبکباری مجوی  
پستی و بالایی گیتی فزون است ای حبیب  
در خم و پیچ طریق عمر همواری مجوی

\*\*\*

## یمینی شریف - عباس

عباس یمینی شریف، پدر شعر کودک در ایران، سحرگاه روز ۲۷ آذر ماه سال ۱۳۶۸ ه. ش در مرز ۷۰ سالگی دنیای بچه‌ها را آکنده از غم و اندوه کرد و به جاودانگی پیوست.

او در سال ۱۲۹۸ ه. ش در تهران متولد شد. پس از پایان بردن تحصیلات ابتدایی در دبستان شاهپور تجریش، و دبیرستانی در دارالفنون، و تربیت معلم در دانشسرای عالی تهران به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد و از همان ابتدای کار راه خود را پیدا کرد و عاشق ادبیات کودک شد.

برای بیان مفاهیم درونی خود و رساندن پیام، زبان شعر را زیباتر یافت. و از سال ۱۳۲۱ ه. ش فعالیت‌های مطبوعاتی خود را در این قالب آغاز کرد. خود می‌گوید: فرخی یزدی مرا به شعر علاقه‌مند کرد.

در کنار کار، فوق‌لیسانس ادبیات از دانشگاه تهران را گرفت و بعد تحصیلات خود را در رشته‌ی تعلیم و تربیت در دانشگاه کلمبیای آمریکا پی گرفت.

بالاخره با درجه دکترا به تعلیم و تربیت نونهالان پرداخت. شاید او تنها کسی است که برای اولین بار متوجه نقش کتابهای درسی شد. و انگشت روی نارسایی‌های تعلیم و تربیت گذاشت. عباس یمینی مدتی سردبیری مجله دانش‌آموز را داشت و زمانی هم مجله شیر و خورشید را چاپ و منتشر کرد. و در هیچ یک از این پست‌ها رسالت خود را فراموش نکرد. به خاطر همین هم شعرهایش زینت بخش صفحات کتابهای درسی کودکان شد.

به جز اینها مدتی مسؤول کیهان بچه‌ها شد. و مدتی هم تهران مصور کوچولوها را چاپ و منتشر کرد.

عباس یمنی در زمینه‌ی ادبیات کودک چندان صادقانه خدمت کرد تا در سال ۱۳۳۴ ه. ش امتیاز مدرسه روش نور در یافت کرد، و در سال ۱۳۴۱ ه. ش شورای کودک را در تهران پی ریخت. در سال ۱۳۵۰ ه. ش جایزه‌ی نقدی یمنی شریف تأسیس شد. قبل از آن در سال ۱۳۴۶ ه. ش جایزه بین‌المللی یونسکو را به عنوان نویسنده‌ی بهترین کتاب سال برای بچه‌ها ربود.

گفتنی است که عباس یمنی شریف اگر چه قوی‌ترین شاعری در ادبیات کودک نبود با این وجود حدود ۲۸ جلد کتاب ریز و درشت در زمینه‌ی ادبیات کودک تألیف و چاپ کرد. یک سو نگرانی بزرگترین مشکل او بود. منظور از کودک در نظر او فقط کودکان ترگل و رگل بالا شهرها بود و از دیگر بچه‌های پایین شهری و بچه‌های شهرستانی و کودکان حلبی‌آبادها و حصیر آبادها کوچکترین شناخت نداشت. به خاطر همین هم بوده که گاهی نیش قلم نویسندگان معاصر او را آزرده خاطر می ساخت.

با این حال اثر و آثار قلمی او عبارتند از:

آواز فرشتگان، قصه‌های شیرین، گربه‌های شیپورزن، دو کدخدا، برق و حریق (ترجمه)، بازی با الفبا، کتاب فارسی برای کودکان ایرانی و نیم قرن در باغ شعر کودکان، دنیاگردی جمشید و مهشید، جزیره‌ی مرجان (ترجمه)، داستان عروسک، بیژن و شیر، فری به آسمان می رود، آوای نوگلان، پرویز و آینه، در میان ابرها، گل‌های گویا، پوری و لباس‌های او، همسایه‌ی عجیب، باغ نغمه‌ها، آه ایران عزیز، دستمال گلدار و گنج بی صاحب، داستان خر و

خرکچی ، کتاب توکا ، خانه‌ی باباعلی ، شعر با الفبا و سیاهک و سفیدک .

به عنوان نمونه شعر «کتاب» را از او با هم می‌خوانیم :

دانا و خوش زبانم	من یار مهربانم
با آنکه بی‌زبانم	گویم سخن فراوان
مشکل گشای آنم	هر مشکلی که داری
پیوسته شادمانم	رنج از تو هرچه بینم
صاحب‌دلی جوانم	گر ظاهرم شود پیر
من یار پند دانم	پندت دهم فراوان
باسود و بی‌زیانم	من دوستی هنرمند
من یار مهربانم	از من مباش غافل

\*\*\*

## یوسفی - غلامحسین

غلامحسین یوسفی نویسنده ، محقق و مترجم و استاد دانشگاه تهران در بعداز ظهر روز چهارشنبه ۱۴ آذر ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش پس از پشت سر گذاشتن یک بیماری دراز مدت در مرز ۶۳ سالگی دیده از جهان فرو بست و دنیای پر از صفا و صداقت خود را همراه خود برد و در مشهد مقدس به خاک سپرده شد .

یوسفی در سال ۱۳۰۶ ه. ش در مشهد زاده شد . تحصیلات ابتدایی را در دبستان عنصری و متوسطه را در دبیرستان شاهرضای مشهد به پایان برد . سپس وارد دانشگاه شد . در سال ۱۳۲۸ ه. ش پس از فراغ از تحصیل دبیر دبیرستانهای مشهد شد .

استاد تحصیلات خود را پی گرفت تا در سال ۱۳۵۶ ه. ش دکترای زبان و ادبیات فارسی شد .

یوسفی ابتدا به عنوان استادیار ، سپس با عنوان استاد در دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس پرداخت .

او در سال ۱۳۳۸ ه. ش رئیس اداره ی انتشارات و نشر کتابهای دانشگاهی شد .

استاد مدیریت دوره ی تخصصی فوق لیسانس و دکترای ادبیات فارسی را نیز داشت . در دانشگاه کلمبیای آمریکانیز مدتی متصدی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی شد .

زمانی هم گرداننده ی مجله ی نامه ی فرهنگ گردید . تا در سال ۱۳۵۶ ه. ش بازنشست شد . پس از آن مستمر به کار تألیف و تدوین آثار خود پرداخت تا به حال آنچه که از استاد به جا مانده عبارتند از : ۱۳۱ مقاله فارسی در مطبوعات ، حدود سی مقاله به انگلیسی و



فرانسه در مطبوعات غرب، ۱۳۱ سخنرانی در مجامع علمی و فرهنگی، سرگذشت جوان تاجر، پدر سیمون از گی دوموپاسان (ترجمه)، سرمایه‌ی غرب، دختر شرقی من، روزی یک سکه طلا، شعری از ایلیا، شعری از الیاس فرحات، رقص با کلمات از نزار قبانی، کتاب داستان من و شعر از نزار قبانی، هدف ادبیات، اسلوب عالی و فضایل ادبی از دیوید دیچز، من شما را دوست می‌داشتم از ژیلبر، انسان دوستی در اسلام از مارسل بوازار، تحقیق درباره سعدی از هانری ماسه، شیوه‌های نقد ادبی از دیوید دیچیز، قابوس‌نامه (تصحیح)، لطایف الحکمة، بوستان سعدی، گلستان سعدی، ملخص اللغات، ترجمه تقویم الصّحة ابن بطان، فرخی سیستانی (در شرح احوال)، ابو مسلم سردار خراسان، نامه‌ی اهل خراسان، دیداری با اهل قلم ۲ جلد، نثر فارسی ۲ جلد، برگهایی در آغوش باد، روانهای روشن، چشمه‌ی روشن، کاغذ زر، فرهنگ و تاریخ، آخرین برگ برنده‌ای که استاد چاپ آن را هرگز ندید.

می‌دانیم شیوه‌های نقد ادبی استاد برنده‌ی جایزه شد و ده سکه بهار آزادی نصیب استاد گردید. استاد با مناعت طبع و بلندی نظر ده سکه را در اختیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات مشهد قرار داد تا به تدریج به ده تن از دانشجویانی که در زمینه نقد ادبی کاری انجام دادند اهدا شود.

روانش شاد - جایش خالی مباد

\*\*\*



خواننده گرامی :

با پوشش ...

شما می توانید

«راوندی - مرتضی را در صفحه‌ی ۲۲۷

ملاح - حسینعلی را در صفحه‌ی ۲۳۹

و شاپور - پرویز را در صفحه‌ی ۲۷۶»

بیرون از ردیف ببینید